

# فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام



ژورنالده امام خمینی و انقلاب اسلامی

سال یازدهم | شماره سی و نه | بهار ۱۴۰۳

شاپای چاپی: ۲۴۲۳-۷۹۷۳

شاپای الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۹۹۹

اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امام علی (ع)

■ علی ایمانی

تبیین سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران

■ غلامرضا بهداروندیانی

زن و توانایی حضور در اجتماع براساس قانون اساسی

■ مهرنوش خادمی

زمینه‌های فکری و تاریخی نظریه احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب

■ محمدعلی صدرشیرازی

نگرشی انتقادی بر چرایی گسست میان هویت زن در انقلاب اسلامی و دوره معاصر

■ محمد محمودی کیا

مواضع نمایندگان زن در دوره‌های اول تا سوم مجلس شورای اسلامی

در قبال جنگ عراق علیه ایران

■ توران منصوری، حمید بصیرت منش

به نام خداوند بخشنده مهربان

---

# اندیشه‌سیاسی در اسلام

سال یازدهم / شماره ۳۹ / بهار ۱۴۰۳



شاپا چاپی: ۷۹۷۳-۲۴۲۳، شاپا الکترونیکی: ۴۹۹۹-۲۵۸۸

صاحب امتیاز: پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی  
مدیر مسئول: دکتر منصور انصاری، پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
سرمدیر: دکتر سیدصدرالدین موسوی جشنی، پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

مدیر اجرایی: انسیه مرادی  
ویراستار: اعظم سلیمانی  
صفحه آرا و طراح جلد: زهرا شیرخانزاده

## اعضای هیئت تحریریه:

دکتر سیدصادق حقیقت؛ استاد گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران  
دکتر میر فردین قریشی؛ استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
دکتر عبدالرحمان عالم؛ استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران  
دکتر عبدالامیر نبوی؛ دانشیار گروه مطالعات تطبیقی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.  
دکتر فرهاد درویشی سه تلاتی؛ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی<sup>(س)</sup>، قزوین، ایران.  
دکتر محمدرضا طالبان؛ دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
دکتر سیدصدرالدین موسوی؛ دانشیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
دکتر یحیی فوزی؛ استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.  
دکتر منصور انصاری؛ استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
دکتر گیتی پورزکی؛ استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

نشانی: تهران، آزادراه خلیج فارس، جنب عوارضی تهران - قم، آستان مقدس امام خمینی<sup>(س)</sup>، پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج (تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، شماره ۱۲۹۶، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳)

کد پستی: ۱۸۱۵۶۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۱۸۱۵۵/۱۳۴ - دورنویس: ۵۵۲۳۵۶۶۱ - تلفن: ۵۱۰۸۵۰۰۰

وب سایت اینترنتی: [andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir](http://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir)

پست الکترونیکی: [andishehsiyasi@gmail.com](mailto:andishehsiyasi@gmail.com)

این فصلنامه هم‌چنین از طریق پایگاه‌های اینترنتی ذیل نیز قابل دریافت می‌باشد:

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پرتال جامع علوم انسانی

سامانه اطلاعات پژوهشی ایران

سیویلیکا

پایگاه مجلات تخصصی نور

## ضوابط نگارش مقاله

۱. موضوع مقالات می‌بایست مرتبط با حوزه فعالیت و محورهای موضوعی نشریه باشد.
۲. مقالات علمی، پژوهشی، تحقیقی و مستند باشد.
۳. مقاله قبلاً در نشریه یا مجموعه مقالات سمینارها چاپ نشده یا در دست بررسی و چاپ نباشد.
۴. مقاله در قالب حداکثر ۸ هزار کلمه در محیط WORD تنظیم شده باشد.
۵. چکیده فارسی حداکثر در ۱۸۰ کلمه و شامل موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج همراه با واژگان کلیدی (۱۰ - ۵) تنظیم گردد.
۶. معادل لاتین اسامی، مفاهیم و اصطلاحات مهم در پانویس هر صفحه درج شود.
۷. در ارجاعات مربوط به حضرت امام خمینی حتماً از صحیفه امام به جای صحیفه نور و از کتاب‌های چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام استفاده گردد.
۸. برای ارجاع به منابع در داخل متن به صورت (نام مؤلف، سال انتشار، ص. شماره صفحه) عمل شود.
۹. منابع در پایان مقاله بدین صورت ارائه شود.
  - **کتاب:** نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ انتشار). نام کتاب. نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ، تعداد مجلدات (همین ترتیب در مورد کتب لاتین نیز رعایت گردد).
  - **مقاله:** نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره نشریه)، شماره صفحات. (همین ترتیب در مورد مقالات لاتین نیز رعایت گردد).
  - **پایان نامه:** نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ انتشار). عنوان پایان‌نامه. مقطع پایان‌نامه و رشته تحصیلی، نام دانشگاه، نام دانشکده.
  - **منابع اینترنتی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.
  - **ارسال مقاله:** از طریق وب سایت اینترنتی نشریه امکان پذیر می‌باشد.

- فصلنامه در ویرایش مطالب و تغییر عناوین مقالات آزاد است.
- مطالب مندرج در فصلنامه، لزوماً بیانگر دیدگاه‌های پژوهشکده امام خمینی<sup>(ع)</sup> و انقلاب اسلامی نیست.
- پروانه انتشار این فصلنامه به شماره ۹۳/۱۵۵۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

# اندیشه‌های سیاسی در اسلام

فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام  
سال یازدهم / شماره ۳۹ / بهار ۱۴۰۳

## فهرست مطالب

- |  |     |
|--|-----|
| اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امام علی (ع)<br>علی ایمانی   | ۱   |
| تبیین سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران<br>غلامرضا بهداروندیانی                                  | ۳۱  |
| زن و توانایی حضور در اجتماع بر اساس قانون اساسی<br>مهرنوش خادمی  | ۵۷  |
| زمینه‌های فکری و تاریخی نظریه احیای تمدن اسلامی<br>امام خمینی و رهبر انقلاب<br>محمدعلی صدرشیرازی                           | ۸۳  |
| نگرشی انتقادی بر چرایی گسست میان هویت زن در انقلاب اسلامی و دوره معاصر<br>محمد محمودی کیا                                  | ۱۱۳ |
| مواضع نمایندگان زن در دوره‌های اول تا سوم مجلس شورای اسلامی<br>در قبال جنگ عراق علیه ایران<br>توران منصوری؛ حمید بصیرت‌منش | ۱۴۱ |





Vol. 11 | Issue. 39 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.508140.1404>

## The Authenticity of Peace in the Social and Political Conduct of Imam Ali (AS)

Ali Imani 

Associate Professor at the Command & General Staff College of the Islamic Republic of Iran Army, Tehran, Iran.

[A.Imani@Casu.ac.ir](mailto:A.Imani@Casu.ac.ir) & [Setvat@gmail.com](mailto:Setvat@gmail.com)

### Article Info

**Article Type:**

Research Article

**Received:**

2024 /03 / 15

**Revised:**

2024 /04 / 05

**Accepted:**

2024 /04 / 13

**Published Online:**

2024 /04 / 19

### Abstract

This research article explains the authenticity of peace in the social and political conduct of Imam Ali (AS). The research method is historical explanation, and the theoretical framework is based on a structure-agent analysis. In other words, «the social actions and behavior of Imam Ali (AS) as a historical agent» and «the social structures of the era of his caliphate, such as tribalism, the culture of war booty, and slave capture» are explained. The main claim of the research is that the social-political conduct of Imam Ali (AS) in response to the tribal culture and the practice of booty-taking and slave-capturing in the social structure of Arabia and Iraq was peace-seeking and reconciliation-based. An important finding of the research is the development of the concept of authentic peace in the political and social conduct of Imam Ali (AS), noting that his five-year rule was spent in war. The researcher, by utilizing scholars, documents, historical books, and also the Nahj al-Balagha, explains the authenticity of peace in the short period of Imam Ali’s caliphate, considering the anti-peace political-social situation of that era. The author examines this crucial topic in the context of the critical situation of the caliphate period when exploring the authenticity of peace in the political and social life of Imam Ali (AS). Another finding of the research sheds light on the economic roots of tribal conflicts in the most contentious period of the caliphate era.

**Keywords:** Tribe, Booty, Belief, Peace, Nahj al-Balagha, Conduct.




دوره ۱۱ | شماره ۳۹ | بهار ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.508140.1404>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

## اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امام علی<sup>(ع)</sup>

علی ایمانی 

دانشیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

A.Imani@Casu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۲/۱۲/۲۵	
تاریخ بازنگری:	
۱۴۰۳/۰۱/۱۷	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۳/۰۱/۲۵	
انتشار آنلاین:	
۱۴۰۳/۰۱/۳۱	
صفحات:	
۱-۳۰	

این مقاله پژوهشی به تبیین اصالت صلح در سیره اجتماعی و سیاسی امام علی<sup>(ع)</sup> می‌پردازد. روش پژوهش تبیین تاریخی و چهارچوب نظری پژوهش مبتنی بر تحلیل ساختار-کارگزار است، یعنی «کنش و رفتار اجتماعی حضرت علی<sup>(ع)</sup>» به‌عنوان کارگزار تاریخی و «ساختارهای شکل یافته اجتماعی عصر خلافت حضرت مانند تعصب قبیله‌ای و فرهنگ غنیمت و برده‌گیری» تبیین می‌شود. مدعای اصلی پژوهش این است که سیره سیاسی اجتماعی حضرت در مواجهه با فرهنگ قبیله‌ای و منش غنیمت‌گیری و برده‌گیری ساختار اجتماعی عربستان و عراق، صلح‌طلب و مدارامحور بوده است. یافته مهم پژوهش پردازش مفهوم صلح اصیل در سیره سیاسی اجتماعی امام است که دوران پنج‌ساله حکومت وی به جنگ گذشت. محقق با بهره‌گیری از استاد، مدارک و کتب تاریخی و همچنین کتاب نهج‌البلاغه به تبیین اصالت صلح در فاصله کوتاه عصر امامت امام در مواجهه با وضعیت سیاسی اجتماعی صلح‌ستیز آن عصر می‌پردازد. نویسنده در تبیین اصالت صلح در حیات سیاسی و اجتماعی امام این مقوله مهم را در وضعیت بحرانی عصر خلافت واکاوی می‌کند. یافته دیگر پژوهش نورافشانی بر ریشه‌های اقتصادی ستیزه‌های قبیله‌ای در پرمنازعه‌ترین دوره در عصر خلفاست.

**کلیدواژه‌ها:** قبیله، غنیمت، عقیده، صلح، نهج‌البلاغه، سیره.

## مقدمه

واکاوی و تبیین یک کنش سیاسی و اجتماعی به نام صلح در سیره عملی امام علی<sup>(ع)</sup> به‌ویژه در دوره خلافت مسئله اصلی این پژوهش است. صلح، مسئله اصلی و اکسیر کمیاب خاورمیانه طی پنجاه سال گذشته بوده است. از سوی دیگر، موضع‌گیری نسبت به سیره امام علی<sup>(ع)</sup> در طول تاریخ از سب و لعن ۹۰ ساله امویان در مسجد و منبر تا پرستش خداگونه<sup>۱</sup> او به‌وسیله یارسانان نواحی غرب ایران، بیانگر تکرر تاریخی دیدگاه‌ها در مورد سیره اوست. این پژوهش، مجدانه تلاش دارد در سلک میانه‌روانه<sup>۲</sup> به تبیین اصالت صلح در سیره اجتماعی و سیاسی امام پردازد که مسئله امروز بشریت است. در وضعیت فرهنگی-اجتماعی قرن بیست‌ویکم که از سویی، قیچی دولبه سلفی‌گری جهادی و تبلیغات پرنطنه رسانه‌ای در پی ارائه چهره صلح ستیز از شیعه است و از سوی دیگر، نظریه ساموئل هانتینگتون مرزهای خونین تمدن اسلام و مسیحیت را ترسیم می‌نماید، تبیین چهره صلح‌جوی امام اول شیعیان ضرورت دارد. این پژوهش از آن‌رو اهمیت دارد که به واکاوی اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امامی حاکم می‌پردازد که عمر پنج‌ساله خلافت او در بستر اجتماعی صلح ستیز عراق و عربستان تقریباً همه به جهاد گذشت.

مسئله اصلی پژوهش تبیین اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امام است. نقطه تمرکز پژوهش بر دوران پنج‌ساله خلافت اوست و محقق اصالت صلح علوی را با رویکرد تبیینی معنا کاوی خواهد کرد. این پژوهش موضوع محور است؛ بنابراین از روش تحقیق تاریخی استفاده می‌شود. نوآوری پژوهش درک اجتماعی از یک ضرورت امروزی به نام صلح و استخراج مبانی حقانیت آن از دل تاریخ و از سیره امام اول و برجسته شیعیان و تلاش برای ایجاد مبانی مشروعیت کنش صلح در رفتار سیاسی الیت حاکم بر جوامع بشری است.

۱. تحلیل‌های جامعه‌شناختی ناظر بر واکنشی بودن پرستش خداگونه امام به‌وسیله دوستداران وی در مواجهه با ستیزه‌گری دشمنان بوده است.

۲. به‌زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود و دشمنی که در کینه‌ورزی با من زیاده‌روی کرده و به راه باطل درآید. بهترین مردم نسبت به من گروه میانه‌رو هستند. از آن‌ها جدا نشوید، همواره با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است (امام علی، ۱۳۷۰، حکمت ۷۰)

### ۱. پیشینه پژوهش

چگونگی مواجهه با موقعیت صلح‌ستیز در سیره سیاسی و اجتماعی امام علی (ع) موضوع اصلی این پژوهش است؛ بنابراین ضمن ارائه پیشینه پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی موضوع این مقاله عملی با پیشینه تحلیل خواهد شد.

#### جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته‌ها
۱	اسلام اصالت جنگ یا اصالت صلح؟	محمدعلی برزنونی	در این مقاله، دو دیدگاه مهم در زمینه روابط سیاسی حقوقی حکومت‌های اسلامی با پیروان سایر ادیان و مشرکان بررسی و تحلیل شده است. دیدگاه اول به اصالت جنگ و دیدگاه دوم به اصالت صلح معتقد است. قول قوی و رأی صائب، دیدگاه اصالت صلح است. بر اساس این دیدگاه، اصل اولیه و حالت اصلی در روابط بین حکومت‌های اسلامی و سایرین صلح است. صلح، قاعده همیشگی و جاوید بوده و جنگ عارض بر آن است. روح اسلام و اصولاً مهمه ادیان الهی، با جنگ و خونریزی بی‌اساس مخالف است و اگر فرمان به آمادگی داده است، هدف آن دفاع از موجودیت و کیان دین است.

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته‌ها
۲	نظریه اصالت جنگ یا صلح از دیدگاه اباضیه	ابراهیم قاسمی	<p>اباضیه به سبب انتساب به خوارج به جنگ افروزی و خشونت متهم بوده و از این رو کوشیده است تا این اتهام را از خود دور کند. در بین علمای اباضی دو نظریه در خصوص اساس رابطه با غیرمسلمانان وجود دارد: نخست اساس رابطه را در ابتدای جنگ می‌داند و دیگری اساس رابطه را بر صلح و دوستی پایه‌ریزی نموده و جنگ را فقط برای دفاع جاز می‌داند. اباضیه در ابتدا دیدگاه نخست را قبول داشتند؛ ولی با بازسازی و تجدید بنای خود، به نظریه دوم گرایش پیدا کردند. دیدگاه دوم مورد قبول اباضیان معاصر است و می‌گویند که اساس دین صلح است. اباضیه متقدم نسبت به مسلمانان مخالف خود به‌ویژه شیعیان نگاه تند، افراطی و انحصارگرایانه داشته‌اند؛ ولی مهم این است که علمای معاصر اباضیه از این نگاه صرف‌نظر کرده‌اند و مسلمانان غیراباضی را مسلمان می‌دانند، به خون و اموال آنان احترام می‌گذارند و سرزمین آن‌ها را سرزمین توحید می‌دانند.</p>

این پژوهش ضمن تأکید بر تبیین اصالت صلح در سیره سیاسی- اجتماعی امام به پدیده صلح در سیره ایشان نگاه تبیینی- تاریخی دارد؛ بنابراین با جدول پژوهشی بالا متفاوت است. در واقع این مقاله بستر اجتماعی- فرهنگی را مورد واکاوی بیشتر قرار می‌دهد.

## ۲. روش‌شناسی

روش پژوهش این مقاله تبیینی-تاریخی و گردآوری اسناد مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات اسناد، کتب معتبر و دست‌اول تاریخی است. یک پدیده تاریخی از نظر ماهیتی این ویژگی‌ها را دارد: «الف) حوادث تاریخی زنده نیستند، بلکه مربوط به گذشته دور یا نزدیک‌اند؛ ب) گذشته تاریخی هرگز عیناً تکرار شدنی نیست، از اینجاست که مورخ، خواه‌ناخواه با معیارهای جامعه زمان خود با گذشته مواجه می‌شود؛ پس باید ضریب انحراف خاصی را در ارزیابی خود بپذیرد؛ ج) حوادث تاریخی هرگز تماماً در استناد و مدارک جای نمی‌گیرند و مورخ ناچار است از روش‌های استنتاجی جهت تکمیل خلأ استفاده کند که طبیعتاً عنصری تازه بر واقعیت تاریخی می‌افزاید؛ د) هیچ واقعه تاریخی به‌طور مجزا و در تجرید با وضعیت اجتماعی عصر خویش نیست و این قاعده کلی پدیده‌های اجتماعی در همه زمان‌هاست». در پایان باید گفت که پدیده‌های تاریخی به گذشته تعلق دارند و حیات مجدد نمی‌یابند، گرد روزگار یافته‌اند و در ابهام جای دارند (ساروخانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۷). نویسنده تلاش دارد این ویژگی‌های پژوهش تاریخی را در تحلیل مدنظر قرار دهد. همچنین هنجارها و ارزش‌های مسلط بر تبیین تحولات تاریخی متأثر از چهار قالب تحلیلی به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۲: مبانی ادراکی تحلیل تحولات تاریخی در ایران (محقق ساخته)

روش پژوهش تاریخی	میدان تأثیرگذاری قالب تحلیلی
گفتمان تحلیل خیر/شر ریشه در ثنویت‌گرایی مانوی دارد. بر اساس این روش، محقق روند تحولات تاریخی را در دو بافتار متضاد خیر/شر یا نور/ظلمت تحلیل می‌کند.	گفتمان تحلیل خیر/شر
بر اساس این گفتمان، محقق تاریخ و وجهی اسطوره‌ای به فکت یا شخصیت تاریخی می‌دهد. شاهنامه فردوسی صحنه زیبای خلق اسطوره‌های تاریخی است	گفتمان تحلیل اسطوره‌ای

روش پژوهش تاریخی	میدان تأثیرگذاری قالب تحلیلی
<p>این رویکرد بر محور ترجیحات شخص کارگزار و کنشگر واقعه تاریخی قرار دارد. این روش نظری بر محوریت کارگزاران تغییر در تاریخ تأکید دارد (لین کارل، ۱۳۹۸، ص. ۹۵)؛ به این ترتیب، همه تحولات تاریخی در جهان اسلام حول شخصیت‌های محوری در هر دوره شکل گرفته است؛ از این رو، تغییر حول شخصیت‌هایی چون حضرت و فرزندان ایشان و شخصیت‌های خاندان بنی امیه و بنی عباس شکل گرفته است.</p>	<p>گفتمان تحلیل کارگزار محور</p>
<p>ساختارگرایی مارکسیسم یا کارکردگرایی پارسونزی فرض می‌گیرد که تصمیمات عمدتاً مستقل از انتخاب‌های کنشگران تعیین می‌شود (لین کارل، ۱۳۹۸، ص. ۳۲). ساختارگرایان بر اهمیت محدودیت‌های تاریخی در تعیین انتخاب کنشگران پافشاری می‌کنند. رویکرد ساختاری به علت کم ارج نهادن به عاملیت انسانی به شدت مورد انتقاد است (فولر، ۱۳۷۷، ص. ۱۱). بر اساس این دیدگاه، تحولات تاریخی با ساختارهای دیرپای اجتماعی- فرهنگی مرتبط است؛ یعنی سه جنگ جمل، صفین و نهروان در یک دوره تاریخی با ساختار فرهنگی- اجتماعی عربستان و عراق تاریخی مرتبط است که توان زایش دیالوگ ندارد و منجر به جنگ شده و این مربوط به ساختارهای دیرپای فرهنگی است.</p>	<p>گفتمان تحلیل ساختار محور</p>

این پژوهش بر مطلوبیت گفتمان ساختار-کارگزار در تبیین اصالت صلح در سیره سیاسی- اجتماعی امام تأکید دارد؛ بنابراین برای تبیین اصالت صلح در وضعیت بحرانی و «جنگ پیوسته» دوره خلافت امام، ویژگی‌های شخصیتی و فردی حضرت در مواجهه با وضعیت فرهنگی اجتماعی و ساختارهای دیرپای فرهنگی شکل یافته مانند تعصب قبیله‌ای و فرهنگ غنیمت‌گیری و برده‌گیری، اهمیت ویژه‌ای دارد.

### ۳. ادبیات تحقیق

ادبیات تحقیق در این پژوهش ناظر بر معناکاوی پدیده صلح در سیره سیاسی - اجتماعی امام است؛ بنابراین نقطه عزیمت بحث را وضعیت فرهنگی اجتماعی عربستان قرار می‌دهد که امیرالمؤمنین در آن شرایط به رشد و بالندگی در دامن نبوت دست یافت.

#### ۱-۳. حضرت علی (ع) و وضعیت فرهنگی - اجتماعی صلح‌ستیز

ولادت امام علی (ع) در وضعیت ناامن اجتماعی مکه اتفاق افتاد. او در روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از عام‌الفیل، در شهر مکه و در کعبه به دنیا آمد. آشفتگی و گسیختگی جامعه ماقبل دولت عربستان آن روز در کلام مولا علی با دقت به تصویر کشیده شده است. ایشان در توصیف جامعه بحران‌زده عربستان می‌فرماید: محمد (ص) در حالی به پیامبری مبعوث گردید که مردم گرفتار فتنه بودند. رشته دین از هم گسیخته و ستون‌های یقین از جا کنده شده بود. اصل ایمان دگرگون گردیده و کارها در هم آشفته و راه برون‌رفت از آن فتنه‌ها تنگ شده بود و طریق نجات ناپیدا بود. راهنمایی و هدایت بی‌نام‌ونشان و گمراهی جهانگیر شده بود. به خدای بخشایشگر، [مردم آن روز] نافرمانی ورزیدند و شیطان را یاری کردند و ایمان را خوار گردانیدند، پس پایه‌های آن [جامعه] فروریخت و نشانه‌های آن ناشناخته ماند و راه‌های آن ویران شد و جاده‌های آن کور؛ در بهترین خانه [کعبه] با بدترین انسان‌ها [بت‌پرستان] همسایه شدند. خوابشان بی‌خوابی بود و سرمه چشمشان اشک. در سرزمینی که در آنجا دانشمند را دهان بسته بودند و نادان را گرامی می‌نمودند (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه دوم).

بحران‌های فزاینده اخلاقی و اجتماعی گریبان گیر مردم عربستان آن روز بود. از نمودهای عینی آن جامعه بحران‌زده می‌توان ناامنی فردی و اجتماعی، برده‌داری، خشونت علیه زنان، کودکان و قتل نوزادان، مناقشات دامنه‌دار قبیله‌ای، بی‌نظمی اجتماعی، بت‌پرستی، راهزنی و غارت و فحشا را مثال زد. فرزندکشی، جزم‌اندیشی و سنت‌های گمراه‌کننده تاریخی از نشانه‌های آشکار جامعه‌ای است که قرآن از آن به نام جاهلیت و ظلم عظیم (لقمان: ۱۳) و امام از آن به عنوان «گمراهی جهانگیر» و روزگار پرفتنه یاد کرده که مردم، سرگشته، نادان و سرگردان بودند. کانون خانواده متلاشی و هوسرانی آزادانه به صورت زنای فردی

و دسته‌جمعی مباح بود، به طوری که یکی از موارد کاربرد علم انساب، جهت تعیین پدر نوزادی بود که در اثر جماع دسته‌جمعی حدوداً ده نفر با یک زن متولد شده بود.

جامعه آن روز عربستان در شرایط ناامنی به سر می‌برد. ساختار اقتصادی جامعه عربستان نیز مبتنی بر غارت و اسیرگیری و اصلی‌ترین هدف از جنگ‌ها منافع اقتصادی بود. در جنگ‌ها فاتح، می‌توانست مردان را به قتل برساند (یا مردان اشراف می‌توانستند در قبال وصول فدیة رها شوند) و زنان و کودکان را به اسیری بگیرند. زنان اسیر به‌عنوان بخشی از غنائم جنگی به‌وسیله فاتح به فروش می‌رسیدند یا به‌عنوان برده برای ارضای جنسی، کار خانگی و تولیدمثل استفاده می‌شدند (طبری، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۴۸).

در این وضعیت سیاسی - اجتماعی آشفته، سیر تحول زندگی امام از قبول اسلام در ده‌سالگی تا نایل به مقام خلافت در سال ۳۵ هجری قمری طی شد. اقتصاد سیاسی مکه مبتنی بر درآمد حاصل از پرستش‌ت‌ها بود و مقاومت در مقابل آیین اسلام در قالب جنگ، ستیز و پاسداشت سنت‌های پیشینیان ادامه داشت. هجرت پیامبر (ص) به شهر مدینه که اقتصاد سیاسی کشاورزی و دامپروری داشت و جامعه‌ای متکثر و متساهل‌تر بود، مسیر گروش به اسلام را تسهیل کرد؛ اما سنت‌های دیرپای اجتماعی مخصوصاً در مکه به‌سختی در مقابل تغییر مقاومت می‌کردند. پیامبر (ص) سنت بت‌پرستی را نابود کرد؛ اما ادراک ذهنی غارت‌محور و خون‌ریز اعراب بادیه با سرسختی در مقابل تغییر مقاومت می‌کرد. وقوع جنگ‌های رده پس از رحلت ایشان و تداوم جنگ‌ها با منطقی «قبیله/غنیمت/عقیده/برده‌گیری» در دوران خلفا، ناظر بر تداوم وضعیت ناامن عربستان و عراق است. سه خلیفه بعد از ابوبکر ترور شدند و در این وضعیت فرهنگی - اجتماعی تبیین منش صلح‌جوی امام علی (ع) تحقیقاً امری دشوار است و این پژوهش به واکاوی این سیره مداراجو و صلح‌طلب می‌پردازد.

## ۲-۳. امام علی (ع) در مواجهه با چهارگانه ساختاری «قبیله/غنیمت/عقیده/برده‌گیری»

قبیله، اعتقاد گروهی از افراد به جد مشترک است؛ به گونه‌ای که مرز خودی/غیرخودی با سایر قبایل مبتنی بر تعارض و رقابت ایجاد کند. در چهارچوب اجتماعی قبیله، «غنیمت و دفاع از غنایم» شکل می‌گرفت و غنیمت، جهت‌گیری کنش اجتماعی قبیله را تعیین می‌کرد. ابن‌خلدون هنگام بررسی طبایع عمران از پیوند «خویشاوندی» به نام عصیبت یاد می‌کند و

شامل همه خویشی‌های دارای بار عصبیت است؛ مانند تعلق به شهر، گروه، مذهب یا حزب. به‌ویژه اینکه این عصبیت در میدان حکومت و سیاست تقسیم‌کننده خودی/غیرخودی باشد (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۷۱).

عصبیت، عنصر اصلی تشکیل‌دهنده ناخودآگاه سیاسی جامعه عصر حضرت بود. اقتصاد این دوران نیز نه تولیدمحور، بلکه خراج‌محور و غنیمت‌محور بود. مالیات از مسلمان و غیرمسلمان دریافت می‌شد. «غنیمت»، «فیء»، «جزیه» و «خراج» از واژگان اقتصادی این دوران است. این شیوه اقتصاد رانتی مولد عقلانیت رانتیر و در تضاد اساسی با عقلانیت مولد است. در کنار فرهنگ ساختاری «قبیله/غنیمت/عقیده»، برده‌داری جنسی ضلع چهارم کلیدهای تحلیل تحولات اجتماعی این عصر است. این ابعاد چهارگانه منطقی داشت که گروه را به حرکت و کنش وادار می‌کرد. به این ترتیب، منطق گروه نه بر اساس معیار معرفت‌شناختی، بلکه بر اساس نمادهایی ذهنی که در ابعاد چهارگانه پیش‌گفته مستتر بود شکل می‌گرفت. «عقیده» وقتی که در کنار سه عنصر «قبیله، غنیمت و برده‌گیری» قرار می‌گرفت تحرک و انگیزه ایجاد می‌کرد؛ زیرا ما جز در راه آن چیزی که شناختی یقینی از آن داریم، مرگ را پذیرا نیستیم (رنان و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۲۹). تاریخ عصر خلافت امام این‌گونه رمزگشایی می‌شود. این چهار بعد، مشخصه‌های عقل‌تنیده در این تاریخ است. چه دوران جاهلیت، چه عصر رسالت و چه دولت فتوحات؛ عقل سیاسی حاکم، مبتنی بر چهار عنصر قبیله، غنیمت، عقیده و برده‌گیری بوده است. «قبیله» بعدها عنصر تعیین‌کننده در آغاز جنگ صفین و بعدها مبنای شکل‌گیری دو دوره خلافت اموی و عباسی شد. «غنیمت» نماد منفعت فردی و منفعت گروهی و عامل تعیین‌کننده در آغاز جنگ جمل بود. «عقیده» در آغاز جنگ نهروان نیز عاملی تعیین‌کننده بود. «برده‌گیری» نماد مالکیت انسان بر انسان با میل به اعمال سلطه جنسی مرد بر زن در همه جنگ‌ها رایج بود. این چهار بُعد ساختار نمادینی هستند که جایگاه آن نه تنها در عقل و شناخت و ناخودآگاه بادیه‌نشینان، بلکه در مخیله اجتماعی آنان بود.

پردازش جایگاه برده‌گیری در این دوره اهمیت دارد؛ زیرا در شکل‌گیری مخیله سیاسی جامعه عصر خلافت امام مؤثر بوده است. چنانکه طبری از قول ابواسحاق نقل می‌کند: «وقتی در [حضر موت] گشوده شد، مسلمانان به درون حمله بردند و هرچه مرد جنگی آنجا بود کشتند، همه را دست‌بسته گردن زدند. در زنجیر و خندق یک هزار زن به شمار آمد و بر

غنیمت و اسیران، نگهبان گماشتند» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۱۴۷۴)؛ و باز در جای دیگر نقل می‌کند که سعد در قادسیه بماند و سپس مسلمانان برای تحصیل آذوقه شبانه بیرون رفتند که در اطراف عذیب، نزدیک حیره، به موکب عروسی (خواهر آزادمرد بن آزاده مرزبان حیره) که در شب عروسی به نزد فرمانروای حصین برده می‌شد، برخورد کردند و به آن‌ها حمله و باروبنه را با عروس و با عده‌ای از زنان و مردان آزاد اسیر کردند، مال و جهیزیه فراوان نیز به غنیمت گرفتند. سپس غنایم به عذیب نزد سعد فرستادند. او آن‌ها را بین مسلمانان تقسیم کرد و خمس آن را برگرفت. گروهی را نیز در آنجا گماشت که حافظ زنان باشند؛ کسانشان را نیز به آن‌ها پیوست (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۱۶۴۷).

بلاذری نیز نقل می‌کند: «ابوموسی به شوش رفت و با اهل آن جنگ کرد. مرزبان آنجا از او خواست که هشتاد تن را امان دهد تا دروازه را بگشاید و شهر را تسلیم کند و خود را در شمار آن هشتاد تن نیاورد. ابوموسی پذیرفت و فرمود سر او را از بدنش جدا کنند و هشتاد مرد را امان داد و دیگر جنگجویان را بکشت و مال بسیار گرفت و زنان و کودکان را به اسارت برد» (بلاذری، ۱۴۱۷، ص. ۱۳۴). همچنین گزارش شده است که قتیبه بن مسلم باهلی، سردار معروف حجاج، در یکی از جنگ‌ها در خراسان یا ماوراءالنهر به سبب سوگندی که خورده بود بسیاری از ایرانی‌ها را کشت و زنان و دخترانشان را در حضورشان بین لشکر عرب تقسیم کرد (راوندی، ۱۳۹۶، ص. ۵۵).

در جای دیگر ملاحظه می‌شود که چون سپاهیان عرب بر فارس دست یافتند و اسیرانی به دست آوردند - دختران یزدگرد نیز جزو این اسرا بودند - ایشان را به مدینه خدمت عمر بن الخطاب فرستادند. عمر دستور داد که با آنان مانند دیگر اسرا رفتار کنند و آن‌ها را به بازارهای برده‌فروشی ببرند و به خریداران بفروشند؛ ولی حضرت علی (ع) مانع این کار شد (ر.ک. به: ایمان پور و فرخی، ۱۳۸۹).

### ۳-۳. جنگ در سیره سیاسی امام علی (ع)

در سیره عملی حضرت جنگ به مثابه دفاع از نفس و حریم و تسلیم نشدن در برابر مهاجم است. ایشان با اشاره به یارانش می‌گوید: «به راستی اگر این قوم به ظلم بر شما آغاز نموده و بر شما طغیان کرده و در عداوت و دشمنی شما پیش‌دستی کرده است، به استقبال

مرگ بروید؛ زیرا مرگ در زندگی توأم با شکست و ذلت شماسست و زندگی در مرگ پیروزمندانه‌تان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، صص. ۴۴۲-۴۴۱). در روایتی دیگر، امام یارانش را به اندیشه و اقدام برای مصالحه تشویق می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد به‌جای بدگویی از دشمن چنین دعا نموده و بگویند: «خدایا خون آنان و ما را حفظ فرما، و بین آنان و ما صلح برقرار فرما، و آنان را از خطا و ناآگاهی درباره ما که منتهی به دشمنی با ما شده است بیرون آر و به شناخت درست هدایتشان کن...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص. ۳۹۹). حضرت در جنگ از سیره عملی برخوردار بود، یعنی سیره عملی او مجموعه ارزش‌هایی را ایجاد کرد که در شرایط جنگی رعایت شده یا لازم است که رعایت شود. ارزش‌های جنگ در سیره عملی حضرت بسیار است که در اینجا فقط به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱-۳-۳. منح دشنام به دشمن

قرآن کریم توصیه می‌کند که «به سخن معروف (شایسته) سخن بگویند» (بقره: ۱۸۰). امام وقتی باخبر شد که برخی از یاران او دشمنان را در میدان جنگ دشنام می‌دهند، بلافاصله دستور داد که از این کار جلوگیری شود. یاران به امام گفتند مگر ما به حق نیستیم؟ امام فرمود: به حق بودن دلیل بر جواز دشنام نمی‌شود؛ من دوست ندارم که شما زبان به لعن و توهین بکشاید. فقط می‌توانید یادآور اعمالشان باشید و اگر به‌جای دشنام در بازگشتشان به مصالحه ... دعا کنید، برای من و شما خوشایندتر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص. ۳۹۹).

امام که تربیت‌یافته دامن رسالت است؛ این‌گونه از پیامبر خاتم آموخته است که «اهل شرک را سب نکنید» (بحرانی، ۱۳۶۱، ص. ۱۵۵). در حدیثی از پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز نقل شده است که حتی شتر را نیز دشنام ندهید؛ زیرا شتر در هنگام نیاز به دیه، خون‌بهای انسان و مهریه بانوی کریمه‌ای است (نوری، ۱۳۶۶، ص. ۲۶۲). همچنین در وصیتی جامع از پیامبر اسلام نقل شده است که «بر مردمان خشم مگیر، رضایت دیگران را جستجو کن، آن‌گونه که دنبال رضایت نفس خویش هستی. مردمان را دشنام نده تا عداوت آنان را موجب نشوی. مردم را دوست داشته باش تا دوستدار تو باشند. با برادرت گشاده‌رو باش و او را آزار نرسان تا از آزار تو در دنیا و آخرت مانع گردد...» (بحرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص. ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص. ۱۴۵).

سیره عملی حضرت در رویکرد اجتماعی امامان بعدی ساری و جاری بوده است، چنان‌که

امام سجاد<sup>(ع)</sup> در دعایی از صحیفه سجادیه می گوید: «سپاس خدای را که به من توفیق داد... تا بر زبان من کوچک ترین لفظ فحاشی یا سخن ناروا یا شکستن حرمت دیگران یا شهادت باطل یا غیبت مؤمن غایب و یا دشنام حاضر و امثال آن نباشد» (امام زین العابدین، ۱۳۸۹، ص. ۵). همچنین در روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است که خویشتن داری و پرهیز از دشنام و افترای مخالفان، زیباتر است (امام زین العابدین، ۱۳۸۹، ص. ۵). از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل شده است که فلسفه منع از دشنام، پرهیز از مفسده بزرگ دشمن تراشی است. فلذا می گوید دشنام ندهید تا دشمنی عایدتان نشود: «لا تسبوا فتکسبوا العداوة لهم» (روحانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۹۳).

### ۲-۳-۳. تحریم ترور

اندیشمندان شیعه، تحریم مطلق ترور را از روایت امام صادق<sup>(ع)</sup> استفاده می کنند که ایشان نیز از پیامبر اکرم نقل کرده است. روایت، ناظر به داستانی خاص درباره حکم کسی است که امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را سب کرده بود. طبق اندیشه شیعه، سب ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> همانند سب نبی است؛ اما امام صادق<sup>(ع)</sup> از ترور سب کننده منع کرد. فقیهان مسلمان با استناد به این رویداد، از آن رو که عبارات روایت مطلق هستند، مطلق ترور را تحریم کرده اند. در حدیثی معتبر نقل شده است که ابوصباح کفانی به امام صادق<sup>(ع)</sup> گفت: همسایه ای داریم که نسبت به امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> بدگویی می کند. به خدا قسم، اگر اجازه دهید در کمین او می نشینم و هنگامی که به دام افتاد، با شمشیر او را می کشم. حضرت فرمودند: «ای ابوصباح، این کار ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند. ای ابا صباح، اسلام مانع ترور است» (فیرحی، ۱۳۸۳، صص. ۱۳۶-۱۰۹).

در قرآن کریم تأکید شده است: «اگر کسی به شما ستم و تعدی کرد، مقابله به مثل نموده و همانند خودشان پاسخ دهید» (نحل: ۱۲۶). همچنین «اگر کسی به شما تعدی کرد، به همان مقدار که مجازات شده اید کیفر کنید (شوری: ۴۰)؛ زیرا که پاسخ بدی، بدی است و چنانکه از امام علی<sup>(ع)</sup> نقل شده است «سنگ پرتاب شده را به همان گونه / همان جایی که آمده است برگردانید؛ زیرا شرارت را جز شرارت دفع نتواند کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص. ۲۱۲). حضرت همچنین بستن آب بر روی دشمن، محاصره و منع دشمن از آب های آشامیدنی را ناشایست شمرده است. همچنین منع تعرض به غیرنظامیان نیز سیره عملی اوست. در بین غیرنظامیان نیز، بخصوص رعایت حال و احترام زنان، کودکان و پیران و دانشمندان بیشتر توصیه شده است.

ابن براج طرابلسی تأکید می‌کند که اگر نظامیان مهاجم در التهاب جنگ، کودکان را سپر خود کنند؛ تیر انداختن به سمت دشمن، آن‌هم نه به قصد کودکان، بلکه به قصد نظامیان جایز است و هرگاه که التهاب جنگ فروکش نموده باشد (ابن براج، ۱۳۵۲، ص. ۵۹).

پیامبر اسلام در اعزام نیروهای مسلح برای جنگ موته - در سال هشتم هجرت - توصیه‌های مهمی به سپاه اسلام داشت که یکی از آن‌ها عدم تعرض به دانشمندان و نمایندگان مذاهب بود که موضع بی‌طرفی در جنگ داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص. ۹۳). حفظ و صیانت از محیط‌زیست و میراث تمدن بشری از جمله مصادیق اخلاق نظامی تلقی شده است. در روایتی از امام علی<sup>(ع)</sup> توصیه شده است که «نظامیان نباید به آب‌های خصوصی مالکان خصوصی دست‌اندازی کنند و بی‌اجازه و رضایت آنان از آب‌هایشان بنوشند ... و نباید اموال و چارپایان کسی را غصب کنند همه این احکام در صورتی است که مهاجم در وضعیت انصراف از قصد تهاجم و فرار نبوده و همچنان رودررو بر تهاجمش اصرار داشته باشد. در غیر این صورت هرگونه صدمه‌ای بر او ضمان قصاص و دیه خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، صص. ۱۶ و ۲۵). به هر حال، در این گونه از جنگ و دفاع، تمسک به سلاح‌های با قدرت آسیب‌رسانی بیشتر جز در صورت نیاز جایز نیست و استفاده کنندگان از این گونه سلاح‌ها، با فرض امکان دفع مهاجم با سلاح سبک‌تر، البته ضامن بوده و مؤاخذه خواهند شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، ص. ۵۷۲).

### ۳-۳-۳. پرهیز از خون‌ریزی ناحق

حضرت می‌فرماید: «از خون‌ریزی پرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده داوری خواهد کرد. پس با ریختن خونی حرام حکومت خود را تقویت مکن؛ زیرا خون ناحق پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن‌را برکنده به دیگری منتقل می‌سازد» (امام علی، ۱۳۷۰، نامه ۵۳).

به این ترتیب، امام نسبت به ریختن خون به ناحق، اعراض مطلق دارد. چنانچه حداکثر

قصاص ابن ملجم مرادی را فقط یک ضربه شمشیر در نظر گرفت و رو به فرزند خویش امام حسن (ع) فرمود: «پسرم، با اسیر خود مدارا کن و شفقت و مهربانی پیش گیر... ما از اهل بیت رحمت و مغفرتیم. از آنچه خود می خوری به او بخوران و از آنچه می آشامی به او بنوشان. اگر من از دنیا رفتم، با یک ضربه او را قصاص کن و اگر زنده ماندم، خود می دانم که با او چه کنم و من به عفو سزاوارترم (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۶۱).

#### ۴-۳-۳. کردار اخلاقی در وضعیت بحرانی

عمل به حکم وجدان در بحرانی ترین وضعیت رویارویی، کردار اخلاقی در سیره حضرت است. کظم غیظ امام اول شیعیان هنگامی که بر سینه عمرین عبود نشست، روایتی است که در مثنوی معنوی مولانا به زیبایی تصویر شده است:

در غزا بر پهلوانی دست یافت	زود شمشیری برآورد و شتافت
او خدو انداخت در روی علی	افتخار هر نبی و هر ولی
آن خدو زد بر رخسار که روی ماه	سجده آرد پیش او در سجده گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی	کرد او اندر غزایش کاهلی

(مثنوی معنوی، دفتر اول، ص. ۲۱۵)

حضرت در پاسخ این پرسش که چرا بر زندگانی دشمن خود بخشش آوردی، فرمود: چون بر روی من خدو انداخت، از او در خشم شدم و ترسیدم که اگر او را بکشم، خشم من نیز در کشتن او تا حدی دخیل باشد؛ اما نمی خواستم که او را جز بهر حق بکشم. حضرت همچنین در جنگ صفین که بر عمروعاص دست یافت و او برای حفظ جان خود کشف عورت نمود، از قتل عمروعاص فارغ شد؛ وقتی با امام مواجه شد، حضرت به او مهلت نداد و با فشار نیزه او را نقش زمین کرد. عمرو که از جوانمردی امام آگاه بود، فوراً با کشف عورت، حضرت را از تعقیب خود منصرف کرد و امام چشم خود را فرو بست و از روی برگردانید. چون حیا و عفت حضرت اجازه نمی داد به عورت دیگران نگاه کند که این امر، گویای اهتمام حضرت به امور ارزشی و اخلاقی است. عبدالفتاح عبدالمقصود که یک نویسنده سنی مذهب است، در زمینه انصراف امام از کشتن عمروعاص می نویسد: «امام حاضر نشد دست های خود را به خون پیاده بی سلاح افتاده ای بیالاید و از روی کرامت

و عفت او را رها کرد» (عبدالمقصود، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۹).

عبدالرحمن بن ملجم، دشمن حضرت است؛ اما ایشان درباره او می‌فرماید: «ارید حیاته و یرید قتلی؛ من می‌خواهم او زنده بماند و سعادت‌مند گردد؛ اما او می‌خواهد مرا بکشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص. ۱۹۳).

زیست اخلاقی امام نرمن‌ناپذیری در مقابل گناه، مخصوصاً از نوع حق‌الناس است، حضرت می‌فرماید: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ، مَا اسْتَخَفَّ بِهَا صَاحِبُهُ»: سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک و ناچیز بشمارد (امام علی، ۱۳۷۰، حکمت ۴۷۷).

### ۵-۳-۳. جمل و رویارویی توانگران با تنگدستان

در دوران خلفای پیشین مخصوصاً خلیفه دوم و سوم، حجم قابل توجهی از ثروت رانتهی در دست بزرگان جمع شد. زیر بن عوام ۵۹ میلیون و ۸۰۰ هزار درهم و ۱۰۰۰ نفر برده و ۱۱ منزل مسکونی و ۱۱۰۰ رأس اسب و باغاتی در عراق داشت و جزء ده‌نفری بود که وعده بهشت از رسول خاتم دریافت کرده بود. طلحة‌الخیر سی میلیون درهم و مقادیری خانه و باغ در عراق داشت. عبدالله بن مسعود، ۹۰ هزار مثقال طلا و زید بن ثابت انصاری ۱۰۰ هزار دینار و مقادیری طلا و شمش داشت. خباب بن ارت که از تنگدستان صغه بود، دارای چهل هزار دینار، مقدار بن اسود دارای خانه اعیانی، عمرو بن عاص دارای ۳۲۵ هزار دینار و عبدالله بن عوف دارای ۷۰۰ شتر با بار پارچه، ۳۰۰۰ گوسفند، ۱۰۰۰ رأس اسب و ۳۲۰ هزار درهم بود (جبری، ۱۳۸۴، صص. ۱۳۴-۱۱۰)؛ بنابراین ثروت انباشته از غنایم و غارت وضعیتی دشوار برای علی<sup>(ع)</sup> ایجاد کرده بود. در جنگ جلولای سپاه اسلام بسیاری مردان را کشتند و زنان و کودکان بسیاری نیز به اسارت گرفتند؛ پس از چندین ماه که اسرا به مدینه رسیدند خلیفه زمان (عمر) دید زنان همه آبستن و حامله شده‌اند، علت را پرسید گفتند سربازان تمام زنان را متعه (صیغه) کرده بودند، سپس (عمر) مکرر می‌گفت که از فرزندان این زنان به خداوند پناه می‌برم و (گفت) زین پس دیگر این فعل (متعه) در ممالک اسلامی جایز نیست (دینوری، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۳).

هزینه جنگ جمل را استانداران عثمان که در دوران حکومت او بیت‌المال را غارت کرده و ثروت هنگفتی به دست آورده بودند، پرداختند و هدف این بود که دولت جوان امام علی<sup>(ع)</sup> را سرنگون کنند و اوضاع به حال سابق بازگردد. اسامی برخی از این افراد

عبارت است از:

۱. عبدالله ابی‌ربیع، استاندار عثمان در صنعا یمن: او از صنعا به منظور کمک به عثمان خارج شد و چون در نیمه راه از قتل او آگاه شد، به مکه بازگشت. وقتی شنید که عایشه مردم را برای گرفتن انتقام خون عثمان دعوت می‌کند، وارد مسجد شد و درحالی که روی تخت نشسته بود فریاد زد: هر کس که بخواهد برای گرفتن انتقام خون خلیفه در این جهاد شرکت کند، من هزینه رفتن او را تأمین می‌کنم. او گروه بسیاری را برای شرکت در نبرد مجهز کرد.

۲. یعلی بن امیه، یکی از فرمانداران سپاه عثمان: او به پیروی از عبدالله، پول هنگفتی در این راه خرج کرد و شش صد شتر خرید (مهدوی دامغانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۷۲) و در بیرون مکه آماده حرکت ساخت و گروهی را بر آن حمل کرده و ده هزار دینار در این راه پرداخت. وقتی امام از بذل و بخشش یعلی آگاه شد فرمود: فرزند امیه ده هزار دینار را از کجا آورده است؟ جز این است که از بیت‌المال دزدیده است؟ به خدا سوگند، اگر به او و فرزند ابی‌ربیع دست یابم، ثروت آنان را مصادره می‌کنم و جزء بیت‌المال قرار می‌دهم (مهدوی دامغانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۲۳).

بنیاد اقتصاد رانتی و دولت رانتیر شکل گرفته در دوران خلفا مخصوصاً خلیفه سوم، بزرگ‌ترین عامل صلح‌زدا و ستیزه‌زای عصر خلافت حضرت بود. جنگ با این وضعیت را عمر خلیفه دوم آغاز کرد، او گفت تصمیم گرفته‌ام عطای هر شخص را ۴۰۰۰ درهم قرار دهم (۱۰۰۰ درهم هزینه خانواده، ۱۰۰۰ درهم هزینه تجهیز سلاح برای جهاد، ۱۰۰۰ درهم هزینه فرد، ۱۰۰۰ درهم برای بخشش)؛ اما امانش ندادند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۴۵۲). به تنگ‌آمدگان از عمر به عثمان قریشی ثروتمند رضایت دادند. مظاهر ثروت و خوش‌گذرانی در دوران خلیفه سوم به مرز انفجار رسید (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۳۵۲) و کبوتربازی، شکار پرندگان و مستی در بین مردم شایع شد.

فتوحات این دوران تا مرز آفریقا و ماوراءالنهر رفت و حجم اموال سرازیر شده به مرکز به‌عنوان خراج حیرت‌آور است. غنایم گرفته شده به این شرح است: خزاین کسری: ۸۰۰ میلیون دینار، آفریقا: ۶۰ میلیون دینار و در زمان عثمان به برخی افراد از ۴۰۰ هزار تا چهار میلیون دینار بخشش شد. برای مثال، حکم‌بن‌العاص که آزار دهنده بدنام پیامبر (ص) بود ۱۰۰ هزار دینار دریافت کرد. ولید بن عقبه وام دریافتی از بیت‌المال را باز پس نداد.

چهارپنجم سواد زمین‌های عراق بین جنگجویان خاصه تقسیم شد (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۵)؛ به این ترتیب ثروت بسیار در دست اندک گروهی از صحابه و قریشیان، شکاف عظیم فقیر/ غنی را گسترش داد. حضرت در آغاز خلافت خویش با این وضعیت سیاسی- اجتماعی مواجه بود. توانگران به مقاومت در مقابل سیاست عدالت حضرت پرداختند. جنگ جمل، پیکار توانگران و تنگدستان دور حضرت علی<sup>(ع)</sup> بود؛ اما آیا آن حضرت توانست صفوف تنگدستان را فشرده کند و بر قبیله توانگران غارتی در جمل و قبیله امویان در صفین بتازد؟ پس از جنگ جمل حضرت به بصره بازگشت و ۶۰۰ هزار درهم را بین سپاهیان تقسیم کرد (هر جنگجو ۵۰۰ درهم)؛ اما سبئیان (اهل یمن) منتقد امام بودند و بدون اجازه ایشان به سمت کوفه حرکت کردند. آن حضرت در هر دو جنگ در پی عدالت بود؛ اما تعریف عملیاتی یاران حضرت از عدالت در واقع «عطای افزون» بود. در واقع نقطه کانونی شکل‌گیری جنگ جمل، تضاد شدید منافع، شکاف عظیم فقیر/غنی، شکل‌گیری پیمان‌های مبتنی بر تعصب قبیله‌ای و اشتراک منافع و پنهان شدن این وضعیت در پشت پرده عقیده بود و پرچم عقیده در این جنگ در اهتزاز بود. دوران خلفای پیشین، غنایم عظیم حاصل از جنگ‌ها، بین خودی‌ها و بستگان تقسیم می‌شد و این همان اقتصاد رانتیر و غارتی بود. رفتار مبتنی بر عصیت قبیله‌ای در دوران خلیفه سوم به اوج خود رسید که در شکل‌گیری افراط‌گرایی عقیدتی بسیار مؤثر بود. حضرت با این سه ویژگی ویرانگر در تقابل بود.

### ۳-۳-۶. صفین و روابرویی با عصیت قبیله

حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم، ما گروهی نبودیم تا به کتاب خدا پشت کنیم؛ درحالی‌که خدای بزرگ فرمود: «اگر در چیزی خصومت کردید، آن را به خدا و رسول بازگردانید». باز گرداندن به خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم و باز گرداندن به پیامبر این است که سنت او را انتخاب کنیم. پس اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری شود، ما از دیگر مردمان به آن سزاوارتریم و اگر در برابر سنت پیامبر تسلیم باشند، ما بدان اولی و برتریم؛ اما سخن شما که چرا میان خود و آنان برای حکمیت مدت تعیین کردی، من این کار را کردم تا نادان خطای خود بشناسد و دانا بر عقیده خود استوار ماند و اینکه در این

مدت، آشتی و صلح خدا کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد» (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۱۲۵).

آنچه در حکمیت روی داد، تابع عوامل مختلفی بود، از فقدان درک موقعیت قبایل همراه حضرت گرفته تا رقابت‌های قبیله‌ای اعراب قحطانی و اعراب عدنانی. بحران حکمیت دو مقطع حساس دارد: نخست پذیرش یا رد اصل حکمیت و دوم انتخاب حکم. در هر دو مرحله، قبایل همراه امام از نظریه صریح حضرت که طرف بیعت آنان در امر خلافت بود خودداری کردند. در مرحله نخست، خلیفه و فرمانده عالی جنگ نظری کاملاً متفاوت و حتی مخالف با پیروانی داشت که شوربختانه تعداد آن‌ها زیاد بود؛ اما حضرت در مقابل خواسته غیراستراتژیک آن‌ها مبنی بر مذاکره با دشمن شکست خورده انعطاف نشان داد. در مرحله دوم و در وضعیت مذاکره، نماینده مطلوب حضرت عبدالله بن عباس بود که از ویژگی‌های یک مذاکره‌کننده قوی با عمروعاص برخوردار بود؛ اما مخالفان با این استدلال که عمروبن عاص و عبدالله بن عباس هر دو از قریش و اعراب عدنانی هستند و منافع آن‌ها که از اعراب قحطانی هستند را تأمین نمی‌کنند، با او مخالفت کردند؛ اما بر اساس شهادت تاریخ، باز هم حضرت انعطاف نشان داده و با وجود حقانیت حکم خویش، آن را بر اکثریت مخالف تحمیل نکرد و حفظ خلافتی که از عطسه بز در پیشگاه وی بی‌ارزش‌تر بود را بر خویش واجب ندانست.

### ۷-۳-۳. صلح در سیاست‌های اجتماعی دوره خلافت

سیاست‌های اجتماعی خلافت ناظر بر سیاست‌گذاری و آیین حکمرانی امیرمؤمنان در حوزه داخلی خلافت و رعایای تحت حاکمیت است که چشمه‌هایی از آن باز نمود تاریخی می‌شود

#### یکم: آزادی خوارج تا مرز رویارویی

خوارج همان کسانی بودند که حکمیت را بر حضرت تحمیل کرده و سپس با شعار «لا حکم الا لله»، خصومت علیه حضرت را آغاز نمودند. آن‌ها برخلاف جنگجویان جمل که از جمله توانگران و برخورداران از غنایم بودند و جنگجویان صفین که با تعصب قبیله‌ای در پی خونخواهی عثمان بودند، با قرائتی انحرافی با پرچم عقیده علیه امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند. خصومت خوارج با تبلیغ و جنگ روانی آغاز شد. آنان به امیر مؤمنان اقتدا نمی‌کردند؛ زیرا او را کافر می‌پنداشتند. پیوسته در مسجد کوفه نماز حضرت و خطبه‌های او را برهم

می‌ریختند؛ اما آن حضرت آزادی آن‌ها و سهم آن‌ها از بیت‌المال را محدود نکرد. نهروانیان از نظر حضرت مادام که دست به شمشیر نبرده‌اند، آزاد بودند. روزی حضرت بر منبر بود و پرسشی را فی‌البداهه پاسخ داد. یک خارجی فریاد زد: «قاتله‌الله ما فقهه»: «خدا بکشد او را چقدر دانشمند است». دیگران قصد تنبیه او را داشتند که حضرت فرمود رهایش کنید، او به من تنها فحش داد (مطهری، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۳).

نهروانیان در میانه نماز یا خطبه امیر مؤمنان فریاد می‌زدند: «لاحکم الا لله، لا لک و لاصحابک»، حق حاکمیت جز برای خدا نیست تو را و اصحابت را نشاید که حکومت یا حکمیت کنید (مطهری، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۸). پاسخ حضرت فلسفه حکمرانی را برای همیشه تاریخ روشن نموده است. او می‌فرماید: «سخنی به حق است؛ اما آنان اراده باطلی دارند، درست است قانون‌گذاری از آن خداست؛ اما این‌ها می‌خواهند بگویند غیر خدا کسی نباید حکومت کند و امیر باشد. مردم احتیاج به حاکم دارند خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار. در پرتو حکومت او مؤمن کار خویش را انجام می‌دهد و کافر از زندگی دنیای خود بهره‌مند می‌گیرد و خداوند مدت را به پایان می‌رساند. به وسیله حکومت و در پرتو حکومت است که مالیات‌ها جمع‌آوری می‌گردد، با دشمن پیکار می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، حق ضعیف و ناتوان از قوی ستمکار گرفته می‌شود تا نیکوکار امان یابد و از شر بدکار آسایش به دست آید» (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۴۰).

### دوم: اخلاق اجتماعی کارگزاران با رعایا

امیرمؤمنان در نامه‌ای به کارگزاران خویش می‌فرماید: «همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید، هرگز کسی را از نیازمندی‌های او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب‌سواری و برده‌داری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی (نماز‌گذار یا غیرمسلمان در پناه اسلام) دست‌اندازی نکنید. جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شود (امام علی، ۱۳۷۰، نامه ۵۱).

اخلاق رهبری و آیین صلح‌ورزی در داخله جامعه اسلامی از دیدگاه امیر مؤمنان این‌گونه تصویر می‌شود: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان

باش، مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر در آفرینش همانند تو هستند. کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود دلیل او را نپذیرد که با خدا سر جنگ دارد (امام علی، ۱۳۷۰، نامه ۵۳).

### ۸-۳-۳. صلح در مواجهه با دشمن حکومت اسلامی

حضرت علی (ع) در سیره عملی خود - آن گونه که در اخبار شیعه آمده است - آشکارا بر صلح به مثابه اصل اولیه تأکید دارد: «مسالمت (صلح) را مادام که موجب وهن در اسلام نباشد، به رستگاری نزدیک‌تر و سودمندتر از جنگ یافتم (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۲). ایشان در دستورالعملی به مالک اشتر می‌فرماید: «صلحی را که خداوند تو و دشمنت را بدان فرا خوانده است و رضای خدا در آن است، از خود دور مکن؛ زیرا در صلح فواید مهمی چون حفظ قوای مسلح تو، آسایش فکر و فراغ بال تو و امنیت سرزمین نهفته است. ولکن همواره از دشمنت بعد از صلح غفلت مکن؛ زیرا دشمن گاهی نزدیک می‌شود تا تو را غافلگیر نماید. پس بی‌نهایت محتاط باش و در عین پایبندی به صلح از حسن ظن و خوش‌بینی بیهوده در این باره اجتناب کن» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۲). حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد شد، یا در پناه خود او را امان دادی به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی، امانت‌دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند در آن اتفاق نظر داشته باشند. تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند؛ چرا که آینده ناگوار پیمان‌شکنی را آزمودند. پس هرگز پیمان‌شکن نباش و در عهد خویش خیانت مکن و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد. خداوند عهد و پیمانی که به نام او شکل می‌گیرد را با رحمت خود مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه‌آوردندگان قرار داده است تا همگان به حریم امن آن روی آورند. پس فساد، خیانت و فریب در پیمان راه ندارد. مبادا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغل‌کاری و فریب راه‌هایی وجود دارد؛ و پس از محکم‌کاری و دقت در قراردادنامه دست

از بهانه‌جویی بردار. مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده‌ات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان‌شکنی وادارد؛ زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان‌ها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان‌شکنی است که از کیفر آن می‌ترسی و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخگوی پیمان‌شکنی باشی (امام علی، ۱۱۳۷۰، نامه ۵۳).

همچنین امام علی<sup>(ع)</sup> به حاکم جامعه اسلامی توصیه می‌کند که در تثبیت صلح و تداوم آرامش بین مردم از هم‌نشینی و مشاوره عالمان و حکیمان بهره‌گیرد؛ زیرا صلح موجب احقاق حق و آشکارشدگی بطلان باطل می‌شود (امام علی، ۱۳۷۰، حکمت ۸۹).

از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل شده است که هرگاه کسی میانجی صلح بین مردم یا حداقل بین دو نفر باشد، فرشتگان خداوند مدام بر او درود می‌فرستند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص. ۳۰۸). امام علی<sup>(ع)</sup> در جای دیگری با تأکید می‌افزاید: «و اگر کسی شما را به صلح و سلام فراخواند، از او بپذیرید و صبر پیشه کنید؛ زیرا که نصرت و پیروزی از پیامدهای صبر است و زمین از آن خداست و به آن دسته از بندگان که بخواهد میراث می‌دهد و آینده جهان از آن مؤمنان است» در همین روایت توصیه شده است که هرگاه دشمنی با شما رود و درو شد، در آغاز جنگ پیش‌قدم نباشید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص. ۳۲).

تلاش برای صلح در اندیشه اسلامی نه تنها وظیفه‌ای دینی است و از نظر ایمانی ثواب دارد، بلکه منابع شیعی به آثار وضعی آن نیز توجه نشان داده و بحث از صلح‌جویی بین متخاصمان را با واژه «استصلاح» طرح کرده‌اند. برخی احادیث نبوی بین اخلاق و صلح رابطه مستقیمی برقرار کرده‌اند. به عنوان مثال، در حدیثی از پیامبر<sup>(ص)</sup> تأکید شده است: «استصلاح (صلح‌جویی) از مروت و مردانگی است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص. ۲۹۸). منابع روایی شیعه در بابی با عنوان «استصلاح الأعداء» روایات جالبی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در دیدگاه حضرت، صلح‌جویی با دشمنان با گفتار نیکو و کردار زیبا آسان‌تر از ملاقات آنان و تلاش در غلبه بر یکدیگر در معرکه جنگ است. آن حضرت می‌فرماید: «کسی که به صلح‌جویی با دشمنش اقدام کند، یارانش زیاد می‌شود». «کسی که بین اضعاد (مخالفین) صلح‌جویی کند، البته به مراد خود خواهد رسید» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص. ۳۹۵).

این روایات، همه به اهمیت صلح‌جویی و تلاش برای تحقق صلح توصیه دارند. متن و سیاق روایات به گونه‌ای است که مقدمات رفتاری و گفتاری مهمی برای کسب و حفظ

صلح منظور کرده است. در سخن حضرت آشکارا بر «گفتار نیکو» و «کردار زیبا» به عنوان مقدمه و شرط تحقق صلح اشاره شده است؛ به این ترتیب، صلح نه امری صرفاً دلخواه، بلکه نتیجه اخلاق صلح است؛ به عبارت دیگر، اخلاق نیکو در برخورد با دیگران، نیروی برگرفته از افکار عمومی نیرومندی دارد که موجب حمایت افکار عمومی از صاحبان فضایل اخلاقی و غلبه آنان بر دشمن می شود.

### ۹-۳-۳. تحریم غدر و عهدشکنی

منع غدر، عهدشکنی و نقض پیمان‌ها در استراتژی دفاعی حضرت حاکم بوده است. در مجمع‌البحرین «غدر» به معنای «ترک وفا و نقض عهد و پیمان» تعریف شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ص. ۷۸). به تعبیر صاحب جواهر، عدم جواز غدر در فقه شیعه مخالفی ندارد؛ زیرا هم نصوص روایی بر آن دلالت دارند، قبح ذاتی دارد و موجب نفرت مردم از اسلام می شود (نجفی، ۱۳۶۷، ص. ۷۸). استاد فقیهان شیعه به آیات و روایات ذیل است:

روزی امام در بالای منبر کوفه فرمودند: ای مردم، اگر ممنوعیت فریب کاری و عهدشکنی نبود، من زیرک‌ترین مردم بودم، بدانید که هر عهدشکنی فجوری دارد و هر فجوری منجر به کفر می شود و برای هر فریب کار پرچمی است که در روز قیامت به آن شناخته شود (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۱۹۱). تعالیم دینی در برابر تأکید بر اصالت صلح و ضرورت اصلاح، بر نفی فساد در زمین هم اصرار می کند. قرآن فساد قارون در زمین را ناشی از خوی زیاده‌خواهی معرفی می کند و آشکارا از فساد در زمین نهی می کند و مفسدان را دوستان خداوند نمی داند (قصص: ۷۷). از رزق و منابع خدا بهره برید و در زمین عصیان و فساد نکنید (بقره: ۶۰). آسمان و زمین را به باطل نیافریدیم. آیا مؤمنان و مصلحان را با آنان که در زمین فساد می کنند مساوی قرار می دهیم؟ آیا پرهیزگاران همانند فاجرانند؟ (بقره: ۱۱). آموزه‌های اسلامی تحلیلی اخلاقی از فساد در زمین دارند. به تعبیر امام صادق (ع) فساد در زمین که «فساد ظاهر» است، خود نشانه‌ای از «فساد باطن» است (نمازی، ۱۴۱۹، ص. ۱۹۵).

### ۱۰-۳-۳. صلح بین مسلمانان

عهدنامه صلح بین اهالی یمن و قبیله ربیعه سندی محکم در تبیین مبانی صلح در سیره عملی امیر مؤمنان (ع) است که از روی خط هشام بن الکلبی نقل شده است. «این پیمان‌نامه‌ای است

که اهل یمن و مردم ربیعہ، چه آن‌ها که شهرنشین‌اند و چه آن‌ها که بیابان‌نشین‌اند، بر آن توافق کرده‌اند که از کتاب خدا پیروی کنند و مردم را به آن فراخوانند و از مردم بخواهند که آن را بپذیرند؛ و هر کس را که به کتاب خدا دعوت کند و بدان فرمان دهد، اجابت کنند و در برابر این کار مزدی نطلبند و جز به آن به کار دیگر خرسند نشوند و بر ضد کسی که این پیمان بشکند یا آن را ترک گوید، دست‌به‌دست هم دهند؛ و یار و مددکار یکدیگر باشند و سخنشان یکی شود و عهد خود را به سبب سرزنش یا خشم این و آن یا به سبب خوار ساختن و دشنام دادن گروهی دیگر را، نشکنند؛ و بر آن گواه است، آنکه از ایشان حاضر است یا غایب است و هر که سفیه است یا دانا است و هر که بردبار است و هر که نادان است. عهد و پیمان خدا در این عهدنامه بر عهده شماس است و از پیمان خدا سؤال خواهند کرد. نوشت آن را علی بن ابی طالب (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۷۴).

#### ۴. تجزیه و تحلیل پژوهش

تجزیه و تحلیل محیط پژوهش بر اساس تبیین اصالت صلح در سیره اجتماعی - سیاسی حضرت و مبتنی بر سند تاریخی نهج البلاغه نگارش شده است. تحقیقاً وضعیت زیستی آن حضرت از بدو تولد آمیخته با ناامنی اجتماعی و بحران بوده است. بر اساس خطبه امام بعثت پیامبر<sup>(ص)</sup> پاسخی به این بحران عمیق و دامن‌گیر منطقه عراق و عربستان بوده است. عراق در دوران مابعد ایشان نیز در خونریزی و ناامنی بوده است. دارالخلافه کوفه همان مشهد حضرت از سال ۶۳ به بعد، شاهد شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> و حاکمان عراق به ترتیب عبیدالله بن زیاد، مختار ثقفی، عبدالله بن زبیر نیز به قتل رسیدند؛ به این ترتیب، محیط کنش اجتماعی حضرت اساساً امن نبود. اصالت صلح در سیره اجتماعی و سیاسی امام اول شیعیان از این جهت واجد اهمیت پژوهشی است؛ بنابراین محقق مبتنی بر سه وضعیت «جنگ، صلح در مواجهه با مخالفان و صلح در مواجهه با دشمنان» گزاره‌های معتبر را استخراج می‌کند. انعطاف‌ناپذیری در مقابل گناه زنجیره اتصال رفتار و سیره سیاسی امام در سه وضعیت ایجاد شده است؛ زیرا مطابق سیره آن حضرت «سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک و ناچیز بشمارد».

جدول شماره ۳. ابعاد صلح اصیل در سیره اجتماعی و سیاسی حضرت علی (ع)

ابعاد	گزاره استخراجی
منع دشنام به دشمن	به حق بودن دلیل بر جواز دشنام نمی شود.
تحریم ترور	مطلق ترور در سیره حضرت تحریم است.
پرهیز از خونریزی ناحق	و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی گرداند.
زیست اخلاقی در وضعیت بحران	حضرت در میدان جنگ و وضعیت خطر مطلق جانی شمشیر از خشم نمی کشد.
صفین و پذیرش حکمیت	حضرت به رغم حقانیت و بصیرت مردم گمراه شده را اجبار به پذیرش رأی خویش نمی کند.
منع تعرض به غیر نظامیان	در سیره نظامی حضرت به غیر نظامیان تعرض نمی شود.
منع تعرض به دانشمندان	در سیره نظامی حضرت به دانشمندان تعرض نمی شود.
منع آب بستن بر دشمن	در سیره نظامی حضرت آب به روی دشمن بسته نمی شود.
منع تعرض به محیط زیست	در سیره نظامی حضرت به محیط زیست تعرض نمی شود.
منع از نوشیدن آب بدون اجازه مالک	در سیره نظامی حضرت به حریم رعایا در مسیر عبور سپاهیان دستبرد نمی زنند.

جنگ

گزاره استخراجی	ابعاد	
مرز آزادی مخالف در سیره سیاسی حضرت آنجاست که دست به سلاح ببرد.	آزادی نهر و انیان تا مرز رویارویی	صلح در مواجهه با مخالفان
با برادرت گشاده‌رو باش و او را آزار نرسان تا از آزار تو در دنیا و آخرت مانع شود.	اخلاق اجتماعی کارگزاران با رعایا	
کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود.	صلح حکومت با مردم	
مردم احتیاج به حاکم دارند، خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار	نگاه واقع‌بینانه به آیین حکمرانی	
هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به‌عمد نیست.	تحریم غدیر و عهدشکنی	صلح در مواجهه با دشمنان
حفظ قوای مسلح تو، آسایش فکر و فراخ‌بال، امنیت سرزمین، افزایش یاران کسی که به صلح‌جویی با دشمنش اقدام کند.	فواید صلح	
وضعیت مطلوب در جامعه مسلمانان صلح اصیل است.	صلح مابین مسلمین	
-	منع از مقابله به‌مثل با دشمن فحاش	
خدا با خون آنان و ما را حفظ فرما و بین آنان و ما صلح برقرار فرما	صلح اصیل	

نکته مهم، عقلانی بودن و اخلاقی بودن جمیع سیره سیاسی و اجتماعی مولای متقیان است. اخلاق صلح، ویژگی برجسته حضرت است. ناخودآگاه جمعی، اساس ناخودآگاه سیاسی است و منجر به رفتارهای جمعی می‌شود و ناخودآگاه جمعی اعراب در عصر خلافت حضرت بر اساس ستیز و خشونت شکل یافته بود. صف‌آرایی زود هنگام و بی‌وقفه جامعه عصر خلافت آن امام در مقابل خلفای وقت در این چهارچوب قابل تحلیل است. با ورود عنصر ایمان و عقیده این پدیده برآمده از ناخودآگاه سیاسی جمعی وجه ایدئولوژیک می‌یافت و ساختار بر رفتار سیاسی مسلط می‌شد و این ساختارها خود را تحمیل می‌کردند.

ناخودآگاه سیاسی جامعه عصر خلافت حضرت بر اساس روابط مادی گروهی قرار داشت و فشار غیرقابل مقاومتی را بر جامعه و حکومت وارد می نمود. تضاد منافع اعراب عدنانی (قریش) و اعراب قحطانی (جنوب عربستان و یمن) نقش مؤثری در ترجیح ابوموسی (عرب قحطانی) بر عبدالله بن عباس (عرب عدنانی و قریشی) داشت. تعصب گروهی نیز در ناخودآگاه جمعی اعراب نهادینه بود که در پشت پرده عقیده پنهان می شد و در قالب تحریم جنگ علیه برادر مسلمان در حکمیت بروز می کرد. کسب غنائم و روحیه غارت گری نیز به همین ترتیب در مخیله اجتماعی اعراب بادیه نهادینه بود؛ اما با اختفای در پشت پرده، عقیده در جنگ ها بروز می کرد و اساساً انگیزه بخش وقوع جنگ ها بود. عصیت قبیله ای، منش غارت گری و بهره گیری از عقیده کلیدهای تحلیل جنگ های رخ داده علیه امام در دوران خلافت است. به نظر می رسد کنش اجتماعی صلح محور آن حضرت در این وضعیت سراسر ستیزه آمیز، در ویژگی شخصیتی این کنشگر برجسته و تأثیرگذار صدر اسلام ریشه دارد. او در کنش صلح طلبانه خویش تنها بود و یاران همراه و همسو در این سیره کم تعداد و کم شمار بودند؛ بنابراین صلح اصیل در سیره سیاسی حضرت از اصالتی فردی برخوردار است و نه اصالتی اجتماعی؛ به این ترتیب، «توحید» و «عدل» و «امر به معروف و نهی از منکر» ایشان با نگاه مسلمانان هم عصرش کاملاً متفاوت است. چتر توحید ایشان وسیع و فراگیر است و مسلمان و اهل کتاب حوزه حکمرانی وی را پوشش می دهد؛ از این رو، از سرقت خلخال پای زن یهودی در حوزه خلافت خویش فریاد سر می دهد. عدل حضرت نیز کاملاً متفاوت است و در شرایط استیلای گفتمان قبیله و عقیده مصادره شده او از برابری خلیفه مسلمین و یک یهودی در دادگاه اسلامی عملاً دفاع می کند.

امام صلح طلب شیعیان هرگز در حوزه خلافت خویش اجازه بنای زندان را نداد. به همین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر آن امام برخاسته از نگاهی اصیل و متفاوت بود که شامل النصیحة لائمة المسلمین می شود. آخرین کنش صلح آمیز امام مدارا با قاتل خویش بود و هیچ محرومیتی بر قاتل در مدت بازداشت موقت اعمال نشد؛ بنابراین پدیده صلح در سیره اجتماعی و سیاسی حضرت صلحی اصیل است.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش به تبیین اصالت صلح در سیه سیاسی - اجتماعی ایشان پرداخت. صلح اصیل در سیره اجتماعی - سیاسی حضرت مهم‌ترین نتیجه پژوهش حاضر است. محقق به تبیین ابعاد صلح اصیل در حضيض بحران اخلاقی در عصر خلافت ایشان پرداخت. روش تحقیق تاریخی با رویکرد ساختار/کارگزار بود. یعنی نویسنده ضمن ابتدا بر مبانی عقلانی و پرهیز از اسطوره‌گرایی در تحلیل، بر ویژگی‌های شخصیتی حضرت در مواجهه با ساختار اجتماعی فرهنگی شکل‌یافته پرداخت. به این ترتیب که نوعی منازعه بین ساختار و کارگزار در عصر حیات سیاسی و اجتماعی حضرت شکل گرفت. ساختار اجتماعی و فرهنگی و سیاسی موجود، متأثر از عناصر قبیله/غنیمت/عقیده/برده‌گیری بود که در مقابل اصلاحات مدنظر ایشان به‌عنوان کارگزار دوران خویش مقاومت می‌نمود.

وضعیت سیاسی - اجتماعی بحرانی منطقه عربستان و عراق اولین مشکل حضرت بود. غارت، ترور، برده‌گیری و عصبیت قبیله‌ای از جمله آسیب‌های عصر حیات سیاسی امام اول شیعیان بود. تحریم مطلق ترور، پرهیز از خونریزی ناحق، منع از دشنام به دشمن، کردار اخلاقی در وضعیت بحرانی و انعطاف حیرت‌انگیز در مقابل حکمیت‌خواهی یاران نا همراه از جمله کردارهای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی حضرت در این دوران است. همچنین ایشان در پروسه صلح‌خواهی خویش در این وضعیت سراسر جنگ و ناامنی هرگز آزادی خوارج را تا مرز خروج با شمشیر بر دولت حاکم، سلب نکرد. این درجه از اعطای آزادی به مخالف در تاریخ دولت بشری بی‌نظیر است. این امام همام هرگز زندانی دایر نکرد. اخلاق اجتماعی کارگزاران با رعایا مبتنی بر قاعده عدالت و انصاف بود و امنیت و صلح برای همه انسان‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان یکسان بود.

در مواجهه با دشمن مسلح و خارجی علیه دولت اسلامی اولین تلاش امیرالمؤمنین ایجاد صلح و جلوگیری از خونریزی بود. او اگر پیمان می‌بست هرگز غدر و عهدشکنی در پیمان صلح وی نبود. حضرت بر صلح بین مسلمین تأکید داشت و پیمان‌نامه صلح بین قبایل یمن از جمله اسناد مهم مورد اشاره در نهج‌البلاغه است.

## منابع

- ابن براج، عبدالعزيز (۱۳۵۲). شرح جمل العلم و العمل. به کوشش کاظم مدیرشانه‌چی، مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد.
- امام سجاد (۱۳۸۹). صحیفه سجادیه. ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
- امام علی (۱۳۷۰). نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح، قم: نشر هجرت.
- ایمانپور، محمدتقی و فرخی، فاطمه (۱۳۸۹). برخورد اعراب با زنان ایرانی ۱۳ تا ۱۳۲ هجری. نامه ایران باستان، ۱۹ و ۲۰، ۶۵-۷۶. [www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1356619](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1356619)
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۳۶۵). الحدائق الناضره. تحقیق محمدتقی الایروانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- برزونی، محمدعلی (۱۳۸۴). اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟ حقوقی بین‌المللی، ۳۳، ۷۳-۱۵۷. <https://ensani.ir/fa/article/123845>
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). أنساب الاشراف. تحقیق سهیل زکار، بیروت: انتشارات دارالفکر.
- جابری، محمد عابد (۱۳۸۴). عقل سیاسی در اسلام. ترجمه عبدالرضا سواری، تهران: انتشارات گام نو.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۴۰۲). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۹۶). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر نگاه.
- روحانی، سید محمدصادق (۱۴۱۳). فقه الصادق. قم: دارالکتاب.
- رنان، ارنست، فوستل، دوکولانژ، ورنر، روف و پیر، رنوو (۱۳۹۶). ملت، حس ملی، ناسیونالیسم. ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح (۱۳۹۵). امام علی بن ابی‌طالب. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷). قبله عالم ژئوپلیتیک ایران. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- فیرحی، داود (۱۳۸۳). دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت‌طلبانه در مذهب شیعه. مجله شیعه‌شناسی، ۶، ۱۰۹-۱۳۶. [www.noormags.ir/view/fa/articlepage/119151](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/119151)

- قاسمی، ابراهیم (۱۳۹۹). نظریه اصالت جنگ یا صلح از دیدگاه اباضیه. پژوهش‌های فقهی، ۳، ۴۲۹-۴۴۶. <https://ensani.ir/fa/article/424506>
- لین کارل، تری (۱۳۹۸)؛ معمای فراوانی. ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۰). جاذبه و دافعه علی (ع). قم: انتشارات صدرا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمه. قم: بوستان کتاب.
- مولوی، جلال الدین محمدبن محمد (۱۳۸۶). مثنوی معنوی. تهران: نشر کاروان.
- مهدوی دامغانی، محمود (۱۴۰۳). نبرد جمل. تهران: نشر نی.
- نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۷). جواهرالکلام. تحقیق عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹). مستدرک سفینه البحار. تحقیق حسن نمازی، قم: مؤسسه الاسلامی لجماعة المدرسين.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل. بیروت: داراحیاء التراث.



Vol. 11 | Issue. 39 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521881.1424>

## Explaining the process of progress of the Idea of the Institution of Governance in the History of Political Thought in Iran

Gholamreza Behdarvand Yani

PhD student in Political Science-Political Thoughts, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[behdarvandyani@gmail.com](mailto:behdarvandyani@gmail.com)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 2024 /02 / 29</p> <p><b>Revised:</b> 2024 /03 / 26</p> <p><b>Accepted:</b> 2024 /04 / 03</p> <p><b>Published Online:</b> 2024 /04 / 19</p>	<p>The history of institution-building and thinking in the political and governance arena in Iran, from ancient times to the contemporary era, has always had a special place and importance. Hence, a significant part of the Full of ups and downs history of political thought in Iran has been devoted to the institution of governance.</p> <p>This article aims to explain the process of history of political thought in Iran by analyzing the theories of Shihab al-Din Suhrawardi's «The Qutb», Mulla Sadra's «The perfect human», Mohammad-Hossein Naini's «The Constitutional Government», and Imam Khomeini's «The Absolute Authority of the jurist». also examines the influence and acceptance of these theories and thus, it shows that the aforementioned theories indicate the evolution of political thought from governance based on Farr-e Izadi to institutional governance.</p> <p>In this regard, this article discusses the influence of Suhrawardi's anthropology on Mulla Sadra's theory of the perfect human, as well as the effect of Mulla Sadra's theory on the authority of mujtahids in issuing fatwas, and its impact on Naini's political thought due to its preparation for a governance based on law arising from Jurisprudence and jurisprudential rules.</p> <p>This research, based on the «qualitative research» method and considering the historical-analytical approach, has explained the course of the idea and thought of the institution of governance in Iranian history from ancient times to the contemporary period and has concluded that the history of political thought in Iran, regardless of its ups and downs, indicates the process of progress of the idea of the institution of governance from ancient times to the contemporary period.</p> <p><b>Keywords:</b> The history of political thought in Iran, Institutional governance, Institution of governance, Governance based on Farr-e Izadi, Governance based on law.</p>



دوره ۱۱ | شماره ۳۹ | بهار ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521881.1424>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

## تبیین سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران

غلامرضا بهداروندیانی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی - اندیشه‌های سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[behdarvandyani@gmail.com](mailto:behdarvandyani@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله: پژوهشی</b>	
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۱۲/۱۰	
<b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۰۷	
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۱۵	
<b>انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۳۱	
<b>صفحات:</b> ۳۱-۵۵	
	<p>تاریخ نهادسازی و اندیشه ورزی در عرصه سیاسی و حکمرانی در ایران از دوران باستان تا دوره معاصر، همواره از جایگاه و اهمیتی خاص برخوردار بوده است؛ بنابراین بخش قابل توجهی از تاریخ پر فراز و نشیب اندیشه سیاسی در ایران، به نهاد حکمرانی اختصاص یافته است. این مقاله با هدف تبیین سیر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، به واکاوی نظریات «قطب» شهاب‌الدین سهروردی، «انسان کامل» ملاصدرا، «حکومت مشروطه» محمدحسین نائینی و «ولایت مطلقه فقیه» امام خمینی و نیز بررسی تأثیر و تأثر این نظریات پرداخته است و به این ترتیب نشان می‌دهد که نظریات یاد شده، بر سیر تحول اندیشه سیاسی از حکمرانی مبتنی بر فره ایزدی، به حکمرانی نهادی، دلالت دارند. در همین خصوص، این مقاله به تأثیر انسان‌شناسی سهروردی بر نظریه انسان کامل ملاصدرا و نیز به واکاوی نظریه ملاصدرا در خصوص ولایت مجتهدان در افتاء پرداخته است. این پژوهش مبتنی بر روش «پژوهش کیفی» و بالحاظ رویکرد تاریخی - تحلیلی، به تبیین سیر ایده و اندیشه نهاد حکمرانی در تاریخ ایران از دوران باستان تا دوره معاصر پرداخته و بدین نتیجه رسیده است که تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، صرف نظر از فراز و فرودهای آن، بر سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی از دوران باستان تا دوره معاصر دلالت دارد.</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، حکمرانی نهادی، نهاد حکمرانی، حکمرانی مبتنی بر فره ایزدی، حکمرانی مبتنی بر قانون.</p>

## مقدمه

نهادهای و اندیشه‌های سیاسی در طول تاریخ ایران از دوران باستان تا دوره معاصر، تعامل و ارتباط مؤثری با یکدیگر داشته‌اند؛ از این رو، بخش چشمگیری از اندیشه سیاسی در ایران، به تأمل و تفکر درباره ساختار سیاسی و نهاد حکمرانی اختصاص یافته که در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران نیز منعکس شده است. هر چند توجه به نهاد حکمرانی و نگارش رساله‌های تاریخی در این مورد و اندیشه‌ورزی و ایده پردازی در این باره، بسته به مقاطع حساس و بحرانی تاریخ ایران، با فراز و فرود مواجهه، گاه در تندباد حوادث تلخ تاریخی محو یا کمرنگ می‌شد و گاه در بزنگاه‌های تاریخی، چهره عیان می‌کرد؛ به هر روی، تأمل در روند نزولی یا صعودی ایده نهاد حکمرانی در ایران شایسته تحقیق و پژوهش است. این مقاله ضمن واکاوی برخی از آموزه‌های اندیشه سیاسی در ایران از دوران باستان تا دوره معاصر، سیر تحول تاریخی برخی از مفاهیم و مؤلفه‌های اندیشه سیاسی از جمله مفهوم «فره ایزدی» را مورد تحقیق و تأمل قرار می‌دهد و بدین منظور به پژوهش در نظریات سیاسی برخی از اندیشمندان بزرگ ایران دوره اسلامی، همچون شهاب‌الدین سهروردی، ملاصدرا، محمدحسین نائینی و امام خمینی می‌پردازد.

هدف محوری و اساسی این تحقیق، پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان از سیر صعودی یا فزاینده یا به عبارت دیگر، نوعی پیشرفت در ایده نهاد حکمرانی در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران سخن گفت؟ به عبارت دیگر، آیا تاریخ اندیشه سیاسی در ایران صرف نظر از فراز و فرودهای آن، بر سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی از دوران باستان تا دوره معاصر، دلالت دارد، یا اینکه بیانگر زوال و انحطاط تاریخی است؟

در راستای پاسخ به این پرسش، ضمن استفاده از روش پژوهش کیفی و با اتخاذ رویکرد تاریخی - تحلیلی، این فرضیه تدوین و تبیین شده است که «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، صرف نظر از فراز و فرودهای آن، بر سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی از دوران باستان تا دوره معاصر (رهبری امام خمینی) دلالت دارد.»

برای آزمون این فرضیه، در نخستین مباحث، به بررسی نهاد حکمرانی در ایران باستان و حکمرانی مبتنی بر «فره ایزدی» پرداخته می‌شود. سپس نظریاتی همچون نظریه «قطب»

شهاب‌الدین سهروردی، «انسان کامل» ملاصدرا، «حکومت مشروطه» محمدحسین نائینی و «ولایت مطلقه فقیه» امام خمینی مورد تأمل قرار می‌گیرد.

### ۱. پیشینه تحقیق

ایده نهاد حکمرانی در تاریخ اندیشه‌های سیاسی از قدمت و گستردگی چشمگیری برخوردار است. فیلسوف شناخته شده‌ای همچون هگل با تدوین رساله‌هایی تحت عنوان «عقل در تاریخ» و «پدیدارشناسی روح» و نیز در آموزه‌های فلسفه تاریخ خود، ضمن تأکید بر سیر تکاملی تاریخ و پیشرفت و ترقی، بر این اعتقاد بود که کشور (دولت) عین و مظهر آزادی فرد، فرآورده تکامل مطلقاً ضروری عقل کل، گوهر اخلاقی خودآگاه، تجسمی از مطلق و مخلوق روح کلی است که در طول اعصار گذشته برای نیل به غایات خود کوشیده و در نهایت، خود غایت است. ساموئل هانتینگتون نیز در نظریه خود با عنوان: «نوسازی (مدرنیزاسیون) و نهادمندی سیاسی» دو مفهوم «نهاد» و «نوسازی» را در ارتباط با یکدیگر تجزیه و تحلیل کرده است؛ اما اندیشمند دیگری همچون سید جواد طباطبایی به‌رغم تأثیرپذیری از هگل، نظریه «زوال اندیشه سیاسی در ایران» را تدوین و در کتابی با عنوان *زوال اندیشه سیاسی در ایران: گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران* ارائه کرده است. برخی دیگر از اندیشمندان ایرانی نیز از تداوم اندیشه سیاسی در ایران سخن گفته‌اند. سید محمدناصر تقوی از جمله پژوهشگرانی است که با نگارش کتابی تحت عنوان *دوام اندیشه سیاسی در ایران: ارزیابی تحلیلی نظریه زوال اندیشه سیاسی*، ضمن نقد نظریه زوال طباطبایی، مفهوم دیگری به نام «رکود» را مطرح کرده و در خصوص روند تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران اعلام کرده است که تحلیل این حرکت فروکاهنده را به هیچ عنوان با «شرایط امتناع» و «انحطاط منتهی به زوال» قابل توصیف نمی‌داند و بنابراین در کتاب یاد شده، در خصوص «فروکاست اندیشه» مورد نظر خود، جایگزینی به نام «شرایط رکود» را پیشنهاد کرده و این جایگزینی را نه یک تغییر نام صوری و اسمی که یک آلترناتیو محتوایی برای شرایط زوال و امتناع دانسته است. با این وصف، در این مقاله، وجهی از پیشرفت اندیشه سیاسی در تاریخ ایران، یعنی پیشرفت وجه نهادی اندیشه، مورد تبیین و تدوین قرار گرفته است.

## ۲. نهاد حکمرانی در ایران باستان

«اندیشه سیاسی ایران شهری» بیانگر قدمت اندیشه سیاسی در ایران و نیز جایگاه اندیشه سیاسی در ایران باستان است. در اندیشه سیاسی ایران شهری، «پادشاه» نقشی محوری و جایگاهی کانونی داشته است؛ از این رو، گفته شده است:

در طول این دوره طولانی [عصر امپراتوری] یک هزار و پانصدساله، شاه به عنوان قدرت برتر و فائق کشور، قانون‌گذار اصلی شناخته می‌شد. شاه نه فقط قوانین ابداعی و ابتکاری خویش را با سران و بزرگان قبایل و رؤسای خاندان‌های بانفوذ محلی در میان می‌نهاد، بلکه صلاح‌دید مغان و موبدان دینی را نیز در وضع قوانین عرفی و سنتی به همکاری و تبادل اندیشه می‌طلبید و نظریات آنان را هم از نظر دور نمی‌داشت (مصطفوی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶)

هرچند با ظهور سلسله ماد نهاد شهریاری در اندیشه سیاسی ایران پا گرفت؛ اما دامنه قدرت مادی‌ها و کشورگشایی آنان محدود به سرزمین‌های اطراف و در حد دفع تهاجم همسایگان خود بود؛ اما با سلسله پرقدرت هخامنشیان، به‌ویژه با دو سرسلسله مقتدر آن - کوروش و داریوش - بود که شهریاری ایرانی، به یک امپراتوری عظیم بدل شده، گستره وسیعی از آسیای غربی تا آسیای مرکزی را تحت استیلای خویش درآورد (رضایی‌راد، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۵).

در ایران باستان، نهاد پادشاهی هخامنشی و ساختار قدرتمند حکمرانی آن، چنان برای مورخان و محققان شناخته شده که در توصیف آن اظهار شده است: «هخامنشیان در دانش سیاسی به‌عنوان اولین حکمرانی مستقل و عقلانی در تاریخ بشر شمرده می‌شوند» (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۹، ص. ۷۹).

## ۳. حکمرانی مبتنی بر فره ایزدی

آنچه در نظام سیاسی پادشاهی و حکمرانی در ایران باستان، اهمیت ویژه‌ای داشت، «فرّه ایزدی» بود. به‌همین دلیل، تنها شخصی می‌توانست در جایگاه پادشاه هخامنشی قرار گیرد که از «فرّه ایزدی» برخوردار باشد: «نظام سیاسی هخامنشی، پادشاهی بود که در آن، مردم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نقشی در اداره امور کشور نداشتند؛ بنابراین حق اعتراضی برضد حاکمیت به رسمیت شناخته نشده بود... به سبب بسته بودن ساختار حاکمیت، تنها کسانی

حق حکمرانی داشتند که از تبار شاهی یا از فره‌مندی برخوردار باشند» (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۹، صص. ۱۲۳-۱۲۲).

فرهنگ رجایی در کتاب تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، ضمن به کارگیری مفهوم «دولت- فرهی»، در مورد غایت زندگی سیاسی در ایران باستان نوشته است:

پیامد جالبی که بر همترازی دین و دنیا از یکسو و بر یکتاپرستی در نزد ایرانیان مترتب است، «دوگانگی اخلاقی» یا اعتقاد به نیروی خیر و شر است. نیروی خیر در پی تحقق بخشیدن به راستی است و نیروی شر و پلیدی به دنبال تحقق بخشیدن به دروغ. جهان حاکی عرصه رقابت میان این دو نیرو است. انسان در زمین برای کمک به پیروزی نیروی راستی خلق شده است. راستی که با اصطلاح ارته از آن یاد می‌شود دربرگیرنده گستره فراخی است. نظم و نسق دنیا در اساس و سرشت بر ارته استوار است، به همین دلیل رسیدن به آن یک آرمان است؛ از این رو، ارته را درستی، عدل، نظم، حقانیت، فضیلت و کمال نیز ترجمه کرده‌اند (رجایی، ۱۳۷۲، ص. ۶۳).

شاه آرمانی در کانون این نظام، وظیفه انطباق این نظم زمینی را با آن نظم آسمانی بر عهده داشت. در سایه چنین شاه آرمانی، جامعه پیوسته در حال رشد، ترقی و رو به تعالی است. او بر ضد تئوری (مظهر زوال و نابودی) است (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۹، ص. ۸۱). در نتیجه، ابتدای نظام اندیشه ایران باستان بر دو نیروی خیر و شر از یکسو و ابتدای حکمرانی بر پادشاهی مبتنی بر فره ایزدی از سوی دیگر، «شاه آرمانی» را به مرکز ثقل اندیشه سیاسی در ایران باستان تبدیل کرده است.

در اندیشه ایرانشهری، خداوند پرتوی از نور خود را در نهاد پادشاه قرار داده است و در دستان وی ترازوی عدالت قرار داده است؛ بنابراین یکی از ارکان اندیشه ایران شهری، رابطه دین و دولت است؛ از این رو، اخوان کاظمی در این باره نوشته است: «سلب شدن فره ایزدی از نظر شاهنامه به دو سبب است: یکی تمرد مستقیم در برابر خدا، یعنی ادعای خدایی کردن (جمشید) و دیگری، تمرد غیرمستقیم در برابر خدا، یعنی بیدادگری نسبت به خلق خدا» (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱).

آشوب دینی، فروپاشی ناشی از شکاف اجتماعی و اختلاف طبقاتی، زوال اقتصادی و تحمیل مالیات‌های سنگین بر مردم، در دوران حکمرانی یزدگرد سوم واپسین شاهنشاه ساسانی، پادشاهی وی را چنان دستخوش ضعف و فرسودگی نموده بود که سلب شدن فره ایزدی از وی به ذهن متبادر می‌شد. در نتیجه، با یورش عرب‌ها به ایران، پادشاهی ساسانیان و نیز نظام شاهنشاهی در ایران باستان سقوط کرد و دوره اسلامی و نیز حکمرانی دستگاه خلافت عربی در ایران آغاز شد. به همین سبب، طباطبایی یادآور شده است: «ابن مقفع، در دوره‌ای که آن را «دو قرن سکوت» نامیده‌اند، به کوششی بی‌سابقه به تجدید نوعی از اندیشیدن ایرانی دست زد تا راه استقلال دیگر باره ایران از خلافت را هموار کند» (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۴).

فارابی نیز ضمن نفی تغلب سیاسی و مشروعیت حکمرانی مبتنی بر زور که نظریه مقبول اهل سنت بود، مخالف حکمرانی خلافت عربی هم بود؛ زیرا «با تکیه بر دریافت تشیع فلسفی و با توجه به تفسیر افلاطونی مقام شریعت در مدینه‌های موجود نمی‌توانست با ادعای خلافت عربی ظاهری... میانه‌ای داشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۸، صص. ۱۵۷-۱۵۶)؛ از این رو، به منظور احیای جامعه و بازیابی هویت ایرانی، به طراحی و تجویز جامعه‌ای مطلوب یا مدینه‌ای فاضله پرداخت. چنانچه در دستگاه فلسفی فارابی، احیای پیوند باستانی دین و سیاست همچون نظریه شاهی آرمانی مورد توجه واقع و بدین سبب گفته شده است: «فارابی، از سویی، به نظریه شاهی آرمانی اندیشه سیاسی ایران شهری نزدیک می‌شود و از سوی دیگر، نظریه نبوت را در بحث خود وارد می‌کند... فارابی، از سویی، با تعریف سیاست به سلوکی برای نیل به سعادت، از سیاست تعریفی «اخلاقی» عرضه کرد، اما از سوی دیگر، سیاست را نیز در مقایسه با اخلاق علم برین دانست» (طباطبایی، ۱۳۹۸، صص. ۱۸۱-۱۶۳)؛ بنابراین فارابی مدینه فاضله خود را چنان ترسیم کرد که با تدوین تشیع فلسفی، امکان حکمرانی مبتنی بر تفکر شیعی و نظریه امامت شیعی را فراهم آورد تا احیای ارزش‌ها و هویت فرهنگی - تاریخی ایران را به دنبال داشته باشد. در نتیجه، «فارابی... ریاست مدینه فاضله را به شخصی تفویض می‌کند که حکمت و ریاست را توأمان داشته باشد و او کسی جز امام در معنای شیعی آن... نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۸، صص. ۱۵۹-۱۵۸)؛ چرا که «شاه آرمانی در اندیشه ایران شهری، مانند رئیس اول در فلسفه سیاسی ابونصر فارابی، «همچون پروردگاری بر روی زمین» عمل می‌کند که از برکت وجود او همه جا آبادان و زمین و زمان به کام مردمان می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۱).

#### ۴. نظریه «قطب» شهاب‌الدین سهروردی

اینک که برخی از ویژگی‌های اندیشه سیاسی ایران باستان و حکمت خسروانی به رشته تحریر در آمد، بایستی به نقش برجسته سهروردی در تجدید و تداوم آن اندیشه نیز توجه داشته باشیم. چنانچه سید جواد طباطبایی در این باره نوشته است:

درباره اقدام سهروردی در «تجدید حکمت خسروانی» و بازگشت به اندیشه ایرانشهری فرزندگان دوره باستان، به اجمال باید اشاره کنیم که حکمت اشراق او، از دیدگاه تکوین آگاهی «ملی» ایرانیان در دوره اسلامی، حلقه واسط میان حماسه فردوسی و شعر حافظ بود و چنانکه هانری کربن بر پایه تفسیر فلسفی خود از حکمت اشراق و به‌ویژه رساله‌های تمثیلی شیخ مقبول توضیح داده است، باید این تجدید حکمت خسروانی را به‌عنوان گذار از حماسه «ملی» تاریخی ایرانیان به «حماسه معنوی» فهمید (طباطبایی، ۱۳۹۸، ص. ۳۶۴)

فیلسوف فرانسوی هانری کربن از «اسلام ایرانی» سخن گفته و بر این نظر است که حتی قبل از شیخ اشراق نیز آثاری از گذار و تداوم اندیشه ایرانشهری در ایران دوره اسلامی وجود داشت؛ اما پس از شیخ اشراق دیگر بحث از اثرات مطرح نیست، بلکه «حضور انکارناپذیر واقعه‌ای معنوی» در برابر ما قرار می‌گیرد که پس از سهروردی نیز اثر خود را بر «سنت اشراقی در ایران دوره اسلامی» برجای گذاشته است (Corbin, 1971, p. 212).

به همین دلیل شیخ اشراق، خود را حلقه‌ای می‌داند از زنجیره حکمای خسروانی که سلسله آنان به کیخسرو می‌رسد (مسکوب، ۱۳۸۱، ص. ۹۵)؛ اما آنچه از اهمیت خاصی برخوردار گردیده، بسط مفهوم فرّه ایزدی به وسیله سهروردی بوده است؛ چراکه مفهوم «فر» در حکمت اشراق سهروردی به کار گرفته شده و به همین دلیل گفته شده است:

فرّ کیانی، همان است که به‌صورت کیان خُرّه، در حکمت اشراق وارد شده و این فری نیرومند است که به کیان، شاهان دانشمند و فاضل، آنان که شخصیت برجسته‌ای چون زرتشت و یا جمشید و کی خسرو یا فریدون داشتند تعلق می‌گرفت. هر کسی که فرّ کیانی را بر اثر دادگری، پارسایی و نیک‌ورزی، حکمت و عرفان به دست می‌آورد تا وقتی که شایسته داشتن آن بود، از حمایت فرّ یا خُرّه برخوردار می‌شد؛ اما اگر از راه عرفان و یزدان‌شناسی و عبادت خداوند و خدمت به خلق منحرف می‌شد، فرّ کیانی از وی مفارقت کرده و

جدا می‌شود (رضی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۶)

از دیدگاه حکمت اشراق، اصطلاح کیان خُرّه در نمود عرفانی و شناسایی ذات حق و تهذیب نفس جایگاه ویژه‌ای دارد. سهروردی، کیان خُرّه را از قول زرتشت نقل کرده که او عالم را به دو بخش تقسیم کرده است یکی عالم مینوی که عالم نورانی و روحانی است و دیگری عالم گیتی که عالم طلسم و جسمانی است و گوید نوری که از عالم نورانی و روحانی بر نفوس قاضله فایض می‌شود که اعطای رأی ثاقب کرده و مستفیض را تأیید و کمک می‌کند و به واسطه آن، نفوس منور می‌شوند و تابش آن اتم و اکمل از خورشید است و در زبان پهلوی «خُرّه» گویند که از ناحیه حق ساطع می‌شود. مرتبت کامل این نور را که مخصوص به ملوک و شاهان است، «کیان خُرّه و الرأی» (رأی: آتش و نور) نامیده‌اند که موجب قاهریت و برتری می‌شود (رضی، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۴)

مراد از «اشراق» در تفکر سهروردی، در واقع ظهور نور الهی بر دل و جان سالک است. مبدأ این نور همان علم الهی است که پرتوی از آن به نام عقل از مشرق نورانیت کل وجود اهل‌الاشراق نازل می‌گردد؛ بنابراین اشراق، شهود، تجلی و ظهور عالم وجود در نفس ناطقه است (بهداروندیانی، ۱۳۸۱).

تعامل دو مفهوم «فرّه ایزدی» یا «خورنه» با مفهوم «قطب»، در حکمت اشراق سهروردی، دستگاه اندیشه‌ای منسجمی را به وجود آورده؛ بدین ترتیب که دریافت فره به‌عنوان نوری از نورالانوار، مقام قطب را پدیدار ساخته است:

معنای قطب نزد وی [سهروردی] با نورالانوار در هستی مرتبط است. قطب در نسبت‌های انسانی و معنوی پدیدار می‌گردد؛ اما نورالانوار عنوان هستی‌شناسی داشته و سهروردی در مقدمه حکمه‌الاشراق این دو را به یکدیگر پیوند داده است. نظر به مقام قطب در مقدمه حکمه‌الاشراق نشان می‌دهد که او به دنبال دست یافتن به تفسیری از قطب بوده که تا پیش از وی طرح نشده است. ابداع وی با پیوند معنای قطب به نظریه سیاسی فلسفه اشراق آغاز شد. نظریه سیاسی فلسفه اشراق بدون فرض قطب که در رأس آن قرار دارد قابل طرح نیست (سید عرب، ۱۳۹۹، صص. ۲۹-۳۰)

سید جواد طباطبایی به سازگاری نظریه شاهی آرمانی با حکمت اشراق سهروردی در جملات ذیل تصریح کرده است:

پادشاه، به لحاظ اینکه دارای فره ایزدی است، خود عین شریعت است و از این رو در تحول فلسفه سیاسی در دوره اسلامی و حتی با فارابی، مفهوم حکیم حاکم افلاطونی با توجه به مفهوم شاه آرمانی اندیشه سیاسی ایرانشهری تفسیر و درک شده است. از این حیث، تفسیر اشراقی... و عرفانی اندیشه سیاسی ایرانشهری... از بنیاد با روح نظریه شاهی آرمانی سازگاری دارد (طباطبایی، ۱۳۹۹، صص. ۱۶۵-۱۶۴)

سهروردی نسبت به حکمرانی مبتنی بر تغلب و استیلا که در زمانه وی سیاستی متداول و مرسوم بود، دیدگاهی انتقادی داشت و ریاست تغلب را در بسیاری از موارد مستحق مخاطبه باری تعالی نمی دانست. سید جواد طباطبایی در این خصوص نوشته است: «دریافت فلسفی نظریه شیعی امامت و حکمت اشراق سهروردی، به ویژه از دیدگاه پیامدهای سیاسی، همسویی خاصی دارند؛ زیرا آن دو با دفاع از نظریه تداوم ظاهر نبوت در باطن امامت و ولایت بر این نکته اساسی التفات پیدا کرده اند که قول به بسته شدن دایره نبوت مستلزم طرح سیاستی مبتنی بر تغلب است» (طباطبایی، ۱۳۹۸، صص. ۱۵۸-۱۵۷).

سهروردی ضمن نفی حکمرانی مبتنی بر تغلب و با فاصله گرفتن از نظریه استیلای اهل سنت و همسویی با نظریه شیعی امامت، نظریه قطب را در قالب رهیافتی عرفانی تدوین و تجویز کرده و به حکمرانی حکیمی برخوردار از کیان خُره و تأیید ایزدی، نظر داده است. در توضیح نظریه قطب در اندیشه سیاسی سهروردی بایستی عنوان نمود که شیخ اشراق، طالبان حقیقت و دانش را به سه گروه تقسیم کرده است: اول طالبان بحث و استدلال، دوم طالبان ذوق و تأله، سوم، طالبان بحث و تأله (سهروردی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص. ۱۲).

در حکمت اشراق، «قطب» در مقام خلیفه‌اللهی و متوغل در حکمتین بحثی و ذوقی (نظری و عملی)، شایسته ریاست و حکمرانی است؛ از این رو، به نظر سهروردی «چون سیاست و حکومت و شمشیر در دست متأله بحث یا متأله صرف باشد، آن زمان زمانی نورانی خواهد بود» (شهرزوری، ۱۳۸۰، صص. ۲۹-۳۰).

تأکید سهروردی بر لزوم حکمت یا سلوک عملی حکیم که ثمراتی همچون حکمت

ذوقی و شهودی را به همراه می‌آورد، سبب شده است که وی قطب یا انسان کامل را کامل در دو حکمت عملی و نظری، یا به عبارت دیگر، سالک و فیلسوف معرفی نماید. در نظر سهروردی، اگر چنین فردی یافت نشد، متوغل در تأله و متوسط در بحث نسبت به دیگران اولویت دارد و اگر چنین فردی نیز یافت نشد، صاحب تأله یا همان حکیم متأله محض، بر باحث محض ترجیح دارد؛ بنابراین سلوک قطب و نیز پیوند نورانی قطب و ولایت، از جایگاهی اساسی و محوری در اندیشه سیاسی سهروردی برخوردار است.

نکته دیگر در نظریه قطب سهروردی این است که به نحوی سلطنت و حکمرانی موروثی مورد مخالفت وی قرار گرفته است؛ چراکه حکمرانی را مبتنی بر استحقاق و شایستگی حاکم و نه وراثت از سلطان قبلی، تدوین و تجویز نموده است.

شیخ اشراق همچنین اعتقاد دارد که ممکن نیست زمین خالی از امثال قطب باشد. این اعتقاد و اندیشه سهروردی نیز زمینه و بستر مناسبی در سیر پیشرفت ایده حکمرانی نهادی در ایران فراهم نمود. چنانچه مهم‌ترین تکلیف مجلس خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی، کشف و معرفی ولی فقیه تلقی گردیده است.

بنابراین:

معنای قطب در فلسفه اشراق مانند نظریه امامت در کلام است. سهروردی با طرح این نظریه قصد داشت غایت فلسفه و تاریخ آن را با ولایت خداوند بر انسان پیوند دهد. پیوند قطب و ولایت در فلسفه اشراق تا اندازه‌ای با ماجرای مرگ سهروردی در حلب هم مرتبط بوده و بعضی از مفسران این حادثه را هم از جمله تمایلات شیعی او قلمداد کرده‌اند (سید عرب، ۱۳۹۹، صص. ۲۸-۲۹)

اندیشه سهروردی و تأثیرگذاری آنچه به لحاظ سلبی و چه به لحاظ ایجابی، چنان صاحبان قدرت و نظام حکمرانی آن روزگار را آشفته و بیمناک نمود که وی از سوی علمای حلب به الحاد متهم گردید، خونس مباح دانسته شد و به دستور صلاح‌الدین ایوبی به زندان افکنده و سرانجام در حلب کشته شد.

## ۵. نظریه «انسان کامل» ملاصدرا

ملاصدرا با تأثیرپذیری از برخی از فلاسفه و حکمای پیشین از جمله فارابی و سهروردی، در فلسفه خویش نظریه «انسان کامل» را مطرح ساخته و حکمت متعالیه را تأسیس کرده است. انسان ملاصدرا افزون بر دو حرکت وجودی اضطراری و حرکت وجودی ارادی، برخوردار از تحولی تاریخی است که بر اساس آن انسان در جریان تاریخ ظهور می‌یابد. ملاصدرا تحول تاریخی انسان را متأثر از تعالیم دینی طرح کرده است که بر اساس روش‌شناسی ملاصدرا و نگاه عرفانی او می‌توان تحول یاد شده را تبیین نمود. تاریخ نزد ملاصدرا از حس آغاز و به مثال، توهم، عقل و مقام عبدیت ختم می‌شود؛ بنابراین تاریخ انسانی نیز همانند نفس انسانی مشمول حکم جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقااست (صلواتی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۶)

هرچند نخستین بار ملاصدرا تقدم وجود بر ماهیت را مطرح کرد و این امر را «اصالت وجود» نامید؛ اما نظریه اصالت وجود وی به شدت از اصالت نور سهروردی متأثر است. ملاصدرا نظریه نور سهروردی را برای اثبات اصالت وجود به کار برد؛ چراکه سهروردی معتقد بود جهان نور بوده و این نور، نامتناهی است. ملاصدرا هم می‌گوید، ماهیات، حدود نور است (نوربخش، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۶-۱۶۵). نظر ملاصدرا این است که مثل افلاطونی، عبارت از عالم عقول مجرده‌اند و همچون سهروردی، آن‌ها را به مثل نوریه تعبیر کرده است.

سهروردی معتقد است نفوس کاملان پس از رهایی از بدنی به انوار قاهر می‌پیوندند و شمار مقدسان و مقربان، یعنی انوار مجرد تا بی‌نهایت افزایش می‌یابند. ملاصدرا سخن او را چنین معنا کرده است که عقل منفعل آنها پس از خروج از قوه به فعل و در کمال عقلی و تجرد از علایق و شواغل، به عقل محض فعال صیوروت می‌یابد. سهروردی نفس ناطقه و نور اسفهبید را از آغاز جزء نور محض به شمار آورده؛ اما ملاصدرا نفس انسان را دارای حدوث جسمانی دانسته است که در اثر حرکت تکاملی، روحانیة‌البقاء می‌شود (نوربخش، ۱۳۹۳، صص. ۴۱۲-۴۱۱).

حسن سید عرب درباره میزان تأثیرپذیری ملاصدرا از نظریه قطب سهروردی گفته است: نظریه قطب در مقدمه حکمة‌الاشراق، ضمن ربط با تمایل شیعی سهروردی، طالب تفسیری تازه بر اساس تفکر هستی‌شناسی است که بدون این قید، نیل

به آن میسر نمی‌گردد. تأثیر تمام این تمایلات در ادوار پس از سهروردی و دست‌کم در تمایل تاریخ فلسفه اسلامی به معارف شیعی به‌وضوح مشهود است. گواه تاریخی این ادعا حوزه فلسفی شیراز و اصفهان است که خط سیر تفکر سهروردی در آن بسیار مشهود بوده و اوج آن حکمت متعالیه ملاصدراست (سید عرب، ۱۳۹۹، ص. ۳۰)

بنابراین ملاصدرا به‌مثابه فیلسوفی که سنت فلسفی پیش از خود را به‌خوبی درک کرده و بر قوت‌ها و ضعف‌های آن آگاهی یافته، کوشیده است تا از همه قوت‌ها و ثمرات شایسته فکری شیخ اشراق در دستگاه فلسفی عظیم خود بهره‌گیرد (یزدان‌پناه، ۱۴۰۱، ص. ۲۲۸). نظام فلسفی صدرایی با محوریت کمال انسانی در کتاب *اسفار اربعه* وی نمود یافت. به همین دلیل کتاب یاد شده به نام «حکمت متعالیه» نیز خوانده می‌شود؛ زیرا ملاصدرا در مجلدات آن، به‌طور مکرر از این اصطلاح استفاده کرده است. بسیاری از نویسندگان با رعایت بی‌طرفی علمی به آثار ملاصدرا نگریسته و به اظهار نظر درباره‌ی وی پرداخته‌اند. در یکی از این موارد گفته شده است:

مواجهه ملاصدرا با حکمة‌الاشراق به درک تاریخی فلسفه اسلامی کمک ویژه کرد. این کتاب نزد ملاصدرا متنی فلسفی قلمداد شد و حکمت متعالیه از آن قابل اقتباس گردید. البته این سخن نافی ابداع‌های ملاصدرا نیست، بلکه مبین این معناست که او در طرح پاره‌ای از مسائل فلسفی در حکمت متعالیه ملهم از حکمة‌الاشراق بوده است. او با انتخاب این مفاهیم البته به بررسی انتقادی آن نیز پرداخت (سید عرب، ۱۳۹۹، ص. ۲۴)

سید صادق حقیقت درباره نظریه انسان کامل ملاصدرا تصریح کرده است:

اگر در اندیشه سیاسی صدر نوآوری وجود داشته باشد، باید آن را در پیوند با نظریه حرکت جوهری جستجو نمود. انسان کامل و رئیس مدینه بر اساس حرکت جوهری به کمالاتی دست می‌یابد و شایستگی رهبری جامعه را پیدا می‌کند؛ بنابراین غایت جامعه نیز بر اساس حرکت جوهری انسان کامل تعریف می‌شود... از دیدگاه ملاصدرا، انسان کامل (نبی، امام و رئیس جامعه) در حرکت جوهری خود به تکامل می‌رسد و ظاهراً این مسئله محوری است که فلسفه سیاسی او را می‌تواند از فلسفه مشاء متمایز نماید...

صدرا از «حکمت سیاسی متعالیه» بحثی به میان نیاورده؛ ولی اگر ما بخواهیم چنین نظریه‌ای را بازسازی کنیم لازم است بر نظریه انسان کامل (که بر اساس حرکت جوهری به کمال خویش دست می‌یابد) تمرکز نماییم (حقیقت، ۱۳۹۹، صص. ۲۵۸-۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۸)

نظریه «انسان کامل» ملاصدرا را می‌توان در رساله اسفار اربعه وی دنبال نمود. ملاصدرا در تفسیر آیه نور این نظریه را دنبال کرده و نوشته است که «انسان کامل» کتاب جامع آیات حق و محلی است که همه حقایق عقول و نفوس در آن منطوی است و کلمه کامله‌ای است مملو از فنون و علم و نسخه مکتوبی است از مثال کن فیکون و آن (انسان کامل) امر وارد به واسطه کاف و نون است، مظهر اسم الله اعظم است، جامع جمیع اسماست، از جهت روح و عقلش قلم اعلی است که ام‌الکتاب نامیده‌اند و از جهت قلب حقیقی او یعنی نفس ناطقه او کتاب لوح محفوظ است و از حیث نفس حیوانی او، دفتر جسمانی است (سجادی، ۱۳۹۷، ص. ۴۰۹). تأملات ملاصدرا در مورد مراتب و جریان ارتقای «انسان کامل»، در واقع تفسیر یا تأویلی از آیه ۵ سوره سجده، یعنی «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» است. در نظر ملاصدرا، انسان کامل به عقل فعال اتصال دارد. عقل فعال در سلسله طولیه عقول، عقل دهم است. این عقل را از آن روی فعال گویند که حاکم بر موجودات جسمانی است و تأثیر اجرام فلکی و کواکب و جسم و جسمانیت به او واگذار شده است که در آن‌ها تدبیر کند. نهایت کمال نفوس انسانی این است که به عقل فعال اتصال یابند و در واقع مجرد و جزء عقل فعال گردند. آن‌چنان که همچون نفوس انبیا و اولیا، دریافت شهودی دارند و علوم را از مبادی عالیه دریافت می‌کنند (ملاصدرا، بی‌تا، ج ۳، ص. ۴۶۱). به نظر ملاصدرا، انسان کامل در قوس نزول از هر مرتبه‌ای که عبور نماید باید متلبس به لباس همان مرتبه شود و در مرتبه بالاتر متلبس به لباس آن مرتبه شود (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۲، ص. ۲۸۷).

نظریه انسان کامل ملاصدرا، بستر و زمینه لازم برای طرح مفهوم «ولایت فقیه» را فراهم نمود؛ چراکه به نظر ملاصدرا، ولایت مأخوذ از ولی است، یعنی قریب و در اصطلاح، قریب و نزدیک به خدا را ولی گویند و ولایت دو گونه عام و خاص است. ولایت عامه برای هر کسی که به خداوند ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، حاصل می‌شود و ولایت

خاصه عبارت از مرتبهٔ فنای در خداوند است. فنای ذاتی، صفاتی و افعالی. پس ولی کسی است که فانی فی الله و متخلق به اسما و صفات او است، آن هم یا عطایی است یا کسبی. ولایت عطایی به قوت انجذاب به حضرت الهیه حاصل می شود (سجادی، ۱۳۹۷، ص. ۵۲۵). ملاصدرا همچنین در رسالهٔ *شواهد الربوبیه* از ولایت مجتهدان در افتا به تصریح سخن گفته است:

بدان که نبوت و رسالت از جهتی منقطع می گردد و از جهتی دیگر باقی است... ولی خدای متعال (پس از قطع نبوت و رسالت) حکم مبشرات و الهامات و حکم ائمه معصومین<sup>(۲)</sup> و همچنین حکم مجتهدین (و ارباب فتاوی را برای افتا و ارشاد عوام) باقی گذاشت؛ اما اسم و نام نبی و رسول را از آنان سلب فرمود؛ ولی حکم آنان را تأیید و تثبیت نمود... بنابراین مجتهدین، پس از ائمه معصومین (در مورد خصوص احکام دین) بدان گونه که از طریق اجتهاد دریافته اند، فتوا می دهند، هر چند در فتاوا با هم اختلاف داشته باشند... همچنین برای هر فردی از مجتهدین از طریق ادلهٔ تفصیله ای که در دست آنان است راه و روش و منهجی قرار داده است و آن راه و روش همان است که دلیل او آن را در اثبات حکم تعیین نموده و عدول و انحراف از آن راه را بر وی حرام کرده است (ملاصدرا، ۱۳۷۵، صص. ۵۱۰-۵۰۹)

در زمانه ای که ارادهٔ شاه قانون تلقی و فرامین زودگذر شاه با تأثیرپذیری از درباریان ابلاغ و اجر می شد، به نحوی که ملاصدرا نیز به دنبال این فرامین، گاه از سوی شاه عباس (اول) صفوی، به کهنک قم تبعید و گاهی دیگر رفع تبعید و به استادی مدرسه خان در شیراز منصوب می گردید، تأیید «ولایت مجتهدان در افتاء» از سوی ملاصدرا حائز اهمیت فراوانی بود؛ زیرا افتا از منصب های فقیه جامع الشرایط و اخص از اجتهاد است. به نحوی که حکم موضوع یا واقعه از منابع فقه شیعه استنباط و صادر می شود. در مورد ولایت فقها در افتا نکات بسیار مهمی وجود دارد. از یک سو، قدرت تأثیرگذاری این نوع از ولایت در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران مشهود و بر همگان آشکار است. چنانچه در همین زمینه، صدور فتوای تحریم تنباکو از سوی سید محمدحسن حسینی شیرازی معروف به میرزای شیرازی در زمان ناصرالدین شاه قاجار، آن چنان عرصه را بر شاه قاجار تنگ نمود که به ناچار امتیاز واگذار شده به کمپانی انگلیسی رژی، یعنی قرارداد انحصاری توتون و

تباکو را ملغی اعلام نمود. این حادثه تاریخی سال‌ها قبل از آشکار شدن نخستین نشانه‌های جنبش مشروطه‌خواهی در ایران اتفاق افتاد و قطعاً در پیشبرد تفکر و جنبش مشروطه در ایران بسیار مؤثر بود.

نکته دیگر این است که فتوای مجتهدان، بنا بر نظر ملاصدرا صرفاً بایستی از منابع فقه شیعه و با رعایت اصول و قواعد مربوطه استنباط گردد و عدول از آن قواعد نیز حرام است؛ از این رو، هرگونه فتوای شرعی، بایستی منطبق با فقه و قواعد فقهی باشد و ولایت مجتهدان در این زمینه در واقع ولایت مبتنی بر فقه است. بدین ترتیب، این ایده ملاصدرا در سیر پیشرفت خود، به حکمرانی مبتنی بر قوانین برخاسته از فقه و قواعد فقهی، متحول گردید؛ چراکه به دنبال تحولات تاریخی پس از آن، زمینه و بستر لازم برای تبدیل بسیاری از آموزه‌های فقهی به مجموعه‌ای از قوانین قابل اجرا و در نتیجه، امکان تأسیس نهاد قانون و قانون‌گذاری در ایران دوره مشروطه فراهم آمد.

### ۶. نظریه «حکومت مشروطه» محمدحسین نائینی

یکی از مهم‌ترین نظریات سیاسی که در رساله تنبیه الأمة و تنزیه الملة محمدحسین نائینی مطرح شده، نظریه حکومت مشروطه است. نائینی هرچند در این رساله به مبانی فکری و ابعاد گوناگون حکومت مشروطه بر اساس نگرش شیعی پرداخته و آن را تجویز کرده و مشروعیت آن را تأیید کرده است؛ اما این نظریه را به دلیل عدم امکان تأسیس حکمرانی مبتنی بر عصمت، در دوره غیبت امام معصوم تدوین کرده است. سید جواد طباطبایی در این باره مرقوم داشته است:

میرزای نائینی بهترین نوع سلطنت مشروطه را نظامی می‌داند که مبتنی بر عصمت باشد که از «اصول مذهب... طایفه امامیه» است. بحث درباره این شیوه فرمانروایی که به سبب عصمت مقام ولایت از شائبه هرگونه عمل خلاف مصالح عمومی دور است، در رساله تنبیه‌الامة در نهایت اجمال آمده است؛ زیرا در دوره غیبت کبری دسترسی به «آن دامن مبارک» ممکن نیست (طباطبایی، الف ۱۴۰۱، ج ۲، صص. ۴۹۰-۴۸۸)

البته میرزای نائینی تأسیس نهادی برای نظارت بر اجرای صحیح احکام را در دوران مشروطیت ضروری دانست و استفاده از پنج فقیه ناظر را در آن نهاد تجویز نمود. چنانچه یرواند آبراهامیان درباره این نهاد یا همان شورای مجتهدان نوشته است:

قانون‌گذاران به تصویب قوانین معارض با شرع مجاز نبودند. شورایی متشکل از مجتهدان، برای بررسی و انطباق قوانین با اسلام و عدم مغایرت آن‌ها با شریعت به تشکیلات مجلس افزوده شد. اعضای این شورا را که باید دست کم پنج نفر می‌بودند، نمایندگان مجلس از میان بیست نفر به پیشنهاد علما انتخاب می‌کردند. این شورا تا زمان ظهور حضرت مهدی (عج) باید برقرار می‌ماند؛ هر چند تا انقلاب سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ تشکیل نشد (آبراهامیان، ۱۴۰۰، ص. ۹۶)

باید توجه داشت که میرزای نائینی با تأثیرپذیری از علمای پیشین از جمله ملاصدرا و با توجه به اوضاع زمان خود و فساد برخاسته از حکمرانی قاجاریه، مشروعیت حکومت مشروطه را صرفاً از باب دفع افسد به فاسد تجویز نمود. به همین دلیل میرزای نائینی درباره نیابت قطعی فقها در عصر غیبت نوشته است:

آنکه از جمله قطعیات مذهب ما - طائفه امامیه - این است که در این عصر غیبت - علی مغیبه السلام - آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن، حتی در این زمینه هم معلوم باشد، «وظائف حسیه» نامیده، نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن و ثابت دانستیم حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب؛ و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام و بلکه اهمیت وظائف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامی از تمام امور حسیه از اوضح قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظائف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود (نائینی، ۱۴۰۱، صص. ۷۶-۷۵)

وضع قانون و تشکیل نهاد قانون‌گذاری به منظور تبدیل سلطنت مستقل به مشروطه، صرفاً با اتکای به ارزش‌ها و قواعد موجود و مدون جامعه ممکن بود. به قول طباطبایی: «خودکامگی قاجاری، در ادامه استبداد کهنی که بر کشور فرمان می‌راند، فقدان نظام حقوقی و نهاد اجرایی آن، مهم‌ترین عواملی بودند که نابسامانی درازآهنگی را بر کشور حاکم کرده بودند» (طباطبایی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۹).

در نتیجه، تنها قواعد موجود، مشروع، مردمی و در دسترس برای وضع قانون، قواعد فقهی بود؛ از این رو، طباطبایی نوشته است:

فقه، نه تنها به سبب جایگاه آن در نظام سنت قدمایی، بلکه با توجه به پیوندهایی که با مجموعه نظام اجتماعی داشت و متکفل تنظیم مناسبات آن بود، بخشی پویا از نظام سنت قدمایی به شمار می‌آمد. سبب اینکه از میان اهل نظر سنت قدمایی تنها گروه‌هایی از فقهای اصولی، با آغاز بحران خودکامگی، پای به میدان گذاشتند، این بود که مشروطیت نظریه‌ای در حکومت قانون است و نظریه حکومت قانون نسبتی با نظام حقوق شرع آنان داشت (طباطبایی، الف، ۱۴۰۱، ص. ۶۱۵)

در نتیجه، ایده حکمرانی مبتنی بر قوانین برخاسته از فقه شکل گرفت و میرزای نائینی ضمن تأکید بر حکومت مشروطه به‌ویژه مجلس قانون‌گذاری آن و نیز تجویز شورای ناظری از مجتهدان در آن مجلس، در هنگام دفاع از مشروعیت مشروطه، بر ولایت فقها حداقل در امور حسیه نیز اعتقاد داشت. به همین دلیل است که مشروطیت مرتبه نازله ولایت فقیه دانسته شده است: «مرحوم آخوند خراسانی، مرحوم نائینی، مرحوم شیخ عبدالله مازندرانی و مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از بنیان‌گذاران مشروطیت بوده‌اند و مشروطیت را به‌عنوان مرتبه نازله ولایت فقیه و نیابت عامه فقها و ریاست عامه ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> مطرح کرده و از آن حمایت کرده‌اند» (آذری قمی، ۱۳۷۲، ص. ۱۰۳).

## ۷. نظریه «ولایت مطلقه فقیه» امام خمینی

به‌رغم پیروزی جنبش مشروطه در شکست استبداد قاجاری و ایفای نقش مؤثر علما و نخبگانی همچون میرزای نائینی در تبیین مشروعیت حکومت مشروطه، به دنبال افول جنبش مشروطه و تأسیس سلطنت پهلوی، بار دیگر فضای استبدادی در ایران حکم‌فرما گردید؛ بنابراین امام خمینی بر اساس نظریه شیعی امامت، به نقد حکمرانی حکومت پهلوی و مخالفت با آن پرداخت که به همین دلیل دستگیر و به خارج از کشور تبعید گردید.

امام خمینی دولت‌سازی و حکمرانی در عصر غیبت امام معصوم بر اساس فقه شیعی را با تدوین نظریه «ولایت مطلقه فقیه» رهبری و هدایت نمود؛ از این رو، گفته شده است: «تجربه

اخیر ایران در خصوص «دولت سازی» محصول فرایند سیاسی طولانی تری است که در طول قرن گذشته ادامه داشته است. این فرایند سیاسی وضعیتی را به وجود آورده که مبارزه و کشمکش جاری بر سر قدرت در چهارچوب آن جریان دارد» (قیصری و نصر، ۱۴۰۱، صص. ۲۳-۲۴).

با تأمل در نظریه «ولایت مطلقه فقیه» امام خمینی، دو نکته اساسی مشاهده می‌شود: یکی قدمت بحث ولایت مجتهدان در اندیشه ملاصدرا و بحث ولایت فقها در اندیشه میرزای نائینی که امام خمینی از این مباحث بهره‌برداری نمود و نکته دیگر، نهادگرایی امام خمینی در تشکیل نظام جمهوری اسلامی است که استفاده ایشان از تجربه نظام مشروطه و آثار علمای آن دوره از جمله میرزای نائینی و تحریرات نائینی در خصوص ضرورت و مشروعیت نهاد قانون‌گذاری را آشکار می‌سازد. در همین زمینه، برخی نویسندگان با اشاره به تأثیر ملاصدرا بر امام خمینی، نوشته‌اند:

با حکمت سیاسی متعالیه دور جدیدی در اندیشه سیاسی شیعه آغاز شد که نشان‌دهنده چالش و نزاع بیش‌ازپیش میان نظم سلطانی و سیاست دینی بود. این دور جدید، همان‌طور که فیرحی به درستی اشاره کرده بود، روز به روز زمینه را برای ولایت سیاسی مجتهدان فراهم کرد تا در قالب ولایت فقیه و در دوره معاصر به دست فقهی فیلسوف و فیلسوفی فقیه، آن‌هم از نوع صدرایی، یعنی امام خمینی به منصف ظهور رسید (لک‌زایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۲)

بنابراین نظریه ولایت مطلقه فقیه امام خمینی در تکمیل سیر اندیشه سیاسی سهروردی، ملاصدرا و نائینی مطرح شد. البته به اعتقاد ورعی، امام خمینی از ابتدا بر این باور بود که اختیارات حکومت نمی‌تواند در چهارچوب «امور حسبیه» از یک سو و «احکام اولیه» از سوی دیگر باشد؛ زیرا دلایل عقلی و نقلی را برای اثبات ولایت عامه فقیه تمام می‌دانست و محدودیت اختیارات معصوم یا فقیه در مورد احکام را به چهارچوب احکام الهی، مستلزم «لغویت جعل ولایت» برای ایشان می‌شمرد (ورعی، ۱۴۰۱، ص. ۴۷).

از نظر امام خمینی، هر چند حکومت به اجرای احکام شریعت متعهد است؛ اما از یک سو، «در صورتی که در مقطعی خاص، رعایت یکی از احکام الزامی شرع (وجوب یا حرمت) را برخلاف مصلحت بداند، مادامی که مصلحت چنین اقتضایی دارد، نه تنها می‌تواند به طور

موقت التزام به آن را متوقف نماید، بلکه می‌تواند قوانین و مقرراتی وضع کند که بسا به تعطیلی نظامات اجتماعی شرعی منتهی شود» از سوی دیگر نیز «حکومت می‌تواند در قلمرو مباحات قانون وضع کرده و اجرای آنها را الزام نماید»؛ بنابراین «امام خمینی از ابتدا قلمرو اختیارات فقیه عادل را که متصدی حکومت می‌شود، فراتر از اجرای احکام فرعی شرعی دانسته و برای وی قانون‌گذاری بر اساس مصلحت عمومی را جایز می‌دانست» (ورعی، ۱۴۰۱، صص. ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۶۷).

هرچند از نظر امام ولایت فقیه از اختیارات مطلقه، گسترده، عام و فراتر از چهارچوب احکام اولیه برخوردار است؛ اما پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، با اتخاذ رویکرد حکمرانی نهادی از سوی ایشان، اختیارات ولی فقیه عمدتاً در قالب اختیارات حکومت و نهادهای حاکمیتی بازتاب یافت. مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری، از مهم‌ترین نهادهای حکمرانی به شمار می‌آیند که در جمهوری اسلامی با تأیید امام خمینی تشکیل شدند.

مجلس شورای اسلامی چنان جایگاهی نزد امام داشته که به‌رغم مخالفت شورای نگهبان با هرگونه اظهار نظر مجلس درباره وضع قوانین ضروری بر اساس احکام ثانویه، ایشان تشخیص صدق این عناوین را که تصور می‌شد در صلاحیت فقیهان است، با تحریر مرقومه‌ای در ۱۹ مهر ۱۳۶۰، به اکثریت نمایندگان مجلس واگذار و این اجازه را صادر نمود که حتی گاهی می‌توان با تشخیص صدق عنوان ثانویه، موقتاً از احکام اولیه شرع نیز عبور کرد:

آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حَرَج است پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت و کلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن ما دام که موضوع محقق است، و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن؛ و باید تصریح شود که هر یک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص. ۲۹۷)

افزون بر آن، امام خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۶۱، با صدور پیامی خطاب به ملت ایران و مسئولین نظامی، ضمن اینکه مجلس را در رأس همه نهادها دانست، در مورد احکام اولیه و ثانویه گفت مجلس محترم شورای اسلامی که در رأس همه نهادهاست، در عین حال که از اشخاص عالم و متفکر و تحصیلکرده برخوردار است، خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحب نظر خود در کمیسیونها دعوت کنند که با برخورد نظرها و افکار، کارها سریعتر و محکمتر انجام گیرد. و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظر خواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد. و این نکته نیز لازم است که تذکر داده شود که رد احکام ثانویه پس از تشخیص موضوع به وسیله عرف کارشناس، با رد احکام اولیه فرقی ندارد، چون هر دو احکام الله می‌باشند. و نیز احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد و پس از رأی مجلس و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق رد آن را ندارد، و دولت در اجرای آن باید بدون هیچ ملاحظاتی اقدام کند. و با تشخیص دو سوم مجلس شورای اسلامی که مجتمعی از علمای اعلام و مجتهدان و متفکران و متعهدان به اسلام هستند، در موضوعات عرفیه که تشخیص آن با عرف است، با مشورت از کارشناسان، حجت شرعی است که مخالفت با آن بدون حجت قویتر خلاف طریقه عقلاست. چنانچه تغییر احکام اولیه، با شک در موضوع و عدم احراز آن با طریقه عقلا مخالف است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، صص. ۳۲۱-۳۲۰)

البته افزون بر نقش نهادی مجلس در اندیشه سیاسی امام خمینی، تشکیل شورای نگهبان - که یادآور شورای مجتهدان مورد تأکید میرزای نائینی بود- نهادگرایی امام خمینی در حکمرانی را نشان می‌دهد. امام خمینی در واقع با استناد به مبانی شریعت و پیشینه و جایگاه برجسته ولایت فقیه در فقه اسلامی، سعی نمودند که از یک سو، دیدگاه و برداشت سنتی و تاریخی نظریه ولایت فقیه را که بر جنبه فردی و غیر نهادی تأکید داشت، به سمت وسوی ایده حکمرانی نهادی و نهادهای حاکمیتی به‌ویژه قانون، مجلس و به‌صورت کلی، در قالب نظام جمهوری اسلامی، سوق دهند. از سوی دیگر، اختیارات گسترده ولی فقیه را در ساختار و سیستم تصمیم‌گیری نهادهای حاکمیتی تعبیه نمایند. به‌نحوی که حکومت و نهادهای آن،

از اقتدار و اختیار لازم برای اعمال قدرت و حکمرانی برخوردار گردند. بنابراین اندیشه سیاسی امام خمینی با توجه به جایگاه رهبری ایشان در جامعه اسلامی، با واقعیت‌ها و الزامات عملی حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی، هماهنگی قابل توجهی را نشان می‌دهد. به همین سبب، نظریه ولایت فقیه، در اندیشه امام خمینی به نظریه‌ای مشعر بر حکمرانی نهادی تحول یافت و اختیارات گسترده ولی فقیه، در ساختار و سیستم تصمیم‌گیری نهادهای حاکمیتی تعبیه گردید تا نحوه و چگونگی حکمرانی، با ماهیت نظام جمهوری اسلامی تناسب داشته باشد. آن‌چنان‌که ورعی ضمن تأکید بر نهادمحوری موجود در نظریه ولایت مطلقه فقیه امام خمینی، در مورد حکمرانی نهادی یادآور شده است:

چه‌بسا زبان منابع دینی که از اختیارات فقیه واجد شرایط سخن گفته و از کلیدواژگانی چون سلطان، حاکم و فقیه استفاده شده که ظهور در «فرد» دارد تا «نهاد»، به تناسب شرایط زمان و نوع حکومت‌ها در گذشته بوده است... اطلاق ولایت فقیه به معنای اختیارات گسترده وی، به جای آنکه اختیارات فرد دانسته شود، اختیارات سیستم و نظام سیاسی شمرده می‌شود (ورعی، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۹)

### نتیجه‌گیری

پادشاه در اندیشه سیاسی ایرانشهری، جایگاهی محوری داشت و پیوند شاه آرمانی ایران باستان با «فرّه ایزدی» نیز آموزه‌ای بنیادین در اندیشه سیاسی در طول تاریخ ایران بود؛ از این رو، مفهوم فرّه ایزدی یا فرهمندی حکمران، بر حکمت اشراق سهروردی مؤثر واقع گردید و نظریه «قطب» از سوی وی تدوین و مطرح شد. همچنین سیر تاریخی اندیشه سیاسی در ایران، از یک سو، تأثیر انسان‌شناسی سهروردی بر نظریه «انسان کامل» ملاصدرا را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، مطرح شدن ایده ولایت مجتهدان در افتا از سوی ملاصدرا را آشکار می‌سازد. ایده‌ای که ولایت مبتنی بر فقه و قواعد فقهی را گوشزد می‌کرد و به مبنایی برای طرح ایده حکمرانی مبتنی بر قوانین برخاسته از فقه شیعی و نیز اعلام مشروعیت نهاد قانون‌گذاری در نظریه «حکومت مشروطه» میرزای نائینی تبدیل شده اما توجه جدی میرزای نائینی به «ولایت فقیه» نیز غیرقابل کتمان است. چنانچه در نهایت سیر تحول تاریخی در اندیشه سیاسی و ایده نهاد حکمرانی، منجر به تدوین نظریه «ولایت مطلقه فقیه» از سوی امام خمینی

گردید. نظریه‌ای که در اندیشه سیاسی امام خمینی به نظریه‌ای مشعر بر حکمرانی نهادی تحول یافت؛ چراکه اختیارات گسترده ولی فقیه، در ساختار و سیستم تصمیم‌گیری نهادهای حاکمیتی تعبیه گردید. بدین ترتیب، بررسی تأثیر و تأثر و نیز سیر و تحول تاریخی نظریات «قطب» شهاب‌الدین سهروردی، «انسان کامل» ملاصدرا، «حکومت مشروطه» محمدحسین نائینی و «ولایت مطلقه فقیه» امام خمینی نشان می‌دهد که نظریات یاد شده، مضاف بر اینکه بر سیر تحول اندیشه سیاسی از حکمرانی مبتنی بر فرّه ایزدی، به حکمرانی نهادی، دلالت دارند، این فرضیه را نیز تأیید می‌کنند که «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، صرف نظر از فرازوفرودهای آن، بر سیر پیشرفت ایده نهاد حکمرانی از دوران باستان تا دوره معاصر (رهبری امام خمینی) دلالت دارد.»

### منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۴۰۰). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- احمدوند، شجاع و اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۹). *اندیشه سیاسی در ایران باستان*. تهران: انتشارات سمت.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۸). *عدالت و خودکامگی در اندیشه سیاسی ایران باستان*. تهران: مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۴۴-۱۴۳، ۶-۱۳.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94314>
- آذری قمی، احمد (۱۳۷۲). *ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام*. قم: دارالعلم.
- امام خمینی (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- بهداروندیانی، غلامرضا (۱۳۸۱). *حکمت رمزی و مفاهیم ذوقی، با تأملی بر فلسفه ایران باستان*. پگاه حوزه، ۶۰. <https://hamyaar.ir/p/uuuf>
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۹). *بررسی و نقد متون سیاسی در حوزه اسلام و ایران*. تهران: نشر کویر.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۲). *تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان*. تهران: نشر قومس.

- رضایی راد، محمد. (۱۳۸۹). مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی. تهران: طرح نو.
- رضی، هاشم (۱۳۹۹). حکمت خسروانی، سیر تطبیقی فلسفه و حکمت و عرفان در ایران باستان. تهران: نشر بهجت.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۹۷). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه.
- سهروردی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۹۶). مجموعه مصنفات، حکمة الاشراق. تحقیق هانری کربن، تهران: نشر انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- سید عرب، حسن (۱۳۹۹). تصحیح، تعریب. ترجمه و شرح مقدمه حکمة الاشراق سهروردی. تهران: نشر هرمس.
- شهرزوری، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۰). شرح حکمة الاشراق. تصحیح و تحقیق و مقدمه حسین ضیائی تربتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. قم: نشر بیدار.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۵). شواهد الربوبیه. ترجمه جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (بی تا). الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة. قم: نشر مصطفوی.
- صلواتی، عبدالله (۱۳۹۶). زیست جهان ملاصدرا. تهران: نشر هرمس.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۹۸). زوال اندیشه سیاسی در ایران: گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران. تهران: نشر کویر، چاپ دوازدهم.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۹). خواجه نظام‌الملک طوسی: گفتار در تداوم فرهنگی ایران. تهران: نشر مینوی خرد.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۴۰۰). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، ملاحظاتی در مبانی نظری. تهران: انتشارات مینوی خرد، چاپ چهارم.
- طباطبایی، سید جواد (الف) (۱۴۰۱). تأملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون در ایران، بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه خواهی. تهران: مینوی خرد.
- طباطبایی، سید جواد (ب) (۱۴۰۱). ملت، دولت و حکومت قانون، جستار در بیان نص و سنت.

- تهران: انتشارات مینوی خرد، چاپ پنجم.
- قیصری، علی و نصر، علی رضا (۱۴۰۱). *دموکراسی در ایران: تلاش برای آزادی مدنی در گستره تاریخ*. ترجمه میرحسن رئیس زاده، تهران: فرهنگ جاوید.
  - لک زایی، نجف (۱۳۹۸). *اندیشه سیاسی صدرالمثلهین*. قم: بوستان کتاب.
  - مسکوب، شاهرخ. (۱۳۸۱). *تن پهلوان و روان خردمند*. تهران: طرح نو.
  - مصطفوی، علی اصغر. (۱۳۹۹). *حقوق مدنی و آیین دادرسی در ایران باستان*. تهران: امید سخن.
  - نائینی، محمدحسین (۱۴۰۱). *تنبيه الامة و تنزيه الملة*. تصحیح و تحقیق سید جواد ورعی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
  - نوربخش، سیما سادات (۱۳۹۳). *ملاصدرا و سهروردی: بررسی مقایسه‌ای آرای فلسفی*. تهران: نشر هرمس.
  - ورعی، سید جواد (۱۴۰۱). *مفهوم اطلاق در نظریه ولایت مطلقه فقیه و الزامات آن از دیدگاه امام خمینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  - یزدان‌پناه، سید یدالله. (۱۴۰۱). *آموزش حکمت اشراق*. تحقیق و نگارش علی امینی‌نژاد، تهران: انتشارات سمت.
- Corbin, H. (1971). *En Islam Iranien: Aspects Spirituels et Philosophiques*. Vol. 2: sohravardi et les platoniciens de perse. Paris: Gallimard.



## Women and the Ability to Participate in Society According to the Constitution

Mehrnoush Khademi 

PhD in Islamic Revolution Studies, Tehran, Iran.

[khademi.mehrmoosh@gmail.com](mailto:khademi.mehrmoosh@gmail.com)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 2024 /03 / 13</p> <p><b>Revised:</b> 2024 /03 / 26</p> <p><b>Accepted:</b> 2024 /04 / 03</p> <p><b>Published Online:</b> 2024 /04 / 19</p>	<p>At first glance, society is seen as a collection of individuals living in a shared environment; however, if we look more closely at society, we realize it is a group of individuals with defined and differentiated roles. These roles are divided, defined, and assigned. In contemporary Iranian history, women have sought to reexamine the roles that traditional structures had assigned to them. They wanted a new identity through new roles in order to reduce their dependency on men. Entering society gives women a new identity. They seek equal rights with men, and for this reason, they stand against the traditional structure and voice their demands with the support of various resources. The main question in this article is: What is the position of women in society according to the Constitution? This article uses the qualitative content analysis method - inductive reasoning and is framed within the structure-agent theory of Giddens. Based on the findings, in the intermediate category of the Social Services Bill, only a few women were able to benefit from these services. In the intermediate category of employment, the agent achieved their goal, and in the intermediate category of education, the agent achieved all their goals except for the permission of the guardian.</p> <p><b>Keywords:</b> Women, Structure, Agent, Society, Constitution, Iran.</p>

## زن و توانایی حضور در اجتماع بر اساس قانون اساسی

مهرنوش خادمی 

دکترای مطالعات انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

[khademi.mehrnoosh@gmail.com](mailto:khademi.mehrnoosh@gmail.com)

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>جامعه در نگاه نخست، به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که در یک زیست مشترک زندگی می‌کنند؛ اما اگر دقیق‌تر به اجتماع بنگریم، مجموعه‌ای از افراد را می‌بینیم که نقش‌های متفاوتی برای آن‌ها تعریف شده است. نقش‌ها تقسیم می‌شوند، تعریف می‌شوند و واگذار می‌شوند. زنان در تاریخ معاصر ایران، خواهان بازخوانی نقش‌هایی بودند که ساختار سنتی برای آن‌ها در نظر گرفته بود. آن‌ها خواهان هویت جدید در قالب نقش‌های جدید بودند تا وابستگی خود را به مردان کمتر کنند. ورود به اجتماع به زن‌ها هویت جدیدی می‌دهد. آن‌ها خواهان امتیازاتی برابر با مردان هستند و به همین علت در مقابل ساختار سنتی می‌ایستند و با کمک منابع، خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند. در این مقاله سؤال اصلی آن است که جایگاه زنان در جامعه بر اساس قانون اساسی کجاست؟ در این مقاله، از روش تحلیل محتوا کیفی - استقرایی استفاده شده و در چهارچوب ساختار، کارگزارگینز قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده، در مقوله میانی لایحه خدمات اجتماعی، تعداد اندکی از زنان توانستند از این خدمات استفاده کنند. در مقوله میانی اشتغال، کارگزار به خواسته خود رسید و در مقوله میانی آموزش و پرورش، کارگزار به همه خواسته‌های خود به‌جز اذن ولی دست یافت.</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> زنان، ساختار، کارگزار، اجتماع، قانون اساسی، ایران.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵</p> <p>انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱</p> <p>صفحات: ۵۷-۸۲</p>

## مقدمه

شاید بتوان این ادعا را مطرح کرد که مفهوم زن اگرچه یک امر تعبیری است؛ اما در جهان کنونی یک مسئله سیاسی و اجتماعی قابل اعتناست. در واقع در هر تعبیری از زن، نوعی نفوذ معنا و تزریق ارزش‌های فرهنگی - تمدنی مشخص نهفته است که مختصات هندسی زن مطلوب، آن تمدن را نمایان می‌سازد؛ بنابراین هر مفهومی از زن، تابع نظام ارزشی مشخصی است که بانفوذ خود، مختصات مفهوم را صورت‌بندی نموده، نظام دانایی و عمل خود را بر مبنای آن سامان می‌بخشد و نوع زندگی ارزشمند مورد تأیید را معرفی می‌نماید. به همین نسبت جایگاه زن در فرایند اجتماعی شدن تعریف می‌شود. می‌توان چنین گفت که در همه جوامع، جنسیت یکی از شکل‌های مهم قشربندی اجتماعی است و به‌عنوان یک عامل مهم و حساس در ساخت دادن به انواع فرصت‌ها و بخت‌های زندگی شناخته می‌شود؛ لذا جنسیت بر نقش‌هایی که فرد می‌تواند در نهادهای اجتماعی از خانواده تا دولت ایفا کند، تأثیر نیرومندی دارد؛ زمانی این تأثیر مؤثر است که کارگزاران اجتماعی بتوانند عاملیت خود را به فعلیت درآورند.

کارگزاری، به معنای نیات و مقاصد افراد در انجام دادن کارها نیست؛ بلکه در درجه نخست به معنای توانایی انجام دادن آن کارهاست. کارگزاری به رویدادهایی مربوط می‌شود که فرد، مسبب آن‌هاست؛ به این معنا که فرد می‌توانست در هر مرحله به گونه‌ای دیگر عمل کند؛ باین حال، هر آنچه رخ داده است، ممکن نبوده که با عدم‌مداخله فرد رخ دهد، به همین علت کارگزاری حاکی از قدرت است. تمام تعاملات اجتماعی مستلزم استفاده از قدرت، به‌عنوان تضمین ضروری پیوند منطقی بین کنش انسانی و قابلیت تغییردهندگی است. کنش‌ها باید بتوانند تغییری هرچند کوچک در جامعه پیش رو ایجاد کنند؛ پس کارگزاران برای تغییر به منابع مناسب نیازمند هستند.

در «دیالکتیک کنترل»، گیدنز معتقد است که مجموع قدرت در جامعه صفر نیست و همیشه زیردستان، قابلیت دگرگون‌سازی شرایط را نیز دارند. بنابراین به موازات ارتباط‌گیری کنشگران با هم شمای‌های تفسیری، برای معنابخشی تعاملات شکل می‌گیرد و این شمای‌های تفسیری، منابعی را جهت اعمال قدرت به کار می‌گیرند؛ اما نکته قابل ذکر این مسئله است که کنشگران بر اساس خواص ساختاری عمل می‌کنند؛ پس آنچه وجود دارد کارگزار- قدرت - ساختار است. کارگزاران، ساختار را به وجود می‌آورند و ساختار، امکان کارگزاری

را پدید می‌آورد. ساختارها تا آنجا وجود دارند که مردم اعمالی را در شرایط معینی از روی شناخت و آگاهی یا به طریق ناخودآگاه انجام می‌دهند. این اعمال، ویژگی‌های ساختاری را می‌سازند که به ما اجازه بحث درباره تأثیرات ساختاری را می‌دهند. این گفته بدین معناست که ساختارها باید همواره بیانگر کنشی باشند و همواره کارگزاری وجود دارد که درگیر تولید و بازتولید آنچه ساخته شده باشند؛ بنابراین همیشه بین افراد و نهادها یک درگیری دوسویه وجود دارد که گیدنز به آن «هرمنوتیک مضاعف» می‌گوید.

هدف از انجام این پژوهش، تأثیر ساختار و کارگزار برجایگاه زنان در ایران معاصر است. ساختار سنتی با نگرش مردسالاری یکی از موانع مهم بر سر راه زنان برای رسیدن به خواسته‌هایشان است. حال اگر این ساختار با استفاده از ابزار مدرن (قانون) به خود مشروعیت رسمی-قانونی دهد، استفاده از منابع و گذر از موانع آن برای کارگزار بسیار سخت‌تر خواهد شد. تلاش این مقاله آن است تا با بررسی مشروح مذاکرات مجلس در دوره زمانی مجلس بیست و یکم شورای ملی تا پایان مجلس شورای اسلامی، با بررسی تمامی نطق‌هایی که به مصالح حقوق زنان می‌پردازد نشان دهد چه خواسته‌هایی مطرح شده است و با کدام ادله موافق و مخالف، رد یا تصویب شده است.

محققان بسیاری در ایران نیز به موضوع زن و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند که در ادامه خواهد آمد. تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر، در این موضوع است که این مقاله به‌طور اختصاصی به خواسته‌های زنان، در مجلس شورای ملی و اسلامی در جایگاه کارگزار مطرح می‌کنند پرداخته است چه خواسته‌هایی که به آن دست نیافتند و چه خواسته‌هایی که در قالب قانون به تصویب رسیده است.

## ۱. پیشینه تحقیق

فاطمه صادقی در کتاب *زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب*، این سؤال را مطرح می‌کند که کدام گفتارهای قدرت بر زندگی سیاسی زنان تأثیرگذار بوده و زنان در برابر این گفتارها و سامانه‌ها چگونه مقاومت کرده‌اند؟ تفاوت این کتاب با مقاله حاضر نوع نگاه فمینیستی رادیکال صادقی به مسئله زنان و بحث جنس و جنسیت با نوع نگاه این مقاله بسیار متفاوت است. صادقی در کتاب خود با پیش‌فرض‌های منفی ذهنی، به دنبال دلایلی برای

اثبات حقانیت نظر خود پیش می‌رود و زنان و فعالیتهای آنها را در عرصه اجتماعی و سیاسی دست‌کم می‌گیرد. درحالی‌که فرضیه این پژوهش آن است که زنان با ورود به عرصه‌های قانونی و حوزه عمومی توانستند با حاکمیت و ساختارهای موجود در جامعه سخن بگویند و از طریق مفاهمه و گفتگو تغییراتی را در نوع نگاه جامعه و ساختار نسبت به جایگاه خود به وجود آوردند؛ اگرچه زنان در ابتدای راه هستند؛ اما حرکت روبه‌جلوی آنها نشان‌دهنده آینده‌ای نویدبخش خواهد بود به همین علت این تحقیق تلاش می‌کند تأثیر و اثر تقابل زنان بر ساختار و ساختار برزنان را نشان دهد همان‌گونه که گیدنز در نظریه ساخت‌یابی خود می‌گوید ساختار فرصت‌ها و الزاماتی را در اختیار کارگزار قرار می‌دهد.

مهرانگیز کار در کتاب *قانون‌گذاری درباره حقوق زن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها* در سه فصل به تحولات قوانین مربوط به زنان در نیم‌قرن اخیر می‌پردازد. از جمله به نکاتی چون: «قانون خدمات اجتماعی زنان»، «مراکز رفاه خانواده»، «قانون حمایت خانواده»، «حق قضاوت»، «سن ازدواج»، «نکاح دختران بالغ و رشید»، «ثبت عقد نکاح یا طلاق یا رجوع در دفاتر رسمی»، «تابعیت زنان»، «استخدام زنان در نیروهای مسلح»، «حضانة مادران»، «تصویب قوانین خشونت‌آمیز علیه زنان»، «سن ورود به مسئولیت‌های جزایی»، «روابط جنسی»، «دیه زن»، «بی‌اعتنایی به عواطف و حقوق مادر»، «تصویب قوانین و مقررات سودمند به حال زنان»، «شرحی بر عملکرد سایر نهادهای مؤثر قانون‌گذاری درباره حقوق زن»، «نمونه‌هایی از نظرات فقهای شورای نگهبان»، «نقدی بر عملکرد شورای نگهبان»، «نقدی بر عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام»، «نمونه‌هایی از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی» می‌پردازد. تفاوت این کتاب با مقاله حاضر: این کتاب صرفاً به تحولاتی که در عرصه قانون‌گذاری در ایران اتفاق افتاده است پرداخته و به چگونگی و چرایی این تحولات پرداخته و این مسئله که حضور زنان در مجالس چه تأثیری در تغییرات روند قانون‌گذاری داشته پرداخته نشده است درحالی‌که همین قسمت نادیده گرفته شده مورد توجه این مقاله است و البته تأثیراتی که این قوانین بر زندگی فردی-اجتماعی-سیاسی و اقتصادی زنان امروز ایران داشته است.

صدیقه و سمدی در کتاب *زن، فقه، اسلام*، این سؤال را مطرح می‌کند: به‌راستی چهره ناموزون را که هر زن مسلمان و آگاه می‌کوشد بگوید که «من چنین نیستم» را چه کسی ترسیم

کرده است؟ از چه زمانی ترسیم شده است؟ تفاوت این کتاب با مقاله: با توجه به این مسئله که بسیاری از قوانین در حوزه زنان در حوزه شرعیات قرار می‌گیرند کتاب یکی از منابعی است که به طور اختصاصی به این مسئله پرداخته است. او در این کتاب به قوانین فقهی که در باب زنان وجود دارد اشاره می‌کند که بخشی از کار این مقاله در بررسی قوانین است با این تفاوت که این مقاله مدعی است فقه شیعه (فقه جواهری) تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی که بحث زمان و مکان و همچنین مصلحت را وارد فقه نموده است ظرفیت بسیار بالایی را جهت تغییرات دارد و تاکنون نیز تأثیرات بسیار مثبتی در این زمینه اتفاق افتاده است چگونگی و چرایی این تغییرات از مهم‌ترین مباحثی است که این مقاله به آن می‌پردازد درحالی‌که در کتاب به آن اشاره‌ای نشده است.

احمد لیلا نیز در کتاب *زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*، برابری آغازین میان زن و مرد را بر اساس آموزه‌های اسلامی مفروض می‌گیرد و نابرابری بعدی را به تحولات آیین در بستر زمانه مربوط می‌داند. بر اساس رویکرد شریعت مدار، شریعت تجسم بهینه آموزه‌های وحیانی است که بر اساس آن زن و مرد نه برابر که متفاوت و از این رو مکمل یکدیگر تلقی می‌شوند؛ از این رو، در بسیاری از دیدگاه‌ها فرض بر این است که شریعت اسلامی برای هر یک از آن‌ها وظایف و تکالیفی را مقرر کرده است که مشمول مرور زمان نمی‌شوند. تفاوت این کتاب با مقاله: لیلا احمد از جمله فمینیست‌های اسلامی است که به تحقیق در باب موضوع زن علاقه‌مند است و در بررسی‌های خود برای پاسخ یافتن به مسائل در باب زن به کنکاش در صدر اسلام می‌پردازد؛ این مقاله برای یافتن پاسخ‌های خود برای مشکلات زنان به تاریخ معاصر ایران نظر دارد.

## ۲. اهمیت حضور در اجتماع

از آنجا که جامعه انسانی نظامی سلسله‌مراتبی است و از طبقه و قشرهای اجتماعی متفاوتی تشکیل می‌شود؛ از این رو، پایگاه و موقعیت اجتماعی کنشگران در این سلسله‌مراتب همانند و یکسان نیست. نظام سلسله‌مراتبی جامعه با توزیع کنشگران در طبقه‌ها، قشرها و گروه‌های اجتماعی گوناگون، آنان را در موقعیت‌های اجتماعی متفاوتی مستقر می‌سازد و هر موقعیت اجتماعی با ایجاد قالب‌های رفتاری معین، نوع سلیقه، شیوه سخن گفتن، لباس پوشیدن، آرایش کردن و...

سبک زندگی ویژه‌ای را برای کنشگران خود پدید می‌آورد. سبک‌های زندگی از یک سو، تسهیل‌کننده رفتار کنشگران هستند و آنان را قادر می‌سازند تا رفتارهای ویژه آن سبک را از خود - به آسانی - بروز دهند و نیز بتوانند با دیگرانی که از آن سبک پیروی می‌کنند، به سادگی رابطه برقرار نمایند و هم‌زمان رفتاری متمایز از رفتار کنشگرانی که پیرو سبک زندگی دیگری هستند داشته باشند.

بدین سان سبک زندگی، پدیدآورنده گروه‌های انسانی متمایز ناهمانندی هستند که هر یک از آن‌ها در مرتبه‌ای از سلسله‌مراتب سازمان اجتماعی جامعه استقرار می‌یابد و به دلیل مجموع سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود، در جامعه از «قدرت نفوذ» معینی برخوردار است. افزون بر این هر سبک زندگی، شبکه‌ای از روابط اجتماعی پدید می‌آورد که کنشگران را در تعاملاتی که با دیگران دارند، پشتیبانی می‌کند و به آنان اعتبار اجتماعی اعطا می‌نماید. این اعتبار سرمایه اجتماعی کنشگر است که او را تا به قدری توانا می‌سازد که حتی فراتر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی خود در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه اثرگذار باشد. هر چند که باید پذیرفت میزان این سرمایه نامحدود نیست.

### ۳. مقوله میانی خدمات اجتماعی مخصوص زنان

#### ۳-۱. لایحه خدمات اجتماعی زنان قبل از انقلاب

تاریخچه لایحه: در خرداد ماه ۱۳۴۷ در جلسه ۳۶ و ۳۷ مجلس سنا لایحه خدمات اجتماعی زنان به تصویب می‌رسد، این لایحه مشتمل بر ۱۳ ماده بود. با مروری کوتاه بر مواد آن می‌توان نیت و هدف ارائه دهندگان آن را که همانا به معنای اخص کلمه حاکمیت آن زمان بود، دریافت.

## جدول شماره ۱: مقوله میانی لایحه خدمات اجتماعی زنان قبل از انقلاب

ساختار	به منظور بیشتر سهم کردن زنان در تحولات اجتماعی کشور و در اجرای اصول انقلاب شاه و مردم لایحه خدمات اجتماعی نگارش یافته است و به موجب این قانون، خدمات فرهنگی، آموزش و بهداشتی و درمانی و اجتماعی، وظیفه مقدس ملی زنان شناخته شده و به ترتیب مقرر در این قانون در مورد زمانی که دارای گواهینامه کامل متوسطه و یا مدرک تحصیلی بالاتر هستند برقرار می شود.
موافقان	۱. منافع زیادی در رشد فکری و اجتماعی و احساس مسئولیت زنان نسبت به اجتماع خود و نسبت به کشور و میهن دارند ۲. مبارزه با بی سوادی
مخالفان	این طرح جنبه اجبارآمیز دارد

لایحه تأمین خدمات اجتماعی همان طور که از نامش پیداست، با هدف خروج زنان از خانه و ورود آن‌ها به اجتماع - حتی به زور - از طرف دولت، به مجلس ارائه شد. حاکمیت با استفاده از عناوینی همچون وظیفه مقدس، هدف خود را به خوبی نشان می دهد. نظام سیاسی خواستار خروج زنان از خانه و ورود آن‌ها به عرصه های اجتماعی در راستای اهداف اقتصادی خود بود. هم مسیر بودن خواسته های نظام سیاسی با خواسته های کارگزار، رسیدن به این هدف را آسان کرد. اگرچه حوزه هایی که برای فعالیت زنان در عرصه اجتماعی در نظر گرفته شده بود - بهداشت، آموزش و پرورش و خانه داری - کاملاً زنانه بود. با این حال، در فضای سنتی آن روز ایران، برای زنان دستاورد بزرگی محسوب می شد. ساختار سنتی در این زمینه نتوانست مقاومت کند و این لایحه بدون هیچ مخالفتی به تصویب هر دو مجلس رسید.

## ۲-۳. مقوله میانی زنان بی سرپرست بعد از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، طرح تأمین زنان بی سرپرست به نوعی جایگزین طرح خدمات اجتماعی زنان شد. این طرح با این پیش فرض ارائه شد که سرپرست بودن و نان آوری، امری است مختص مردان و زنان بدون حضور مردی در خانه، بی سرپرست محسوب می شدند. البته نیمه پنهان این قانون حاکی از آن بود که با تغییر نحوه زیست خانواده ها، مسائلی به وجود آمد

که در گذشته محلی از اعراب نداشت؛ در خانواده گسترده، زن با حضور اقوام سببی و نسبی خود، همیشه مردی در کنارش حضور داشت؛ اما با گسترش خانواده هسته‌ای، فوت همسر می‌توانست مشکل آفرین باشد؛ این زنان با فوت همسر دچار مشکلات مالی فراوانی می‌شدند. با توجه به اینکه لایحه قانونی القای قانون خدمات اجتماعی زنان در ۱۵ اسفند ماه ۱۳۵۷ را شورای انقلاب به تصویب رساند، تأسیس یک قانون جدید الزامی به نظر می‌آمد. ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون، قانون خدمات اجتماعی زنان مصوب ۱۳۴۷ و قوانین اصلاحی بعدی آن ملغی می‌گردد.

### جدول شماره ۲: مقوله میانی زنان بی سرپرست بعد از انقلاب

ساختار (طرح تأمین زنان بی سرپرست) ۱۳۶۲/۴/۳۰	ماده واحده- دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان بی سرپرست موضوع بند چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه، لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم دارد.
مخالف	راه حل چندهمسری است
کار گزار	این قانون شامل زنانی است که به دلیل مشکلات نمی‌توانند از خود نگهداری کنند

استفاده از عنوان زنان بی سرپرست، دیدگاه ساختار را راجع به زنان بدون مرد (پدر، همسر و پسر) نشان می‌دهد. گویی هویت زنان با حضور مردان تعریف می‌شود و زنان، طفلی هستند که بدون حضور یک سرپرست (حتی فرزند خودشان - پسر) قادر به ادامه حیات نیستند. در این قانون از الفاظ با معنی منفی استفاده شده بود - زنان بی سرپرست، زنان بیوه - و در کنار هم گذاشتن زنان با کودکان، گویی قانون‌گذار به ذهن این‌طور متبادر می‌کند که شرایط هر دو اینها (زنان - کودکان) یکسان است. در سخنان سید علی اکبر موسوی حسینی و مریم بهروزی به خوبی قدرت ساختار را می‌توان دید.

سید علی اکبر موسوی حسینی: «خدای متعال مرد را مؤظف کرده که تأمین نفقه خانواده را بکند، مخارج زن را به عهده مرد نهاده و از این جهت او را در ارتباط با فعالیت مرد، نیازمند

قرار داده که حتی اگر زنی خود ثروتمند باشد، وظیفه او نیست که مخارج معمول خودش را بپردازد، این وظیفه مرد است» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۹۳).  
 مریم بهروزی: «به مرد هیچ وقت بی سرپرست گفته نمی شود. مرد بی سرپرست نداریم، مرد خودش نفقه می دهد. اگر مردی است که کسی را ندارد و از لحاظ زندگی تأمین نمی شود، خوب او را در همان خانه سالمندان نگه می دارند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۸).

حتی زنانی با جایگاه اجتماعی بالا - نماینده مجلس - این مسئله را پذیرفته بودند که نشان از قدرت و توان نگاه سنتی در جامعه هدف بود. گرچه هدف طرح، کمک به زنان کم توان بود و قابل تقدیر و احترام؛ اما انتقاد اصلی به نوع نگاه به زنان وارد است.  
 حتی علی اکبر حمید زاده در قامت موافقان با این قانون، دلیلی که برای موافقت می آورد، موافق با نگاه سنتی است. وی عنوان می کند که هدف این طرح جلوگیری از فساد زنان در جامعه است. همان نگاهی که زنان را عامل اصلی فساد اخلاقی در جامعه می داند.  
 با تمام این تفاسیر، حتی این قانون نیز نتوانست مرهمی بر زخم های زنان خودسرپرستی باشد که دچار مشکلات مالی هستند.

مسعود صادقی آراد در مجلس دوره چهارم، آماری ارائه می دهد که بر اساس آن، تعداد خانوارهای نیازمند کمک سه میلیون است؛ در حالی که تنها صد هزار نفر تحت پوشش قرار گرفته اند: «امروز سازمان بهزیستی کل خانوارهای تحت پوشش اش صد هزار نفر است. اینها شامل بی سرپرست های معلولین، فوت شده ها، طلاق گرفته ها، زندانی ها، از کار افتاده ها و... اینها را شامل می شود؛ اما حداقل جامعه ای که باید تحت پوشش باشد سه میلیون است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۷).

#### ۴. مقوله میانی اشتغال

##### ۴-۱. تعریف شغل

شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می شود. کار در همه فرهنگ ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۵۱۷).

از نظر جامعه‌شناسی، انسان اجتماعی، انسان ایفاکننده نقش است. زنان شاغل به طور هم‌زمان دارای سه نقش همسری، مادری و شغلی هستند.

شغل به زنان نقش‌های دیگری غیر از نقش‌های بیولوژیکی (مادر، همسر، خواهر و دختر) می‌دهد و آن‌ها با ورود به عرصه بازار کار، توان هم‌اوردی و برابری با مردان را دارند و هویت زنانه خود را در اجتماع بازمی‌یابند. یک عامل اجتماعی سودمند می‌شوند و می‌توانند با مردان بر سر مسائلی غیر از خانواده به گفتگو بنشینند، اظهارنظر کنند و خود را یک کارگزار اجتماعی معرفی کنند. شغل، هویتی جدید و اجتماعی به زنان می‌دهد و به همین دلیل قوانین و خواسته‌های مربوط به شغل بسیار برای حیات اجتماعی زنان مهم است. در واقع شغل، زن را به یک سوژه اجتماعی تبدیل می‌کند.

از طرف دیگر، زنان با شاغل شدن می‌توانند به باارزش‌ترین منبع اقتصادی، یعنی پول دست یابند و به همان نسبت، نیازشان به مردان در مورد مسائل مالی کاهش پیدا می‌کند و به یک عضو تأثیرگذار در رابطه با دیگر اعضای جامعه تبدیل می‌شوند. با دگرگون شدن شیوه زیست از کشاورزی به اقتصاد، ما شاهد ورود زنان به عرصه اقتصادی هستیم.

جهان دگرگون شده چاره‌ای جز وارد کردن زنان به حوزه اقتصاد نداشت. ساختار سنتی با همه تلاش‌ها نتوانست در مقابل این وضعیت مقاومت چندانی کند. در نتیجه همان‌طور که گیدنز می‌گوید، زنانی که از نظر اقتصادی موفق هستند، ناچارند با دنیایی خود را هماهنگ کنند که احساس می‌کنند کاملاً به آن تعلق ندارند؛ ولی نهایتاً در درازمدت، می‌توانند اثر تعدیل‌کننده‌ای بر نظام ارزشی مردانه به‌جای گذارند و مسئولیت‌های خانوادگی و ضروریات کاری را با یکدیگر هماهنگ سازند.

## ۵. مقوله میانی اشتغال قبل از انقلاب

با پادشاهی رضاشاه در سال ۱۳۲۰، تحصیلات عمومی برای دختران گسترش یافت. بازگشایی روزافزون دبیرستان‌ها راه را برای ورود زنان به دانشگاه‌های جدیدالتأسیس تهران باز کرد و آن‌ها را قادر ساخت تا حداقل در دستگاه‌های دولتی عهده‌دار مشاغل مشخصی گردند.

عایدات روزافزون نفتی در دوره محمدرضا شاه، تغییرات اساسی را در اقتصاد ایران و در نتیجه در موقعیت زنان به وجود آورد. مشاغل بسیار زیادی ایجاد شد که به‌نوبه خود

فرصت‌های استخدامی را برای زنان واجد شرایط از کارگری در کارخانه تا مشاغل سطح بالا مهیا کرد. ایجاد فرصت‌های روزافزون برای استخدام زنان به از بین بردن مخالفت خانواده‌ها با تحصیل علم و فعالیت‌های خارج از خانه زنان بسیار کمک کرد. در نتیجه بسیاری از دختران جوان خانواده‌های سنتی وارد دبیرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها شدند. البته این تغییرات، بیشتر در شهرها رخ داد تا روستاها.

### جدول شماره ۳: مقوله میانی اشتغال قبل از انقلاب

ماده ۱۶- شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع نماید.	ساختار
حذف ماده ۱۶ حقوق زن و مرد برابر باشد	خواسته کارگزار
شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید.	آخرین قانون

اشتغال زنان نیز از جمله مواردی است که ساختار و کارگزار در باب آن به گفتگو می‌نشیند. اشتغال زنان نظام ارزشی مردانه را با خطر مواجه می‌کند، به همین علت ساختار سنتی تمایل داشت که این قدرت را در اختیار مردان قرار دهد تا زنان را از ورود به عرصه‌های اجتماعی- شغلی منع کند. کارگزار تلاش کرد تا امتیازی مشابه با مردان به دست آورد و زنان به بخشی از خواسته خود رسیدند؛ زنان هم مانند مردان می‌توانند همسران خود را از اشتغال به مشاغلی که منافی مصالح خانوادگی است منع کنند؛ اگرچه خواسته اصلی زنان، حذف این ماده بود.

با همه تلاش‌هایی که از سمت کارگزار و نظام سیاسی صورت گرفت تا زنان وارد بازار کار شوند، آخرین سرشماری در سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که درصد بسیار کمی از زنان نسبت به مردان به کار خارج از خانه اشتغال داشته‌اند (۱۳٪/۷) زنان در مقابل ۸۶٪/۳ مردان در کل کشور).

## ۶. مقوله میانی اشتغال بعد از انقلاب

بانوان شاغل به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. کسانی که به دلیل احتیاجات زندگی کار می‌کنند و اگر این احتیاجات برطرف شود میل دارند به خانواده‌هایشان برسند. این گروه به سه قسمت تقسیم می‌شوند: بیوه زنان، زنان شوهرداری که نیاز خانواده مجبور به کارشان می‌کند و زنانی که خرج خانواده را خودشان می‌دهند.
۲. کسانی که به منظور خدمت به جامعه مشغول به کارند، تحصیل کرده هستند، مطالعه دارند، می‌خواهند به جامعه خود خدمت کنند و نیاز مادی ندارند.
۳. کسانی که هر دو را شرط را دارند. هم می‌خواهند خدمت کنند و هم حقوق بگیرند (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۷).

### جدول شماره ۴: مقوله میانی اشتغال بعد از انقلاب

<p>بانوان شاغل در کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش می‌توانند با نظر اداره متبوعه خود به مدت یک سال با استفاده از حقوق گروه و پایه خود از مرخصی زایمان استفاده کنند.</p>	<p>ساختار</p>	<p>مرخصی بعد از زایمان</p>
<p>مدت مرخصی زایمان (یک و دو قلو) زنان شاغل در بخش‌های دولتی و غیردولتی نه ماه تمام با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط تعیین می‌شود. همسران افراد یادشده نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار می‌شوند.</p>	<p>آخرین قانون</p>	

<p>وزارتخانه‌ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت‌های دولتی و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مسئول خدمت آنان را نیمه‌وقت تمام نمایند</p>	<p>ساختار</p>	<p>خدمت نیمه‌وقت بانوان</p>
<p>برجسته کردن نقش مادری خانواده رها می‌شود</p>	<p>موافق</p>	
<p>تأکید بر وظیفه مادری اولویت استخدام به مردها اجحاف به زنان است</p>	<p>مخالفان</p>	
<p>ماده واحده- کلیات امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان با عائله پیش‌بینی و وضع شده است، صرفاً در مورد فرزند چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندی که تا تاریخ مزبور متولد می‌شوند، کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار می‌باشند</p>	<p>ساختار</p>	<p>مسئله فرزند چهارم</p>
<p>فرزند زیاد، یکی از عوامل مرگ‌ومیر زنان است فرزند زیاد، مانع فعالیت اقتصادی زن است</p>	<p>موافق</p>	
<p>در بحث کنترل جمعیت نباید فقط زن را در نظر گرفت ممنوعیت سقط جنین در ایران خلاف اسلام است</p>	<p>مخالف</p>	
<p>از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، کلیه محدودیت‌های مقرر در قانون ۱۳۹۲/۳/۲۰ اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب و اصلاحات آن و سایر قوانین که بر اساس تعداد فرزند برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می‌گردد.</p>	<p>آخرین قانون</p>	

اشتغال زنان از جمله مواردی است که ساختار و کار گزار در باب آن به گفتگو نشستند. اشتغال زنان، نظام ارزشی مردانه را با خطر مواجه می‌کند؛ به همین دلیل ساختار سنتی تمایل دارد که این قدرت را در اختیار مردان قرار دهد و زنان را از ورود به عرصه‌های اجتماعی - شغلی منع کند.

برای شناخت بهتر موضع مدافعان ساختار سنتی در باب شغل زنان، این قسمت از سخنرانی محمد کیاوش قابل تأمل است:

این لایحه سعی دارد زن‌ها را به همان جایی برساند که مخالفین این لایحه آن‌ها ایستاده‌اند؛ یعنی برگردند که زمانی که وظیفه مادران فقط تربیت فرزندان و خانه‌داری و همسر داری بود. باید دخترهای پاک با جوان‌های پاک هر چه زودتر ازدواج کنند، بزرگ‌ترین مسئولیت زن همین است لاغیر. زن نمی‌تواند در دو جا مشغول باشد یعنی هم به کار بیرون برسد هم به خانه‌داری و همسر داری و فرزند پروری، مگر اینکه به تدریج شروع کنیم این وظیفه سنگین را، به اینها تفهیم کنیم. با اجرای این لایحه می‌خواهیم کم کم پای زن‌ها را از کارهای طاقت فرسا و زنجیری که به گردنشان گذاشته شده رها کنیم. وقتی کاری با اینها نداریم، چرا در اداره بیاوریم و بنشانیم، حداقل بروند و به کار اصلی برسند که این مملکت به آن‌ها نیاز دارد (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۶)

تأکید محکم و قاطع ساختار سنتی بر تقسیم‌بندی کار به درون خانه و بیرون خانه و واگذاری کار درون خانه به زنان، با تأکید بر نقش همسری و مادری، موجب شده است که حتی مشاغل تعریف شده برای زنان، ارتباط تنگاتنگی با مسئولیت‌های خانگی زنان داشته باشد و همیشه اولویت با نقش‌های خانگی زنان است.

اهمیت نقش مادری بر کسی پوشیده نیست؛ اما این مسئله که این نقش به سقف شیشه‌ای برای زنان تبدیل شود تا با برجسته‌سازی بیش از حد آن و از جهتی دیگر کمرنگ کردن نقش پدری، هویت‌های غیر مادری و همسری موجب شده است که هویت‌های دیگر زنان، حاشیه‌ای، کم‌اهمیت و گاهی در تعارض با نقش‌های خانگی او جلوه داده شود. این تأکید مؤکد، زنان شاغل را دچار یک تعارض اخلاقی می‌نماید. آن‌ها دچار این مسئله هستند که آیا واقعاً کار کردن آن‌ها در بیرون از خانه، لطمه‌ای به خانواده و فرزندشان می‌زند؟ چرا

این سنگینی وظیفه بر نقش پدری و مردان شاغل وجود ندارد؟ اختصاص کار خانگی به زنان و کم‌اهمیت کردن آن، چنانچه آنتونی گیدنز معتقد است هرچند کار خانگی از نظر ارزش تقریباً معادل یک‌سوم کار تولید سالانه در اقتصاد امروزی است، کار بی‌مزد زنان نادیده گرفته می‌شود، زنان در جامعه تبدیل به عضو حاشیه‌نشینی شده‌اند. حاشیه‌ای به نام خانه. در خانه زنان مشغول به اموری هستند - تمیزی خانه - که از نگاه بیرونی، اموری کم‌اهمیت، بی‌ارزش و تکراری است.

از طرفی با خروج زنان از خانه، شاهد ورود مردان به خانه نیستیم؛ به همین علت حجم بالای مسئولیت خانه‌داری، همسر‌داری، فرزند‌آوری، نگهداری از فرزند و شغل، زنان را خسته و فرسوده کرده است. گویی حضور زنان در بازار کار نوعی عدم تمکین نسبت به نقش مادری اوست که مستلزم هزینه‌هایی برای آنان است و حتی جامعه نیز هزینه‌هایی مانند کار هم‌زمان در خانه و بیرون از خانه را به آن‌ها تحمیل می‌کند که خستگی جسمی را به همراه دارد. از طرف دیگر تأکید بر نقش خانگی آن‌ها و تعارض موجود بین نقش خانگی و اجتماعی، زنان را از نظر روحی نیز خسته و فرسوده می‌کند.

حضور ناچیز زنان در بازار اشتغال در ایران و قابل‌پذیرش بودن دو نوع رسته شغلی برای زنان به‌عنوان مشاغل زنانه (آموزش و پرورش و بهداشت) نشان‌دهنده نگاه جنسیتی به زنان در بازار اشتغال ایران است و ما شاهد یک بازار کار دوگانه در ایران هستیم، شغل‌های مردانه - شغل‌های زنانه. شغل‌های سطح بالای مدیریتی و بقیه مشاغل و گزاره مرد - رئیس به‌وسیله ساختار تقویت می‌شود و زنان، نظاره‌گر ریاست مردانه در امور خانوادگی، اجتماعی و سیاسی هستند.

با مراجعه به آمار ۱۳۷۵، می‌توان به‌وضوح محدودیت تنوع شغلی زنان در ایران را مشاهده کرد. بخش‌های عمده اشتغال زنان شامل کشاورزی ۶/۱۶ درصد، بافندگی (قالیافی) ۳/۲۸ درصد، آموزش و پرورش ۲۶ درصد و بخش بهداشت ۷/۶ درصد و تنها ۳/۲۲ درصد در سایر بخش‌ها فعالیت داشتند. در حالی که ۱۶ درصد مردان شاغل در این چهار بخش مشغول به کار بوده‌اند و ۸۴ درصد از آنان در سایر بخش‌ها فعالیت داشتند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

در سال ۱۳۷۵، در حالی که ۲۲ درصد زنان شاغل دارای تحصیلات عالی بوده‌اند، تنها ۹/۷ درصد مردان شاغل از آموزش عالی بهره‌مند بوده‌اند. یکی از دلایل این مسئله، تمرکز زنان شاغل در دو بخش آموزش و بهداشت است.

حسین هراتی: «نظام جمهوری اسلامی شغل زن را در خارج از خانه در دو رابطه می‌تواند بپذیرد؛ یکی در رابطه با مسائل بهداشتی و دیگری در رابطه با مسائل آموزشی است و در شغل‌هایی که زن ارتباط مستقیم با مرد بیگانه داشته باشد، از جهت شرعی در رابطه با او بحث است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۵۰).

## ۷. مقوله میانی آموزش و پرورش

تحصیلات و ورود به دنیای آموزش و پرورش، مجوزی برای خروج دختران و زنان از خانه به شمار می‌آید. تا قبل از آموزش عمومی - از نگاه ساختار سنتی - خانه تنها جای امن برای زنان بود. به همین علت در برابر این امر مقاومت زیادی صورت گرفت؛ اما شرایط تاریخی و غیر زیست عمومی ساختار را مجبور به پذیرش این مسئله کرد.

بی‌شک مهم‌ترین متغیر در زمینه مشارکت اجتماعی زنان، موضوع سواد و میزان تحصیلات آنان است (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۰). در ایران معاصر از جمله مهم‌ترین فضاها گشوده شده به روی زنان، نظام آموزش و پرورش به سبک جدید بود که تا پیش از این، یک قلمرو مردانه تلقی می‌شد. میزان گشایش این عرصه برای زنان در همه نقاط کشور به یک اندازه نبود؛ اما همین اندازه، گشایش عرصه‌های دیگری چون اشتغال در حرفه‌های گوناگون را برای زنان به همراه داشت (سروش و حسینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵).

جامعه وظایفی را بر عهده نهاد تعلیم و تربیت گذاشته است:

۱. آموزش مسائل فنی ضروری برای هر انسانی متعلق به هر جامعه؛
۲. رشد انسانی افراد جامعه از لحاظ روانی و ارزشی؛
۳. ایجاد همبستگی با جامعه کلی و به دیگر سخن، ایجاد هویت برای هر فردی از افراد جامعه.

وظیفه نهاد تعلیم و تربیت، گذر دادن موارث اجتماعی و فرهنگی و ارزش جامعه از نسلی به نسل دیگر است. زن در ساختن موارث و در نقل و انتقال آن‌ها در تمام جوامع نقش ارزنده‌ای داشته است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲، ص. ۱۰).

## ۸. مقوله میانی آموزش و پرورش (تحصیلات) قبل از انقلاب

در سال ۱۳۳۵ فقط ۲۲ درصد زنان از خواندن و نوشتن بهره‌مند بودند که این میزان تا سال ۱۳۵۱ به بیش از ۵۰ درصد رسید و در مناطق روستایی از ۲/۱ به ۵/۸ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۵۱ بیش از ۸ میلیون زن و ۶ میلیون مرد بیسواد در ایران وجود داشت. کمبود مدرسه در مناطق روستایی باعث عدم امکان سوادآموزی بیش از ۷۰ درصد زنان و ۶۶ درصد مردان بیسواد شده است. مهم‌ترین مانع مخالفت در مناطق شهری، اولیای سنت‌گرای دختران هستند. نکته قابل توجه اینکه اولیای دختران شهری بیش از اولیای دختران روستایی با مدرسه رفتن آن‌ها مخالفت کرده‌اند. البته تحصیلات رایگان تا حدودی مانع فقر مالی را از بین برد (حمصی، ۱۳۸۵، ص. ۵۳).

تلاش دولت برای گسترش عرصه‌انگاره‌های مدرنیستی در روستاها از طریق اعزام سپاهیان دانش، بهداشت، دین و... نیز تا اندازه‌ای در پایه‌های تفکر سنتی در مناطق روستایی شکاف ایجاد کرد؛ بنابراین با رشد و گسترش گفتمان مدرنیزاسیون در ایران و متأثر شدن نواحی مختلف جامعه از آن، به تدریج مخاطبان گفتمان سنتی به لحاظ عینی متحول شدند (سروش و حسینی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵).

کارگزار قبل از انقلاب بر مسئله آموزش و پرورش بیش از هر مورد دیگری تأکید داشت، این مسئله چنان برای آن‌ها مهم بود که سخنرانی‌های متعددی در این باب در مجلس ارائه کردند. شمس‌الملوک مصائب بیان می‌کند که مردان، اولین درس زندگی خود را از مادرانشان می‌آموزند؛ حال اگر این مادر، مطلع و دانا نباشد، نمی‌تواند افرادی شایسته و آزادمنش و کاردان و بصیر تربیت کند: «این اولین مربی جامعه، یعنی مادر، یعنی زن آزاد تربیت شده مطلع و دانا نباشد، چطور می‌تواند افرادی شایسته و آزادمنش و کاردان و بصیر تربیت کند؟» (صورت مشروح مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، جلسه ۳۶).

بیانات قبل از دستور پارسای: «تا زنان و دختران خانواده‌ها تربیت و تعلیم نیابند، امید بهبود از خانواده و اجتماع نباید داشت» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۹۹).

### جدول شماره ۵: مقوله میانی آموزش و پرورش قبل از انقلاب

<p>تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس ملی در کنار مدارس دولتی. مبارزه با بی سوادی. ایجاد حداکثر تسهیلات برای ورود خواهران به مراکز علمی. آموزش عمومی و مجانی.</p>	<p>خواسته کارگزار</p>
<p>تعلیمات عمومی اجباری در کشور شامل دو مرحله است که مرحله اول آن دوره پنج ساله ابتدایی و مرحله دوم آن دوره سه راهنمایی تحصیلی است. وزارت آموزش و پرورش مکلف است پس از اجرای مرحله اول آموزش اجباری در سراسر کشور اجرای مرحله دوم تعلیمات عمومی را در هر منطقه که موجبات اجرای آن فراهم باشد اعلام نماید.</p>	<p>آخرین قانون</p>

دستاوردهای کارگزار با حمایت نظام سیاسی در این قسمت چشمگیر بود. آن‌ها توانستند با توجه به شرایط تاریخی و همراهی حاکمیت، آموزش و پرورش را در ایران همگانی کنند. کارگزار به این نکته پی برد که تحصیل، تنها راه خروج زنان از خانه است. تحصیلات و سواد، زنان را متوجه بسیاری از حقوقی می کرد که تا آن زمان از آن بی اطلاع بودند. آن‌ها با کسب تحصیلات می توانستند شغلی برای خود دست و پا کنند و به استقلال مالی دست یابند. گرچه ساختار فرهنگی - سنتی حاکم بر جامعه آن روز ایران، مانع و سد بزرگ بر سر راه زنان بود؛ اما پذیرفتن قانونی این مسئله و آموزش رایگان در مدارس توانست بسیاری از سدها را بشکند. آمارها نشان دهنده موفقیت در این قسمت است.

حسین معتمدی:

در ۴۰ سال پیش ما در سراسر کشور ۲۳۳۶ مدرسه داشتیم. امروز یازده هزار دبستان و ۱۲۰۰ دبیرستان و جمعاً دوازده هزار و دویست مدرسه داریم. سابق در سراسر کشور حدود ۱۰۹ هزار محصل داشتیم، امروز حدود دو میلیون و یکصد و پنجاه هزار محصل داریم و با فعالیت سپاه دانش مسلماً تعداد آموزشگاه‌ها و دانش‌آموزان از این حد تجاوز کرده است. در سابق حدود ۶۰۰۰ معلم داشتیم، امروز تجاوز از ۷۰۰۰۰ معلم داریم، در قدیم

دانشگاه به معنی امروز نداشتیم، ولی حالا پنج دانشگاه در کشور داریم. آن روز استاد نداشتیم، امروز متجاوز از ۱۰۰۰ استاد و دانشیار داریم. در سابق دانشجو نداشتیم، امروز حدود بیست هزار دانشجو در کشور و بیست هزار دانشجو در اروپا و آمریکا و سایر نقاط دیگر جهان داریم (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۷۹)

### ۹. مقوله میانی آموزش و پرورش بعد از انقلاب

مسئله آموزش و پرورش و ورود دختران به مدرسه - در مقطع ابتدایی و راهنمایی - به نوعی در بین مردم پذیرفته شد. مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران، فضا برای طبقه سنتی نیز امن شد و آن‌ها حاضر شدند دختران خود را در یک حاکمیت مذهبی مسلمان به مدرسه بفرستند. در واقع هماهنگی ساختار سنتی با جامعه سنتی، فرصتی را برای خروج دختران و زنان از خانه فراهم کرد؛ بنابراین مسئله ساختار سنتی با کارگزار، به سطح بالاتری از آموزش رسید. با عادی شدن ورود زنان به مدرسه و بعد دانشگاه و شکست سنت دیرینه حضور زنان در خانه، مسئله خروج زنان از کشور به علت تحصیل، به چالش جدیدی در نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد.

## جدول شماره ۶: مقوله میانی اعزام دانشجوی به خارج از کشور بعد از انقلاب

<p>ماده ۳ تبصره ۱- دختران لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می توانند اعزام شوند.</p>	<p>ساختار- قانون کلیات اعزام دانشجوی به خارج از کشور مصوب ۱۳۶۴</p>
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. منجر به ازدواج تحمیلی می شود.</li> <li>۲. یک قانون تبعیض آمیز است.</li> <li>۳. قانون مبنای شرعی ندارد.</li> <li>۴. مخالف نظر امام خمینی است.</li> <li>۵. کمبود متخصص زن.</li> <li>۶. خانم‌ها با هزینه شخصی خود می توانند مجرد به خارج بروند.</li> <li>۷. زنان برای ایفای نقش انقلابی شان باید به سلاح علم مجهز شوند.</li> <li>۸. اهل مانع فساد نیست.</li> <li>۹. ناشی از نگاه تحقیر آمیز به زن است.</li> </ol>	<p>مخالفان</p>
<p>محیط خارج یک محیط فاسد است.</p>	<p>موافقان</p>
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. اولویت با ازدواج کرده‌ها باشد چه پسر چه دختر.</li> <li>۲. دختران بدون ازدواج به خارج بروند.</li> <li>۳. دختران بدون اذن ولی به خارج از کشور بروند.</li> </ol>	<p>کارگزار- خواسته‌ها</p>
<p>ماده ۳ - اعزام دانشجویانی که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند با در نظر گرفتن ظرفیت دانشگاه‌های کشور و امکانات ارزی، رشته‌های مورد نیاز و کاملاً ضروری و با رعایت مفاد ماده (۱۸) قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۳ صورت خواهد گرفت. وزارت هر سال یک بار این موارد را تعیین خواهد کرد، در شرایط مساوی اولویت با داوطلبان متأهل است.</p>	<p>آخرین قانون اعزام دانشجوی به خارج از کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۷</p>

نگاه به زن در ساختار، به این صورت است که زن تبدیل می‌شود به یک سوژه، سوژه‌ای که نماینده زن مسلمان به‌طور کلی است و احتمال اینکه یکی از این سوژه‌ها در خارج از کشور خارج از شئون متعارف اسلامی رفتار کند، ساختار را دچار نگرانی و آشوب می‌نماید. مسئله اصلی خروج دانشجویان دختر بورسیه شده بود. گویی این تحصیل‌کردگان دختر، نماد زنانی هستند که نظام جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد به دنیا معرفی کند؛ به همین علت ساختار سنتی در انتخاب آن‌ها و شرایط حضورشان در خارج از کشور، سختگیری‌های بیشتری را می‌خواست. نگرانی از این مسئله که یک زن مسلمان ایرانی در خارج از کشور دچار فساد شود، چنان غیرقابل تحمل به نظر می‌رسد که ساختار سنتی با تکیه بر حاکمیت تا حد ممکن می‌خواهد جلوی این مسئله را بگیرد.

جالب توجه آنجاست که خارج از کشور شامل همه دنیا می‌شود، یعنی حتی کشورهای مسلمان نیز فاکتور گرفته نشده است. گویی زن مسلمان ایرانی توان حفاظت از خود را ندارد و به راحتی فاسد می‌شود. مسئله یک زن خاص نیست، مسئله برای ساختار سنتی الگویی از زن مسلمان است که باید طیب و طاهر باشد و اگر خدایی ناکرده دچار خطایی شود، آبروی همه زنان می‌رود و در نهایت این مسئله ضعفی برای ساختار است.

### نتیجه‌گیری

زنان به کدام یک از خواسته‌های خود در حوزه اجتماعی رسیدند و تأثیر ساختار بر این بخش چه بود؟

#### جدول شماره ۷: مقوله میانی لایحه خدمات اجتماعی

<p>خدمات‌رسانی زنان در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی، پیکار با بی‌سوادی، خدمات بهداشتی و درمانی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، خدمات مربوط به رفاه عمومی و مددکاری اجتماعی و ترویج خانه‌داری</p>	<p>خواسته کارگزار</p>	<p>قبل از انقلاب</p>
<p>کارگزار به خواسته خود رسید.</p>	<p>نتیجه</p>	

این قانون، شامل زنانی است به دلیل مشکلات نمی‌توانند از خود نگهداری کنند.	خواسته کارگزار	بعد از انقلاب (زنان بی‌سرپرست)
تعداد اندکی از زنان توانستند از این خدمات استفاده کنند.	نتیجه	

### جدول شماره ۸: مقوله میانی اشتغال

حذف ماده ۱۶ حقوق زن و مرد برابر باشد.	خواسته کارگزار	قبل از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید.	نتیجه	
مرخصی بعد از زایمان خدمت نیمه‌وقت بانوان لغو محدودیت‌های مربوط به فرزند چهارم	خواسته کارگزار	بعد از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید.	نتیجه	

### جدول شماره ۹: مقوله میانی آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس ملی در کنار مدارس دولتی؛ مبارزه با بی‌سوادی؛ ایجاد حداکثر تسهیلات برای ورود خواهران به مراکز علمی؛ آموزش عمومی و مجانی؛	خواسته کارگزار	قبل از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید	نتیجه	

اعزام دانشجوی دختر به خارج از کشور؛ الویت با ازدواج کرده‌ها باشد، چه پسر چه دختر؛ دختران بدون ازدواج به خارج بروند؛ دختران بدون اذن ولی به خارج از کشور بروند؛	خواسته کارگزار	بعد از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید	نتیجه	

با نگاهی اجمالی به خواسته‌ها و نتایج به دست آمده می‌توان گفت زنان در بخش خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش و پرورش و خروج دانشجویان دختر از کشور به خواسته خود رسیدند؛ ولی اگر نگاهی عمیق‌تر به مسئله بیندازیم و اماره‌ای موجود را بررسی می‌کنیم، متوجه این مسئله می‌شویم که قوانین چندان نتوانستند گره از مشکلات زنان در بخش اجتماعی بگشایند. شاید بتوان گفت تنها بخشی که زنان در آن توانستند به خواسته‌های خود برسند، مسئله آموزش و پرورش و ورود به دانشگاه‌هاست.

ورود زنان به مراکز آموزش عالی و حتی پیشی گرفتن آن‌ها از مردان - قبولی در دانشگاه‌ها- یکی از مثبت‌ترین اتفاقات بعد از انقلاب اسلامی در ایران است. بخش سنتی جامعه با تغییر حکومت و اعتماد به فضای ایجاد شده، دختران خود را راهی مدارس و دانشگاه‌ها نمودند. زنان نیز با آنکه توانمندی‌های بسیاری از خود نشان دادند؛ اما نتوانستند مناصب شغلی برای خود دست‌وپا کنند. در واقع از نگاه ساختار سنتی، شغل برای زنان یک امر حاشیه‌ای است، ساختار با نگاه سقف شیشه‌ای نگرش‌ها و تعصب‌های منفی، مانع از آن می‌شود که زنان و گروه‌های اقلیت، و رای یک سطح خاص در سلسله‌مراتب سازمانی روند؛ و یک بازار کار دوگانه‌ای ایجاد نموده است که بین دو نوع مشاغل تمایز قائل می‌شود: مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیشتر و فرصت‌های پیشرفت، وضعیت نسبتاً خوبی دارند؛ و مشاغل بخش دوم با مزد کم، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت.

در مورد بخش اول، ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابجایی بیشتری که در زنان مشاهده می‌شود به این معناست که احتمال جذب آن‌ها به مشاغل بخش دوم بیشتر است؛ از این رو حتی اگر کیفیت نیروی انسانی قبل از ورود به شغل برابر باشد، احتمال به کار

گماردن مردها در مشاغل بخش اول که امکان پیشرفت بعدی در آنها از لحاظ مزد و آموزش حرفه‌ای و ترفیع زیادتر است، بیشتر از زن‌هاست. این نظریه می‌تواند تبعیض جنسی - شغلی عمودی را نیز به خوبی تبیین کند؛ یعنی در یک شغل مشابه، مردان نسبت به زنان از موقعیت بالاتری بهره‌مند می‌شوند؛ و البته با نگاه جنسیتی به زنان که فرض اصلی در نظریه جنسیتی این است که موقعیت زنان در بازار کار، خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط بوده و جزئی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان، تابع مردان هستند. نکته مهم در این نظریه‌ها، اختصاص کار خانگی به زنان - به‌ویژه مراقبت از کودکان - است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که گرایش «مشاغل زنانه» انعکاسی از نقش خانگی زنان است و درست همان‌طور که در بیشتر جوامع، کار خانگی زنان کم‌ارزش تلقی شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم‌ارزش‌اند. با غلبه نگاه جنسیتی متوجه می‌شویم که بیشترین مشاغل پذیرفته برای زنان در بخش بهداشت و آموزش و پرورش است و بیشترین کارکنان زن در این دو حوزه هستند. اهمیت شغل تا به آنجاست که موارد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر زنی شاغل باشد، نیاز به خدمات اجتماعی مخصوص ندارد و اگر تحصیل کرده باشد، تمایل دارد تا در رشته تحصیلی خود شغلی داشته باشد.

## منابع

- احمد، لیلا (۱۳۹۴). *زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*. ترجمه فاطمه صادقی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- اسفندیاری، مرضیه، دهمرده، نظر و کاوند، حسین (۱۳۹۳). بازار کار دوگانه در چهارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی برای اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴(۱)، ۲۳۸-۲۱۷. [doi: 20.1001.1.17356768.1393.14.1.8.7](https://doi.org/10.1001.1.17356768.1393.14.1.8.7)
- حمصی رازی، محمود بن علی (۱۳۸۵). *المنقذ من التقليد*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- سروش، مریم و حسینی، مریم (۱۳۹۲). جهانی شدن، هویت مستقل از خانواده و سبک زندگی زنان شهری. *فصلنامه زن و جامعه*، ۴(۱۳)، ۷۶-۵۳.

[https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article\\_35.html](https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_35.html)

- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان. پژوهش زنان، ۱ (۷)، ۱۴۱-۱۷۶.  
[https://jwdp.ut.ac.ir/article\\_11371.html](https://jwdp.ut.ac.ir/article_11371.html)
- صادقی، فاطمه (۲۰۱۱). زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب. لندن: نشر زن و قوانین در جوامع مسلمان.
- کار، مهرانگیز (۲۰۰۷). قانون‌گذاری درباره حقوق زن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. سوئد: نشر باران.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱ (۷)، ۵-۳۰.  
[https://jwdp.ut.ac.ir/article\\_11366.html](https://jwdp.ut.ac.ir/article_11366.html)
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
- مشروح مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، جلسه ۳۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، چهارم و بیست و یکم.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۹۳.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۵۰.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۹۹.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۷۹.
- وسمقی، صدیقه (۱۳۸۷). زن، فقه، اسلام. تهران: انتشارات صمدیه.



Vol. 11 | Issue. 39 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.513849.1405>

## The Intellectual and Historical Background of Imam Khomeini's Theory of Islamic Civilization Revival and the Leader of the Revolution


Mohammad Ali Sadr Shirazi 

Responsible for oral history at the Qom Islamic Revolution Documents Center, Qom, Iran.

[Sadrshirazi@gmail.com](mailto:Sadrshirazi@gmail.com)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 2024 /02 / 28</p> <p><b>Revised:</b> 2024 /03 / 09</p> <p><b>Accepted:</b> 2024 /04 / 06</p> <p><b>Published Online:</b> 2024 /04 / 19</p>	<p>The concept of the «New Islamic Civilization,» as the greatest aspiration of the Islamic Revolution of Iran, has deep historical roots and a geographical scope that spans the entire world. Understanding the essence of this concept requires an awareness of the contexts and starting points from which it originated. The exploration of these backgrounds, which is a blend of both intellectual and historical foundations, forms the central issue of this study. This research, conducted independently and not alongside other topics, addresses this issue and seeks to answer the question: «On what intellectual and historical foundations and contexts was Imam Khomeini's theory of Islamic civilization revival developed?» Using the method of historical comparative analysis (CHA), the study examines the evolutionary movement of history within a timeline that begins with the creation of mankind. Based on the findings, the study reveals that the elevating movement of the prophets, through six key elements, established the prophetic civilization as the foundation for the Islamic civilization. The comprehensive movement of the Ahl al-Bayt (the family of the Prophet) played a crucial role in consolidating and deepening the roots of this prophetic civilization. The golden age of Islamic civilization is presented in three forms: the creation of lived experiences, the creation of hope and belief, and the creation of accumulated resources of civilization. Islamic awakening at both the regional and Iranian levels, and finally, the victory of the Islamic Revolution with its civilizational essence in both its emergence and survival, have formed the intellectual and historical contexts for the revival of Islamic civilization.</p> <p><b>Keywords:</b> Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution, Civilization, Islamic Civilization, New Islamic Civilization.</p>

## زمینه‌های فکری و تاریخی نظریهٔ احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب

محمدعلی صدر شیرازی 

مسئول تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قم، ایران.

Sadrshirazi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۱۲/۰۹</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۲/۱۲/۱۹</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۱۸</p> <p><b>انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۳۱</p> <p><b>صفحات:</b> ۸۳-۱۱۲</p>	<p>طرح «تمدن نوین اسلامی»، به‌عنوان بزرگ‌ترین آرمان انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ها و ریشه‌هایی به عمق تاریخ و گستره‌ای به پهنای جغرافیای جهان دارد. ماهیت‌شناسی این مفهوم، بدون شناخت زمینه‌ها و نقاط عزیمت طرح آن، جامع نخواهد بود. واکاوی این زمینه‌ها که تلفیقی نه‌چندان قابل تفکیک از مبانی فکری و تاریخی است، مسئله این جستار را شکل داده است. این تحقیق، در پژوهشی مستقل و نه در عرض و عرض سایر موضوعات، به این مسئله پرداخته و در پاسخ به این سؤال که «طرح نظریهٔ احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب بر کدام بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی نضج یافته؟»، با روش تحلیل تطبیق تاریخی<sup>۱</sup> (CHA) سیر حرکت تکاملی تاریخ را در قالب خط‌زمانی آغاز یافته از زمان خلقت انسان بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، حرکت تعالی‌بخش انبیا در قالب شش مؤلفه، تمدن نبوی به‌مثابه پایه‌گذار نهال تمدن اسلامی، نهضت جامع اهل بیت در تحکیم و تعمیق ریشه‌های تمدن نبوی، دوران طلایی تمدن اسلامی در سه قالب: خلق تجربهٔ زیسته، خلق امید و باورپذیری و خلق ذخایر انباشتی تمدن، بیداری اسلامی در دو سطح منطقه و ایران و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیتی تمدنی در حدوث و بقا، بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی طرح احیای تمدن اسلامی را شکل داده‌اند.</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی.</p>

## مقدمه

در قرن بیستم میلادی، مباحث تمدنی به صورت منقح و چهارچوب‌مند در محافل فکری دنیا بسط یافت. در اوان این قرن، ویل و همسرش آریل دورانت بر آن شدند که سیر توجه به تمدن‌ها را از نگاه تک‌خطی‌رهای بخشند و به جنبه‌ ترکیبی و تحلیلی و آنچه طرق زندگی از مجموع آن‌ها شکل می‌گیرد توجه کنند. دورانت و همسرش در کتاب مشرق زمین گاهواره تمدن (۱۳۸۰)، به توصیف تمدن کهن شرق و نقش آن در پیدایی تمدن غرب می‌پردازند. در ادامه، افرادی چون زیگموند فروید، هنری لوکاس، جوزف توین بی و... این مسیر را در آثار خود توسعه دادند؛ مسیری که ابعاد سلبی و تقابلی‌اش، در دهه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و نمود عینی یافتن لایه‌هایی از قدرت بالقوه تمدنی آن برجسته‌تر شد. آثاری همچون مقاله «بنیان خشم مسلمانان» (Lewis, 2001) و «برخورد تمدن‌ها» (Huntington, 1993) با نظام بخشی بیشتر به مفهوم‌سازی‌های افرادی چون آلبرت کامو<sup>۱</sup> و بازیل متیوز<sup>۲</sup>، تقابل‌های بالفعل و بالقوه تمدن‌های بزرگ و به‌ویژه تقابل دو تمدن لیبرالیسم و اسلام را از منظر خود تبیین نمودند.

به موازات این سیر و پس از قرن‌ها تداوم افول تمدن اسلامی، پایه‌های فکری بیداری اسلامی به تدریج به استواری نسبی رسید و «نگاه تمدنی» در بین متفکران مسلمان شکل گرفت. در اوج این حرکت و در فضایی که بسط اومانیزم و فروعیات آن در جهان از سویی و سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی از سوی دیگر به بدن نحیف‌شده جوامع اسلامی ضربات مؤثری وارد آورده بودند، نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، نه تنها به‌مثابه سدی در برابر روند فوق‌تبلور یافت که زمینه را برای احیای دوران شکوه تمدن سترگ اسلامی را فراهم آورد. داشتن ظرفیت تمدن‌سازی و نیز نگاه تمدنی رهبران انقلاب اسلامی، دو ستون مقوم این دستاورد بوده است.

بر اساس افق متعالی نگاه امام خمینی، احیای تمدن اسلامی، رسالت پیش روی انقلاب اسلامی است. ایشان تمدن‌سازی را یک فرایند و محصول تربیت و زیست اخلاقی یک جامعه

1. Albert Camus
2. Basil Mathews

می‌دانند؛ فرایندی که با تکیه بر سه اصل مهم آزادی، عقلانیت و تعامل دین و سیاست محقق می‌گردد (محمودی کیا، ۱۳۹۹).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز با تداوم ریل‌گذاری تمدنی امام خمینی در مسیر انقلاب اسلامی، ضمن مفهوم‌سازی‌های جدید، منظومه نظری آن را در قالبی نظام‌مند و کاربردی توسعه بخشیدند. مفروض آن است که انقلاب اسلامی ایران نقطه عزیمت طرح تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود؛ اما ابهام و سؤالی که قابل طرح است اینکه، آیا این پدیدار، ماهیتی تأسیسی داشته یا بخشی از یک فرایند است؟ نسبت تمدن نوین اسلامی با دوران طلایی تمدن اسلامی، با تمدن نبوی و پیش از آن، با رسالت انبیا چه می‌باشد؟ پاسخ‌های گوناگون به این سؤالات، منتج به طیفی گسترده از مواجهه‌های موجود با این مفهوم و اساساً، انقلاب اسلامی خواهد بود. ریشه بسیاری از ابهامات فوق، نگاه منقطع از بستر و روندهای مقوم ماهیت یک پدیدار است. بر اساس مفروضات روش تحلیل تطبیق تاریخی به‌عنوان روش مختار این پژوهش، بر آنیم تمدن نوین اسلامی و نقطه عزیمت طرح آن یعنی انقلاب اسلامی، نه یک پدیدار خلق‌الساعه و نه حتی برآمده از تحولات و تطورات منتج به پیروزی آن که ثمره رشد عقول، تعالی روح بشریت و بسترسازی در دیگر ابعاد، طی قرون متمادی است. لذا طرح تمدن نوین اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌هایی به درازنای تاریخ و گستره‌ای به پهنای جغرافیای جهان دارد. واکاوی این زمینه‌ها که تلفیقی نه‌چندان قابل تفکیک از مبانی فکری و تاریخی است، مسئله این جستار را شکل داده است.

در بیان اهمیت بحث، می‌توان ادعا نمود افق تعاملات و تقابلات امروز دنیا، بسیار فراتر از گذشته بوده و تثبیت و تعمیق نگاه تمدنی در میان نمایندگان اجرایی و رهبران فکری تمدن‌های بزرگ، بسیاری از مواجهه‌های روبنایی دیگر را تحت شمول خود بازتعریف نموده است. لذا اهمیت سخن از تمدن و مبانی، اصول و فروع آن، قامتی به بلندای اهمیت فهم راستین کلان پدیدارهای جهان را داراست. در این میان و بر اساس مفروضات نظری مقاله که از سویی بر حرکت تاریخ به سمت تعالی و تکامل و از سویی بر انباشتی بودن علم و سخت‌افزار و نرم‌افزارهای زاینده پدیدارهای تمدنی تأکید دارد، شناختن زمینه‌هایی که طرح داعیه شکوهمند احیای تمدن اسلامی در قالبی «نوین» را برای رهبران انقلاب اسلامی فراهم

آورد، پراهمیت است؛ زمینه‌هایی که بدون شناخت آن‌ها، ماهیت‌شناسی تمدن نوین اسلامی، این رسالت بلند انقلاب اسلامی میسر نخواهد بود.

در مقام هدف، پژوهش پیش‌رو در پاسخ به این سؤال اصلی که طرح نظریه احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب بر کدام بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی نضج یافته، در پی آن است تا ضمن توسعه معرفتی نسبت به گوشه‌ای از اندیشه سیاسی اسلام، با تأثیرگذاری در ابعاد نظری و انضمامی، به خودآگاهی، مسئولیت‌شناسی و تعمیق آگاهی مردم و مسئولان کشور نسبت ماهیت و رسالت واقعی انقلاب اسلامی کمک نماید.

### ۱. پیشینه تحقیق

در سال‌های گذشته و به‌ویژه از آغاز دهه نود شمسی، تعدادی بسیار از آثار مرتبط با احیای تمدن اسلامی منتشر شده و از منظرهای گوناگون بدان پرداخته‌اند. از جمله علیجان‌زاده روشن در کتاب *نگاهی اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب درباره تمدن اسلامی* به جمع‌آوری بخشی از سخنان ایشان در این موضوع می‌پردازد. درخشه در کتاب *آفاق تمدنی انقلاب اسلامی* کارنامه و ظرفیت‌های موجود در انقلاب و جمهوری اسلامی را برای تمدن‌سازی نوین بررسی کرده است. مؤمنی‌ها و نجف‌علیزاده در کتاب *نقش نخبگان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی* و رفیعی شمس‌آبادی در کتاب *نخبگان و تمدن‌سازی اسلامی* مباحثی کمتر پرداخته شده در این حوزه را مورد توجه و آسیب‌شناسی قرار داده‌اند. از معدود کتب نگاشته شده در این حوزه با رویکرد فلسفی را غلامی تحت عنوان *فلسفه تمدن نوین اسلامی* نگاشته است.

پایان‌نامه‌های «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (۱۳۹۵) نویسنده عوامل تمدن‌سازی را بررسی کرده که فاقد چهارچوب مشخص بوده و بیشتر بر جمع‌آوری داده و توصیف تمرکز دارد. «نقش دولت در تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (۱۳۹۴) بر بخش‌هایی مغفول از نقش دولت در تمدن‌سازی پرتو افکنده و اکبری در «چالش‌های فکری انقلاب اسلامی و راهکارهای آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی» (۱۳۹۷) به آسیب‌ها و تهدیدات نظری و عینی در تحقق این امر و راهبردها و راهکارهای موجود در تقابل با آن‌ها پرداخته است. «فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (۱۳۹۸) عنوان مقاله جهانی‌ن و معینی‌پور است که در آن پنج گام ترسیمی معظم له در تحقق تمدن

اسلامی را بررسی و امکان‌سنجی و ملزومات هر گام را به‌صورت جداگانه طرح می‌نماید. عزتی، چهاردولی و ترابی در «مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن» (۱۳۹۹) سعی دارند در چهارچوب نظری نظریات رهبران انقلاب اسلامی به پرسش خود پاسخ دهند.

همان‌گونه که نمونه‌هایی از آن گذشت، پرداختن جامع و مستقل به مسیری که بشریت از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی طی نموده و پایه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری طرح احیای تمدن اسلامی را فراهم کرده است، منطقی نسبتاً مغفول مانده در بین این آثار است.

برخی آثار تمرکزی نسبی به این موضوع دارند. رسالهٔ دکتر «چیستی و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی در آثار متفکران ایرانی بعد از انقلاب» (۱۴۰۲) با روش فراترکیب<sup>۱</sup> صرفاً به‌عنوان یکی از محورهای مورد توجه اثر، این بسترها را از منظر متفکران ایرانی و در لابلای آثار مختلف جمع‌آوری کرده است. نجفی و غلامی در «انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» (۱۳۹۷) با تأکید بر دکترین امامت، به ظرفیت‌های سیاسی شیعه در مسیر تمدن‌سازی می‌پردازند. این تلاش تمرکز کمی بر موضوع مورد انتظار از عنوان مقاله دارد و گستردگی بالای مسائل فرعی مطروح، آن را از دستیابی مطلوب به هدف اصلی بازداشته است.

## ۲. مبانی مفهومی

### ۲-۱. تمدن

پیچیدگی‌های این مفهوم و درهم‌تنیدگی مؤلفه‌های تعریف آن با مبانی نظری معرف، مانع از تبیینی فصل‌الخطاب است. به‌هرروی: «بسنده نمودن به تعریف مفاهیم تا حد تبیین نسبی، امری معقول است» (پوپر، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۶۸).

معنای لغوی: واژهٔ civilization معادل «تمدن» در زبان انگلیسی است که از واژهٔ لاتین civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است. تمدن دستاورد شهرنشینی است، یا برای پیشرفت و ترقی

افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۸۷، به نقل از: سپهری، ۱۳۸۵، ص. ۳۵).

در بازهٔ ۱۹۸۰-۱۹۳۰ نسلی از نظریه‌پردازان تمدنی همچون بنیامین نلسون<sup>۱</sup> ظهور یافتند که واژهٔ تمدن را نه پدیده‌ای پایان‌یافته، بلکه به‌عنوان یک پروسهٔ در حال تحول انگاشتند. نهایتاً نسل متأخر نظریه‌پردازان تمدنی شامل هانتینگتون و آیزنشتات ذیل مطالعات تمدنی خود با موضوع برخورد تمدن‌ها و تطبیق آن‌ها، معنای نوین و پویا به این واژه بخشیدند (بابایی، ۱۳۹۶، ص. ۵۷).

واژهٔ «تمدن» برگرفته از «مدینه» است و مؤلف کتاب التحقیق واژهٔ مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص. ۵۵). در فرهنگ دهخدا ذیل مدخل «تمدن» آمده است: «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت؛ و گویند مولده است (از اقرب الموارد) شهرنشینی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۶۹۷۲).

معنای اصطلاحی: تعریف اصطلاحی تمدن تلاشی سخت است و نهایتاً پای فلسفه را به میان می‌آورد (لوکاس، ۱۳۶۶، ص. ۷). تعاریف رایج از تمدن و civilization از تنوع و جهت‌گیری‌های بسیار گسترده‌ای برخوردار است. ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱، ص. ۳). توین بی می‌نگارد: «تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر و به‌منزلهٔ اعضای یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کند» (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۱).

از نگاه ابن خلدون که تمدن را «حالت اجتماعی انسان» می‌داند، جامعه‌ای متمدن است که با تشکیل حاکمیت، نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا به حفظ نظم و نظارت پردازد و از حالت زندگی فردی به زندگی شهری روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات انسانی چون علم و هنر شده است (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۷۱).

1. Benjamin nelson

به اعتقاد علامه جعفری:

تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تراحم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید؛ به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص. ۲۳۳)

با علم به بغرنج بودن ارائه تعریفی جامع که تمام لایه‌های درهم‌تنیده تمدن را در بر بگیرد، بر آنیم: تمدن مجموعه‌اندوخته‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انسان اجتماعی است که در جامعه‌ای تطور یافته بروز و تحول می‌یابد.

#### ۱-۲. تمدن اسلامی

بر اساس تعاریفی که ذیل مفهوم تمدن ذکر شد، تمدن اسلامی «شیوه و سبک زندگی اسلامی را شکل می‌دهد و دستاوردهای معنوی مانند اخلاقیات، آداب، سنن، قوانین و انواع هنرهای اسلامی و دستاوردهای مادی مانند صنعت، فناوری، ساختمان‌ها و بناهای مختلف، که حاصل کار دانشمندان، صنعتگران، هنرمندان و افرادی معتقد به اسلام تمدن اسلامی به جامعه بشری عرضه می‌کند» (قاسمی، ۱۳۹۶، ص. ۷).

این تمدن که از آغاز تولد اسلام در مکه شروع به رشد یافت، در قرون بعد فراز و فرودهای بسیاری به خود دید. تمدن اسلامی، معاصر با قرون وسطی در غرب به اوج بالندگی خود رسید و با بروز تمدن مادی گرای غرب و نمو یافتن جوانه‌های مدرنیسم، افول یافت.

برخی از تعاریف، تمدن اسلامی را محدود به آنچه بر این تمدن در دوران شکوه خود گذشته است، می‌دانند. «تمدن اسلامی به اجتماعی از ملل مسلمان اشاره دارد که در محدوده وسیعی از جهان استقرار یافته و مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی را شکل داده‌اند که شیوه و سبک زندگی متمایزی را تشکیل می‌دهد» (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۹۰). به عقیده توین بی: «تمدن اسلامی تمدن شرق در قرون وسطاست که بنیان‌گذار آن فقط ایرانی و عرب مسلمان نبودند» (حاتمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۸).

امام خمینی و رهبر انقلاب عمدتاً تمدن را درون گفتمانی و در حقیقت تمدن اسلامی مطلوب را تعریف نموده‌اند. از سویی امام خمینی در مواردی به ابعاد سلبی این مفهوم پرداخته

و تمدن اسلامی را به‌عنوان ماهیت «غیریت»<sup>۱</sup> ساز با تمدن غربی معرفی کرده‌اند. ایشان تمدن مفید را همان تمدن اسلامی می‌دانند که مجموعه‌ای یکدست از نظام فکری و اخلاقی و سنن و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و دستاوردهای علمی بر پایه اسلام است و شاخصه‌های این تمدن را مذهب، قانون، آزادی، احزاب، استقلال و تقسیم کار اجتماعی می‌دانند.

با تکیه بر تعریف نهایی ارائه شده از مفهوم تمدن برآیند: تمدن اسلامی مجموعه اندوخته‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مسلمانان است که در جوامع اسلامی و بر هسته مرکزی توحید و باورهای دینی و مؤلفه‌های رهبری اسلامی، شریعت اسلامی، اخلاق، علم، عقلانیت و توسعه همه‌جانبه معطوف به حیات طیبه شکل می‌گیرد.

## ۲-۲-۲. مفهوم تمدن نوین اسلامی

برجسته‌ترین بحث ذیل شناخت مفهوم تمدن نوین اسلامی، تمایز آن با تمدن نخست اسلامی است که با ظهور پیامبر اسلام شکل گرفت و در قرون بعد به شکوفایی رسید. همچنین می‌توان از تمایز آن با تمدن مطلوب سایر اندیشمندان مسلمان به لحاظ مؤلفه‌ها سخن گفت. در این مسئله، سه نگاه وجود دارد:

الف) قائلان به تمایز تاریخی تمدن نوین اسلامی: برخی از پژوهشگران و متفکران تفاوت را روینایی و در مقطع تاریخی تحقق آن‌ها و به تبع مقتضیات متفاوت زمانی فرو می‌کاهند. به باور این طیف، تمدن نوین اسلامی بر همان بنیادهای نظری تمدن نخست شکل می‌گیرد. از جمله اسماعیلی می‌نگارد: «[تمدن نوین اسلامی] از لحاظ مبنا و مؤلفه‌های اصلی هیچگونه تفکیکی با تمدن اسلامی عصر طلایی ندارد؛ اما در برخی از مسائل فرعی یا ابزار تعالی مانند بهرهوری از علوم امروزی و تجربه‌های ارزشمند بشری، ممکن است دگرگونی‌هایی با تجربه تاریخی گذشته‌اش داشته باشد» (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص. ۵۱).

ب) قائلان به تمایز تاریخی و نظری تمدن نوین اسلامی: این طیف علاوه بر تأخر زمانی، لایه‌هایی عمیق‌تر از تفاوت را در نسبت میان تمدن نوین اسلامی و تمدن نخست لحاظ می‌کنند.

مثلاً رضا غلامی فکر و فرهنگ شکل دهنده تمدن جدید را متمایز میدانند: چنان تغییراتی در فکر و فرهنگ اسلامی رخ داده است که باید بین فکر و فرهنگ اسلامی شکل دهنده تمدن یا تمدن‌های قبلی و فکر و فرهنگ شکل دهنده تمدن جدید، تمایز قائل شد... در وجه دیگر، جنبه عینی تمدن در تاریخ مدنظر است... می‌توان این دو تمدن را با دو عنوان «تمدن پیشین» و «تمدن نوین» متمایز نمود. وجه سومی نیز وجود دارد که بر اساس آن، تمدن جدید هم از حیث نظری و هم از جهت بستر تاریخی با تمدن قبلی متفاوت است... به اعتقاد ما مفهوم تمدن نوین اسلامی را باید در وجه سوم جستجو کرد (غلامی، ۱۳۹۴).

ج) قائلان به تمایز صرفاً نظری و ماهوی: معدودی از متفکران در تبیین مفهوم تمدن نوین اسلامی، تأخر زمانی نسبت به تمدن نخست را دخیل و مبنا ندانسته و به ویژگی‌های ماهیتی آن تأکید دارند. موسی نجفی ضمن تأکید بر تمایزات نظری و ماهوی تمدن جدید و تمدن نخست اسلامی، در نگاهی بدیع بر آن است: نوین بودن تمدن نوین اسلامی نسبت به گذشته نیست؛ بلکه نسبت به تمدن غرب، نوین خواهد بود. تمدن نوین اسلامی هرچند یک تقریر جدید و نو از تمدن گذشته است؛ اما نو بودن آن از این جهت است که انقلاب اسلامی ظرفیتی را ایجاد کرده که آن میراث عظیم گذشته تمدنی ما در برخورد با تمدن غرب می‌تواند به یک وضعیت جدید برسد (نجفی، ۱۳۹۴).

در تعریف مفهوم «نوین» و چیستی تمدن نوین اسلامی، آن را دوساحتی دانسته و هر ساحت را دارای ویژگی‌هایی بعضاً متمایز که نهایتاً به هم‌افزایی خواهند رسید می‌دانیم. در ساحت نخست و نضج این تمدن در ایران، ویژگی‌هایی مهم و تعیین‌کننده همچون محوریت مفهوم امامت، اجتهاد پویا و بهره‌مندی از اندوخته‌های بومی و ایرانی، آن را به لحاظ تاریخی و ماهوی از تمدن نخست اسلامی متمایز می‌کند؛ اما در ساحت دوم که شامل سایر جوامع امت اسلامی است، این تمایزها کمتر نمود داشته و به تبع، قرابت آن به تمدن نخست نمود بیشتری دارد.

به باور نگارنده، این تمدن، نه در عرض مفهوم تمدن اسلامی، بلکه ذیل آن تعریف می‌شود. کلمه «نوین» در این مفهوم، خالی از انقلاب مفهومی بوده و بیشتر بر تغایر مصداقی آن با تمدن نخست اسلامی نضج یافته در قرون پیشین صدق می‌کند. در مقام انتزاع، بنیادها، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و اهداف غایی تمدن نوین اسلامی، به صورت مطلق و ژرف، جدای از تمدن اسلامی قابل تعریف نیست؛ اما آنچه تمدن نوین اسلامی را متمایز می‌سازد، تلاش برای عینی کردن و به

انضمام کشاندن آن، با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در عصری نوین و بس متفاوت است.

### ۳. مبانی و مباحث نظری

#### ۳-۱. ظرفیت تمدن‌سازی اسلام

برخورداری از کلان‌نظریه، جامعیت، فراگیری و در کنار این عناصر، نظام‌وارگی یک اندیشه، آن را قادر می‌سازد مقدمات تمدن‌سازی را فراهم کند. اندیشهٔ اسلام با توجه به جامعیت بی‌بدیل خود، به‌راستی مدعی تمدن‌سازی‌ای برای بشریت است که می‌تواند ذخایر و ظرفیت‌های انسانی و امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی جامعه را در قالب محتوا و مظاهر تمدنی بالفعل سازد. از سویی، نقاط عطفی چون اوج‌گیری تمدن اسلامی و دوران شکوه آن، گواه صحت این ادعا و قدرت نظریات اسلامی در تمدن‌سازی است.

#### ۳-۱-۱. ظرفیت و رسالت تمدنی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی برآمده از نگاه حداکثری به اسلامی است که آموزه‌های آن، تمام ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان را شامل است. اسلام نه مجموعه‌ای از دستورات فردی و نه جمعی از ریل‌گذاری‌های جزیره‌ای و پراکنده اجتماعی است؛ بلکه منبعی غنی و جامع برای تشکیل تمدن است و اجرایی کردن آن، جز از مسیر تشکیلی حکومتی تمدن‌ساز نمی‌گذرد. امام خمینی با بهره‌گیری عملیاتی از این منبع و بر اساس نگاه تمدنی خود، ضمن نقد تمدن موجود غربی و «تمدن بزرگ» مورد ادعای رژیم پهلوی، از احیای تمدن اسلامی در قامت یک هدف مهم حکومت اسلامی یاد کرده است؛ لذاست که در کتاب صحیفه ایشان، دو مفهوم «تمدن» و «متمدن» ۱۷۷ بار تکرار شده است.

از منظر امام توحید به‌مثابه نقطهٔ عزیمت نهضت اسلامی، جهت‌گیری حرکت جامعه و نظام سیاسی را به سمت تمدنی بر پایهٔ «عبودیت» و «نشر توحید در عالم» تعیین می‌کند. ایشان این هدف را شامل ابعاد مختلف حیات بشری می‌داند و همین شمول، تکیه‌گاه نظری بحث حاضر در تمدن‌سازی اسلامی است. از نظر ایشان، انسان دارای سه لایهٔ «قلبی، عقلی و ظاهری» است و دستورات انبیا و تمدن برآمده از آن نیز باید پاسخگوی هر سه لایه باشد (ر.ک. به: امام خمینی،

۱۳۸۰، ص ۳۸۶). بر این اساس و بر مبنای ماهیت و بنیادهای فکری انقلاب اسلامی، در یک جمله می‌توان خط انقلاب اسلامی ایران را حرکت در مسیر پیچیده، چند سطحی و طولانی تمدن‌سازی و اجرایی کردن راهبرد برون‌رفت عقب‌ماندگی جهان اسلام به صورت عام و ایران به صورت خاص دانست.

## ۲-۲-۳. تکامل تاریخ

حرکت تاریخ و سیر تکاملی، قهقریایی و ادواری آن، همواره معرکه آرای صاحب‌نظران بوده است. بسیاری از متفکران مسلمان از منظرهای گوناگون بر سیر تکاملی تاریخ و حرکت جهان به سمت عبودیت تأکید دارند. مطهری نظریه تکامل مبتنی بر «فطرت» را مطرح می‌سازد: «انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود یعنی مرحله انسان ایدئال و جامعه ایدئال نزدیک‌تر می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۴۲۷).

طباطبایی از منظری غایت‌گرایانه همین مطلوب را حاصل می‌کند. ایشان در بحث مبسوط خود ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران می‌نگارد: «کاوش عمیق در احوال کائنات نشان می‌دهد که انسان نیز به عنوان جزئی از کائنات در آینده به غایت و کمال خود خواهد رسید» (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۰۶).

بر همین اساس، مفروضات نظری این تحقیق بر آن است: «پرداختن به موضوع مهم و اساسی تمدن‌نویین اسلامی و تدوین طرحی نظری در خصوص این مفهوم، بدون توجه به چشم‌انداز آینده و ترسیم و الگو و هدف، ناتمام خواهد بود» این الگو، بر اساس نظرات صاحب‌نظرانی چون مطهری و طباطبایی در خصوص تکامل تاریخ از منظر «فطرت» و «غایت» قابل استخراج است و بر آن اساس، انسان همچون کل جهان به صورتی هدفمند خلق شده و در مسیری ولو دارای فراز و نشیب و همراه با صعود و سقوط جوامع، به سمت کمال و تکامل در حرکت است.

## ۴. روش

تبیین بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، منقطع از بسترهای شکل‌دهنده آن ناقص خواهد بود. مطابق با اصل «وابستگی به مسیر طی شده» باور بر این است که برای «شناخت» بسیاری از

پدیده‌ها، بایستی آن‌ها را در ظرف زمان و مکان و ضمن بررسی مسیر طی شده تاریخی آن‌ها، از طریق بررسی پیکربندی‌ای از متغیرهای مؤثر، در ترتیبات نهادی مختلف یا مشابه، مورد مطالعه قرار داد (شجاعی، ۱۴۰۰، ص. ۲۹ به نقل از Mahoney, 2000).

این امر در خصوص شناخت ماهیت «تمدن نوین اسلامی» که از جنس تمدن بوده و «تدریج» بخشی ذاتی از ماهیت آن است، اهمیتی مضاعف دارد. لذا این پژوهش، برای پاسخ به این سؤالات و تعمیق معرفتی نسبت به ماهیت «تمدن نوین اسلامی» از روش تحلیل تطبیق تاریخی (CHA) بهره می‌برد. در این روش، ماهیت یک پدیدار، نه به صورت یک فریم عکاسی، بلکه همچون یک فیلم بلند و برآیندی از روندی تاریخی تبیین می‌شود؛ سکانس‌هایی که عناصر شکل‌دهنده آن پدیدار را شکل داده‌اند.

در روش مختار، آبرژه در قالب کلان ساختارها و فرایندهای بلندمدت مطالعه می‌شود و خروجی آن، منجر به تبیین علل شکل‌گیری آن پدیدار و نیز شناخت ویژگی‌های اکتونی آن خواهد شد (Tilly, 1984, p. 11).

کاربست این روش، در پژوهش‌های علوم سیاسی به صورت‌های گوناگون بوده است. در اینجا بدون فروافتادن در تله‌های روشی و محدودیت‌های زائد، به لایه‌های مبنایی تطبیق تاریخی پایبند خواهیم بود. در مسیر تحقیق، از دل منابع اولیه و ثانویه کتابخانه‌ای، آغازین جوانه‌های فکری و تاریخی شکل‌دهنده پیکره تمدن آرمانی نوین اسلامی را کاویده تکاملی آن را در ضمن بازخوانی مؤلفه‌های نظری آن تبیین می‌نماییم.

## ۵. داده‌های تحقیق

### ۵-۱. نهضت فکری و تاریخی انبیا

تمدن نوین اسلامی را بایستی در امتداد مسیر تمدن شکوهمند اسلامی‌ای دانست که با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی در شبه‌جزیره عربستان متولد شد و به سرعت گسترش یافت. این دین، خود عصاره و برون‌داد تکامل یافته رسالتی است که انبیای الهی در بسط توحید، عبودیت، معنویت و عدالت در جوامع انسانی بر عهده داشتند؛ بنابراین نقطه آغاز تمدن نوین اسلامی را در یک کلان نگاه می‌توان آغاز رسالت انبیا و به عبارتی بدو خلقت بشریت دانست؛ پیامبرانی که هر یک بشریت را گامی به سمت این کمال نزدیک ساخته و مهیای نزول کتاب آسمانی

قرآن و تولد تمدن نبوی نمودند. رسالت انبیا که مؤلفه‌های مقوم نهضت اسلامی مردم ایران بر آن پایه‌گذاری شده، ذیل موارد زیر قابل عنوان‌بندی و تبیین است:

#### سوق دادن انسان‌ها به توحید تشریحی و تکوینی

نه تنها غایت رسالت انبیا بلکه غایت و هدف اصلی خلقت را می‌توان در توحید محض و بندگی خدا خلاصه نمود: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ...»: «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید» (نحل: ۳۶). مقصود این دعوت، تعالی‌باورها از مسیر توحید الوهی و ربوبی است؛ تا آنجا که خداوند در تمام ابعاد و لایه‌های هستی و از جمله زندگانی بشر ساری و حاکم دانسته شود: «توحید، اولین هدف بعثت پیامبران است... توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریح و عالم تکوین است (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

#### عبودیت در مقام عمل و الهی‌سازی فرد و جامعه

این شدن و صیوریت و نیل به افقی چنین بلند، تنها از مسیر پیکرتراشی باورها و تطهیر نظری نخواهد گذشت؛ بلکه این بعد از توحید، آنگاه سالک و جامعه را به مقصود می‌رساند که در عمل و به تعبیر قرآن، «تزکیه» بروز یابد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ لذا توحید در مقام اعتقاد آغاز مسیری است که غایت آن رسیدن از ابعاد حیوانی به لاهوتی است: «آنچه مقصد ذاتی و غایت بعثت و دعوت انبیا و مجاهدت و مکاشفت گمگشتگان و اولیاست، آن است که انسان طبیعی لحمی حیوانی بشری، انسان لاهوتی الهی ربانی روحانی شود و افق کثرت به افق وحدت متصل شود» (اخلاقی و شریعتمداری، ۱۳۸۶، ص. ۳۴۹).

#### طاغوت‌ستیزی

طغیان انسان مستغنی در برابر پروردگار از ویژگی‌هایی است که قرآن کریم برای انسان ذکر کرده است (علق: ۶). امام خمینی از اولین آیات اولین سوره‌ای که بر پیامبر<sup>(ص)</sup> وحی شده است نتیجه می‌گیرد که مقوله طاغوت و طاغوت‌ستیزی «در رأس امور است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۴) قرآن و روایات می‌نمایاند که تبری و قیام علیه طاغوت

و استکبار، از برجسته‌ترین محورهای رسالت انبیا بوده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). این اهمیت تا آنجاست که این ایستادگی، فراتر دفاع و مقاومت انفعالی، بلکه ماهیتی قیام‌گونه و آفندی دارد: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (شعرا: ۱۰).

### اقامه عدل

عدل به موسع‌ترین معنا و برون‌داد آن که به تعبیر حضرت علی در حکمت ۴۳۷ نهج‌البلاغه: «العدل يضع الأمور مواضعها» شامل ابعادی محوری و گسترده از رسالت پیامبران است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵): «رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». امام خمینی با تفسیری زیبا از مفهوم عدل و ارتباط آن با این رسالت، آن را با شئون مختلف و وسیع انسان‌سازی متداخل می‌داند: «انبیا همه آمدند آدم را درست کنند. یک نبی‌ای نیامده است که مقصدش این معنا نباشد که انسان را اصلاح کند. اقامه عدل، همین درست کردن انسان‌هاست» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۵) ایشان البته در موارد متعدد، معنای متبادر از عدالت و به‌مثابه ایستادگی در برابر ظلم و حق‌ستانی مظلوم را مراد گرفته‌اند: «اساساً انبیا خدا-صلوات الله و سلامه علیهم- مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور، و خدمت به مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۶).

### ساماندهی به امور دنیوی

دقت در ماهیت و رسالت دین و نیز بسیاری از آموزه‌های این دنیایی آن گواه است که هدف انبیا ساماندهی توأمان دنیا و آخرت در شبکه‌ای از روابط الهی و متعالی است. برخلاف آنچه برخی روشنفکران که با نگاهی تقلیل‌گرا به دین نگریسته‌اند و این برداشت، به‌عنوان نمونه در نام کتاب آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا مهدی‌بزرگان نمودی واضح دارد، اصولاً تفکیک سعادت واقعی دنیوی و اخروی، بالذات امکان‌پذیر نیست.

امام خمینی نامحدود بودن مقوم‌های دین را دلیل این امر دانسته‌اند:

و گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای اینکه، این دنیا را اداره بکند، یا آمده است فقط برای اینکه مردم را متوجه به آخرت بکند، یا آمده است که مردم را آشنای به معارف الهیه بکند. محدود کردن، هر چه باشد خلاف واقعیت است. انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است؛ نه محدود به عالم طبیعت و ماده است، نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم تجرد است، همه چیز است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۴۲۲)

لذا دین به دنبال ساماندهی وجوه مختلف زیست دنیوی از جمله «رفاه مستضعفین» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۵۳۱). «مالیات‌هایی نظیر خمس و زکات و خراج را بگیرد و صرف مصالح مسلمین کند؛ عدالت را بین ملت‌ها و افراد مردم گسترش دهد، اجرای حدود و حفظ مرز و استقلال کشور کند» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۷۱).

### تشکیل حکومت

پیامبران نخستین رهبران نهضت تمدنی الهی در زمین بوده‌اند. آنان در مقام تشکیل و تعالی ابعاد نرم‌افزاری و فرهنگی تمدن و گاه حتی در ابعاد عینی و سخت‌افزاری و حتی صنعتی، سرآمد بوده و در مقاطعی به دست انبیائی چون حضرت سلیمان و داوود (علیهماالسلام) موفق به شکل حکومت توحیدی شده‌اند.

مروری بر پنج عنوان قبلی و در نظر گرفتن لوازم و موانع تحقق آن‌ها، ما را به سمت ضرورت تشکیل حکومت خواهد رساند. اصولاً بسیاری از آموزه‌های دین و به‌ویژه آنجا که بحث در قامت ساخت تمدنی جامع بلندا می‌یابد، تنها در ذیل حکومت دینی مجال عینیت می‌یابد: «هدف بعثت‌ها، به‌طور کلی، این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند. و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۷۰).

بر اساس آنچه بررسی شد، رسالت انبیا، رسالتی فرازمانی و فرامکانی بوده که ساماندهی امور اخروی و دنیوی بشریت را هدف داشته است؛ این شمول، ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری‌ای را در برمی‌گیرد که طبق تعریف مختار پژوهش از مفهوم تمدن، مؤلفه‌های این مفهوم و مقصود را در خود جای می‌دهد. لذا و در یک جمله، رسالت پیامبران، بنیادگذاری تمدنی

الهی بوده است. این بنیاد، اساس حرکت متعالی بشر در قرون بعد را فراهم ساخت: «دعوت انبیاء روزبه‌روز در دنیا ماندگارتر، فراگیرتر و بیشتر به ذهن مردم و دل‌های مردم آشنا و نزدیک شده است. شیاطین کار می‌کنند؛ اما طبیعت عالم و حرکت عالم به‌سوی حق است» (دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۷).

## ۲-۵. تمدن نبوی و پایه‌گذاری نهال تمدن اسلامی

با ظهور اسلام، به‌مثابه کامل‌ترین برنامه تمدن‌سازی، جامعه بدوی عربستان خاستگاه تمدنی قدرتمند و جامع‌گشت و به‌سرعت مرزهای حجاز را درنوردید. رسالت پیامبر اعظم صورت تکامل یافته رسالت انبیاء پیشین بود و بر همان پایه‌های شش‌گانه پیش‌گفته شکل گرفت. ایشان را بایستی بنیان‌گذار تمدن اسلامی‌ای دانست که بسیاری از آمال و البته ثمرات گسترده و جهانی آن را دنیا در قرون بعد مشاهده نمود. آنچه در واقع اعجاز تمدنی اسلام به شمار می‌آید آن است که برخلاف سایر تمدن‌ها که عمدتاً فرایندی چندقرنه در تبدیل اندیشه به فرهنگ و فرهنگ به تمدن طی نموده‌اند، تمدن اسلامی با تکیه بر وحی، ایمان و ایدئولوژی قدرتمند و منحصربه‌فرد، به‌سرعت متولد گشت و نضح یافت: «نبی مکرم... توانست در طول ۲۳ سال جریانی به راه بیندازد که این با همه موانع تا امروز تاریخ را جلو رانده و پیش برده است... در همین مدت پیغمبر اکرم توانست... حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۹/۴).

## ۳-۵. نهضت جامع اهل‌بیت؛ تحکیم ریشه‌های تمدن نبوی و نضح فرهنگ سیاسی تشیع

پس از رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup>، آنچه تمدن نوین نبوی را گامی بلند به تثبیت و بالندگی نزدیک کرد، حرکت جامع اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> در تحکیم ریشه‌های این تمدن، رویارویی با تهدیدها در قالب‌های متنوع و ارائه الگویی جامع برای نیل بشریت به تمدنی تمام‌عیار بود. این حرکت البته از روز غدیر خم و تبیین و تکمیل دو مفهوم هم‌افزای «ولایت» و «امامت»، این دو مفهوم بلند و مؤلفه محوری تمدن نوین اسلامی، چه در دوران نخست و چه در احیای امروزین آن آغاز و با بلندترین معارف فردی و اجتماعی از زبان و سیره حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و امیرالمؤمنین چه در دوران سکوت و چه حکومت‌داری ادامه یافت. حسنین (علیهماالسلام) با قیام و قعود خود

الگوهای راستین و قوانین مقوم تمدن را کامل تر کردند و قیام عاشورا، علاوه بر بعد الگواره خود، به موتور محرک بی بدیلی برای خیزش بشریت به سمت تعالی مبدل شد. امام سجاد<sup>(ع)</sup> با درک صحیح و فهم عمیق دست به اصلاح تفکر و فرهنگ جامعه به عنوان زیربنا و زمینه و نرم افزار تمدن اسلامی زد. اگر در دوران امام باقر<sup>(ع)</sup> می بینیم که شیعه دوباره احساس وجود و شخصیت می کند... اگر در تاریخ، عصر امام صادق<sup>(ع)</sup> را عصر جنبش فکری و فرهنگی معرفی می کنند، مرهون تلاش و صبر و برنامه ریزی صحیح امام سجاد<sup>(ع)</sup> است (امامی، ۱۴۰۳، ص. ۶۶) و اگر «۳۵ سال تلاش امام سجاد را از زندگی ائمه قطع کنیم، قطعاً به آنجایی نخواهیم رسید که امام صادق رفتاری آن چنان صریح و آشکار با حکومت اموی یا بعدها با حکومت عباسی داشت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص. ۲۵۴).

در گام بعد، نهضت علمی، باشکوه امام باقر و امام صادق<sup>(ع)</sup> در شرایط افول بنی امیه و ظهور بنی عباس، نقطه عطف دیگری است که تعالیم اسلامی را در دو عرصه ارائه طریق و ایصال به مطلوب گسترش داد و جامعه اسلامی را با جهش معرفتی، چه در عرصه حیات فردی و چه در عرصه حیات اجتماعی مواجه کرد (غلامی، ۱۳۹۶، ص. ۷۴).

بروندادهای این نهضت چنان بود که «دستگاه خلافت ناگزیر از برخورد خشونت بار با این جریان و محبوس نمودن امام کاظم<sup>(ع)</sup> در زندان می گردد... [با وجود آن که] این حقیقت مورد غفلت قرار می گیرد، اوج نهضت علمی امامان شیعه در زمان امام رضا<sup>(ع)</sup> واقع شد» (همایون، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۴) حضور تابناک ایشان در مجالس بزرگ مناظره در عصر مأمون، از زمینه های این دستاورد به شمار می رود. از سویی، حضور ایشان در ایران، پایه گذار تحکیم ریشه های معرفتی تشیع در این دیار، به عنوان خاستگاه احیای «تمدن نوین اسلامی» در عصر امروز گشت باوجود به اوج رسیدن نهضت علمی در زمان امام رضا<sup>(ع)</sup>؛ اما همچنان جای خالی مؤلفه ای مهم در ترویج خروجی های این نهضت و ایصال آن به «تمدن» پابرجا بود. این مؤلفه، همان «حمله» و نخبگان متعهد جامعه هستند که با درک دقیق و عمیق علوم ائمه<sup>(ع)</sup>، حتی در غیبت یا محدودیت معصوم<sup>(ع)</sup> به گسترش آن پردازند. «در این نوع نگاه، ما فرایند غیبت را نه از زمان ورود شیعه به دوران غیبت صغرای امام زمان<sup>(عج)</sup> که از زمان به امامت رسیدن امام جواد<sup>(ع)</sup> ارزیابی می نماییم» (همایون، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶) اهمیت ورود سیر تاریخی شکل گیری تمدن

اسلامی به این مرحله، در زمان امامین عسکریین که به واسطه محدودیت‌ها و مظالم خلفا، حتی بسیاری از شیعیان موفق به دیدار امام خود نشدند، نمودی واضح دارد. این نمود، با غیبت صغری و سپس کبرای امام موعود، عینیتی مضاعف می‌یابد. آنجا که زیدگان این «حمله» به‌مثابه نائب خاص و سپس تا عصر ظهور به‌عنوان نائب عام امام، سکان‌دار حفاظت از دین و پیشبرد رسالت تمدنی ائمه<sup>(ع)</sup> معرفی شدند.

#### ۴-۵. دوران طلایی تمدن اسلامی

هم‌زمان با نهضت ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، گسترش قلمروی حکومت اسلامی و فتوحات جدید، باعث شد این تمدن تشنه پیشرفت و پرظرفیت، با سایر تمدن‌ها هم‌مرز شود. از همین طریق، ظرفیتی جدید برای شناخت و انتقال دستاوردهای سایر تمدن‌ها به داخل حوزه تمدن اسلامی فراهم شد. این امر از طریق نهضت ترجمه و نیز تأسیس نهادهای تمدنی همچون مدارس و کتابخانه با سرعتی چشمگیر صورت گرفت.

در سده سوم هجری تمدن اسلامی به «تمدنی فوق تمدن‌ها» تبدیل شد: «مجد آن‌ها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آن‌ها فوق تمدن‌ها بود؛ معنویات آن‌ها بالاترین معنویات بود؛ رجال آن‌ها برجسته‌ترین رجال بود؛ توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۳۷۴)؛ بنابراین می‌توان این سده را آغاز عصر طلایی تمدن اسلامی دانست؛ عصری که در سده چهارم به اوج خویش می‌رسد.

استیلاي تمام‌عیار اسلام در تمدن‌سازی و خروجی آن در قالب تولید علم و فرهنگ تا قرن پنجم ادامه یافت. پس از آن، تمدن اسلامی به سرعت فروپاشید. به قول ویل دورانت، هیچ‌یک از تمدن‌های تاریخ همچون تمدن اسلام، دچار ویرانی ناگهانی نشده است. گرچه بر سر عوامل این پدیده غمبار اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما در نگاهی کلان می‌توان عواملی چون تحجر، تصوف، خودکامگی، هجوم بیگانگان و سقوط اندلس را دخیل دانست (اسفندیار، ۱۳۹۱، ص. ۷۰).

این فراز و فرودها، از خاستگاه‌های فکری و تاریخی طرح احیای تمدن نوین اسلامی به شمار می‌روند. این تأثیر در ذیل چند عنوان قابل بررسی و مذاقه است:

**خلق تجربه زیسته<sup>۱</sup>**

تجربه زیسته، همان‌طور که در تحقیقات کیفی [پدیدارشناسی] درک می‌شود، بازنمایی و درک تجربیات، انتخاب‌ها و گزینه‌های انسانی محقق یا موضوع تحقیق و چگونگی تأثیر آن عوامل بر درک فرد از دانش است. تجربه زیسته از دیدگاه شخصی و منحصر به فرد محققان صحبت می‌کند (Boylorn, 2008)؛ لذا تجربه زیسته، نه -آن‌چنان که بعضاً در افواه معنا یافته- اصل آن وقایع تجربه شده است، بلکه آن معنا و بازنمایی است که از دل آن وقایع در ذهن نقش می‌بندد.

عینیت یافتن شکوه تمدن اسلامی در قرون متقدم، پیش از هر چیز مفهوم انتزاعی «تمدن اسلامی» را در ذهن مسلمانان قرون بعد به‌عنوان سوژه<sup>۲</sup>، تصویری انضمامی و ملموس<sup>۳</sup> بخشید؛ تصویری که بدون تولد آن، امید و ریل‌گذاری برای احیای تمدن اسلامی بی‌معنا خواهد بود.

**خلق امید و باورپذیری**

در مسیر احیای تمدن اسلامی، «امید مهم‌ترین ابزار پیشرفت است» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۸/۲۸) در فراترکیب صورت گرفته در خصوص راهبردهای نیل به تمدن نوین اسلامی، «ارتقای امید به پیروزی و آینده تمدن نوین اسلامی» یکی از پربسامدترین راهبردهایی است که پژوهشگران حوزه تمدن در قالب ۲۳ اثر، شامل کتاب، مقاله و رساله بر آن تأکید داشته‌اند (صدرشیرازی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۶).

اگر شکل‌گیری تمدن نبوی در صدر اسلام و تعمیق پایه‌های آن توسط ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، چهارچوب نظری و اساس اولیه ایجاد تمدنی بزرگ را بنا نهاد، به ثمر نشستن آن بنیاد در عصر طلایی تمدن اسلامی، بسان تجربه‌ای عینی و بالفعل شده و نمونه (تا حدی) آرمانی، برای همیشه تاریخ در برابر چشم مسلمان قرار گرفته است؛ تجربه‌ای که تکرار و احیای آن تمدن و حتی فراتر از آن را در عصر غیبت باورپذیر نموده است

1. Lived Experience
2. Subject
3. Objective

### خلق ذخایر انباشتی تمدن

در تعریف ارائه شده از مفهوم تمدن در صدر این جستار، یعنی «مجموعه اندوخته‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انسان اجتماعی است که در جامعه‌ای تطور یافته بروز و تحول می‌یابد»، کلمه «مجموعه» ما را به شمول حداکثری، «اندوخته‌ها» به شمول داشته‌ها و مصنوعات و پدیدارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رهنمون می‌سازد. امروز، گرچه به‌راستی سخن از انحطاط تمدن نخست اسلامی می‌رود؛ اما این افول به معنای از میان رفتن بسیاری از «اندوخته‌ها» و دستاوردهای فکری و عینی آن نیست.

کاروان علم [امروز] بشری به‌اندازه‌ای که مدیون نام‌های بزرگی چون فارابی، ابن‌سینا، غزالی، ابن‌رشد، ابن‌خلدون، الزهراوی، رازی، ابن‌هیشم و ملاصدراست، مدیون حیث تمدن‌آفرینی مکتبی است که حتی مسلمان شدن را نیز جز به تعقل و معرفت در اصول قبول ندارد (خرمشاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸).

امروز اگر به‌راستی سخن از احیای آن تمدن می‌رود، مستظهر و با تکیه بر آثار اندیشمندان و متفکران متقدم، علوم نظری و تجربی انباشته، مسیر طی شده، فرهنگ روبه‌جلو رفته و تجارب گوناگون به‌دست آمده از علل فراز و فرود تمدن نخست اسلام است؛ بنابراین تجربه ثبت شده مسلمانان در قلمرو تمدن قبلی می‌تواند به‌عنوان یکی از سرچشمه‌های علوم قرار گیرد. تاریخ و آگاهی‌های تاریخی ما مدعی ارائه الگو است. تجربه تاریخی مسلمانان (تمدن اسلامی) به‌عنوان یکی از سرچشمه‌های تحول بر علوم و در زمره مدعیان ارائه الگویی برای چگونگی اسلامی سازی آن است (الویری، ۱۳۹۵).

### ۵-۵. بیداری اسلامی و غیریت‌سازی با تمدن غرب در دو سطح منطقه و ایران

افول تمدن اسلامی، قرن‌ها تداوم یافت. گذشت زمان به پیشرفت بیشتر تمدن مدرن و عقب‌ماندگی مضاعف مسلمان انجامید. این گسست، به وابستگی فکری به غرب و خودباختگی هویتی برخی مسلمانان انجامید. همچنین تصرف قسطنطنیه در ۱۹۱۸ به‌وسیله بریتانیا، فرانسه و ایتالیا و فروپاشی امپراتوری عثمانی به‌عنوان مظهر قدرت مسلمین، موجی از سؤال را در میان مسلمانان ایجاد نمود. با این محور که «چرا غرب پیشرفت کرد و مسلمانان عقب ماندند». این

پرسش، خاستگاه تلاش‌های ارزشمند در میان اندیشمندان ایران و عرب گردید. برجسته‌ترین این صاحب‌نظران در اولین موج بیداری اسلامی سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. به اعتقاد ایشان: «باید برای یافتن علل این سقوط و سبب این مذلت به خود رجوع کنیم» (اسدآبادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲). اندیشه‌ها و تحركات بین‌المللی سید جمال موجی از بیداری اسلامی را به راه انداخت.

معاصر او و در سال‌های بعد، اندیشمندان بسیاری به بررسی علل عقب‌ماندگی جهان اسلام پرداختند: «مودودی به‌عنوان راه‌حل، جهاد، انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی را مطرح میکند» (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲). حنفی بر عقل‌گرایی و مطالعه عقلی متون دینی و از سویی بر علم‌گرایی تأکید دارد (بصیری بسیج، ۱۳۹۵). به عقیده بن‌نبی، جهان اسلام باید ضمن حفظ ارزش‌های اخلاقی، خود را از طریق یک برنامه‌ریزی منظم علمی به سطح بالای پیشرفت مادی برساند (بن‌نبی، ۱۹۸۹، ص ۱۷۰) و سید قطب به‌واسطه «روح اهریمنی تمدن غرب»، بر بومی‌گرایی، گذشته‌گرایی و ارائه یک آلترناتیو اسلامی برای تمدن غرب تأکید می‌نماید (اکوانی و ارژنگ، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

آخوند خراسانی «قطع ید استعمار، حفظ بیضه اسلام، جایگاه بالای عدالت در تمدن منور، نابودی ظلم به ملل ضعیف و آزادی» را راه‌حل نجات می‌دانست (کیخا، ۱۳۹۶، ص ۹). شیخ فضل‌الله نوری از علمای بنیادگذار نهضت مشروطه در حالی از اضافه شدن عنوان و محتوای «مشروع» دفاع می‌نمود که به ظواهر تمدنی و ساختارهای سیاسی برآمده از مدرنیسم پایبند بود (کیخا، ۱۳۹۶، ص ۱۹). نائینی آشکارا تشکیل حکومت اسلامی بر محور نیابت ولایی فقها را راه احیای تمدن اسلامی می‌دانست و قناعت به مشروطه را من باب دفع افسد به فاسد می‌پذیرفت (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

گرچه شکست مشروطه و مخصوصاً شهادت شیخ فضل‌الله باعث به محاق و انزوا رفتن اندیشه‌های احیاگرانه و نظریه‌پردازی در احیای تمدن اسلامی گشت؛ اما مدرس نگذاشت این پرچم حتی در سایه سنگین‌ترین فشار اختناق رضاخانی بر زمین ماند. او در اندیشه‌های

احیاگرانه خود، آشکارا رویکردی تمدنی داشت و با وقوف بر آسیب‌های عصری و نیز عصر طلایی تمدن اسلامی، به دنبال احیای این تمدن از طریق احیای لوازم آن بود (ترکمان، ۱۳۶۸، ص. ۸۴).

از سوی، عبدالکریم حائری یزدی و بروجردی به ترتیب با تأسیس حوزه علمی قم و تثبیت و تحکیم جایگاه مرجعیت شیعه و ارتقای جایگاه حوزه‌های علمیه در ایران، زمینه را برای آغاز نهضت تاریخی مردم ایران به رهبری امام خمینی آغاز کردند.

#### ۶-۵. انقلاب اسلامی، نقطه عزیمت احیای تمدنی

نهضت منتج به انقلاب اسلامی ایران بر پایه‌های نظری مستحکم و منظومه اندیشگانی جامع امام خمینی بنیادگذاری شد که از آغاز، تمدن‌سازی اسلامی را بخشی از ماهیت این نهضت می‌انگارد. به تعبیر خرمشاد: «از آنجا که حدوث انقلاب اسلامی ذاتاً تمدنی است، چاره‌ای ندارد جز اینکه بقای تمدنی نیز داشته باشد. انقلاب اسلامی باید بتواند الهام‌بخش و مبنای شکل‌دهی تمدن نوینی در ایران باشد، در غیر این صورت محکوم به زوال و نابودی خواهد بود» (خرمشاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸).

در سیر تکاملی تبیین شده در این تحقیق، پیروزی انقلاب اسلامی در اوج قرار می‌گیرد؛ هرچند از منظری دیگر، این خود آغاز یک حرکت است. انقلاب اسلامی توانست آنچه را برای بیدارگران اسلامی نظیر سید جمال، حسن البناء، سید قطب، امیر عبدالقادر، بن‌بادیس، بشیر الابراهیمی، مودودی، اقبال، محمدباقر صدر، محمدباقر حکیم، نورسی، الفاسی، سنوسی، عمرمختار، امام موسی صدر، کاشانی و نواب یک آرزو و گاه یک رؤیا محسوب می‌شد، جامعه عمل پوشانده و در عینیت تمام و کمال محقق سازد. این‌گونه بود که با انقلاب اسلامی ایران، موج اول بیداری اسلامی که با سید جمال آغاز شده و بیشتر نظری بود، به موج دومی منتهی شد که بیشتر عمل‌گرا، عینیت‌بخش و پیش‌برنده بود (خرمشاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۴). موجی که به سرعت کشورهای منطقه و سپس جغرافیای جهان و حتی تئوری‌های رایج انقلاب را در میان اندیشمندان درنوردید و جنبش‌های عینی و فکری متعدد بیداری را شامل شد.

در فراتر کتب پیش‌گفته، پیروزی انقلاب اسلامی با اختلاف، پرسامدترین زمینه «عینی و فکری» احصا شده در طرح تمدن نوین اسلامی است؛ به گونه‌ای که محققان ایرانی در ۳۱

اثر پژوهشی مستقل شامل پایان‌نامه، کتاب و مقاله بر آن تأکید کرده‌اند (صدرشیرازی، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۰).

این امر، در آثار متفکران غربی نیز نمودی آشکار دارد. فوکویاما انقلاب اسلامی را نقطه عطفی در احیای «بنیادگرایی اسلامی» ای می‌داند که داعیه احیای دوران شکوه تمدنی اسلام را دارد (ثابتی منفرد و نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۰ به نقل از فوکویاما، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۳). ساموئل هانتینگتون پس از اشاره به این دو نکته که اسلام تنها تهدیدکننده واقعی غرب است و مواجهه غرب و اسلام، تمدنی است، خاستگاه این مواجهه را احیای این تمدن در قالب انقلاب اسلامی می‌داند: «بعد از انقلاب ایران در ۱۳۷۹، یک شبه جنگ تمدنی میان اسلام و غرب به وجود آمد» (هانتینگتون، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۱)؛ لذا «انقلاب اسلامی»، نه تنها زمینه «طرح تمدن نوین اسلامی» که بخشی از فرایند تحقق آن است. رابطه دو مفهوم فوق، رابطه دو مفهوم مجزا و البته مرتبط با یکدیگر نیست؛ بلکه این دو مفهوم، درهم تنیدگی ماهوی داشته و دارای رابطه‌ای ارگانیک و اندام‌وار هستند. تمدن نوین اسلامی، هدف کلان انقلاب اسلامی و البته جزئی از ماهیت این انقلاب «مستمر» است.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران نقطه عزیمت طرح تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود؛ این پدیده، ثمره رشد عقول، تعالی روح بشریت و بسترسازی در دیگر ابعاد، طی قرون متمادی است؛ بنابراین طرح تمدن نوین اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌هایی به عمق تاریخ و گستره‌ای به پهناهای جغرافیای جهان دارد. بر این باوریم که پرداختن به ماهیت این آرمان، منقطع از فرایند تاریخی تکامل آن ناقص خواهد بود؛ نقصی که خود، زمینه‌ساز ابهامات و کژتابی‌ها در مواجهه با انقلاب اسلامی و رسالت تمدنی آن است. واکاوی بسترهای طرح تمدن نوین اسلامی که تلفیقی نه‌چندان قابل تفکیک از مبانی فکری و تاریخی است، مسئله این جستار بود. این تحقیق، در پژوهشی مستقل و تخصصی و نه در عرض و عرض سایر موضوعات، به این مسئله پرداخته و در پاسخ به این سؤال که «طرح نظریه احیای تمدن اسلامی امام خمینی و رهبر انقلاب بر کدام بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی نضج یافته»، با روش تحلیل تطبیق تاریخی (CHA) سیر حرکت تکاملی تاریخ را در قالب خط‌زمانی آغاز یافته از زمان خلقت انسان بررسی نمود. در این مسیر،

در ابتدا مفهوم تمدن و تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی را بررسی و ضمن بازخوانی برخی از تعاریف موجود، تعریفی مستقل ارائه شد. در بیان چهارچوب نظری بحث، باور به ظرفیت تمدن سازی اسلام، ظرفیت و رسالت تمدنی انقلاب اسلامی و نگاه تکاملی به تاریخ را به مثابه بنیاد فکری برگزیدیم.

بر اساس یافته‌های پژوهش، حرکت تعالی‌بخش انبیا در قالب هفت مؤلفه قابل تطبیق با تمدن نوین اسلامی، تمدن نبوی به مثابه پایه‌گذار نهال تمدن اسلامی، نهضت جامع اهل بیت در دو قالب تحکیم ریشه‌های تمدن نبوی و توسعه فرهنگ سیاسی تشیع، دوران طلایی تمدن اسلامی در سه قالب: خلق تجربه زیسته، خلق امید و باورپذیری و نیز خلق ذخایر انباشتی تمدن، بیداری اسلامی در دو سطح منطقه و ایران و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیتی تمدنی در حدوث و بقا، بسترها و زمینه‌های فکری و تاریخی‌ای را فراهم نمودند که جمهوری اسلامی در تراز و افقی به بلندای داعیه احیای تمدن اسلامی متعالی شود.

## منابع

- اکبری، مریم (۱۳۹۷). چالش‌های فکری انقلاب اسلامی و راهکارهای آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*. ترجمه محمد پروین، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسدآبادی، سید جمال‌الدین (بی‌تا). *عروة الوثقی*. ترجمه زین‌العابدین کاظمی، تهران: انتشارات حجر.
- اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶). تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری با تأکید بر تمدن نوین اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه معارف اسلامی.
- اخلاقی، مرضیه و شریعتمداری، شایسته (گردآورندگان) (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- الویری، محسن (۱۳۹۵). فرایند سازگار شدن دانش‌های برون‌دینی با بایستگی‌های جامعه اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه باقرالعلوم<sup>(ع)</sup>.

<https://www.dte.ir/Portal/home/?news/562718/589123/435350>

- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۳). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، ۳ (۵)، ۸۵-۱۰۸. doi: 20.1001.1.23295599.1394.3.5.4.7

- اکوانی، حمدالله و اردوان، ارژنگ (۱۳۹۱). مدرنیته و اندیشه احیاگر: مروری بر اندیشه سیاسی سید قطب. دانش سیاسی، ۱ (۲)، ۳۳-۵۴. <https://ensani.ir/fa/article/365803>

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۹۲). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم.

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.

- امام خمینی، سید روحالله (۱۳۸۱). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- امامی، معصومه (۱۴۰۴). بررسی مؤلفه‌ها، موانع و راهبردهای تمدن‌سازی اسلامی در ادعیه امام سجاده<sup>(ع)</sup>. رساله دکتری، دانشگاه اراک.

- امینی، جواد (۱۳۹۴). نقش دولت در تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

- بابایی، احسان و جوکار، حامد (۱۳۹۹). سیر تکاملی تاریخ از دیدگاه استاد مطهری. مطهری‌پژوهی، ۱ (۱)، ۶۷-۹۸. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1861573>

- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). تبارشناسی مفهوم «تمدن civilization» در غرب جدید (ضرورت احتیاط در استفاده از واژه تمدن). فصلنامه آینه پژوهش، ۲۸ (۷)، ۵۳-۶۲.

[doi: 10.22081/jap.2017.65189](https://doi.org/10.22081/jap.2017.65189)

- بازرگان، مهدی (۱۳۷۷). آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء. تهران: نشر رسا.

- بصیری بسیج، عباس (۱۳۹۵). بررسی اجمالی اندیشه و دیدگاه‌های حسن حنفی، دو فصلنامه پژوهش در تاریخ، ۷ (۳ و ۴)، ۱۲-۳۰. [https://pdtsj.ut.ac.ir/article\\_71173.html](https://pdtsj.ut.ac.ir/article_71173.html)
- بن نبی، مالک (۱۹۸۹م). *وجهة العالم الاسلامی*. ترجمه عبدالصبور شاهین، دمشق: دارالفکر.
- پوپر، کارل (۱۳۶۶). *جامعه باز و دشمنان آن*. ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۸). *مدرس در پنج دوره تقنینیه*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ثابتی منفرد، امیرحسین و نجفی، موسی (۱۳۹۹). *چالش تمدنی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا با تأکید بر نظریات کسینجر، هانتینگتون و فوکویاما*. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۷ (۶۰)، ۹۳-۱۱۲. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1708919>
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*. تهران: علمی و فرهنگی.
- جهانبین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). *فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱ (۳۹)، ۲۹-۴۶.
- [https://enghelab.maaref.ac.ir/browse.php?a\\_id=1043&sid=1&slc\\_lang=fa](https://enghelab.maaref.ac.ir/browse.php?a_id=1043&sid=1&slc_lang=fa)
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰). *مؤلفه‌های تمدن اسلامی*. *مجموعه مقالات آفاق تمدنی انقلاب اسلامی*. تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، صص ۲۳۹-۲۷۰.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). *انسان ۲۵۰ ساله: نگاهی یکپارچه به سیره سیاسی و روش مبارزاتی ائمه<sup>(ع)</sup>*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی (مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، صهبا).
- حیدری، محمد ثابت (۱۳۹۵). *تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب*.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۲). *انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی*. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۶ (۲۳)، ۱۲۷-۱۵۴. [https://www.jsfc.ir/article\\_15329.html](https://www.jsfc.ir/article_15329.html)
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). *آفاق تمدنی انقلاب اسلامی*. تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۴/۳/۱۷). *بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22816>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۴/۹). *بیانات در دیدار مسئولان نظام*

- در روز عید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12834>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۹/۱۲/۲۱). بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴۰۱/۸/۲۸). دیدار مردم اصفهان. <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=51369>
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت، آریل و دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۰). مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه عسکری پاشایی، امیرحسین آریانپور، احمد آرام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی شمس‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۹). نخبگان و تمدن‌سازی اسلامی. تهران: نشر تراث
- سپهری، محمد (۱۳۸۵). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: نورالتقلین.
- شجاعی، نیما (۱۴۰۰). درآمدی بر روش تحلیل تطبیقی - تاریخی در ارتباط با موضوع دموکراسی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۲ (۳)، ۲۷-۵۰.
- [doi:10.22034/jsi.2021.250828](https://doi.org/10.22034/jsi.2021.250828)
- صدرشیرازی، محمدعلی (۱۴۰۲). چیستی و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی در آثار متفکران ایرانی بعد از انقلاب. رساله دکتری، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۴ ق). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات اسلامی.
- عزتی، امیرحسین، چهاردولی، عباس و ترابی، محسن (۱۳۹۹). مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۲۸ (۱)، ۷۵-۹۶. [https://im.ihu.ac.ir/issue\\_2201029\\_2201030.html](https://im.ihu.ac.ir/issue_2201029_2201030.html)
- علیجان‌زاده روشن، محمدحسین (۱۳۹۴). تمدن اسلامی؛ نگاهی اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب در این باره. قم: مجد اسلام.

- غلامی، رضا (۱۳۹۴). عبرت‌های انحطاط؛ در آمدی بر مبنا و معنای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. <https://r-gholami.ir/?p=987>.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی. تهران: سوره مهر.
- فوزی، یحیی و محمود رضا صنم زاده (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی. فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳ (۹)، ۴۰-۷.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/989914>
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۵). پایان تاریخ و انسان واپسین. ترجمه عباس عربی و زهره عربی، تهران: نشر خنکده.
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۶). تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی. دو فصلنامه آینده‌پژوهی در ایران، ۲ (۲)، شماره پیاپی ۳، ۳-۲۱.
- [doi: 10.30479/jfs.2017.1558](https://doi.org/10.30479/jfs.2017.1558)
- کیخا، رقیه (۱۳۹۶). سنخ‌شناسی متفکران معاصر ایرانی در احیای تمدن اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی.
- لوکاس، هنری استیون (۱۳۶۶). تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان.
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۹). امام خمینی و مسئله تمدن‌اندیشی، به مناسبت سی و یکمین سالگرد بزرگداشت حضرت امام خمینی.
- <https://www.ri-khomeini.ac.ir/fa/content/article/single/id/3672>
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۲). نبوت از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مومنی‌ها، محمدعلی و نجف علیزاده، مجید (۱۳۹۸). نقش نخبگان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. تهران: کهکشان علم.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة. به کوشش سید جواد ورعی، قم: بوستان کتاب.

- نجفی، موسی (۱۳۹۴). تمدن‌سازی در ذات انقلاب اسلامی است. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/10/27/973313>
- نجفی، موسی و غلامی، رضا (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۵)، ۱۲۱-۱۴۰. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1515199>
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱). نظریه برخورد تمدن‌ها؛ هانتینگتون و منتقدانش. ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: وزارت امور خارجه.
- همایون، محمدهادی (۱۳۹۰). هویت تمدنی انقلاب اسلامی ایران و رسالت زمینه‌سازی ظهور. مجموعه مقالات آفاق تمدنی انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، صص ۱۵۱-۱۸۲.
- Boylorn, R. (2008). Lived Experience. In: The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods, [doi.org/10.4135/9781412963909.n250](https://doi.org/10.4135/9781412963909.n250)
- Huntington, S. P. (1993). The Clash of Civilizations?. *Foreign Affairs*, 72 (3), 22-49. [doi:10.2307/20045621](https://doi.org/10.2307/20045621). ISSN 0015-7120. JSTOR 20045621
- Lewis, B. (1990). The Roots of Muslim Rage. *The Atlantic Monthly*, 226(3), 47-60. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1990/09/the-roots-of-muslim-rage/304643/>
- Mahoney, J. (2000). Path Dependence in Historical Sociology. *Theory and Society*, 29(4), 507- 548.
- Tilly, C. (1984). *Big Structures, Large Processes, Huge Comparisons*. New York: Russell Sage Foundation. <https://www.jstor.org/stable/10.7758/9781610447720>

## A Critical Perspective on the Reasons for the Break in Women's Identity Between the Islamic Revolution and the Contemporary Period

Mahmoudikia, Mohammad 

Assistant Prof., Political Thought in Islam, the Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran

[mahmoudikia@ri-khomeini.ac.ir](mailto:mahmoudikia@ri-khomeini.ac.ir)

### Article Info

Article Type:  
Research Article  
Received:  
2024 /03 / 14  
Revised:  
2024 /04 / 06  
Accepted:  
2024 /04 / 13  
Published Online:  
2024 /04 / 19

### Abstract

**Statement of the Problem:**The Islamic Revolution, as a transformative force, led to a shift in discourse, eliminating the elements of Westernized and antiquated discourse of the monarchy and establishing a new discursive order centered on Islamic-Iranian identity. This change resulted in the formation of a distinct type of individual identity within Iranian society and national identity on the international stage. Forty years after the Islamic Revolution, the constructed image of women in post-revolutionary society has undergone a fundamental transformation compared to the pre-revolutionary era, creating a constructivist identity for women. The rise of mass media, alongside the expansive process of technological democratization, has had a direct impact on the intensification of the representation of women's identity. **Main Question:** What are the major reasons for the gap between the discursive identity of women reflected in the Islamic Revolution and the constructed identity of women within the cybernetic space, particularly in the interactions of women on social media?

**Theory and Method:**This research utilizes Sohail Inayatullah's critical thinking approach as an analytical model and the theory of constructivism as the theoretical framework for the study.

**Research Findings:** The gap between the discursive identity of women and the constructed identity of women in the contemporary period can be explained at three levels of causality:

1. At the causal level, factors such as deficiencies in the socialization process of the normative order of the Islamic Revolution, disregard for social traditions, the unacknowledged role and influence of technological culture, the neglect of the structure-agent relationship in cultural policymaking, weakness in media policy, and the emergence of a new generation are notable.
2. At the discursive level, attention to the emancipatory discourse is crucial.
3. At the mythical level, the lack of attention to anthropological differences in the form of the traditional human, the modern human, and the postmodern or cybernetic human contributes to the discursive and identity-based rupture of women in today's Iranian society.

**Keywords:** Islamic Revolution Discourse, Social Media, Feminine Identity, Constructivism, Cybernetic Space.



## نگرشی انتقادی بر چرایی گسست میان هویت زن در انقلاب اسلامی و دوره معاصر

محمد محمودی کیا

استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران  
mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله: پژوهشی</b>	<p>بیان مسئله: انقلاب اسلامی به مثابه یک نیروی گذار گفتمانی منجر به الگوی مؤلفه‌های فرهنگ غرب‌گرایانه - باستان‌گرایانه گفتمان سلطنت و ایجاد یک نظم گفتمانی جدید بر محوریت هویت اسلامی - ایرانی گردید که این تغییر به شکل‌گیری گونه متفاوتی از هویت فردی در جامعه ایرانی و نیز هویت ملی در عرصه بین‌المللی انجامید. با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، بر ساختی که از زن در جامعه پسا انقلاب صورت تحقیق یافته نسبت به دوره پیش از خود، دستخوش تحول اساسی شده و نوعی هویت برساخت‌گرا را برای زن خلق کرده؛ چنانچه ظهور رسانه‌های جمعی در بستر ظهور پدیده فرایند دموکراتیزاسیون فناوری بر تشدید فرایند بازنمایی هویت زنانه تأثیر مستقیم گذاشته است.</p> <p>پرسش اصلی: دلایل عمده بروز شکاف میان هویت گفتمانی زن در آینه انقلاب اسلامی با هویت برساخته از او درون فضای سایبرنتیک و به‌طور مشخص تعاملات زنان در رسانه‌های اجتماعی چیست؟</p> <p>نظریه و روش: این پژوهش از روش تفکر انتقادی سهیل عنایت‌الله در مقام الگوی تحلیل و نیز از نظریه سازه‌انگاری در مقام سازه نظری تحقیق بهره برده است.</p> <p>یافته تحقیق: گسست میان هویت گفتمانی زن با هویت برساختی زن در دوره معاصر را می‌توان از حیث علل در سه سطح تبیین کرد: در سطح علل، مؤلفه‌هایی چون نقص در فرایند جامعه‌پذیری نظم هنجاری انقلاب اسلامی؛ عدم توجه به سنت‌های اجتماعی؛ عدم توجه به نقش و تأثیر فرهنگ فناوری؛ عدم توجه به رابطه مقوم ساختار - کارگزار در سیاست‌گذاری فرهنگی؛ ضعف در سیاست‌گذاری رسانه‌ای و نیز ظهور نسل - قابل اشاره است. در سطح علل گفتمانی توجه به گفتمان‌های رهایی‌بخش و در سطح علل اسطوره‌ای، فقدان توجه به تفاوت‌های انسان‌شناختی در قالب سه‌گانه انسان سنتی، انسان مدرن و انسان فرامدرن یا سایبرنتیکی موجد وضعیت گسست گفتمانی و هویتی زن در جامعه ایران امروز است.</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> گفتمان انقلاب اسلامی، رسانه‌های اجتماعی، هویت زنانه، سازه‌انگاری، فضای سایبرنتیک</p>
<b>تاریخ دریافت:</b>	
۱۴۰۲/۱۲/۲۴	
<b>تاریخ بازنگری:</b>	
۱۴۰۳/۰۱/۱۸	
<b>تاریخ پذیرش:</b>	
۱۴۰۳/۰۱/۲۵	
<b>انتشار آنلاین:</b>	
۱۴۰۳/۰۱/۳۱	
<b>صفحات:</b>	
۱۱۳-۱۳۹	

انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت تکثر نهادی و کارگزاری، طیف قابل توجهی از فشار جامعه ایرانی را با خود همراه ساخت و توانست نوعی وحدت گفتمانی را در این میان ایجاد نماید؛ گفتمانی که با تأکید بر دو مؤلفه اسلامیت و جمهوریت، موفق به مفصل‌بندی دقیق و اجزای گفتمانی خود در قالب تأسیس نظم سیاسی و اجتماعی نوینی در قالب جمهوری اسلامی ایران شد. از این حیث، گفتمان انقلاب اسلامی موجب وقوع نوعی گذار در نظام ادراکی جامعه از درون و برساختن گونه متفاوتی از هویت هنجاری در نزد ناظران بین‌المللی از برون گردید که مبتنی بر نظام هنجاری و معنایی خود، جامعه و شیوه حکمرانی را متأثر از خویش گرداند. در این میان کارگزاران انسانی مهم‌ترین نقش و تأثیر را ایفا می‌نمایند چنانچه تغییر در فرایندها، رویه‌ها و ساختارها نیز محصول اراده همین کارگزاران انسانی است. زنان به‌عنوان بخش قابل توجهی از جامعه ایرانی، متأثر این گذار هویتی و در درون نظم هنجاری گفتمان انقلاب اسلامی، ساخت گونه متمایزی از هویت را تجربه نمودند؛ هویتی که علاوه بر ارتقا و تقدیس جایگاه و نقش فردی زنان در خانواده، ایشان به بطن تحولات اجتماعی و سیاسی نیز فرامی‌خواند و تلاش دارد زنان را به کارگزاری فعال در قبال سرنوشت جامعه تبدیل نماید. از طرف دیگر، هم زمان با رخداد انقلاب اسلامی شاهد تشدید فرایندهای جهانی‌شدن و افزایش شتابان آهنگ فناوری‌های ارتباطی در بستر ظهور اینترنت هستیم. آنچه در بستر این فناوری‌ها و سکوه‌های اینترنتی در حال وقوع است ظهور پر دامنه خرده‌فرهنگ‌ها در کنار بسط و ترویج بیش‌ازپیش عناصری از یک فرهنگ جهانی شده با ماهیتی همگون‌ساز و ادغام‌گرایانه است؛ امری که با عبور از مرزهای ملی، در حال درنوردیدن و مدغم ساختن فرهنگ‌های ملی و بومی در فرهنگ جهانی شده است؛ فرهنگی که عمدتاً از زن هویتی کالایی شده و تصویری شیء‌انگارانه را ارائه می‌نماید و درصدد استحاله هویتی زن در جهان به نفع گفتمان سودمحور جهان سرمایه‌داری است؛ امری که تا حدودی جامعه ایرانی نیز از خود متأثر گردانیده است.

با این مقدمه، در این تحقیق درصدد بررسی نقش و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر ساخت هویت زنانه بر بستر یکی از مهم‌ترین نموده‌های فناورانه، یعنی رسانه‌های اجتماعی و نیز احصای

فرصت‌ها و چالش‌های فراروی آن هستیم. بدین معنا در این تحقیق تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که چرا محصول تماس جامعه ایرانی با پدیده‌های مدرن همچون رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ایجاد نوعی آگاهی جمعی از ماهیت پدیده‌ها در جهان مدرن، نوعی واکنش تقابلی جویانه میان جامعه با عناصر و مؤلفه‌های گفتمان سنت است و این فرصت فناورانه بیش از آنکه فضایی برای توانمندسازی زنان باشد به‌عنوان فضایی برای کنش‌های بخش‌مورد استقبال جامع و به‌طور مشخص زنان قرار می‌گیرد؟ طبیعتاً با توجه به فاصله معناداری که میان تصویر هنجاری زن در گفتمان انقلاب اسلامی با امر واقع قابل مشاهده است، چنانچه به پرسش‌های طرح شده پاسخی علمی داده شود، می‌توان از یافته‌های آنها برای ترمیم سطوح چالش و همچنین ارائه راهکارهای مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه جامعه و نیز زنان بهره‌برداری کرد.

### ۱. پیشینه پژوهش

هرچند در زمینه نسبت‌سنجی از گفتمان انقلاب اسلامی با هویت برساخته زن ایرانی درون رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پژوهش مستقلی یافت نشد؛ ولی در بررسی آثار و پژوهش‌های فارسی پیرامون بخشی از موضوع تحقیق، یعنی فرایند هویت‌یابی زنان از طریق تعاملات ایشان درون شبکه‌های اجتماعی یا نحوه و میزان تأثیرگذاری این سکوه‌های فناورانه بر ساخت هویت جنسیتی، می‌توان از وجود سه گونه ادبیات پژوهشی به شرح ذیل سخن به میان آورد:

دسته نخست پژوهش‌هایی که عمدتاً بر وجه سلبی نقش و تأثیر شبکه‌های نوین ارتباطی بر ساخت نوعی هویت سنت‌گریز، جهانی‌شده، جنسیت‌زده و ضد گفتمان مردسالار تأکید دارند؛ چنانچه پیشگامی فرد، انصاری‌زاده، کرمی و پرهیز (۱۳۸۹) با تأکید بر تحولاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه ارتباطات و فضای سایبر روی داده بر این باورند که این امر سبب دگرگونی نقش‌های اجتماعی و آگاهی زنان شده است. به عقیده ایشان، افزایش تحصیلات زنان و مشارکت آن‌ها در کارهای درآمدزا از سویی، سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی می‌شود و از سوی دیگر، سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی و قدیمی با نقش‌های جدید می‌شود و می‌تواند به تعارض هویت زنان منتهی شود. استدلال اصلی مقاله مذکور این است که تعامل در فضای سایبر سبب دور شدن زنان ایرانی از هویت‌های سنتی خود

شده است. نتایج تحقیق مشترک رهبر، رشیدی و دانایی (۱۴۰۱) درخصوص پیامد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر هویت اجتماعی زنان نیز نشان می‌دهد که تمامی ابعاد هویت اجتماعی زنان تهرانی (خانوادگی، ملی، قومی و مذهبی) درون این تعاملات فناورانه تضعیف شده است. به‌علاوه نتایج بیانگر آن است که بیشترین تغییر در هویت دینی زنان شهر تهران مشاهده شده است؛ همچنین تمامی فرضیه‌هایی که بیانگر ارتباط معنادار بین شبکه‌ها و ابعاد مختلف هویت اجتماعی است تأیید شده است. یافته‌های پژوهش مشترک خواجه نوری، خدابخشی و پرنیان (۱۳۹۲) نیز در ادامه روند کلی پیشتر ذکر شده، نشان‌دهنده آن است که بین متغیرهای هویت قومی و رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی با هویت ملی ارتباط مثبت، مستقیم و بین متغیرهای فناوری‌های نوین ارتباطی، رسانه‌های جمعی خارجی و استفاده از موبایل و مشتقات آن ارتباط منفی و مستقیم وجود دارد.

دسته دوم پژوهش‌ها، نوعی رویکردی فرصت‌انگازانه اتخاذ کرده و بر این باورند که دسترسی زنان ایرانی به شبکه‌های اجتماعی و تعاملات ایشان درون این فضای جهان‌گستر، نه تنها آسیب، بلکه به طور عمده، به‌مثابه یک فرصت برای ارتقای سطح آگاهی‌ها و نیز اعطای فرصت‌های بیشتر برای توانمندسازی زنان در زمینه‌هایی چون فرصت حق انتخاب، اشتغال‌زایی و درآمدزایی منجر شده است. چنانچه پورنجف، حقیقتیان و جهان‌بخش (۱۴۰۱) در همین راستا، با تأکید بر شبکه اجتماعی اینستاگرام به دنبال بررسی اشکال بازنمایی هویت‌های جنسیتی در رسانه‌های جمعی بوده که یافته‌های این تحقیق به این صورت ابراز شده است: مقوله‌های نهایی به‌دست آمده شامل هویت‌یابی بازاندیشانه، بازسازی متون اجتماعی مخدوش، برابرخواهی، جهان‌شمولی خواسته‌های زنان، رهایی سوژه‌های مورد انقیاد، نقد حاشیه‌ای شدن زن، رسانه به‌مثابه امتداد زبان مبارزه، مقاومت نمادین بود که منطبق با گفتمان مبارزه علیه سوژگی زنان است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شبکه اجتماعی اینستاگرام به‌مثابه حوزه عمومی، شرایطی را برای بازنمایی و بازسازی متفاوت از زنان فراهم نموده و زمینه مبارزه زنان علیه سوژگی و شیءوارگی در گفتمان مردسالار را مهیا ساخته و به ابزار رهایی زنان تبدیل شده‌اند. همچنین پژوهش مشترک امیرییک، مسعودی و شادلو (۱۴۰۱) که با هدف ارائه یک سنخ‌شناسی از برساخت هویت مذهبی با تأکید بر پوشش در بین زنان در شبکه مجازی اینستاگرام انجام شده، بر گسترده شدن دایره حق انتخاب

زنان ایرانی در زمینه پوشش تأکید داشته و بر سبک‌های پوشش «قاعده‌محور رسمی با زیر مقولات پوشش رسمی و رایج داخلی و پوشش کلاسیک و به سبک بین‌المللی؛ هویت مبتنی بر اسطوره‌های زیبایی؛ هویت مبتنی بر ذائقه کلاسیک‌پسند؛ پوشش کژوال و غیررسمی با زیر مقولات پوشش کژوال مطابق با معیارهای ایران تندی و بر اساس مد و درنهایت فعالیت مدلینگ» اشاره دارد. در پژوهشی دیگر، اکبرزاده جهرمی و احمدی (۱۳۹۹) بر چگونگی بر ساخت هویت زنان ایرانی درون تعاملات جهانی شده و اعطای فرصت‌های برابر و تکررگرا، در انتخاب نوع پوشش تأکید دارند و تصریح شده: کاربران زن گرچه در بازنمایی هویت خود عاملیت بیشتری یافته‌اند؛ اما کنشگری آن‌ها از ساختارهای از پیش تعیین شده معماری شبکه‌های اجتماعی نظیر لایک، کامنت و بازنشر تصاویر تأثیر گرفته است. همچنین یافته‌ها نشان از وجود سه تیپ هویتی جهان‌وطنی، ملی ایرانی و قومی در این شبکه دارد؛ تیپ‌هایی که مؤلفه‌های هر یک از آن‌ها خود به سه زیرمجموعه نمایش تعلق به جامعه مطلوب، فرهنگ و سیاست تقسیم می‌شوند. هر یک از این زیرمجموعه‌ها نیز راهبردها و فن‌های بازنمایی مختص به خود را دارند. هویت‌های بازنمایی شده زنان در اینستاگرام در مقایسه با رسانه‌های جمعی از تنوع و تکرر بیشتری برخوردار است. همچنین این هویت‌ها سیال و چند رگه بوده و در برهه‌هایی خاص نظیر بحران‌های اجتماعی رادیکال‌تر بروز می‌کنند.

دسته سوم پژوهش‌های فارسی، با تهدیدزدایی از شبکه‌های اجتماعی برای هویت زنان ایرانی و نیز با کاربست روش‌های کمی به‌منظور اثبات مدعای خود، این باور را مورد تأکید خود قرار می‌دهند که ابعاد آسیب‌زای این سکوه‌های ارتباط اجتماعی بیشتر از آنچه واقعیت دارند، بزرگنمایی شده‌اند و تهدید فوری و قابل توجهی برای هویت زن ایرانی به شمار نمی‌آید. چنانچه نتایج پژوهش مشترک بوربور و تاجیک (۱۴۰۰) از نحوه و میزان بهره‌مندی زنان ایرانی از شبکه‌های اجتماعی، نشان می‌دهد زنان شهر تهران با میانگین ۳/۷۷ درصد از نظر هویت اجتماعی در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارند. در مورد میزان و نوع استفاده زنان از رسانه‌های اجتماعی، یافته‌ها بیانگر این است که ۱۰/۹ درصد از زنان کمتر از یک ساعت در شبانه‌روز و حدود ۹۰ درصد آن‌ها، بیش از یک ساعت از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. همچنین ۹۰ درصد زنان مورد مطالعه، از برنامه تلگرام استفاده می‌کنند که فقط حدود ۵ درصد آن‌ها سابقه حضور کمتر از یک سال داشته‌اند. از نظر سابقه حضور زنان

مورد مطالعه در اینستاگرام نیز، یافته‌ها نشان داد ۸۴/۵ درصد زنان مورد مطالعه از اینستاگرام استفاده می‌کنند و ۱۵/۵ درصد زنان عضو اینستاگرام نبوده‌اند. نتایج پژوهش همچنین، بیانگر این است که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در تبیین هویت اجتماعی زنان، حدود ۳ درصد نقش داشته و تحصیلات نیز ۲ درصد دیگر به تبیین هویت اجتماعی اضافه کرده، در کل ۵ درصد از هویت اجتماعی آن‌ها را نشان می‌دهد. تحقیق مشترک باقری، ربیعی، اکبری و قاسمی (۱۴۰۰) نیز به‌نوعی در ادامه همین رویکرد این باور را مورد تأکید خود قرار می‌دهند که زن ایرانی درون این تعاملات الزاماً محکوم به پذیرش نظم هنجاری درون این رسانه‌های اجتماعی نیست. محققین مذکور در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که در اینستاگرام به‌واسطه شکل کارکردی و ساختاری آن و تغییر نوع و موضوع علقه‌های اجتماعی، زنان ایرانی با بازنمایی خودی خلق‌شده و فرامدرن در قالب تلفیقی از نقش‌های زنانه سنتی مدرن، هویتی خودانتخابی را تعریف کرده‌اند که نه افسارگسیخته و آزاد و نه دست‌وپابسته محدودیت‌های دنیای واقعی و از پیش تعیین‌شده است. نتایج تحقیق مشترک مقیمی، خانیکی و سلطانی (۱۳۹۹) نیز در همین رویکرد با استناد به تحلیل و بررسی پست‌های بررسی‌شده زنان در شبکه‌های اجتماعی، سه نوع از خشونت را به این شرح مورد شناسایی قرار می‌دهد: خشونت علیه تبعیض و نظام مردسالاری، خشونت علیه نهاد خانواده و نقش سنتی زنان و درنهایت رستگاری به سمت ارزش‌های فمینیستی و مدرن از دریچه تخریب و علیه ارزش‌های سنتی و تلاش برای شکستن قفس سنت‌ها. در برآیند کلی مطالعه گفتمانی محتوای صفحات مورد بررسی محققین، مشخص گردید که دال مرکزی مجموع پست‌های مطالعه شده در نظم گفتمانی هویت زنانه «اجتماعی بودن» است. زن باید در جامعه حضور داشته باشد. حضور زن در جامعه منتج به آگاهی زنانه شده، برابری جنسیتی رخ خواهد داد. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» منظومه گفتمانی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. این گفتمان، دیگری‌هایی را نیز برای خود متصور است که اغلب در قالب هویت‌های تحجر و نگاه مردسالارانه، ضدانسانیت، اختلالات جنسی، چندهمسری، تبعیض تاریخی و... نمایان می‌شوند در مجموع، بررسی پیشینه پژوهشی نشان از آن دارد که عمده توجهات پژوهشگران ایرانی در زمینه توجه به نقش و تأثیرگذاری رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بر نحوه هویت‌یابی زنان

ایرانی از وجه سلبی مورد پردازش قرار گرفته و بعد آسیب‌زای آن بیشتر مورد تأکید بوده است؛ امری که به واسطه خلأهای سیاست‌گذارانه در داخل و نیز رویکرد تسلیمی و منفعلانه در برابر انقلاب فناورانه پرشدت و پر دامنه در حوزه‌های ارتباطی، چندان دور از انتظار نبوده و می‌توان جنبه‌های مخرب بر فرهنگ عمومی و برساختن نوعی هویت‌پریشی در بخش‌های از جامعه ایرانی و به‌طور مشخص نسل‌های جوان و زنان آن را مشاهده کرد؛ از این رو، وجه نوآورانه تحقیق پیش رو، تمرکز بر شناسایی لایه‌های موجوده وضعیت شکاف در میان تصویر زن‌گفتمانی با زن برساختی درون تعاملات جهان‌گستر وب است.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش با کاربرد روش تفکر انتقادی سهیل عنایت‌الله تحت عنوان «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» (Inayatullah, 2004) در نظر دارد تا با ورود به لایه‌های تفکری و حرکت در این لایه‌ها، به بررسی نسبت گفتمان انقلاب اسلامی و برساختگی هویت زنانه در بستر ابزارهای نوین ارتباطی همچون رسانه‌های اجتماعی فراگیر بپردازد. طبعاً این کنش مجازی منجر به بروز برخی جوانب هویتی در عرصه عمل در سطح مشاهده‌پذیر خواهد شد که ریشه این کنشگری را می‌توان در لایه‌های زیرین همچون سطح نظام علی همچون علل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جستجو نمود. عنایت‌الله این چنین مطرح می‌کند که این سطح نیز خود معلول سطح دیگری از علت‌هاست که از آن به‌عنوان سطح گفتمان یاد می‌کند. در این سطح شناسایی عناصر گفتمانی بر سازنده هویت زنانه محل بحث و نظر است و سرانجام وی این چنین مطرح می‌کند که گفتمان‌ها نیز خود محصول و معلول بنیان‌ترین سطح از نظام تصورات یک جامعه است که از آن به‌عنوان سطح اسطوره‌ها یا استعاره‌ها یاد می‌کند. در واقع، در این پژوهش به دنبال بررسی این مهم هستیم که گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان موجود و حاکم در رسانه‌های اجتماعی چگونه بر ساخت هویت زن ایرانی تأثیرگذار هستند و چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در برابر گفتمان انقلاب اسلامی در زمینه ساخت هویت زنان ایرانی مسلمان و نیز صیانت از آن مواجه است.

در مجموع، این روش به عنوان یک رویکرد پژوهشی می‌تواند هر پدیده‌ای که پیوست اجتماعی دارد را در لایه‌های مختلف و زیرین آن مورد بحث و بررسی قرار داد و راهکارهای سیاستی متنوعی را برای غلبه بر وضعیت بحران و چالش‌زای آن ارائه نمود؛ راهکارهایی که هر چه به سطوح زیرین تحلیل نزدیک می‌شویم از وجه عینی سطوح پیش، حالتی انتزاعی‌تر و اندیشه‌ای‌تر به خود گرفته و از حیث زمان نیز بلنددامنه‌تر می‌شود.

### ۳. چهارچوب نظری

الکساندر ونت<sup>۱</sup> در اثر مشهور خود با عنوان نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل به نقد پیش فرض‌های نظریات واقع‌گرای روابط بین‌الملل، این نکته را مورد تأکید خود قرار داد که «نتیجه‌گیری‌های مشکل‌آفرین نوواقع‌گرایی دربارهٔ سیاست بین‌الملل ناشی از هستی‌شناسی مادی‌گرایانه و فردگرایانه آن است و با برداشتی معناگرایانه و کل‌گرایانه از نظام می‌توانیم به فهمی بهتر برسیم» (ونت، ۱۳۹۶، ص. ۵۴۰). وی با دفاع از نوعی هستی‌شناسی معناگرایانه یا اجتماعی، تلاش دارد قدرت و منافع را از انحصار مادی‌گرایی خارج ساخته و توضیح دهد چگونه انگاره‌ها و فرهنگ به محتوا و معنای آن قوام می‌بخشند. به باور وی با این کار، کمتر چیزی در زندگی بین‌المللی تابع نیروهای صرفاً مادی است. از همین رو ونت پیشنهاد می‌کند نقطهٔ عزیمت در نظریه‌پردازی در مورد سیاست بین‌الملل را توزیع انگاره‌ها و به‌ویژه فرهنگ در درون نظام قرار داد و سپس نیروهای مادی را وارد کرد و نه بالعکس.

هرچند نظریهٔ ونت در سطح نظام بین‌المللی طرح شده؛ ولی در این تحقیق تلاش شده است تا با الهام گرفتن از منطق نظری او و با وام‌گیری از ماهیت هستی‌شناختی نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، با برجسته‌سازی مفهوم «هویت» به عنوان یک انگاره، برساخت و سازه معنایی، به بررسی نحوهٔ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری گفتمان انقلاب اسلامی بر فرایند هویت‌یابی زن ایرانی درون تعاملات ناشی از جهانی‌شدن ارتباطات و ظهور پر شدت فناوری‌های ارتباطی همچون رسانه‌های اجتماعی پرداخته شود؛ براین اساس می‌توان از هویت و منافع برساخته‌ای سخن به میان آورد که نه هستی‌شناختی از پیش متعین، بلکه شکل گرفته درون تعاملات انسان در

1. Alexander Wendt

جهان‌زیست مدرن حاصل می‌شود و به‌صورت بینادهنی در اجتماعات گسترده‌تر جهانی قوام می‌یابد و وجهی از حقیقت به خود می‌گیرد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱. سطح لیپتانی رویت‌پذیر پدیده

بر اساس روش تفکری انتقادی عنایت الله نخستین مرحله از پردازش هر پدیده‌ای، سطح مشاهده‌پذیر آن است. چنانچه در بخش بررسی پیشینه پژوهشی نیز ذکر آن رفت، تحقیقات اجتماعی در زمینه نسبت رابطه تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر مؤلفه هویت زن ایرانی، با برجسته‌سازی موضوعاتی چون تضعیف هویت اجتماعی زن ایرانی با تأکید بر هویت دینی، بازنمایی هویت جنسیتی و شکل بخشیدن به‌نوعی گفتمان مبارزه علیه سوژگی زنان و در مواجهه با گفتمان مردسالار، اجتماعی‌سازی هویت زنانه با عناصری از برابری خواهی جنسیتی و تقابل با رویکردهای مردسالارانه و در معنایی موسع‌تر، تقویت رویکرد تقابل‌جویانه با سنت، تغییر در الگوی زن آرمانی از طریق تغییر در الگوهای پوشش، دورشدن از ماهیت و هویت سنتی زن ایرانی در اثر اتصال با فرهنگ جهانی شده موجود در رسانه‌های اجتماعی و... تلاش دارند تا وجه چالشی تأثیرگذاری رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را در جامعه ایرانی و به‌طور مشخص در میان زنان را مورد تأکید خود قرار دهند. براین‌اساس هویت زن ایرانی درون این تعاملات دستخوش تغییر شده و به‌نوعی به تضاد میان سنت و مدرنیته دامن‌زده و منجر به تعمیق آن شده؛ امری که پیدایش نوعی گذار هویتی را در میان بخشی از جامعه ایرانی سبب شده و موجب تسهیل و رواج آن شده است.

در کنار این موضوع، تحقیقات و پیمایش‌های میدانی که در زمینه وضعیت آسیب‌های اجتماعی در ایران انجام شده نیز بر یک دگرگونی سریع و عمیق در بافت اجتماعی جامعه تأکید دارد که جامعه را به‌سوی نوعی «آشفستگی اجتماعی»<sup>۱</sup> سوق داده است؛ موضوعاتی چون

افزایش نرخ طلاق<sup>۱</sup>، کاهش میل به فرزندآوری<sup>۲</sup>، افزایش نرخ وقوع نزاع‌های جمعی<sup>۳</sup>، کاهش سن مصرف مواد مخدر<sup>۴</sup>، افزایش نرخ استعمال دخانیات در کشور<sup>۵</sup> و به‌طور ویژه دختران و زنان و... همگی به‌عنوان نشانه‌هایی برای اثبات یک دگرگونی در زیست فرهنگی جامعه ایرانی و به‌طور خاص زنان مورد استناد محققان علوم اجتماعی قرار می‌گیرد. این موضوعات در کنار استفاده گسترده از تلفن‌های هوشمند که قابلیت بهره‌مندی گسترده از رسانه‌های فراگیر اجتماعی را میسر می‌سازد، مؤیدی برای وجود رابطه‌ای مستقیم از میزان مصرف

۱. بر اساس آمار ثبت‌احوال کشور در ۴ ماه نخست (تا ابتدای مردادماه) سال ۱۴۰۲ در کل کشور ۱۹۹ هزار و ۷۲۷ مورد ازدواج و ۶۵ هزار و ۳۵۵ مورد طلاق به ثبت رسیده است (خبرگزاری ایسنا، ۲ مرداد ۱۴۰۲).
۲. بر اساس آمارهای سازمان ثبت‌احوال کشور، در ۹ ماهه نخست امسال تعداد متولدان کشور به ۷۹۸ هزار و ۵۵۳ نفر رسیده که ۴۱۴ هزار نفر از آن‌ها پسر و حدود ۳۸۶ هزار نفر نیز دختر هستند. مقایسه تعداد متولدین ۹ ماهه امسال با ۹ ماهه دوره ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهد امسال کمترین تعداد تولد در کشور به ثبت رسیده است. در ۹ ماهه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ تعداد متولدین کشور بیش از یک میلیون نفر بوده است که تعداد فعلی متولدین حدود ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار نفر کمتر از آن دوره است (تابناک، ۱۲ بهمن ۱۴۰۲).
۳. مهدی فروزش، مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا گفت: در ۶ ماهه نخست امسال، ۵۵ هزار و ۲۹۹ نفر به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان تهران مراجعه کردند که در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۱ که تعداد مراجعان به دلیل نزاع به مراکز پزشکی قانونی ۵۵ هزار و ۵ نفر اعلام شده بود، نیم درصد افزایش یافته است. وی گفت: از کل مراجعان به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع در ۶ ماهه نخست سال جاری، ۳۴ هزار و ۵۹۰ نفر مرد و ۲۰ هزار و ۷۰۹ نفر زن بودند (خبرگزاری ایرنا، ۲۰ آبان ۱۴۰۲).
۴. مسعود زاهدیان، مشاور دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، در نشستی با موضوع «چرا مافیای مواد مخدر کوچک‌تر شده و روی جوانان و نوجوانان با مخدرهای جدید تمرکز کرده است؟»، به افزایش مصرف مخدرهای صنعتی و مواد روان‌گردان در کشور اشاره و متوسط سن مصرف‌کنندگان را در ایران ۲۴ سال اعلام کرد و گفت: البته بین سن ۱۴ تا ۱۵ سال هم فراوانی مصرف زیاد است (همشهری آنلاین، ۸ شهریورماه ۱۴۰۱).
۵. محمود حاجیلویی، دبیر ستاد فرهنگی و اجتماعی شورای انقلاب فرهنگی در نشستی خبری در خصوص وضعیت استعمال دخانیات در کشور چنین اظهار کرد: وضعیت به‌گونه‌ای است که شاهد رشد ۱۳ درصدی مصرف مواد مخدر در نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ سال هستیم. این در دختران نوجوان حادثر است و شاهد رشد ۱۳۳ درصدی هستیم. وی با تأکید بر اینکه اعتیاد سبک مقدمه اعتیاد سنگین است، گفت: ۷۰ تا ۸۰ درصد کسانی که اعتیاد سنگین دارند، اعتیاد سبک داشته‌اند و به‌واقع می‌توان گفت درب جهنمی ورود به اعتیاد سنگین از سیگار شروع می‌شود (خبرگزاری فارس، ۳ آبان ماه ۱۴۰۲).

محتوای اینترنتی با ویژگی‌های نامطلوب جاری در جامعه ایرانی است. این اطلاعات به‌طور انبوه و تکراری در لابه‌لای اخبار قابل‌دسترسی است و تقریباً تمام ناظران جامعه ایرانی از کم و کیف این اطلاعات و آمار دستگاه‌های متولی و نیز سنجش‌های دوره‌ای از الگوی تفکر و شیوه زیست ایرانیان اطلاع دارند. عنایت الله به‌صرف برشمردن عناصر مشاهده‌پذیر از پدیده در این سطح تأکید داشته و ضرورتی برای تجلیل و تحلیل و یافتن نظام علت و معلولی و ربط میان پدیده‌ها ندارد. با این حال، این موضوع زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که تصویر هنجاری که گفتمان انقلاب از زن ارائه می‌دهد با آنچه در سطح مشاهده‌پذیر است، فاصله معناداری داشته و به عبارتی نوعی شکاف فرهنگی و «تفاوت نسلی» را به نمایش می‌گذارد؛ امری که چنانچه برای آن تمهیدی اندیشیده نشود، می‌تواند در آینده «گسست نسلی» و درنهایت «تعارض نسلی» را در جامعه ایرانی رقم زند.

#### ۲-۴. سطح علیت‌ها

در این سطح به شرح و توصیف علل شکل‌دهنده به پدیده‌های مذکور - شکاف بین تصویر گفتمان انقلاب اسلامی از زن با هویت برساخته شده و مشاهده‌پذیر از زن ایرانی - در سطح نخست پرداخته و کوشش می‌شود وجه ارتباط میان گفتمان انقلاب اسلامی و ساخت هویت زنانه در رسانه‌های اجتماعی به بحث و نظر گذاشته شود.

#### ۱-۲-۴. نقش در فرایند جامعه‌پذیری گفتمان انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده وضعیت گسست در نظام ارزشی جامعه، عدم توجه به مقتضیات و الزامات تحقق منویات جامعه‌پذیری؛ یعنی وجود طبقه میانی یا کنشگران مرزی درون جامعه مدنی است. در واقع، به‌واسطه نوسازی نامتوازن در ساخت امر سیاسی در کشور، نهاد آموزش رسمی به‌مثابه تنها مرجع و متولی امر جامعه‌پذیری سیاسی عمل می‌کند که طبعاً این نهاد به‌واسطه مشکلات عدیده ساختاری، امکان تحقق این مهم را به‌طور مؤثری نیافته است. بر این اساس یکی از موانع جامعه‌پذیری سیاسی در کشور به فقدان نهادهای میانجی در جامعه بازمی‌گردد که موجب شده تا در غیاب این عنصر، فرایند جامعه‌پذیری بر بستر اشکال نوین ارتباطات اجتماعی نضج و گسترش پیدا کند و به شکل‌گیری دوگانه فرهنگ رسمی - فرهنگ غیررسمی کمک نماید (ملتفت، ۴ مرداد ۱۳۹۹). این در حالی است که مقبولیت

فرهنگ رسمی تا حدود قابل توجهی به کارآمدی نظام سیاسی گره خورده و هرگونه خلل در این حوزه مستقیماً بر جذب و دفع فرهنگ رسمی تأثیرگذار است. در این میان به دلیل فرصت‌های مکنون در جهان‌زیست مجازی و در نتیجه آن، افول غلبه نگاه سنت بر زنان، شاهد شکل‌گیری و نفوذ تدریجی و به رو رشد فرایندهای جامعه‌پذیر از برون برای این بخش از جامعه هستیم (رک: هومین فر، ۱۳۸۲، صص. ۱۱۵-۸۹) که این امر منجر به مرور زمان به بروز وضعیت گسست ارزشی و هنجاری میان تصویر گفتمانی از زن با تصویر و هویت برساختی از او درون تعاملات مجازی شده زیست مدرن گردید.

#### ۲-۴. عدم توجه به سنت‌های اجتماعی

در جهان‌شناسی توحیدی، جهان اجتماعی همچون جهان ماده از قانون‌مندی‌های رفتاری مشخص و لایتغیری تبعیت می‌نماید که پویایی‌های آن را توصیف و تبیین می‌کند. این قانون‌مندی‌های رفتاری در واقع همان سنت‌های اجتماعی هستند که روابط علی و معلولی بین پدیده‌ها را توضیح می‌دهند؛ و حتی گاه فراتر، آن‌ها را پیش‌بینی‌پذیر می‌کنند. البته کنشگران انسانی به واسطه ماهیت گزینشگری آزادانه مبتنی بر عقل محاسبه‌گر در رفتارهای خود که به مثابه موهبتی الهی در درون خود به میراث دارند، موجب پیچیدگی قابل توجه در جهان اجتماعی می‌شود. با این همه این سنت‌های الهی همچون قوانین ثابت و ابطال‌ناپذیر جهان طبیعی، مسیر معینی را فراروی تاریخ حیات جوامع بشری می‌نمایاند که فرجام خیر یا شر، به میزان همراهی کنش فردی و جمعی انسان‌ها با آن‌ها بازمی‌گردد (حامدمقدم، ۱۳۶۵). با این همه از آنجا که انسان مدنی الطبع است و زیست او در گرو وجود اجتماع و زیست اجتماعی است، نقش، اهمیت و رجحان کنش جمعی بر کنش فردی امری بدیهی خواهد بود که نیازی به شرح و تفصیل ندارد.

انقلاب اسلامی ایران به مثابه یک جنبش فراگیر توحیدی با کارکردهای تمدنی، به مانند هر رویداد تاریخ‌ساز دیگر، متأثر از سنت‌ها و قانون‌مندی جهان اجتماعی است و نمی‌تواند مستثنی از این قواعد و سنن الهی باشد و استمرار و بقای نیز درون همین قواعد و قوانین خواهد بود. طبعاً چنانچه انقلاب اسلامی بخواهد مسیر بالندگی خود را طی نماید و به فرجام موعود خویش دست یابد، لاجرم از رعایت چهارچوب‌های قواعد اجتماعی لایتغیر نظم اجتماعی

است که خداوند حکیم بر این جهان الهام فرموده است. از این رو، انقلاب اسلامی به عنوان محصول یک اراده جمعی ایرانیان و با هدف الغای یک نظم و نظام فاسد و در تلاش برای درانداختن یک نظم و نظام آرمانی و مطلوب، تنها در صورتی می تواند همچنان گفتمان غالب در جامعه باشد که به حقوق تمام اقشار و پدیدآورندگان خود پایبند بوده و اعتلای این جهانی و سعادت آن جهانی جامعه را تأمین کند؛ بنابراین عدم توجه به حقوق زنان و نیز استمرار وجود برخی محدودیت ها و تبعیض ها برای کنش سیاسی و اجتماعی زنان، می تواند در عصر جهانی شده به ساخت هویت رهایی بخش یا خلق الگوهایی از کنش اعتراضی منجر شود؛ امری که با گسترش تعاملات بدون مرز درون شبکه های اجتماعی از ظرفیت و قابلیت کشگری قابل توجهی برخوردار شده و می تواند منجر به بروز نوعی دوگانگی و نیز خلق نیروی مقاومت در برابر تصویر هویت گفتمانی شود.

#### ۳-۲-۴. عدم توجه به نقش و تأثیر فرهنگ فناوری در سیاست گذاری های عمومی

یکی از دلایل بروز و فراوانی مصادیق سطح چالش یا گسست تصویر آرمانی از زن با آنچه در بستر تعاملات فضای وب در حال رقم خوردن است، عدم توجه به تأثیرات فرهنگ فناوری است. بی شک، فناوری های مدرن به نوعی درون خود متضمن پیوستی اجتماعی و فرهنگی هستند و واجد شأنی بر ساخت گرایانه در نظام ترجیحات و تلقیات جامعه کاربران خود است؛ از این رو، فناوری حامل نوعی فرهنگ است و آن را به صورت یک امری بیناذهنی برمی سازد و به آن حقیقت ارتقا می بخشد (روشندل و صابر، ۱۳۹۱، صص. ۱۱۸-۱۱۷). این مهم در حالی است که طی دهه های گذشته بدون هیچ گونه بررسی علمی و سنجش ماهیت و کارکرد اجتماعی فناورهای ارتباطی، شاهد استقبال شتاب زده از آن بوده ایم. برای مثال اینترنت به عنوان زیرساخت و بستر تبادلات جهانی سایبری تا کمی پیش بدون هیچ گونه محدودیت محتوایی و سیاست گذاری فرهنگی در اختیار تمام اقشار و گروه های سنی جامعه قرار داشت؛ امری که منجر به بروز نوعی آشفتگی هویتی و هنجاری در زیست بوم فرهنگی و اجتماعی ایرانیان شد؛ امری که در برخی از تحقیقات پیامدهای سلبی آن را عمدتاً متوجه زنان می داند (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ رهبرمهرپو و همکاران، ۱۴۰۱).

#### ۴-۲-۴. عدم توجه به رابطه مقوم ساختار - کارگزار در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی

چنانچه فرهنگ را زیربنای توسعه هر جامعه‌ای بدانیم و نهادهای فرهنگی را متولی بازتولید و بازتوزیع نمادها و ارزش‌های آن جامعه در نظر بگیریم، آنگاه اهمیت راهبردی فرهنگ و سیاست فرهنگی بیش از پیش هویدا می‌شود. اهمیت فرهنگ و سیاست فرهنگی زمانی دوچندان می‌شود که به هم‌پیوندی آن با ریشه‌های رخداد انقلاب اسلامی ایران توجه نماییم. بر اساس رویکرد هستی‌شناسی فرهنگی نسبت به پدیده انقلاب، اساساً انقلاب ایران انقلابی فرهنگی بنیاد است که تمامی سازه‌های ارزشی و نظام هنجاری پیش از خود را منسوخ ساخت و ترتیبات نهادی نوینی بر پایه فرهنگ و سنت اسلامی - ایرانی با قرائتی شیعی بازسازی کرد. بر این اساس و با عنایت به اهمیت راهبردی سیاست‌های فرهنگی و نیز تدوین نقشه راه جامع برای نیل به مطلوبیت‌های نظام سیاسی، نقش عامل انسانی و نیز ساختارهای فرهنگی به‌عنوان کارگزاران حوزه فرهنگ، نیز حائز اهمیت فراوان است. با این وصف، حسب تحقیقات موجود (سبزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۲-۱۳۲) از وضعیت و جایگاه زنان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، هرچند جایگاه زنان در ابعاد مختلف بهبود تدریجی و نسبی داشته؛ ولی از نظر شاخص حقوق شهروندی پیشرفت زیادی حاصل نشده است؛ زیرا الگوی سیاست فرهنگی درباره زنان بر مبنای الگوی دولتی با دخالت بیشینه آن و کمیته بخش خصوصی در تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی همراه بوده است. این نقیصه در دوره پردامنه و پر شدت جهانی شدن و افزایش قابل توجه ضریب نفوذ اینترنت و شبکه‌ای شدن جامعه موجب بروز کنش‌های اعتراضی در میان جامعه زنان شده و به شکل‌گیری فرهنگ مقاومت و در نتیجه، به بروز نوعی گسست ارزشی و فرهنگی دامن زده است؛ امری که می‌تواند در صورت تداوم آن منجر به تقویت دوگانه هویتی زن گفتمان انقلاب اسلامی - زن با هویت برساختی ناشی از تعاملات جهان گستر و ب پایه شود.

#### ۴-۲-۵. ضعف در سیاست‌گذاری رسانه‌ای

سیاست‌گذاری رسانه‌ای به دلیل تأثیرات متقابل قابل توجهی که بر ساخت فرهنگ سیاسی جوامع داخلی و بین‌المللی دارد، یکی از حوزه‌های راهبردی مهم در مدیریت کلان نظم سیاسی و اجتماعی جوامع محسوب می‌شود؛ لذا بدون پردازش دقیق مؤلفه‌هایی چون دگرگونی‌های

صورت پذیرفته در محیط کنش انسانی، شناسایی زمینه‌های شکل دهنده به وضعیت چالش و نیز فقدان یک تصویر روشن از آینده مطلوب از آن، نمی‌توان کنش مطلوبی را در این زمینه سامان داد؛ لذا برای ارائه یک الگوی سیاست‌گذارانه مطلوب از کنش رسانه‌ای، نیازمند شناسایی مختصات نوین محیط کنش رسانه‌ای هستیم تا بر اساس آن بتوان راهبردهای متناسبی را ارائه کرد.

در باب دگرگونی‌های صورت پذیرفته در محیط کنش انسانی و اجتماعی می‌توان به مؤلفه‌هایی چون ظهور نسل‌های جدید از فناوری‌های ارتباطی اشاره نمود که بیش از هر زمان دیگر جامعه انسانی را به یک جامعه شبکه‌ای شده سوق داده است. طبعاً تسریع در فرایند دموکراتیزاسیون فناوری در جوامع از طریق افزایش ضریب نفوذ اینترنت در جوامع، کاربرد پرشمار تلفن‌های هوشمند، شکل‌گیری پر قدرت رسانه‌های جمعی همچون شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اجتماعی، کاهش میزان کنترل دولت‌ها بر فرایند مبادلات تحت شبکه وب و نیز امکان دسترسی فراگیر به اینترنت ماهواره‌ای در آینده‌ای نزدیک از طریق توسعه پروژه استارلینک و ... همگی موجب شده است تا جهان زیست انسان معاصر دستخوش تغییراتی شگرف قرار گیرد.

از سوی دیگر، ظهور جوامع اطلاعاتی و نیز امکان قیاس میان شیوه‌های مختلف خبررسانی و همچنین دریافت اطلاعات از مجاری مختلف موجب شده است تا پدیده‌ای سرمایه اجتماعی دولت‌ها دستخوش تغییر شود. به هر میزان که افکار عمومی نسبت به کنش رسانه‌ای بومی احساس اعتماد نماید، به همان میزان نیز سرمایه اجتماعی در آن جامعه نهادینه می‌شود. نکته دیگر در همین رابطه، در امر واقعیت‌سازی به کارکرد رسانه‌ها بازمی‌گردد. امروزه واقعیت را می‌توان با پنداشت مردمان برابر دانست که مستقیماً از آنچه رسانه‌ها می‌گویند بر ساخته می‌شود؛ لذا، کنش رسانه‌ای در مدیریت چالش‌های مختلف زیست جوامع تأثیر گذاری بالایی داشته باشد و به‌عنوان پشتوانه‌ای برای ارتقای سرمایه اجتماعی جوامع به کار گرفته شود. میزان تأثیرپذیری زنان و مردان در جامعه از این نقیصه علی‌السویه بوده و فقدان مهارت‌های لازم در زمینه کنش رسانه‌ای می‌تواند مخاطرات جدی در زمینه هویت‌یابی ایجاد نماید.

هرچند نسل Z و هزاره‌ها، نظام هنجاری متفاوتی با گفتمان سیاسی حاکم دارند و به نوعی نسلی ساختارشکن، هنجارگریز با گرایشی‌هایی از جریان چپ مدرن با محوریت هنجار رهایی‌بخشی جهانی هستند و از هرگونه ساختار سلطه و سرکوب انزجار دارند؛ ولی این تفاوت موجب نفی و انکار آنها نشده و در عوض، پویایی ایشان مورد رصد و کنترل نهادهای علمی قرار گرفته تا با شناختی از رهگذر منطق علمی در مواقع ضرورت به کنترل درآیند و مانع از ازدیاد و ارتقای سطح کنشگری ایشان تا سرحد یک ورودی آشوب‌ساز به نظام اجتماعی شوند. طبیعتاً شناخت منطق کنش، نظام انگیزشی و بینشی این نسل می‌تواند راهبردهایی برای همراه‌سازی و کنترل‌گری هر چه مؤثرتر بر افعال و اعمال ایشان فراهم آورد. با این حال هر چند ویژگی‌های نسل Z در جوامع فردگرای غربی با جوامع اجتماع‌گرای شرقی در برخی جوانب متفاوت است؛ ولی این نسل به واسطه برخورداری از یک هویت جهانی‌شده از نوعی نظم هنجاری مشابه برخوردار هستند که همین عامل آن‌ها را به نسل جهانی‌شده ارتقا بخشیده است. تأکید بر هویت بینابخشی یا ریزبافت موجب شده تا مهم‌ترین کارویژه این نسل بر ساختن خرده هویت‌ها و گذار از دوگانه‌های رایج همچون مسئله جنسیت باشد. این نسل از هویتی سیال و متکثر برخوردار است که رفتار اعلانی او آشکارکننده لایه‌های پنهان هویتی اوست که از طریق انواع هویت‌های آنلاین سعی در بازنمایی آن دارد. نسل Z و هزاره‌ها در لایه‌های درونی هویتی خود به دنبال یافتن همتایانی هستند که او را در دست‌یافتن به مطلوبیت خویش یاری نماید و نقشی تسهیلگر برای او ایفا کند؛ این نسل خود را نیازمند رهبری در معنای مصطلح امروزی نمی‌داند و نگاه متفاوتی به مقوله رهبری دارد و اساساً ساختارهای سلسله‌مراتبی هر می رهبری اجتماعی را نمی‌پذیرد. رهبری در این نسل در معنای مشارکت و همیاری است، مطابق آنچه در خلق رمان‌های آنلاین، وب‌سایت‌های مشارکتی و تعاملی همچون ویکی‌پدیا، نرم‌افزارهای منبع‌باز، دریل، پینترست و... در حال وقوع است.

نسل Z به گونه‌ای متفاوت می‌اندیشد؛ به گونه‌ای متفاوت کنشگری دارد و نظم معنایی و هنجاری متفاوتی را دنبال می‌کند. این نسل حتی از نشانه‌ها، معنا و زبان متفاوتی بهره می‌برد؛ زبانی جهانی‌شده با نشانه‌هایی ناشناخته برای نسل‌های پیش از خود؛ نشانه‌هایی که جهان‌زیست مجازی‌شده، در خلق و بازتولید این نمادها و زبان نقش‌آفرینی عمده‌ای دارند.

این نسل جهانی می‌اندیشد و جهانی عمل می‌کند؛ هرچند در جهان واقعی عاملیتی اندکی دارند؛ ولی آهنگ تغییرات و کنشگری آن‌ها بسیار شگرف است و با افزایش حضور فناوری در الگوی زیست مردمان، از درجه آزادی و قدرت عمل بیشتری برخوردار خواهند شد؛ زیرا امروزه حملات هکری و تهدیدات حوزه امنیت شبکه، عمدتاً از ناحیه این نسل انجام می‌شود؛ بنابراین ضروری است توجه شود داستان نسل Z نه یک تجربه آمریکایی صرف که واقعیتی غیرقابل انکار در تمام پهنه جهان است؛ نسلی که هویت و حداقل نظام آگاهی‌های خود را از درون شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی جستجو می‌کند و بودگی خود را از درون تعاملات جهانی شده بر می‌سازد؛ نسلی که محدودیت‌های زمانی و مکانی سابق برای او دیگر محلی از اعراب نداشته و در جغرافیایی زمانی و مکانی دیجیتال شده زیست می‌کند.

این نسل صرف آنکه جهان‌زیست متفاوتی دارد یا آنکه به نظم هنجاری متفاوتی از نظم مستقر در جامعه وفادار است و عنصر زبان و منطق رفتاری از درون‌ساخت یافته‌ای دارد، نمی‌بایست مورد انکار واقع شود یا به حاشیه رانده شود؛ این نسل می‌تواند نسلی از فرصت‌ها باشد؛ فرصت‌هایی جهانی‌شده که بر مدار نوعی عقلانیت اشتراکی در حال نضج است و با همیاری جهانی سعی در حل چالش‌ها و نظام مسائل خود دارد.

مهم‌ترین چالش این نسل همان احساس متناقض‌نماست که آن را در زمان اکنون تجربه می‌کنند؛ این وضعیت متناقض‌نما چیزی جز عاملیت اندک در جهان‌زیست واقعی نیست؛ لذا هر چه این نسل در جوامع داخلی به حاشیه رانده شوند، بیشتر هویت به حاشیه‌رانندگی را به خود جذب می‌کنند و دچار نوعی هویت‌زدگی خواهند شد؛ هویت‌زدگی که نخستین پیامد آن احساس بیگانگی با جامعه‌ای است که درون آن زیست می‌کند؛ لذا چندان دور از ذهن نخواهد بود این نسل به حاشیه‌رانده‌شده، نسلی شورشی، ساختارشکن، اقتدارگریز و معترض باشد که این وضعیت نتیجه طبیعی انکار، تغافل و تجاهل از واقعیت وجودی آن‌ها در هر جامعه‌ای است.

باید توجه داشت، جامعه ایرانی نیز مستثنی از این قاعده کلی نیست و سطح مشاهده‌پذیر از عینیت‌های نظام اجتماعی نیز آن را تصدیق می‌کند. چنانچه به سادگی می‌توان نسل یا گروه‌هایی از جامعه و به‌طور عمده نوجوانان و جوانان را مشاهده کرد که الگوی زیست، منطق کنش،

عنصر زبان و نظام هنجاری متفاوتی را به عنوان شیوه زیست خود برگزیده‌اند. نسلی که در تحولات اجتماعی سال‌های گذشته خود را بیش از پیش نمایان ساخت و کنشگران عمده آن به شمار می‌آمدند. باین وصف، به نظر می‌رسد جامعه ایرانی نیازمند رصد دقیق تحولات اجتماعی و بینش طبقات مختلف جامعه به پویایی درونی آن است تا با شناختی هر چه عینی‌شده از ظرفیت نهاد علم برای حل مشکلات جامعه بهره‌برداری نماید و مانع از ازدیاد سطح چالش تا سرحد یک بحران اجتماعی شود. طبیعتاً ارتباط مؤثر با این نسل، شناخت پویایی‌های آن و به رسمیت شناختن واقعیت وجودی آن به جای نفی و کم‌اهمیت انگاشتن آن می‌تواند مقدمه‌ای برای تقریب چه بیشتر این نسل به هویت تاریخی تمدنی آن‌ها باشد.

### ۳-۴. سطح گفتمان

از منظر چهارچوب تفکری عنایت‌الله، علیت‌ها خود برآمده از لایه زیرین تر و درعین حال، انتزاعی‌تری است که از آن تحت عنوان علل گفتمانی یاد می‌کند. چنانچه گفتمان را مترادف با «دستگاهی بینشی بدانیم که از طریق واژگان و گفتارهای نهادینه‌شده، بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و گاه حتی بر آگاهی یک دوره تاریخی نیز سایه می‌اندازد، بی‌آنکه کاربران همواره بر این ذهنیت و خصیلت خاص تاریخی خود آگاهی داشته باشند» (کلانتری، ۱۳۹۲)، می‌توان آن را عنصر برساننده سطوح بیشتر مشاهده‌پذیر هر پدیده‌ای دانست.

تعارض گفتمانی میان گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان سنت‌گرای تحول‌خواه با گفتمان جهان‌زیست مدرن مبتنی بر مؤلفه‌هایی چون خردباوری، انسان‌گرایی، سودانگاری، لذت‌گرایی، فردمحوری منجر به بروز برخی پیامدهای سلبی در زیست اجتماعی و فردی جامعه ایرانی شده است. باین حال، گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت انتقادی و رهایی‌بخش خود می‌تواند از ماهیت ساختارشکن و انتقادی بخش دیگری از واقعیت جهان‌زیست مدرن بهره‌برداری مطلوب نماید؛ چراکه یکی دیگر از ابعاد گفتمان انتقادی انقلاب اسلامی، تأکید آن بر رفع آن دسته از عواملی است که مانع از تحقق آرمان‌رهایی انسان می‌شود. درواقع یکی از اهداف مهم مطالعات انتقادی تغییر دادن هنجارهای تنظیم‌کننده و تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی است؛ هنجارهایی که دولت‌ها را از عمل وفق الگوهای رئالیسم باز می‌دارد؛ زیرا

گفتمان انتقادی با برخورداری از عنصری آرمان‌گرایانه، انتخابی هنجاری به نفع یک نظم سیاسی و اجتماعی متمایز از نظم غالب است.

درخصوص مفهوم رهایی‌بخشی به‌عنوان دال کانونی گفتمان انتقادی انقلاب اسلامی نیز ضمن تأکید بر لزوم کنترل هرچه بیشتر جهان اجتماعی و نیز نقش جنبش‌های اجتماعی، بر مفهوم علائق رهایی‌بخش به‌جای علائق فنی تأکید و تصریح بسیار می‌شود. درواقع، آنچه محوریت این تعاریف را نمایندگی می‌کند تأکید آن بر مفاهیم دیگری چون آزاد بودن، حاکمیت بر سرنوشت و توانایی ابتکار عمل برای دستیابی به نظمی عادلانه و مطلوب در نظام جهانی است؛ ازاین‌رو برخلاف رویکرد سنتی و غالب جهانی که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار کنشگران انسانی را مفهوم منافع می‌داند، از نظرگاه رویکرد انتقادی، منافع بازیگران نسبت به تعاملات اجتماعی، مفهومی درون‌زاد بوده و معلول هویت‌یابی آن‌ها از طریق فرایند ارتباطات اجتماعی است. به همین علت، از منظر گفتمان انتقادی، عواملی چون ساختار نظام و نیز انحصار قدرت دانش و فناوری در بخش سرمایه‌داری جهان را عامل بازدارنده در تحقق رهایی انسان و جامعه در نظام بین‌الملل معاصر دانسته می‌شود و در نتیجه مقام تجویز، گفتمان رهایی‌بخش و انتقادی انقلاب اسلامی از اعمال هرگونه راهکارهای خشونت‌آمیز بدین منظور خودداری نموده و بر لزوم بهره‌گیری از مفاهیمی چون تفاهم میان‌ذهنی، اخلاقیات مبتنی بر گفتمان و اجماع در این خصوص تأکید داشته و وجود روابط سلطه را معلول کاربرد تحریف‌شده عقل و زبان در عرصه جهان‌زیست عنوان می‌کند.

در کنار این مهم، از منظر امام خمینی به‌عنوان متفکر محوری منطق گفتمانی انقلاب اسلامی، آنچه موجب اسارت بشر و سلب آزادی وی شده، عواملی است که علاوه بر تأثیر و نقش فناوری ناشی از سلطه عقلانیت ابزاری، ریشه در تفوق منطق منطقه قدرت‌های فزون‌خواه بر سرنوشت و اراده ملت‌ها دارد (محمودی کیا، ۱۳۹۷، صص. ۱۰۹-۱۰۴).

در مجموع، آنچه به انقیاد زن در گفتمان مدرن منجر شده و موجب گردیده تا جریان رهایی‌بخشی از قید منطق سوژه‌وارگی‌های نسبت به زن و خروج از نگاه مردسالارانه به زن در فضای سایبرنتیکی شود، ریشه در ماهیت سرکوبگرایانه منطق حاکم بر جهان‌زیست مدرن داشته و از این حیث گفتمان انتقادی و رهایی‌بخش انقلاب اسلامی می‌تواند بدیل نظری مناسبی برای تأمین خلأ نظری این حوزه باشد؛ گفتمانی که با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون امکان

ساختن آینده از طریق اراده و آگاهی، ضرورت آزادی ملت‌ها و به‌طور مشخص زنان از قید ساختارهای محدودیت‌ساز سلطه، لزوم بازتعریف و صورت‌بندی مجدد عدالت و برابری در نظام بین‌الملل، جلوگیری از توزیع نابرابر منابع به علت وابستگی نامتقارن فرهنگی - اقتصادی، انتقاد از تسلط مفروضات و رهیافت‌های مادی‌گرا و معرفت‌شناسی تجربه‌گرایانه و نیز لزوم انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اخلاقی در جامعه داخلی و بین‌المللی برای تحقق رهایی و آزادسازی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد یک جریان گفتمانی فراگیر در نظام بین‌المللی معاصر و جامعه انسانی شود.

#### ۴-۴. سطح استعاره‌ها

استعاره‌ها به‌عنوان مبنایی‌ترین سطح هر پدیده به پنهان‌ترین و زیرین‌ترین لایه‌های تفکری بازمی‌گردد که با خلق یک نظم اسطوره‌گی، مبنایی برای بنیان‌های کلان مقیاس فراهم می‌آورد. در واقع، در میانه شکاف زن آرمانی در آینه گفتمان انقلاب اسلامی با زن برخوردار از نوعی هویت برساخته درون تعاملات فضای سایبرنتیکی، باید آن دسته از مؤلفه‌های عمیقاً ذهنی را یافت که تمام ارکان دیگر پدیده را توضیح دهد و برسازنده آن‌ها باشد؛ این مؤلفه‌های همان سطح استعاره‌ها یا اسطوره‌ها هستند.

به نظر مهم‌ترین وجه این سطح، به تفاوت‌ها در بعد هستی‌شناسی اندیشه بازمی‌گردد. تفاوتی که در قالب سه‌گونه انسان اسطوره‌ای خود را بازنمایی می‌کند؛ انسان مدرن در برابر انسان سنتی؛ و انسان سایبرنتیک در برابر انسان مدرن؛ در این بین، انسان سایبرنتیک هویت خود را درون تعاملات مجازی شده جهان گستر باز یابی می‌کند و آن به‌صورت امری برساخت‌گرایانه پذیرا می‌شود.

انسان‌شناسی جدید بر مفروضات و مؤلفه‌های بنیادین متفاوتی پایه نهاده شده که آن را از انسان‌شناسی مدرن نیز متفاوت می‌سازد. نخستین ویژگی انسان سایبرنتیک، انحلال سوژه استعلایی است؛ انسانی که دیگر خود را بر فراز هستی و جدای از آن نمی‌بیند. انسان فرامدرن، منحل در هستی است. به معنای دیگر، برای انسان فرامدرن، شرط زیست سعادت‌مندانه، عدم باور به وجود سوژه استعلایی است، سوژه‌ای که وظیفه خود را شناخت همه‌چیز و همه‌کس

می‌داند، آن‌هم تنها با سلاح عقل؛ بر این مبنا عقل خودبنیاد، جایگاهی در جامعه پست‌مدرن نخواهد داشت (طاهری سرشنیزی و عزیزخانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲).

دومین ویژگی انسان فرامدرن یا انسان سایبرنتیک، تکثر هویتی است. در دنیای پسا‌مدرن، جهان‌زیست‌های مردمان متکثر شده‌اند و جامعه انسانی در حال تجربه جهان‌های اجتماعی متعدد و گاه متجزی از هم هستند. از آنجا که هویت تنها در برابر غیریت شناخته می‌شود، اجتماع شرط اساسی هویت‌یابی است؛ بنابراین در صورت قطعه‌قطعه شدن جهان‌زیست‌های اجتماعی، هویت‌ها نیز پاره‌پاره می‌شوند. هرچند ادله دیگری نیز در این هویت پاره‌پاره سهم هستند؛ عواملی چون کم‌رنگ شدن اقتدار دولت‌های ملی و گسترش مرزهای جهانی شده، مصرف‌زدگی و رسانه‌ای شدن جامعه و ...؛ لذا در چنین جامعه‌ای نهادهای هویت‌ساز سنتی و حتی مدرن، کارکرد خود را در ساخت هویت تا حدود قابل توجهی از دست داده و نهادهای عمدتاً فناورانه مبتنی بر خلق اجتماعات مجازی شده جهان‌گستر در برساختن هویت نقش آفرین هستند (طاهری سرشنیزی و عزیزخانی، ۱۳۹۰، صص. ۴۶-۴۲).

سومین ویژگی انسان فرامدرن، صورت‌بندی گفتمانی سوژه است. به این معنا که این گفتمان‌ها هستند که تصور و فهم ما از واقعیات جهان را شکل می‌دهند و این چنین وانمود می‌کنند که فهم انسانی همواره فهمی گفتمانی و نسبی است (هوارث، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۳).

چهارمین ویژگی انسان فرامدرن به نسبت و رابطه او با فراطبیعت بازمی‌گردد. انسان فرامدرن انسانی مردد نسبت به مفروضات انسان سنتی و حتی انسان مدرن است و اصولاً منطقی مبنایگرای و تکثرگرا دارد و قائل به نوعی تکثرگرایی در حوزه حقیقت هستند و قائل به حقیقتی ناب و برتر از دیگر اشکال حقیقت نیستند و به جای اعتقاد به مبدأ هستی به معنویت گرایش دارند.

## نتیجه گیری

این پژوهش درصدد ارائه تبیینی بر چرایی شکاف میان تصویر زن با هویت گفتمانی با زن با هویت برساختی در دوران معاصر بود. نگارنده تلاش کرد تا با ورود به لایه‌های تفکری و خوانشی انتقادی از زمینه‌ها و لایه‌های شکل دهنده به وضعیت گسست به وجود آمده میان این دو تصویر، آنها را از زوایای مختلف به بحث و بررسی بگذارد. بر این اساس و با توجه به نقش رسانه‌های اجتماعی بر، برسازی هویت کنشگران انسانی و برسازی واقعیت در جهان مدرن، به وجه تأثیر گذاری این پدیده نوظهور برساخت گونه نوینی از نگاه اسطوره‌ای به انسان یعنی انسان سایبرنتیک توجه داده شد که این تعریف در اعماق پویایی‌های اندیشه یک جامعه برسازنده دیگر سطوح تحلیل همچون گفتمان است. گفتمان نیز خود برسازنده و توضیح دهنده سطح علیت‌ها هستند و علیت‌ها نیز توضیح دهنده سطح مشاهده‌پذیر و معلول‌ها. لذا در یک نگاه چند سطحی تلاش شد تا به چرایی تفاوت‌های هویتی میان آنچه زن در نگاه گفتمانی برآمده از انقلاب اسلامی تصویر شده با آنچه در سطح مشاهده‌پذیر به عنوان امری برساخته شده ناشی از تعاملات درون اجتماعات جهانی رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته، پرداخته شود.

چنانچه توضیح داده شد، هر چند جهانی شدن و مصادیق آن، تمام جنبه‌ها و اقشار یک جامعه و ویژگی‌های پویایی آن را توضیح می‌دهد؛ اما تأثیر گذاری برساخت هویت آن بیش از جنبه‌های دیگر مورد بحث و نظر قرار داشته؛ زیرا اساساً دعوی انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است و امر فرهنگی بر دیگر شئون جامعه سایه انداخته و تمامی جوانب و پیامدهای انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهد. علاوه بر این، زن به‌عنوان محور معنایی در نظم فرهنگی و گفتمان اخلاقی انقلاب اسلامی، بیشترین توجهات و اثرپذیری‌ها را نسبت به جهان‌زیست مدرن بر بستر تعاملات خود در رسانه‌های اجتماعی جلب نموده است. این امر در کنار مؤلفه‌هایی چون غلبه نگاه سنت و وجود جامعه مردسالار، زنان بیشترین به حاشیه‌رانده شدن را تجربه نمودند که فضای جهانی شده و آزاد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فرصت مغتنمی بر شکستن حصار بلند سنت را برای ایشان فراهم آورده است.

فضای سایبرنتیک و به‌طور مشخص رسانه‌های جمعی در دوره معاصر از دو کارکرد متفاوت در زمینه هویت‌آفرینی برخوردار بوده‌اند؛ در وجه سلبی، رسانه‌های اجتماعی علاوه

بر ایجاد نوعی هویت پریشی برآمده از پویایی‌های وب، واجد تأثیرات مخربی همچون بسط گفتمانی جهان‌زیست جهانی‌شده منطبق بر گفتمان‌های غالب و گاه خرده‌گفتمان‌های موجود در فضای وب بوده و در نقطه مقابل و در وجه ایجابی، رسانه‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد نوعی خودآگاهی تمدنی، به ارتقای ظرفیت همکاری‌های ملی و فراملی از طریق شبکه‌سازی‌های اجتماعی برخط و ایجاد کانون‌های هم‌افزای فرهنگی و نیز برساختن نوعی هویت زنانه‌رهایی‌بخش در تقابل با سوژگی و شیء‌وارگی زن در گفتمان مردسالار منفعت‌گرا و ابزارانگار نظم مسلط جهانی منجر شده است؛ منطقی که با گفتمان‌رهایی‌بخش و تعالی‌گرای انقلاب اسلامی نیز همسو و همراه است.

به نظر می‌رسد تعاملات آزاد، جهان‌گستر و بی‌واسطه با جهان پیرامونی و مشارکت فعالانه در سکوها‌های ارتباطی باز همچون شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اجتماعی موجب پیدایش و خلق نوعی هویت برساخته میان اقشار مختلف جامعه و به‌طور ویژه بانوان شده که در این تحقیق برخی از اصلی‌ترین پیشران‌ها و مؤلفه‌های این تأثیرپذیری توضیح داده شد. با این حال، هرچند فرهنگ فناوری و منطق گفتمانی غالب درون رسانه‌های اجتماعی به برساختن هویت‌های متکثر از کاربران این فضا می‌شود؛ ولی به همان میزان می‌تواند به خلق فرصت‌های قابل توجهی در زمینه معرفی گفتمان اسلام اصیل دربارهٔ انسان، جامعه و موضوعات مرتبط با آن دو کمک نماید. همچنین به نظر می‌رسد این امکان فناورانه، می‌تواند به هم‌افزایی گفتمانی نیز کمک نماید؛ چنانچه به دلیل وجه مشترک گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان جهان‌زیست پسا مدرن، یعنی اراده راسخ بر رهایی‌بخشی، می‌توان میان آن دو نوعی خوانش تقریبی ایجاد نمود و از تعمیق شکاف‌های موجود کاست و به تفاوت‌های نسلی و جنسیتی صورتی گفتگویی بخشید و مانع از تزیید آن به شکاف نسلی غیرقابل جبران شد.

## منابع

- اکبرزاده جهرمی، جمال‌الدین و احمدی، اوین (۱۳۹۹). گونه‌شناسی هویت مجازی زنان کرد ایرانی در اینستاگرام. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۲۱ (۵۲)، ۱۱۱-۱۴۴.  
[doi: 10.22083/jccs.2020.229866.3075](https://doi.org/10.22083/jccs.2020.229866.3075)
- امیربیک، مرضیه، مسعودی، حمید و شادلو، ندا (۱۴۰۲). سنخ‌شناسی برساخت هویت مذهبی زنان با تأکید بر پوشش در شبکه اجتماعی اینستاگرام. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۳ (۳)، ۱-۳۵.  
[doi: 10.30465/ws.2021.32079.3076](https://doi.org/10.30465/ws.2021.32079.3076)
- باقری میاب، شهلا، ربیعی، مرجان، اکبری، الهام و قاسمی، عاصمه (۱۴۰۰). مطالعه فرایند هویت‌یابی زنان در شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: زنان کاربر اینستاگرام). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰ (۴)، ۱۰۲۹-۱۰۵۹.  
[doi: 10.22059/jisr.2021.321681.1200](https://doi.org/10.22059/jisr.2021.321681.1200)
- بوربور، اکرم و تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۱). تحلیل وضعیت هویت اجتماعی زنان شهر تهران بر اساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای. *فصلنامه رسانه*، ۳۲ (۴)، ۱۳۱-۱۶۳.  
[doi.org/10.22034/bmsp.2021.141725](https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.141725)
- پورنجف، حیران، حقیقتیان، منصور و جهانبخش، اسماعیل (۱۴۰۱). بازنمایی سیمای زن در گفتمان مبارزه علیه سوژگی زن (مطالعه موردی: شبکه اجتماعی اینستاگرام). *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴ (۴)، ۱۱۸-۱۴۱.  
[doi: 10.34785/J016.2022.042](https://doi.org/10.34785/J016.2022.042)
- پیشگاهی فرد، زهرا، انصاری‌زاده، سلمان، کرمی، افشین و پرهیز، فریاد (۱۳۸۹). تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۸ (۲)، ۱۸۹-۲۰۹.  
<https://ensani.ir/fa/article/260414>
- تابناک (۱۲ بهمن ۱۴۰۲). ثبت رکورد کمترین تعداد تولد ۱۳ سال اخیر در سال ۱۴۰۲. قابل دسترس در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1219204> مشاهده شده در ۱۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۲.
- حامد مقدم، احمد. (۱۳۶۵). سنت‌های اجتماعی در قرآن. مشکوه، ۱۱، ۲۷-۴۴.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58500>
- خبرگزاری ایرنا (۲۰ آبان ۱۴۰۲). بیش از ۵۵ هزار نفر به دلیل نزاع به پزشکی قانونی مراجعه

کردند. قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/85287143> مشاهده شده در ۱۵ بهمن ۱۴۰۲.

- خبرگزاری ایسنا (۱۲ مرداد ۱۴۰۲). ثبت بیش از ۱۹۹ هزار ازدواج و ۶۵ هزار طلاق در کشور طی ۴ ماه / تهران پیشتاز آمارها. قابل دسترس در:

<https://www.isna.ir/news/1402051207177> مشاهده شده در ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۲.

- خبرگزاری فارس (۳ آبان ماه ۱۴۰۲). رشد ۱۳ درصدی مصرف دخانیات در میان نوجوانان. قابل دسترس در: <https://www.farsnews.ir/news/14020803000463> مشاهده شده در ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۲.

- خواجه‌نوری، بیژن، خدابخشی هفشجانی، نسرين و پرنیان، لیلا. (۱۳۹۲). رابطه رسانه‌های گروهی و هویت قومی با هویت ملی زنان (مطالعه موردی زنان شهر کرمانشاه). فصلنامه علوم اجتماعی، ۷ (۴)، ۱۵۷-۱۸۰.

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/61260>

- روشندل اربطانی، طاهر و صابر، منوچهر (۱۳۹۱). ارتباط میان فرهنگ و فناوری اطلاعات و ارتباطات و آسیب‌های فرهنگی اینترنت. *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۲ (۲)، ۱۰۹-۱۲۸. [https://mediastudy.ihcs.ac.ir/article\\_664.html](https://mediastudy.ihcs.ac.ir/article_664.html)

- رهبر مهرپو، بهناز، رشیدی، احتشام و دانایی، ابوالفضل. (۱۴۰۱). مدل‌سازی تأثیر رسانه‌های اجتماعی در بازنمایی هویت ایرانی - اسلامی زنان. *نشریه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۸ (۳۱)، ۱۰۹-۱۴۱. [doi:10.22054/nms.2022.46412.822](https://doi.org/10.22054/nms.2022.46412.822)

- سبزه‌ای، محمدتقی، مرادخانی، همایون و مجرد، مریم (۱۳۹۵). تحلیل و ارزیابی جامعه‌شناختی جایگاه زنان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی - برنامه‌های اول تا پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۶۸). *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۵ (۲)، ۱۰۹-۱۳۲.

<https://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-283-fa.html&sw>

- طاهری سرشنیزی، اسحاق و عزیزخانی، احمد (۱۳۹۰). انسان‌شناسی پست‌مدرن و نقد آن از منظر آموزه‌های دینی. *انسان پژوهی دینی*، ۸ (۲۵)، ۳۵-۵۷.

[https://raj.smc.ac.ir/article\\_2293.html](https://raj.smc.ac.ir/article_2293.html)

- کلانتری، عبدی (۲۰ آبان ۱۳۹۲). داریوش آشوری؛ سرگشته میان جهان‌های شرقی و غربی. بی‌بی‌سی فارسی. قابل دسترس در: <https://www.bbc.com/persian/arts/2013/11/131111> ashouri\_anniversary\_kalantari ۱۴۴ مشاهده شده در ۱۶ بهمن ۱۴۰۲.
- محمودی کیا، محمد. (۱۳۹۷). *الگوی نظری امام خمینی در سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.*
- مقیمی، مریم، خانیکی، هادی و سلطانی، سید علی اصغر (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی ابعاد سه‌گانه نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان در اینستاگرام. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۶ (۲۲)، ۶۹-۱۰۹. [doi:10.22054/nms.2021.55300.1047](https://doi.org/10.22054/nms.2021.55300.1047)
- ونت، الکساندر (۱۳۹۶). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.*
- ملتفت، حسین (۴ مرداد ۱۳۹۹). *تعارض فرهنگ رسمی و غیررسمی؛ منشأ برخی از آسیب‌های اجتماعی. خبرگزاری جمهوری اسلامی، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/83883778> مشاهده شده در ۲۳ بهمن ۱۴۰۲.*
- همشهری آنلاین (۸ شهریور ۱۴۰۱). *هشدار؛ سن مصرف کنندگان مواد مخدر به ۱۴ سال کاهش یافته است / گسترش مصرف مواد ترکیبی و افزایش تولید ماده محرک گل در ایران. قابل دسترس در: <https://www.hamshahrionline.ir/news/701795> مشاهده شده در ۱۵ بهمن ۱۴۰۲.*
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). *نظریه گفتمان. ترجمه سید علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، (۲)۱، ۱۵۶-۱۸۳. [https://psq.bou.ac.ir/article\\_7455.html](https://psq.bou.ac.ir/article_7455.html)*
- هومین فر، الهام (۱۳۸۲). *تحول جامعه‌پذیری جنسیتی. زن در توسعه و سیاست، ۱ (۷)، ۸۹-۱۱۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/2807>*
- Inayatullah, S. (2004). *The causal layered analysis (CLA) reader*. Tamsui: Tamkang University Press.





Vol. 11 | Issue. 39 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521127.1416>

## The Positions of Female Representatives in the First to Third Terms of the Islamic Consultative Assembly Regarding the Iraq-Iran War

Touran Mansouri (Corresponding Author) 

PhD Graduate in the History of the Islamic Revolution, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

[kapo\\_1365@yahoo.com](mailto:kapo_1365@yahoo.com)

Hamid Basiratmanesh 

Assistant Professor, Department of the History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

[Basirat1341@yahoo.com](mailto:Basirat1341@yahoo.com)

### Article Info

**Article Type:**

Research Article

**Received:**

2024 /02 / 29

**Revised:**

2024 /03 / 19

**Accepted:**

2024 /03 / 27

**Published Online:**

2024 /04 / 19

### Abstract

Parliament, as the most significant institution devised by modern humans to organize political life, holds a crucial status and is considered the most important institution in the formation of political systems. With the victory of the Islamic Revolution, the status of women in Iranian society began to rise, and in the first parliamentary elections, four women from Tehran entered the Assembly. One of the most significant events the First to Third Islamic Consultative Assemblies faced was the outbreak of the eight-year Iraq-Iran war. Therefore, examining the positions of female representatives during these three terms of the Assembly is the main goal of this article.

The research method used in this article is content analysis, with a focus on thematic analysis. The study, based on the detailed debates of the First to Third terms of the Islamic Consultative Assembly, aims to answer the question: What positions did female representatives take regarding the imposed Iraq-Iran war in these periods?

Based on the findings of the article, the positions of female representatives can be categorized into four main areas: political, economic, cultural, and military. In each of these areas, they highlighted specific issues and called for them to be addressed.

**Keywords:** Female Representatives, Islamic Consultative Assembly, Imposed War, Positions, Iraq.



دوره ۱۱ | شماره ۳۹ | بهار ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.521127.1416>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

## مواضع نمایندگان زن در دوره‌های اول تا سوم مجلس شورای اسلامی در قبال جنگ عراق علیه ایران

توران منصوری

دانش‌آموخته دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

[kapo\\_1365@yahoo.com](mailto:kapo_1365@yahoo.com)

حمید بصیرت‌منش

استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

[Basirat1341@yahoo.com](mailto:Basirat1341@yahoo.com)

چکیده	اطلاعات مقاله
پارلمان به‌عنوان مهم‌ترین تدبیر انسان مدرن برای ساماندهی زندگی سیاسی، از شأن و جایگاه مهمی برخوردار است و از آن به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری نظام‌های سیاسی یاد می‌شود. با پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاه زنان در جامعه ایران رو به ترقی نهاد و در انتخابات اولین دوره مجلس، چهار نفر از زنان از حوزه تهران وارد مجلس شدند. از مهم‌ترین وقایعی که مجلس اول تا سوم شورای اسلامی با آن مواجه شد، آغاز جنگ هشت ساله عراق علیه ایران بود؛ بنابراین بررسی مواضع نمایندگان زن در این سه دوره از مجلس شورای اسلامی، مهم‌ترین هدف این مقاله است. روش تحقیق استفاده شده در این مقاله، روش تحلیل محتوا با تکیه بر روش تحلیل مضمون است. پژوهش بر پایه سه دوره اول تا سوم مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که نمایندگان زن در این دوره‌ها چه موضعی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اتخاذ کردند؟	<b>نوع مقاله: پژوهشی</b> <b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ <b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ <b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۰۸ <b>انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۳/۰۱/۳۱ <b>صفحات:</b> ۱۴۱-۱۷۰
بر اساس نتایج حاصل از مقاله، مواضع نمایندگان زن را می‌توان در چهار محور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تقسیم‌بندی کرد که در هر کدام از این محورها، مضامینی را برجسته و خواستار رسیدگی به آنها شدند.	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> نمایندگان زن، مجلس شورای اسلامی، جنگ تحمیلی، مواضع، عراق.	

## مقدمه

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مرکز ثقل تصمیم‌گیری در کشور، از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی است. اصل ۷۱ قانون اساسی کشور مبین این موضوع است: «مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند». از طرفی با توجه به اینکه واگذاری اختیارات به مجلس شورای ملی - که پس از تشکیل مجلس به مجلس شورای اسلامی تبدیل شد (مذاکرات دوره اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۱، ۱۳۵۹/۰۴/۳۱) می‌توانست عملاً نظام سیاسی را رسمیت بخشد، نیروهای سیاسی برخلاف دوره‌های انتخاباتی گذشته با تمام امکانات خود در انتخابات مجلس حاضر شدند (خوش‌زاد، ۱۳۸۶، صص. ۴۶-۴۵؛ روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۱۱/۱۸).

انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ برگزار شد و در این انتخابات، اکثر احزاب و گروه‌های مطرح شرکت کردند و تنها بعضی گروه‌های کوچک سیاسی انتخابات را تحریم کردند. گروه‌های حاضر در انتخابات با اعلام مواضع و اهداف خود به‌صورت صریح و آشکار، طرفداران خود را به شرکت گسترده در انتخابات دعوت کردند (دفتر تحقیقات اجتماعی وزارت ارشاداسلامی، ۱۳۶۱، صص. ۲۸-۲۵). درنهایت اولین دوره از انتخابات مجلس در ۳۱ خرداد ۱۳۵۹ شد (خوش‌زاد، ۱۳۸۶، ص. ۴۶). به فاصله کوتاهی از تشکیل مجلس، حمله عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شرایط خاصی را برای کشور فراهم کرد. این موضوع نه‌تنها شرایط سیاسی کشور، بلکه اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داد.

در نتیجه انتخابات اولین دوره از مجلس شورای اسلامی در مجموع ۲۳۴ نفر به مجلس راه یافتند که از آن میان، چهار نفر: اعظم طالقانی، گوهرالشریعه دستغیب، مریم بهروزی و عاطفه صدیقی از بانوان و از حوزه انتخابیه تهران بودند.

در انتخابات دوره دوم و سوم نیز چهار نفر از زنان: گوهرالشریعه دستغیب، مرضیه حدیدچی دباغ، مریم بهروزی و عاطفه صدیقی به مجلس راه پیدا کردند که همه آن‌ها از حوزه انتخابیه تهران بودند.

بر همین اساس، مقاله حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به پرسش

اصلی پژوهش پاسخ دهد که نمایندگان زن دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چه موضعی اتخاذ کردند. برای پاسخ به این سؤال، دوره اول، دوم و سوم مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی مورد مذاقه قرار گرفته تا الگوی مواضع نمایندگان در این اسناد استخراج شود.

### ۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی پیرامون زنان و عملکرد آن‌ها در مجلس کار شده است. از جمله آن‌ها مقاله منصوری تحت عنوان «بررسی واکاوی رویکرد فرهنگی نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» (۱۴۰۲) است که نویسنده تلاش دارد رویکرد فرهنگی نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را بررسی کند؛ و همچنین رساله «مواضع مجالس اول، دوم و سوم شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۸-۱۳۵۹)» (۱۴۰۲) که مواضع نمایندگان در سه دوره مجلس در آن مورد توجه قرار گرفته است. کیومرث یزدان پناه درو و ندا عسگری در مقاله «بررسی روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰» (۱۳۹۸) درصدد بررسی میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سه دوره متوالی ۸ تا ۱۰ هستند. ماشینی در مقاله «زنان و تجربه مشارکت سیاسی» (۱۳۸۶) در پی بررسی موضع زنان و مشارکت سیاسی آن‌هاست. الهه کولایی در مقاله «مجلس ششم و حقوق زنان» (۱۳۸۵) به فعالیت پارلمانی و عملکرد نمایندگان زن این دوره از مجلس پرداخته است. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «نقش و عملکرد زنان در مجلس شورای اسلامی دوره پنجم (۱۳۷۹-۱۳۷۵)» (۱۴۰۲) به قلم نعمتی است که نویسنده تلاش دارد پیامدهای فعالیت زنان در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی را در جامعه بررسی کند. با مطالعه آثار فوق می‌توان دریافت مسئله موردنظر این مقاله مورد پژوهش قرار نگرفته است.

### ۲. روش‌شناسی پژوهش

فیلیپ استون معتقد است تحلیل محتوا روشی است که به گونه عینی و بر اساس قواعد معین، مشخصات ویژه از یک پیام را آشکار می‌کند (Stone, 1966, p.5) روش‌های تحلیل محتوا

در دو دسته قابل طبقه‌بندی است: ۱. روش‌هایی مبتنی بر جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی؛ ۲. روش‌های مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی. روش تحلیل مضمون در شمار دسته دوم قرار می‌گیرد. در واقع روش تحلیل مضمون که در ذیل تحلیل محتوای کیفی قرار می‌گیرد، ابزار لازم برای تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های متنی فراهم می‌آورد و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های تفصیلی تبدیل می‌سازد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۶). به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی جهت دیدن متن، کسب درکی مناسب از اطلاعات متن که در ظاهر نامرتبط است و تحلیل اطلاعات و تبدیل داده‌های کیفی به کمی است (Boyatzis, 1998, p.4).

عنصر اصلی در این روش، تم یا مضمون است که بارزترین واحد در این روش محسوب می‌شود و در تجزیه و تحلیل محتوا باید بدان پرداخته شود. مضامین در واقع معانی خاصی هستند که از یک جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. یک جمله ممکن است حاوی چندین مضمون باشد و عکس آن این است که یک پاراگراف طولانی، می‌تواند تنها حاوی یک مضمون باشد (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، صص. ۱۳-۱۲).

متن مشروح مذاکرات سه دوره اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب مشروح مذاکرات به این دلیل بوده که داده‌های پژوهش مبتنی بر مواضع نمایندگان مجلس باشد تا بر واقعیت امر منطبق گردد. پس از مطالعه متن، متغیرهای مربوط به مواضع نمایندگان استخراج، تلخیص، طبقه‌بندی و مورد پردازش قرار گرفته است و این مراحل به ترتیب مورد توجه قرار گرفته است: تحلیل متن و کدگذاری، تبدیل مضامین پایه به سازنده، تبدیل مضامین سازنده به فراگیر، ترسیم شبکه مضامین و تبیین و توصیف مضامین.

### **تحلیل مضمون مواضع نمایندگان زن دوره اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی**

کدگذاری نمایندگان در جدول ذیل انجام شده است. برای هر نماینده به ترتیب یکی از حروف انگلیسی اختصاص داده شده که در قسمت ارجاع‌دهی به‌منظور جلوگیری از تطویل، به جای تکرار اسم هر نماینده، کد اختصاص داده شده به وی ذکر می‌شود.

جدول شماره ۱: مشخصات نمایندگان زنان دوره اول، دوم و سوم مجلس

نام و نام خانوادگی	حوزه انتخابیه	دوره مجلس	کد
اعظم طالقانی	تهران	اول	A
گوهرالشریعه دستغیب	تهران	اول تا سوم	B
مریم بهروزی	تهران	اول تا سوم	C
مرضیه حدیدچی دباغ	تهران	دوم و سوم	D
عاطفه صدیقی	تهران	اول تا سوم	E

### ۳. تحویل متن و کدگذاری

در مرحله تحویل متن، پس از جمع آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، مضامین پایه استخراج شده و نقل قول‌های مربوط به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در قالب کدهایی سازمان‌دهی می‌شوند. این نقل قول‌ها و عبارات مستخرج شده از مشروح مذاکرات، دارای مضامینی هستند که در روش تحلیل مضمون به آن‌ها مضامین پایه‌ای گفته می‌شود. به دلیل حجم بالای مطالب و استفاده از متن مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در بخش تحلیل کیفی، در جدول ذیل تنها به ذکر نمونه از تبدیل متن به مضامین پایه‌ای اکتفا شده است.

## جدول شماره ۲: تبدیل نقل و قول‌های نمایندگان به مضامین پایه‌ای

مضمون پایه‌ای	کدها	متن سند
وضع آوارگان در شهرها مساعد نیست. دولت باید به پیشنهادات نمایندگان مناطق جنگ‌زده در این زمینه توجه کند.	A جلسه ۷۸ ۱۳۵۹/۰۹/۱۶	گفتند به‌طور کلی وضع آوارگان در شهرها آن جور که باید و شاید رضایت‌بخش نیست امیدوارم مسئولین پیشنهاداتی را که ایشان دارند این پیشنهادات ایشان را بپذیرند.
با توجه به نقش اشتغال در اقتصاد و تولید داخلی، دولت برای حل مشکل بیکاری باید هر چه زودتر اقدام کند.	A جلسه ۱۴۳ ۱۳۶۰/۰۲/۲۰	تاکنون دولت هیچ‌گونه برنامه‌ای جهت حل مشکل بیکاری ارائه نموده است، در صورتی که این خیل عظیم بیکاران خود نقش اساسی در اقتصاد و تولید داخلی ما دارند و چنانچه این مشکل رفع نشود، وابستگی ما روزافزون خواهد بود.
ازجمله دلایل حمله عراق به ایران، ترس آنها از اسلام است.	C جلسه ۲۷۰ ۱۳۶۰/۱۱/۱۳	اسلام همان مسئله‌ای که دشمنان خارجی را به وحشت انداخت تا علیه انقلاب ما جنگ تحمیلی به راه بیندازند
همراهی و پیروی از اسلام مساوی با پیروزی رزمندگان است.	C جلسه ۴۷۶ ۱۳۶۳/۰۳/۱۹	فداکاری‌های رزمندگان ما در جبهه‌ها و استقامت مادران و کمک‌های پشت جبهه و قربانگاهانی که بدست صدام آمریکائی و بعثیان کافر فراهم آمده این مژده را به ما می‌دهد که تا زمانی که ما با اسلام هستیم پیروزیم و این وعده خداست که حزب‌الله پیروز و رستگارند.
جنگ عراق علیه ایران، در واقع جنگ آمریکا علیه ایران است.	C جلسه ۵۳۳ ۱۳۶۷/۰۲/۱۱	...ایران زنده است و در میان آتش و خونی که آمریکا و رژیم مزدور متجاوز و صهیونیستی عراق پدید آورده‌اند پیش می‌رود و انقلاب مقدس اسلامی را به جهان می‌رساند.

مضمون پایه‌ای	کدها	متن سند
حضور زنان متعهد در امور مربوط به جبهه و جنگ، ناشی از اسلام است.	E جلسه ۷۴ ۱۳۶۷/۱۱/۰۵	از موارد گویای دیگر حضور اسلام، حضور زنان متعهد و مسلمان در امور مربوط به جبهه و جنگ و شرکت فعال آنان در دفاع مقدس است از مصادیق دیگر این افزایش، حضور افزایش تعداد و به خصوص درصد دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر در سالهای پس از انقلاب است.
جنگ تحمیلی در واقع جنگ استکبار جهانی است.	B جلسه ۲۲۰ ۱۳۶۴/۱۰/۲۶	با درود فراوان به روان پاک شهیدان و گلگون کفنان پهنه نبرد تحمیلی... پروردگارا به ما توفیق عنایت فرما که به شیرزنان مسلمان ایران زمین که زینب کبری <sup>(ع)</sup> را الگویی خود قرار داده‌اند و فرزندان دل‌بند را روانه میدان جنگ حق علیه باطل کردند و لفظ ایثار را معنی بخشیدند و به قاموس جهانیان عرضه داشتند، عملاً ارج بنهیم و با حفظ وحدت و جلوگیری از هرگونه نفاق و شقاق خون عزیزانشان را پاس داریم.
الگوی مادران ایرانی در جنگ عراق علیه ایران، زینب کبری <sup>(س)</sup> است.		

#### ۴. تبدیل مضامین پایه به مضامین سازنده

در این مرحله، بررسی مضامین پایه انجام می‌گیرد، سپس با تقسیم‌بندی مطالب تلاش بر این است که مضمون‌های اصلی استخراج شوند. این مرحله به گونه‌ای بازبینی و تسویه مضامین اولیه است که خروجی آن فهرست مشخصی از مضامین مستخرج از اسناد است.

### جدول شماره ۳: تبدیل مضامین پایه به مضامین سازنده

ردیف	مضامین پایه	مضمون سازنده
۱	فرزندان شهدا و سرپرستی آن‌ها نیازمند ایجاد قانون و بررسی این موضوع است.	توجه به فرزندان شهدا
۲	شهادت عامل پیروزی مسلمانان و رزمندگان است.	نقش عامل شهادت در پیروزی ایران
۳	زنان عراقی باید با اتحاد و الهام از رهنمودهای امام، علیه صدام قیام کنند.	دعوت از زنان عراق و مسلمان برای قیام
۴	زنان جهان باید با الگو گرفتن از زنان ایران، علیه حکومت‌های ظلم به پا خیزند.	
۵	مجروحین جنگی نیازمند توجه و مراقبت بیشتری هستند.	لزوم توجه به مجروحین جنگی
۶	با وجود همراهی زنان با انقلاب و جنگ؛ اما دولت حقوق زنان را نادیده می‌گیرد.	انتقاد به عملکرد دولت نسبت به حقوق زنان
۷	از جمله دلایل حمله عراق به ایران، ترس آن‌ها از اسلام است.	نقش اسلام در پیروزی ایران
۸	همراهی و پیروی از اسلام مساوی با پیروزی رزمندگان است.	
۹	حضور زنان متعهد در امور مربوط به جبهه و جنگ، ناشی از اسلام است.	
۱۰	از دلایل پیروزی ایران در مقابل دشمن با وجود تجهیزات کمتر، اسلام و امداد الهی است.	
۱۱	راه ما ادامه راه امام حسین است.	الگوگیری از شهدای کربلا
۱۲	شهدای ایران در برابر عراق در واقع شهدای کربلا هستند.	

ردیف	مضامین پایه	مضمون سازنده
۱۳	رزمندگان، دلاوران میدان جنگ حق علیه باطل هستند.	دو گانه حق و باطل
۱۴	رزمندگان ایران لشکریان الله در برابر لشکریان شیطان هستند	
۱۵	جنگ ایران و عراق به تعبیری نبرد حق علیه باطل است.	
۱۶	زنان ما با الگوگیری از حضرت فاطمه <sup>(س)</sup> و حضرت زینب <sup>(س)</sup> ، پشت جبهه را همراهی می کنند.	الگوگیری زنان ایرانی از حضرت فاطمه <sup>(س)</sup> و زینب <sup>(س)</sup>
۱۷	زینب کبری <sup>(س)</sup> الگوی مادران ایرانی در جنگ عراق علیه ایران	
۱۸	الگوی زنان در راهی کردن فرزندانشان به جبهه، حضرت فاطمه <sup>(س)</sup> است.	
۱۹	باید از بند اقتصاد تک پایه ای رها شد و سطح تولید داخلی به خصوص در زمینه کشاورزی را افزایش داد.	لزوم رهایی از بند اقتصاد تک پایه ای
۲۰	عملکرد وزارت کشاورزی در زمینه کشاورزی و بانک کشاورزی مورد انتقاد است.	انتقاد به عملکرد وزارت کشاورزی
۲۱	اصل ۴۴ و اصل ۴۹ قانون اساسی باید هر چه زودتر تصویب شود.	لزوم تصویب اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی
۲۲	بهبود وضعیت اقتصادی نیازمند بسیج همگانی است.	نقش بسیج در حل مشکلات اقتصادی
۲۳	با توجه به نقش اشتغال در اقتصاد و تولید داخلی، دولت برای حل مشکل بیکاری باید هر چه زودتر اقدام کند.	لزوم حل مشکل بیکاری
۲۴	یکی از راه کارهای حل مشکل تورم، کوتاه کردن دست محترکین و واسطه هاست.	تورم، دلایل و راهکار مقابله آن
۲۵	یکی از دلایل تورم و گرانی، ناشی از چپا و گران اقتصادی، احتکار و تقلب و زد و بند است.	

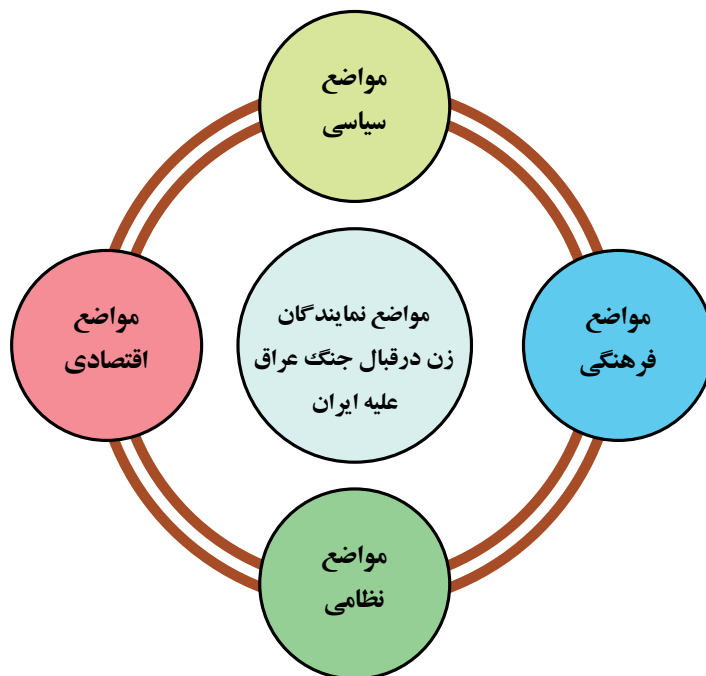
ردیف	مضامین پایه	مضمون سازنده
۲۶	علت اصلی مهاجرت روستاییان به شهرها، نبود امکانات و پایین بودن درآمد روستاییان است.	لزوم رسیدگی به موضوع مهاجرت
۲۷	برای جلوگیری از مهاجرت‌ها، دولت باید با فراهم آوردن امکانات برای تولید کنندگان، خط مشی روشنی برای کشاورزان ایجاد کند.	
۲۸	از جمله نتایج مهاجرت‌ها، تراکم جمعیت، کاهش امکانات شهری و به همان میزان کاهش تعداد تولید کنندگان و پایین آمدن سطح تولید و ایجاد موانع در پیشرفت طرح‌ها و برنامه‌های دولت است.	
۲۹	از راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از مهاجرت‌ها، انتقال کارخانجات صنعتی به شهرستان‌ها و اجرای طرح ده ساله وزارت مسکن است.	
۳۰	با افزایش مهاجرت‌ها، بنیاد مسکن برای حل مشکل مسکن اقدام نماید.	
۳۱	سروسامان دادن به وضعیت اقتصادی، مشروط به پایان دادن به مهاجرت‌هاست	
۳۲	جنگ و مسائل مربوط به آن باید در رأس امور قرار گیرد.	اولویت دادن به جنگ
۳۳	صدام، مهره و در خدمت قدرت‌های شرق و غرب است.	نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ
۳۴	جنگ تحمیلی در واقع جنگ استکبار جهانی است.	
۳۵	جنگ عراق علیه ایران، در واقع جنگ آمریکا علیه ایران است	
۳۶	نغمه‌های صلح‌طلبی کشورهای عربی و قدرت‌های بزرگ کذب محض است.	کذب بودن آوای صلح‌طلبی

ردیف	مضامین پایه	مضمون سازنده
۳۷	دولت‌های عرب در مقابل حمله عراق به ایران، به سکوت اکتفا کرده‌اند.	انتقاد به سکوت کشورهای عربی
۳۸	توافق محتوم به شکست آمریکا، شوروی و فرانسه علیه ایران	انتقاد به اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه ایران
۳۹	مسلمانان دنیا، علی‌الخصوص برادران عراقی باید برای جنگ علیه اسرائیل و دشمنان اسلام متحد شوند.	لزوم اتحاد مسلمانان علیه دشمنان اسلام
۴۰	سکوت در برابر کشتار زندان دلتو، نابخشودنی است.	انتقاد به سکوت در برابر کشتار زندان دلتو
۴۱	وضع نا مساعد آوارگان در شهرها. دولت باید به پیشنهادات نمایندگان مناطق جنگ‌زده در این زمینه توجه کند.	لزوم توجه به مهاجرین و جنگ‌زدگان
۴۲	بنیاد جنگ‌زده‌ها باید با اقدامات اساسی‌تر در زمینه رفاه جنگ‌زده‌ها اقدام کند.	
۴۳	دولت باید مانع از بیکاری مهاجران جنگی شود.	
۴۴	دولت باید در خصوص اعزام افراد به سربازی تبعض نداشته باشد و در این زمینه به طور جدی اقدام نماید.	اقدام جدی در زمینه سربازگیری

### ۵. شبکه مضامین

براساس یافته‌های مقاله که حاصل کدگذاری مواضع نمایندگان زن دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است، الگوی مضامین مواضع آن‌ها در برابر جنگ، چهار بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را در برمی‌گیرد

شکل شماره: ۱ الگوی شماتیک مواضع نمایندگان زن در قبال جنگ عراق علیه ایران  
(یافته‌های پژوهش)



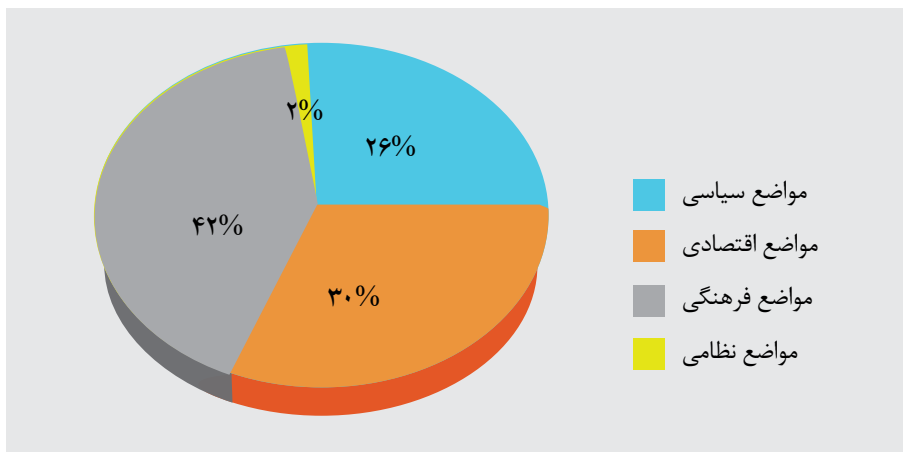
جدول شماره ۴: تعداد شناسه‌های مرتبط با مضامین سازنده

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	تعداد شناسه
۱	توجه به فرزندان شهدا	۱
۲	نقش عامل شهادت در پیروزی ایران	۱
۳	دعوت از زنان عراق و مسلمان برای قیام	۲
۴	لزوم توجه به مجروحین جنگی	۱
۵	انتقاد به عملکرد دولت نسبت به حقوق زنان	۱

ردیف	مضامین سازمان دهنده	تعداد شناسه
۶	نقش اسلام در پیروزی ایران	۴
۷	الگوگیری از شهدای کربلا	۲
۸	دوگانه حق و باطل	۳
۹	الگوگیری زنان ایرانی از حضرت فاطمه (س) و زینب (س)	۳
۱۰	لزوم رهایی از بند اقتصاد تک پایه‌ای	۱
۱۱	انتقاد به عملکرد وزارت کشاورزی	۱
۱۲	لزوم تصویب اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی	۱
۱۳	نقش بسیج همگان در حل مشکلات اقتصادی	۱
۱۴	لزوم حل مشکل بیکاری	۱
۱۶	تورم، دلایل و راهکار مقابله آن	۲
۱۷	لزوم رسیدگی به موضوع مهاجرت	۶
۱۸	اولویت دادن به جنگ	۱
۱۹	نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ	۳
۲۰	کذب بودن آوای صلح طلبی	۱
۲۱	انتقاد به سکوت کشورهای عربی	۱
۲۲	انتقاد به اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه ایران	۱
۲۳	لزوم اتحاد مسلمانان علیه دشمنان اسلام	۱
۲۴	انتقاد به سکوت در برابر کشتار زندان دلتو	۱
۲۵	لزوم توجه به مهاجرین و جنگ زده گان	۳
۲۶	اقدام جدی در زمینه سربازگیری	۱

درصد و فراوانی ابعاد چهارگانه مواضع نمایندگان زن در قبال جنگ عراق علیه ایران به صورت زیر است.

فراوانی ابعاد چهارگانه مواضع نمایندگان زن در قبال جنگ عراق علیه ایران



درصد و فراوانی ابعاد چهارگانه مواضع نمایندگان

فراوانی	تعداد شناسه	ابعاد چهارگانه	ردیف
۵۸/۲۵	۱۱	سیاسی	۱
۲۳/۳۰	۱۳	اقتصادی	۲
۸۶/۴۱	۱۸	فرهنگی	۳
۳۲/۲	۱	نظامی	۴
۱۰۰	۴۳	مجموع	۵

## ۶. کشف و توصیف مضامین ابعاد چهارگانه مواضع نمایندگان زن در قبال جنگ عراق علیه ایران

### ۶-۱. مواضع فرهنگی

#### توجه به فرزندان شهدا

رسیدگی به خانواده شهدا از مسائل موردتوجه نمایندگان بود. در سمینار سرپرستان بنیاد شهید در ۱۷ دی ۱۳۵۹ هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، اظهار داشت: بنیاد شهید تنها نهادی است که امام در سرپرستی آن شرکت دارد. این امر به دلیل اهمیتی است که امام برای خانواده شهدا، معلولین و مجروحین جنگ دارد. سپس از واحد فرهنگی بنیاد شهید خواست به منظور زنده نگه داشتن نام شهدا، آرشیوی کامل از زندگی شهدا و مجروحین تهیه کند (بشیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۰). هیأت رئیسه مجلس در ۲۴ بهمن ۱۳۶۰ جلسه‌ای به منظور رسیدگی به خانواده شهدا تشکیل داد. در این جلسه درباره کمک مالی به خانواده شهدا گفتگو شد (هاشمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۵). در باب توجه به خانواده شهدا و فرزندان آنها، امام خمینی در ۶ فروردین ۱۳۶۵ در حکمی به مهدی کروی، رئیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی، خواستار رسیدگی به امور فرهنگی فرزندان شهدا از کودکان تا دانشگاه شد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص. ۲۸).

گوهرالشریعه دستغیب نماینده تهران، موضوع فرزندان شهدا را موردتوجه قرار داد و با استناد به حدیثی از پیامبر (ص) که فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» اظهار داشت: بسیاری از شهدا، دارای فرزند هستند که این فرزندان پس از شهادت پدر متأسفانه دچار جدایی از مادر نیز می‌شوند. استفاده نامشروع از ولایت قهری، آفات زیادی را به دنبال آورده است. وی افزود امام خمینی به کروی دستوراتی در زمینه رفع اختلاف خانواده‌های شهدا داده‌اند؛ ولی باوجود این همچنان نارسایی و گرفتاری در این زمینه زیاد است. در پایان از نمایندگان خواست قانونی در این زمینه تهیه تا به بنیاد شهید داده شود تا در سایه آن، کودکان بتوانند از مهر مادری همچنان بهره‌مند باشند (B-۱۴۶-۱۳۶۰).

#### نقش عامل شهادت در پیروزی ایران

امام خمینی درباره شهادت می‌گوید: «ما بندگان خدا هستیم و در راه او، حرکت می‌کنیم و پیشروی می‌کنیم. اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت

است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص. ۴۰۴). علما با استفاده از اصل اجتهاد و خوانش جدید از آموزه‌هایی چون شهادت و جهاد، زمینه شکل‌گیری «فرهنگ شهادت‌طلبی» ایجاد کردند که نتیجه آن در ابتدا در جریان انقلاب اسلامی و سپس در جریان جنگ عراق علیه ایران مشاهده شد. فوکویاما، دین، تعهدات تاریخی و فرهنگی را از منابع سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. در همین رابطه همدلی، انسجام و همبستگی از کارکردهای دین معرفی شده است (نعمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷). رابطه بین ایثار و سرمایه اجتماعی یک رابطه دوسویه است. ایثار با نفعی منافع فردی و تعهد و عمل به سود منافع گروهی، آثاری در جامعه برجای می‌گذارد که از مظاهر سرمایه اجتماعی است (سریر افراز، ۱۳۹۰، صص. ۷-۸). مرضیه حدیدچی (دباغ) نماینده تهران در سخنانی که قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی داشت موضوع شهادت را برجسته ساخت و با خطاب قرار دادن آمریکا اعلام داشت: «اسلام عزیز مشکل ترس از مرگ با شهادت را آن‌هم به دست این جانان خیانت پیشه که با قانون تروریستی خودشان امنیت همه کشورها و مردم جهان را به خطر می‌اندازند حل نموده است» در ادامه افزود مسلمانان با انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی بیدار و زندگی ابدی را بر زندگی دنیوی ترجیح داده‌اند و بر این امر هم افتخار می‌کنند (D-۱۶۴-۱۳۶۸).

#### دعوت از زنان عراق و مسلمان برای قیام

اعظم طالقانی نماینده تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی خطاب به زنان عراق اظهار داشت از خواهران عراقی انتظار می‌رود با اتحاد و الهام از رهنمودهای امام خمینی یکپارچه به حرکت آیند، همان‌گونه که زنان ایران چنین کردند. وی افزود آن‌ها نباید اجازه دهند «اربابان او» صدام را برکنار کنند؛ زیرا در این صورت مجدد صدام دیگری را جایگزین او خواهند کرد. وی همچنین با خطاب قرار دادن زنان جهان و با استناد به آیه «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرْتُنِي بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» از آن‌ها خواست از حق و حقیقت دفاع کنند و با قیام به قصد تشکیل و وحدت در لوای پرچم «لا اله الا الله» و با شعار «الله اکبر» در جهت سرنگونی رژیم صدام اقدام کنند (A-۳۲۹-۱۳۶۱).

**لزوم توجه به مجروحین جنگی**

اعظم طالقانی رسیدگی به مجروحین جنگی را مورد توجه قرار داد و در این رابطه طی سؤالی از وزارت بهزیستی خواستار رسیدگی به مجروحین جنگی شد. وی افزود مجروحین جنگی در بیمارستان‌ها نیازمند به فیزیوتراپی و توان‌بخشی هستند و با توجه به اینکه سازمان بهزیستی این مهم را عهده‌دار شده است؛ اما در بیمارستان‌ها مجروحین توان‌بخشی مشاهده می‌شوند که هیچ‌گونه اقدامی برای آن‌ها صورت نگرفته است (A-۲۷۴-۱۳۶۰).

**انتقاد به عملکرد دولت نسبت به حقوق زنان**

مریم بهروزی نماینده دوره اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی با اشاره به مبارزات زنان در طول سال‌ها علیه حکومت پهلوی و حمایت آن‌ها از انقلاب اسلامی و پس از آن حضور آن‌ها در پشت جبهه جنگ عراق علیه ایران و همراهی با فرزندان و همسرانشان در اعزام به جبهه؛ دولت با وجود اینکه درباره شخصیت و حقوق زنان شعار زیادی می‌دهد؛ اما در عمل حقوق حقه زنان نیز «پایمال تمایلات نابجا و غیر اسلامی» شده است (C-۲۷۰-۱۳۶۰).

**نقش اسلام در پیروزی ایران**

مریم بهروزی اسلام و گسترش آن را موجب ترس قدرت‌های بزرگ دانست و افزود ملت ایران معتقد هستند که اسلام جهانگیر خواهد شد. مردم ایران این ادعا را در شرایطی دارند که از نظر تعداد و جغرافیا سرزمینی کوچک است و با دشمن خارجی در حال جنگ است؛ زیرا از نظر اعتقادی و سیاسی دارای فرهنگ اسلامی هستند و به وعده خداوند یقین دارد که فرمود: «آن‌کس که پیامبر را برای هدایت و دین حق فرستاد هدفش این بود که این دین جهانی شود گر چه مشرکین و کفار کراهت داشته باشند» (C-۲۷۰-۱۳۶۰).

وی افزود فداکاری رزمندگان در جبهه‌ها و استقامت مادران و کمک‌های پشت جبهه آن‌ها به ما نوید می‌دهد تا زمانی که ما با اسلام هستیم پیروز هستیم (C-۴۷۶-۱۳۶۳). عاطفه صدیقی نیز معتقد بود حضور زنان متعهد و مسلمان در امور مربوط به جبهه و جنگ و شرکت فعال آنان در دفاع مقدس و افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان دختر و پسر در سال‌های پس از انقلاب ناشی از اسلام است (E-۷۴-۱۳۶۷).

### الگو گیری از شهدای کربلا

خوانش جدیدی از آموزه‌های دینی، به‌خصوص واقعه شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> در سده‌های اخیر شکل گرفته است. سابق بر آن، این حادثه به ابزاری برای کسب شفاعت و ترویج گریه شده بود؛ اما نوآندیشان دینی، گفتمانی تازه از این حادثه را ترویج دادند. برخی صاحب‌نظران، امام خمینی را پیشتاز این نگرش معرفی می‌کنند (عنایت، ۱۳۸۹، صص. ۳۱۶-۳۱۵، ۳۲۳) و تلقی تکرار واقعه عاشورا در قالب رویداد انقلاب اسلامی می‌دانند (خرمشاد، ۱۳۸۳، صص. ۱۱۵-۱۱۲). بدین ترتیب، در فضای نمادین جامعه، دوگانه‌هایی چون یزید و امام حسین<sup>(ع)</sup>، نبرد حق و باطل، نبرد بین کفر و اسلام، ظالم و مظلوم شکل گرفت (سید امامی، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۴). گوهرالشریعه دستغیب، شهدای جنگ تحمیلی را شهدای کربلای ایران برشمرد (B-۱۴۶-۱۳۶۰). مریم بهروزی نیز راه رزمندگان را ادامه راه امام حسین<sup>(ع)</sup> دانست (C-۲۷۰-۱۳۶۰).

### دوگانه حق و باطل

محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر وقت، جنگ عراق علیه ایران را فارغ از جنگ یک کشور با کشور دیگر می‌دانست و آن را جنگ عقیده با عقیده تلقی می‌کرد (بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۲، صص. ۱۳-۱۲). بر همین اساس، او رزمندگان را در برابر نیروهای عراقی، لشکریان اسلام و هدف جنگ را نیز تحقق اسلام و آرمان‌های آن و انسان‌سازی می‌دانست (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص. ۲۱۲-۲۰۸). گوهرالشریعه دستغیب رزمندگان ایران را «لشکریان الله» در برابر «لشکر شیطان» توصیف می‌کرد (B-۱۴۶-۱۳۶۰). مریم بهروزی نیز تعبیر رزمندگان «جنگ حق علیه باطل» و «جنگ مقدس» را در این زمینه به کار برد (C-۳۶۳-۱۳۶۵؛ C-۳۰۸-۱۳۶۵).

### الگو گیری زنان ایرانی از حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و زینب<sup>(س)</sup>

گوهرالشریعه دستغیب اظهار داشت زنان ایران، حضرت زینب<sup>(س)</sup> را الگوی خود قرار دادند که فرزندان خود را روانه میدان جنگ حق علیه باطل کردند و لفظ ایثار را معنی بخشیدند (B-۲۲۰-۱۳۶۴). وی در سخنانی دیگر که در این زمینه داشت افزود که شجاعت و شهامت زنان ایران در اعزام فرزندان خود به میدان رزم و جبهه، «زینب گونه» است (B-۲۹۸-۱۳۶۱)؛

بنابراین زنان ایرانی به دنبال الگوی خود فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> و زینب کبری<sup>(س)</sup> حرکت کرده و می‌کنند. وی افزود مادران و همسران شهدا و زنان قهرمان پشت جبهه مخصوصاً زنان دزفول و اهواز و دیگر شهرها از این قبیل اند (B-۱۴۶-۱۳۶۰).

## ۲-۶. مواضع اقتصادی

### لزوم رهایی از بند اقتصاد تک‌پایه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، در سخنانی در ۱۰ آبان ۱۳۶۰ با اشاره به وابستگی ایران به صنعت نفت، آن را یکی از خصوصیات اقتصاد ایران و میراث گذشته خواند. وی این موضوع را نقطه ضعف اقتصاد ایران دانست که در همین راستا غرب همیشه در صدد نهایت استفاده از این موضوع بوده است؛ بنابراین برای رهایی از آن باید تدابیری اندیشیده شود (روزنامه اطلاعات، ۱۱/۰۸/۱۳۶۰، ص ۱۴). اعظم طالقانی نماینده تهران، لزوم رهایی از اقتصاد نفتی را گوشزد کرد و در این زمینه اظهار داشت اقتصاد تک‌پایه، یعنی صرفاً فروش نفت و افزایش آن. راهکار وی برای برون‌رفت از این وضعیت، افزایش سطح تولید داخلی بالأخص در زمینه کشاورزی بود و افزود در ایران زمین‌های مستعدی داریم که برای کشت از آن‌ها استفاده نمی‌شود و بایر مانده است و باید مورد استفاده قرار گیرند (A-۱۴۳-۱۳۶۰).

### انتقاد به عملکرد وزارت کشاورزی

عملکرد وزارت کشاورزی از سوی نمایندگان مورد انتقاد قرار گرفت و در همین رابطه اعظم طالقانی در سؤالی از وزیر کشاورزی، عملکرد وزارت کشاورزی را مورد انتقاد قرار داد و انتقادات خود را چنین برشمرد: ۱. منصوب نمودن افراد نامناسب و غیرمتعهد بر مصادر امور بانک کشاورزی؛ ۲. عملکرد بانک کشاورزی و از وزیر کشاورزی خواستار رسیدگی شد (A-۳۱۲-۱۳۶۱).

### لزوم تصویب اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی

اصل ۴۴ قانون اساسی (قانون ملی کردن اصل تجارت خارجی) از درخواست‌های نمایندگان بود. در همین رابطه در سال ۱۳۵۹، ۲۰ نفر از نمایندگان در همین زمینه طرحی را تهیه و

به تصویب نمایندگان رساندند (مدنی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص. ۱۸۸). دولت رجایی لایحه دولتی کردن تجارت خارجی را به مجلس ارائه و در اردیبهشت ۱۳۶۱ به تصویب رساند؛ اما از سوی شورای نگهبان رد شد. در سال ۱۳۶۳ این لایحه این بار با انجام تغییراتی در مواد آن به تصویب نمایندگان رسید و به شورای نگهبان ارسال شد که دوباره به تصویب نرسید.

اصل ۴۹ قانونی اساسی نیز از جمله مطالبات نمایندگان مجلس بود. در همین رابطه هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه مطبوعاتی، ضمن اشاره به ضرورت اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی افزود: قانون آن به صورتی تنظیم خواهد شد که اعتماد مردم جلب شود که ثروت‌های نامشروع افراد از آن‌ها گرفته شود و اگر کسی درآمد مشروعی داشته باشد برای خودش است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۱۱/۳، ص ۳). اعظم طالقانی در سخنانی که قبل از دستور داشت، از دولت خواست اصل ۴۴ قانون اساسی و اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا شود و افزود: این اصول می‌بایست بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی اجرا می‌شد (A-۱۴۳-۱۳۶۰).

#### نقش بسیج همگان در حل مشکلات اقتصادی

مریم بهروزی، حل مشکلات اقتصادی را به‌مانند مشکلات سیاسی نیازمند بسیج همگانی مردم دانست و معتقد بود در بُعد اقتصادی باید حرکتی شایسته و انقلابی انجام بگیرد و برای سروسامان دادن به وضعیت بازرگانی و اقتصادی کشور همه بسیج شوند (C-۴۷۶-۱۳۶۳).

#### لزوم حل مشکل بیکاری

از مشکلات اقتصادی در تمام دوره جنگ، بیکاری بود که برای آن دلایل متعدد ذکر شده است: جنگ، کاهش بودجه عمرانی، کاهش سرمایه‌گذاری، تخریب و تهدید مراکز صنعتی و کشاورزی، تعطیلی کارخانه‌ها در ابتدای جنگ و افزایش جمعیت از دو دهه قبل از شروع جنگ (رئوفی و دژپسند، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۹-۱۱۸). بر همین اساس، رفع بیکاری و اشتغال‌زایی از مسائل مورد توجه نمایندگان بود. اعظم طالقانی عملکرد دولت در زمینه اشتغال‌زایی را مورد انتقاد قرار داد و اعلام داشت با توجه به نقشی که بیکاری در اقتصاد و تولید داخلی دارد؛ اما تاکنون دولت هیچ‌گونه برنامه‌ای جهت حل مشکل بیکاری ارائه نکرده است و چنانچه این موضوع حل نشود، وابستگی ما روزافزون خواهد بود (A-۱۴۳-۱۳۶۰).

**تورم، دلایل و راهکار مقابله آن**

از مهم‌ترین مسائل مبتلابه اقتصادی در جوامع درگیر جنگ، تورم است. از دلایل ایجاد تورم می‌توان به کاهش عرضه و افزایش تقاضا (توانایان فرد، ۱۳۵۹، ص. ۱۳) جو روانی حاصل از جنگ و تأمین هزینه‌های دولت اشاره کرد. از نتایج تورم، توزیع ناعادلانه کالا است که توزیع ناعادلانه کالا نیز منجر به شکل‌گیری اغتشاشات، کاهش رفاه اجتماعی و رونق بازار سیاه می‌شود. از این رو، این امر رسیدگی و توجه به تورم را شدت می‌بخشد (رئوفی و دژپسند، ۱۳۸۷، ص. ۲۵). در همین رابطه، اعظم طالقانی راه‌حل مشکل تورم را کوتاه کردن دست محترکان و واسطه‌ها دانست. وی معتقد بود در کشور کالا وجود دارد؛ ولی در دست عدّه خاصی قرار داد. از این رو، از دولت خواستار برخورد با آن‌ها شد (A-۱۴۳-۱۳۶۰). مریم بهروزی نیز تورم را ناشی از چپاولگری سودجویان، تروریسم‌های اقتصادی، بازار سیاه، احتکار، تقلب و زد و بند دانست (C-۴۷۶-۱۳۶۳).

**لزوم رسیدگی به موضوع مهاجرت**

از مهم‌ترین مسائلی که اقتصاد ایران و شهرهای مرزی در دوران جنگ با آن مواجه بودند، پدیده مهاجرت بود. استان‌های غربی و جنوب غربی اغلب مهاجر فرست بودند و شهرهایی چون تهران، فارس، هرمزگان و بوشهر مهاجرپذیر بودند (رئوفی و دژپسند، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۷؛ زنجانی، ۱۳۸۰، صص. ۱۰۲-۱۰۳). سیل عظیم مهاجرت‌ها مشکلات عدیده‌ای را برای شهرهای مهاجرفرست و شهرهای مهاجرپذیر پدید می‌آورد که لزوم رسیدگی به این موضوع را دوچندان می‌ساخت. در همین راستا، اعظم طالقانی در سخنانی قبل از دستور، علت اصلی مهاجرت روستائینان را فقدان امکانات اعم از آب و بهداشت دانست و افزود سطح درآمد مردم در روستا نیز پایین است که باید در این زمینه چاره‌جویی شود (A-۶۰۸-۱۳۶۳).

با توجه به افزایش مهاجرت‌ها به تهران در زمان جنگ و به وجود آوردن مشکلاتی در زمینه تهیه مسکن و زمین، اعظم طالقانی در سخنانی با مسئولین خواستار حل بنیادین آن به صورت ارائه طرح و لایحه در این زمینه به مجلس شد. همچنین متذکر شد که در آن عدالت اسلامی مورد توجه قرار گیرد (A-۱۴۳-۱۳۶۰).

مریم بهروزی نیز راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از مهاجرت‌ها را چنین برشمرد: تلاش

دولت برای فراهم آوردن امکانات هر چه بیشتر برای تولیدکنندگان، اتخاذ خط‌مشی روشنی جهت کشاورزی، انتقال کارخانه‌های صنعتی و وزارتخانه‌ها به شهرستان‌ها و اجرای طرح ده‌ساله وزارت مسکن در ابعاد گوناگون. بهروزی تأکید داشت تحقق این امور مستلزم هماهنگی کردن چند وزارتخانه به وسیله دولت و دخالت قوه قضائیه است.

وی در ادامه نتایج بی‌رویه مهاجرت را نیز چنین مورد توجه قرار داد: تراکم بیش‌ازحد جمعیت، پایین آمدن امکانات و خدمات شهری، افزایش تعداد مصرف‌کنندگان در نتیجه بالا رفتن مصرف و به همان میزان کاهش تولیدکنندگان و پایین آمدن سطح تولید، ایجاد موانع در پیشرفت طرح‌ها و برنامه‌های دولت. مریم بهروزی تأکید داشت تا زمانی جلو مهاجرت‌ها گرفته نشود هیچ لایحه و طرحی ما را از این وضع ناهنجار اقتصادی نجات نمی‌دهد (C-۴۷۶-۱۳۶۳).

### ۳-۶. مواضع سیاسی

#### اولویت دادن به جنگ

مریم بهروزی با توجه به اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه ایران و جنایات آن‌ها در گوشه و کنار کشور، از دولت خواستار اولویت بخشیدن به جنگ شد و با استناد به سخنان امام خمینی اظهار داشت باید جنگ و مصالح کشور در رأس امور قرار گیرد (C-۳۰۸-۱۳۶۵).

#### نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ

در اوایل جنگ، هاشمی رفسنجانی، چنین اظهار داشت: «حرکات عراق بخشی از توطئه آمریکاست» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۷/۱، ص ۲). محمد درودیان در تبیین و بررسی علل جنگ تحمیلی، منافع و عملکرد قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا را مؤثر می‌داند: «انقلاب اسلامی منافع قدرت‌های بزرگ را به خطر انداخت و دولت‌های منطقه در معرض تهدید قرار گرفتند. اوضاع داخلی ایران فرصت مناسبی را در اختیار عراق گذاشت تا به‌عنوان ابزار و عامل سیاست‌های آمریکا به جمهوری اسلامی ایران تجاوز کند» (درودیان، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۴) نمایندگان زن معتقد بودند که جنگ عراق علیه ایران را قدرت‌های بزرگ هدایت می‌کنند. در همین رابطه گوهرالشریعه دستغیب، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را «نبرد

تحمیلی استکبار جهانی» نامید (B-۲۲۰-۱۳۶۴). اعظم طالقانی نیز برای عراق تعبیر «نوکر غرب و شرق» به کار برد (A-۳۰۴-۱۳۶۱). مریم بهروزی جنگ صدام علیه ایران را جنگ آمریکا علیه ایران دانست که عراق آن را انجام داد (C-۵۳۳-۱۳۶۷).

### کذب بودن آوای صلح طلبی

به دنبال پیروزی‌های ایران در جبهه‌های نبرد، پیشنهادهای صلح از سوی سازمان‌های بین‌المللی با وساطت سایر قدرت‌ها مطرح می‌شد. اعظم طالقانی اقدامات آن‌ها را «خدعه» و «تظاهر» خواند و افزود تجلیل کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از کمک‌های قدرت‌های بزرگ به عراق حاکی از این موضوع است که اعلام صلح‌خواهی آن‌ها کذب است. از طرفی، در اختیار گذاشتن بمب‌های شیمیایی با توجه به اینکه از بعد از جنگ دوم جهانی استفاده از این بمب‌ها ممنوع شده بود، خود دلیل دیگر بر کذب بودن ادعای آن‌هاست. از طرفی این قدرت‌ها تاکنون متوجه شده‌اند که حمایت آن‌ها از صدام نه تنها منافع آن‌ها را حفظ نکرده است، بلکه نتیجه عکس نیز داده است؛ به همین دلیل، به تدریج دست از حمایت وی برداشته‌اند (A-۶۰۵-۱۳۶۳).

### انتقاد به سکوت کشورهای عربی

سکوت کشورهای اسلامی در قبال جنگ، واکنش مسئولان از جمله امام خمینی را برانگیخت. در همین رابطه ایشان می‌گوید: «دولت‌های منطقه از کمک به او دست بردارند که صلاح دین و دنیای آنان است و در صورتی که مهلت پیدا کند، بر هیچ‌یک از دولت‌های خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، صص. ۸۶-۹۸). موضع انفعال و سکوت و در مواردی حمایت کشورهای عربی از عراق واکنش نمایندگان را به دنبال داشت. اعظم طالقانی در همین رابطه چنین گفت: «دولت‌های عرب به جای حضور در جبهه نبرد و شرکت در جنگ علیه اسرائیل و امپریالیسم امریکا فقط به دادن اطلاعات و اکثراً به سکوت اکتفا می‌کنند و تمام هم‌وغم خود را برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران به کار می‌برند» (A-۳۲۹-۱۳۶۱).

### انتقاد به اتحاد قدرت‌های بزرگ علیه ایران

به دنبال انعقاد قرارداد بين آمريكا، شوروى و فرانسه عليه ايران، نمايندگان مجلس واكنش نشان دادند. مريم بهروزي آن‌ها را «مثلث شوم» خواند كه عليه ايران درصدد اقدام هستند (C-476-1363).

#### لزوم اتحاد مسلمانان عليه دشمنان اسلام

مريم بهروزي خواستار اتحاد مسلمانان دنيا عليه قدرت‌هاى بزرگ شدند و خطاب به مسلمانان بالأخص برادران مسلمان عراقى، سربازان و افسران و درجه‌داران گفت: «شمشيرهايتان را براى نابودى كفر و شرک و شياطين ضد بشر و دشمنان اسلام به كار ببريد اسلحه‌هايتان را به طرف اسراييل بگيريد. مسلمين را نجات دهيد». وى خواستار اتحاد آن‌ها با مردم ايران شد و افزود: «جهت گيرى صحيح داشته باشيد كه صدق القنات موجب فنا و محكوم به نابودى است» (C-363-1365).

#### انتقاد به سكوت در برابر كشتار زندان دلتو

در ارديبهشت ۱۳۶۰، نيروهاى عراقى و دموكرات‌هاى ضدانقلابى زندان دولتورا در سردشت بمباران كردند كه طى آن نزديك به يك‌صد نفر از نيروهاى انقلابى كه در آنجا به صورت اسير نگهدارى مى‌شدند شهيد شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۰۲/۲۴، ص ۲). به دنبال كشتار زندان دلتو عراق، نمايندگان مجلس واكنش نشان دادند. گوهرالشريعه دستغيب آن را «يكي از قساوت‌بارترين اعمال ضد بشرى» دانست كه «روى همه جنائيتكاران تاريخ را سفيد كرده است». وى در ادامه با انتقاد از سكوت ايران در برابر اين اقدام، خواستار واكنش دولت ايران در اين زمينه شد و اظهار تأسف كرد كه ابراز تأسف دستگاه‌هاى اجرائى در اين زمينه با هم هماهنگى نداشته است. در پايان از همه دستگاه‌هاى اجرائى خواست كه در اين زمينه چاره‌جويى كنند تا از تكرر وضع مشابه جلوگيرى شود (B-146-1360).

#### لزوم توجه به مهاجرين و جنگ‌زدگان

آوارگى و بي‌خانمان شدن تعداد زيادى از مردم از مهم‌ترين تبعات جنگ بود. به تبع، آوارگان نيازمند توجه و تدابيرى به منظور اسكان بودند. درهمين راستا، اولين اقدام دولت رجايى، تشكيل ستادى بدین منظور در دفتر نخست‌وزيرى و سپس دستور به تمامى استنادداران

به منظور بسیج امکانات خود برای اسکان آوارگان بود (بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۳۳۳). اقدام دیگر، تأسیس «بنیاد امور جنگ‌زدگان» بود. این بنیاد در ابتدا به دنبال دستور تلویحی رجایی در ۱۵ آذر ۱۳۵۹ فعالیت‌هایی تحت عنوان «ستادهای همیاری مردم با جنگ‌زدگان» انجام داد (بنیاد امور جنگ‌زدگان، ۱۳۶۰، صص. ۲-۱). تا اینکه طرحی در مجلس در زمینه تأسیس رسمی بنیاد امور جنگ‌زدگان تهیه و مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت در جلسه ۱۴۳ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ به تصویب نمایندگان رسید.

وضع آوارگان جنگی موجب انتقاد نمایندگان شد. اعظم طالقانی با انتقاد به وضعیت آوارگان در شهرهای مختلف، خواستار شنیدن پیشنهادها و نمایندگان مناطق جنگ‌زده در این زمینه شد (A-۷۸-۱۳۵۹). وی در ادامه به بازبینی که در این زمینه از شهر اهواز از جنگ‌زدگان و آوارگان داشتند پرداخت و افزود آن‌ها در شرایط بسیاری بدی هستند و متأسفانه بین آنچه دیده شد با آن خبرنامه‌هایی که بنیاد جنگ‌زده‌ها در این زمینه ارسال می‌کنند تناقض وجود دارد. در پایان اظهار امیدواری کرد که بنیاد جنگ‌زده‌ها، اقدامات اساسی تری برای بهبود شرایط جنگ‌زده‌ها و آوارگان اتخاذ کند (A-۲۳۲-۱۳۶۰). طالقانی موضوع رسیدگی به آوارگان جنگی را در جلسات بعدی مجلس ادامه داد. در همین رابطه از دولت خواست که مانع بیکاری مهاجرین جنگی شود و اسباب اشتغال آن‌ها را فراهم سازد (A-۴۵۴-۱۳۶۲).

#### ۴-۶. مواضع نظامی

##### اقدام جدی در زمینه سربازگیری

با توجه به شرایط جنگی حاکم بر کشور و نیاز به نیرو، اعظم طالقانی از دولت خواست که با کسانی که فرزندان‌شان را از طریق سوءاستفاده از موقعیت خود یا هر چیز دیگر از فرستادن به خدمت سربازی منع می‌کنند برخورد قاطع شود و با تبعیض مبارزه کنند (A-۴۵۴-۱۳۶۲)

## نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نهادهای سیاسی از جمله مجلس به‌عنوان یک ضرورت در اولویت قرار گرفت و انتخابات مجلس اول شورای اسلامی به‌عنوان پنجمین انتخابات کشور در اسفند ۱۳۵۸ برگزار شد. با فاصله کوتاهی از تشکیل مجلس، کشور با شرایط خاصی مواجه شد و جنگ با حمایت قدرت‌های بزرگ بر ایران تحمیل شد. در این شرایط نمایندگان مجلس به‌عنوان منتخبین مردم، واسطه مردم و دولت و از مهم‌ترین کارگزاران مهم نظام جمهوری اسلامی به اعلام موضع در قبال جنگ پرداختند. از میان نمایندگان سه دوره مجلس اول، دوم و سوم شورای اسلامی، در هر دوره چهار نماینده زن به مجلس راه یافتند که بررسی مواضع آن‌ها مهم‌ترین هدف این پژوهش است. با بررسی‌های صورت گرفته می‌توان مواضع نمایندگان زن در این سه مجلس را در چهار محور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ردیابی کرد؛ که از میان این چهار محور نیز طبق بررسی‌های صورت گرفته در زمینه فرهنگی نمایندگان زن بیشتر واکنش و در زمینه نظامی نیز کمترین موضع نشان دادند. این موضوع تا حدودی به ویژگی‌های خاص زنان از لحاظ روحی می‌تواند برگردد. در میان نمایندگان زن، اعظم طالقانی نسبت به دیگر نمایندگان بیشترین واکنش را در قبال جنگ تحمیلی داشت.

## منابع

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دفتر تحقیقات اجتماعی وزارت ارشاداسلامی (۱۳۶۱). *بررسی مستندی از مواضع گروه‌ها در قبال انقلاب اسلامی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بشیری، عباس (۱۳۹۶). *کارنامه و خاطرات جنگ تحمیلی و دفاع مقدس (روزهای پایداری)*. تهران: دفتر نشر معارف.
- بنیاد امور جنگ‌زدگان (۱۳۶۰). *خلاصه عملکرد بنیاد امور جنگ‌زدگان از بدو تأسیس تاکنون*. تهران: بنیاد امور جنگ‌زدگان.

- بنیاد شهید انقلاب اسلامی (۱۳۶۲). شهید رجایی اسوه صبر و استقامت. به کوشش هیأت تحریریه واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

- توانایان فرد، حسن (۱۳۵۹). اقتصاد جنگ. بی جا: نشر قسط.

- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۳)، ۸۶-۱۲۳.

[dor: 20.1001.1.17351901.1383.5.3.5.6](https://doi.org/10.1001.1.17351901.1383.5.3.5.6)

- خوش‌زاد، اکبر (۱۳۸۶). مجلس شورای اسلامی، دوره اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- درودیان، محمد (۱۳۸۲). اجتناب‌ناپذیری جنگ. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

- روزنامه اطلاعات (۱۳۵۹/۰۷/۱). شماره ۱۶۲۴۵.

- روزنامه اطلاعات (۱۳۶۰/۰۲/۲۴). شماره ۱۶۴۲۸.

- روزنامه اطلاعات (۱۳۶۰/۰۸/۱۱). شماره ۱۶۵۶۶.

- روزنامه اطلاعات (۱۳۶۰/۱۱/۳). شماره ۱۶۵۵۹.

- روزنامه کیهان (۱۳۵۸/۱۱/۱۸). شماره ۱۰۹۲۴.

- رئوفی، حمیدرضا و دژپسند، فرهاد (۱۳۸۷). اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی. تهران:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: انتشارات سمت.

- سریرافراز، محمد (۱۳۹۰). واکاوی تعاملات ایثار و رشد اقتصادی با رهیافت سرمایه

اجتماعی. همایش ملی ایثار و شهادت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی ایران، تحول در ارزش‌های سیاسی و کارآمدی

مفهوم فرهنگ سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. مندرج در گفتارهایی درباره انقلاب

اسلامی ایران، به کوشش جلال درخشه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- شیخ‌زاده. محمد. بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹). تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها.

تهران: انتشارات امیرکبیر.

- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

[doi: 10.30497/SMT.2011.163](https://doi.org/10.30497/SMT.2011.163)

- عنایت، حمید (۱۳۸۹). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم.

- کولایی، الهه (۱۳۸۵). *مجلس ششم و حقوق زنان*. آیین دی، ۵، ۸۶-۸۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/249971/>

- مذاکرات دوره اول مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۰۴/۳۱، جلسه ۲۱.

- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۶۲). *فرزند ملت در آینه انقلاب اسلامی*. به کوشش مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.

- ماشینی، فریده (۱۳۸۶). *زنان و تجربه مشارکت سیاسی*. آیین شهرپور، ۸، ۶۶-۷۱.

<https://ensani.ir/fa/article/238019>

- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*. تهران: انتشارات سروش.

- مشروح مذاکرات دوره اول تا سوم مجلس شورای اسلامی.

- منصوری، توران، هراتی، محمدجواد و بصیرت منش، حمید (۱۴۰۲). بررسی واکاوی رویکرد فرهنگی نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. *فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*، ۶ (۱۹)، ۱۹-۴۵.

[doi: 10.22059/jcrr.2024.96404](https://doi.org/10.22059/jcrr.2024.96404)

- منصوری، توران. (۱۴۰۲) *مواضع مجالس اول، دوم و سوم شورای اسلامی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۸-۱۳۵۹ ش)*. رساله دکترا، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

- نعمت‌اللهی، زهرا، حمزه فرج‌اللهی، امیر، میرجلیلی، محمدحسین و مؤمنی‌فرد، حسین (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی)*.

*فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۳ (۵۰)، ۱۷۵-۲۰۲.

[https://jmm.iranjournals.ir/article\\_3328.html](https://jmm.iranjournals.ir/article_3328.html)

- نعمتی، نورالدین (۱۴۰۲). نقش و عملکرد زنان در مجلس شورای اسلامی دوره پنجم (۱۳۷۹-۱۳۷۵ ش). تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، ۱۲ (۱)، ۲۸۹-۳۱۲.

[doi:10.30465/sehs.2023.45314.1910](https://doi.org/10.30465/sehs.2023.45314.1910)

- هاشمی، یاسر (۱۳۷۸). عبور از بحران: کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰. تهران: همشهری، دفتر نشر معارف.

- یزدان‌پناه درو، کیومرث و عسگری، ندا (۱۳۹۸). بررسی روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰). مجله زن در فرهنگ و هنر، ۱۱ (۲)، ۲۸۷-۳۰۷.

[doi:10.22059/jwica.2019.281225.1279](https://doi.org/10.22059/jwica.2019.281225.1279)

- Boyatzis, R. E. (1998). *Transorming qualitative information: thematic analysis and code development*. Sage Publications, Inc.

- Stone, P. J. (1966). The General Inquirer: A Computer Approach to Content Analysis. *merican Sociological Review* 4(4).doi:10.23071161774/

# **Political Thought in Islam**

Vol. 11 | No. 39 | 2024 |

## **Table of contents**

- |     |  |
|-----|--|
| 1   | <b>The Authenticity of Peace in the Social and Political Conduct of Imam Ali (AS)</b><br>Ali Imani   |
| 31  | <b>The Explanation of the Development of the Idea of Governance Institutions in the History of Political Thought in Iran</b><br>Gholamreza Bedarvandianni                            |
| 57  | <b>Women and the Ability to Participate in Society According to the Constitution</b><br>Mehrnoush Khadami  |
| 83  | <b>The Intellectual and Historical Background of Imam Khomeini's Theory of Islamic Civilization Revival and the Leader of the Revolution</b><br>Mohammad Ali Sadr Shirazi            |
| 113 | <b>A Critical Perspective on the Reasons for the Break in Women's Identity Between the Islamic Revolution &amp; the Contemporary Period</b><br>Mohammad Mahmoodi Kiya                |
| 141 | <b>The Positions of Female Representatives in the First to Third Terms of the Islamic Consultative Assembly Regarding the Iraq-Iran War</b><br>Touran Mansouri, Hamid Basirat-Manesh |

# Political Thought in Islam

Vol. 11 | No. 39 | 2024 |



Imam Khomeini and Islamic  
Revolution Research Institute

Printed ISSN: 2538-3183 Online ISSN: 2538-3191

**Executive Manager:** Ensiyeh Moradi  
**Technical Editor:** Azam Soleimani  
**Layout and Cover Designer:** Zahra Shirkhazade

**Publisher:** Imam Khomeini & Islamic Revolution Research Institute,  
**Director-in-Charge:** Dr. Mansour Ansari  
**Editor-in-Chief:** Dr. Seyed Sadr -al-Din Moosavi

## Editorial Board Members:

- Dr. Seyyed Sadeq Haghghat;** Professor, Department of Political Thought in Islam, Imam Khomeini & Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.
- Dr. Mirfardin Ghoreyshi;** Professor, Department of International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran.
- Dr. Abdolrahman Alam;** Professor, Department of Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
- Dr. Abdolamir Nabavi;** Associate Professor, Department of Comparative Studies, Institute for Cultural & Social Studies, Tehran, Iran.
- Dr. Farhad Darvishi;** Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
- Dr. Mohammad Reza Taleban;** Associate Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini & Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.
- Dr. Seyed Sadr al-Din Mousavi;** Associate Professor, Department of Political Thought in Islam, Imam Khomeini & Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.
- Dr. Yahya Fouzi;** Professor, Institute of Humanities & Cultural Studies, Tehran, Iran.
- Dr. Mansour Ansari;** Assistant Professor, Department of Political Thought in Islam, Imam Khomeini & Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.
- Dr. Giti Pourzaki;** Assistant Professor, Department of Political Thought in Islam, Imam Khomeini & Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

**Address:** Tehran, Persian Gulf Freeway, next to Tehran-Qom toll booth, Imam Khomeini's Holy Shrine, Imam Khomeini (RA) and Islamic Revolution Research Institute, Quarterly Journal of Political Thought in Islam.

**Lithography, printing, binding:** Oruj Printing and Publishing Establishment (Tehran, Enghelab St., opposite Tehran University, No. 1296, Tel: 66404873)

**Postal Code:** 1815163111 - P.O. Box: 13418155/- Fax: 55235661 - Phone: 51085000

**Website:** andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir

**Email:** andishehsiyasi@gmail.com

This quarterly journal is also available through the following websites:

Jihad Daneshgahi Scientific Information Database

National Publications Database

Comprehensive Humanities Portal

Iranian Research Information System

Civilika

Noor Specialized Journals Database



Research Institute of  
Imam Khomeini and Islamic Revolution

# Political Thought in Islam

| Vol. 11 | No. 39 | 2024 |

Printed ISSN: 2538-3183

Online ISSN: 2538- 3191

The Originality of Peace in Imam Ali's Social and Political Behavior  
and Practical Method

■ **Ali Imani**

Explaining the process of progress of the Idea of the Institution of  
Governance in the History of Political Thought in Iran

■ **Gholamreza Behdarvand Yani**

Women and the Ability to Participate in Society According  
to the Constitution

■ **Mehrnoush Khademi**

The Intellectual and Historical Background of Imam Khomeini,s Theory  
of Islamic Civilization Revival and the Leader of the Revolution

■ **mohammad Ali Sadr Shirazi**

A Critical Perspective on the Reasons for the Break in Women's Identity  
Between the Islamic Revolution and the Contemporary Period

■ **Mohammad Mahmoudikia**

The Positions of Female Representatives in the First to Third Terms of  
the Islamic Consultative Assembly Regarding the Iraq-Iran War

■ **Touran Mansouri; Hamid Basiratmanesh**

Political Thought in Islam